

پژوهشی در

# تاریخ معاصر ایران

برخورد شرق و غرب در ایران

۱۹۵۰-۱۹۰۰

تألیف

دکتر مریم میراحمد

1

***A Survey***  
***in Contemporary history***  
***of Iran***

**The Conflict of East and West in Iran**  
**1900 - 1950**

*Author:*

**Dr. Maryam Mir Ahmadi**

پیشانی در تاریخ صرازان

پیشانی آثار آستان قدس رضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسکن شد

# پژوهشی در تاریخ معاصر ایران

اسکن شد

برخورد شرق و غرب در ایران  
(۱۹۰۰-۱۹۵۰)

تألیف :

دکتر مریم میراحمدی



نشر چاپ انتشارات آستان قدس رضوی

۴۸

### مشخصات

|                 |                                                                   |
|-----------------|-------------------------------------------------------------------|
| نام کتاب:       | پژوهشی در تاریخ معاصر ایران                                       |
| مؤلف:           | دکتر مریم میر احمدی                                               |
| ناشر:           | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشهد، صندوق پستی ۹۱۳۷۵-۱۵۵۷ |
| تیراژ:          | ۳۰۰۰ نسخه                                                         |
| تاریخ انتشار:   | ( چاپ دوم ) ۱۳۶۸                                                  |
| امور فنی و چاپ: | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی                               |

حق چاپ محفوظ است

## فهرست مطالب

|    |                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۵  | پیشگفتار                                                  |
| ۹  | مقدمه - ایران و بیگانگان در آغاز قرن بیستم میلادی         |
| ۱۵ | ۱ - اسارت سیاسی و ورشکستگی اقتصادی ایران                  |
| ۲۰ | ۲ - اوضاع اجتماعی ایران                                   |
| ۲۷ | فصل اول - نقش انگلیس در ایران                             |
| ۲۷ | ۱ - تماس با ایرانیان                                      |
| ۳۶ | ۲ - نفوذ اقتصادی انگلیس در ایران                          |
| ۳۹ | ۳ - سیاست انگلیس در ایران                                 |
| ۴۳ | فصل دوم - روسیه در صحنه سیاسی ایران                       |
| ۴۳ | ۱ - آغاز روابط و تماس با ایرانیان                         |
| ۵۱ | ۲ - سیاست اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در ایران             |
| ۵۴ | ۳ - تجاوز نیروهای شوروی به ایران                          |
| ۵۶ | ۴ - مسئله نفت در سال ۱۳۲۳ شمسی / ۱۹۴۴ میلادی              |
| ۵۹ | ۵ - تخلیه ایران و تشکیل جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان |
| ۶۵ | فصل سوم - نفوذ اقتصادی - سیاسی آلمان در ایران             |
| ۶۵ | ۱ - آغاز روابط ایران و آلمان                              |
| ۶۷ | ۲ - نفوذ اقتصادی آلمان در ایران                           |
| ۶۹ | الف - وسایل ارتباطی                                       |
| ۷۱ | ب - روابط صنعتی و بازرگانی                                |
| ۷۴ | ۳ - نفوذ سیاسی آلمان در ایران                             |



- فصل چهارم - امریکا در صحنه سیاسی ایران
- ۷۷ ۱ - آغاز روابط ایران و امریکا
- ۷۷ ۲ - ورود هیأت‌های اقتصادی و نظامی امریکایی به ایران
- ۷۸ ۳ - گسترش سلطه سیاسی امریکا در ایران
- ۸۵

- فصل پنجم - نفوذ فرهنگی قدرتهای جهانی در ایران (۱۹۴۰ - ۱۹۵۰)
- ۸۹ ۱ - نفوذ فرهنگی انگلیس
- ۸۹ ۲ - نفوذ فرهنگی شوروی
- ۹۰ ۳ - نفوذ فرهنگی آلمان
- ۹۱ ۴ - نفوذ فرهنگی امریکا
- ۹۳

## فرجام سخن

۹۵

- ضمایم
- ۹۷ ۱ - قرارداد روس و انگلیس - ۱۹۰۷ میلادی
- ۹۹ ۲ - قرارداد سری روسیه، انگلیس، فرانسه - ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷ میلادی
- ۱۰۰ ۳ - قرارداد ایران و انگلیس - ۱۹۱۹ میلادی
- ۱۰۱ ۴ - قرارداد امتیاز استخراج نفت به خوشناریا - ۱۹۱۶ میلادی
- ۱۰۲ ۵ - قرارداد ایران و شوروی - ۱۹۲۱ میلادی
- ۱۰۴ ۶ - پیمان اتحاد سه گانه ایران، انگلیس و شوروی - ۱۹۴۲ میلادی
- ۱۱۰ ۷ - اعلامیه سه دولت در کنفرانس تهران - ۱۹۴۳ میلادی
- ۱۱۳ ۸ - پیمان بازرگانی ایران و امریکا - ۱۹۴۳ میلادی
- ۱۱۴ ۹ - موافقت نامه مربوط به میسیون نظامی (ژاندارمری) - ۱۹۴۳ میلادی
- ۱۱۹ ۱۰ - اعلام حالت محاصره بین ایران و آلمان - ۱۹۴۳ میلادی
- ۱۲۴ ۱۱ - موافقت نامه مربوط به میسیون نظامی (ارتش) ایران و امریکا - ۱۹۴۷ میلادی
- ۱۲۵

- کتاب شناسی
- ۱۳۱ فهرست اعلام
- ۱۴۱ نامها
- ۱۴۱ مکانها
- ۱۴۹ نام مؤسسات، شرکتها و بانکها
- ۱۵۵

## پیشگفتار

در قرن نوزدهم و بیستم میلادی، سرزمین ایران میدان تاخت و تاز قدرتهای بزرگ جهانی بوده و در هر عهد - بنا بر مقتضیات زمان- یکی از آنها عملاً سیاست، اقتصاد و یا دیگر شالوده‌های اجتماعی ایران را تحت کنترل داشته است. هدف اصلی نویسنده این کتاب آن است که علل دخالت این دولتها و ریشه‌های اقتصادی - سیاسی آن در نیمه اول قرن بیستم میلادی را مورد بررسی و پژوهش قرار دهد. همچنین جداگانه ریشه تاریخی این دخالتها را نیز در مدنظر گیرد و اهمیت ایران از دیدگاه مختلف نظامی، اقتصادی و سیاسی - بویژه در صلح منطقه خاورمیانه - و زمینه‌های فرسودگی اجتماعی ایران از لحاظ تحولات سیاسی دولتهای خارجی و حکومتهای داخلی را بازگو کند.

با توجه به جنبه‌های مختلف دخالتهاى قدرتهای جهانی در ایران و روشن شدن اهداف اصلی آنان، ابتدا مسیر تحولات اجتماعی ایران و آماده شدن زمینه مساعد جهت ایفای نقش آنان توضیح داده می‌شود و سپس نویسنده کوشش می‌کند که چگونگی رفتار و اعمال کشورهای متجاوز پراوضاع و احوال موجود را - که می‌توان بطور کلی آن را منتج از بی‌ثباتی دولت ایران، استبداد داخلی و استعمار خارجی دانست - شرح دهد.

در قسمت «مقدمه» پژوهش حاضر همچنین سمی شده است که در باره اوضاع اجتماعی ایران و بخصوص مواضع اجتماعی و سیاسی دسته‌های مختلف، اعم از هیأت حاکمه یا اقشار مختلف جامعه نسبت به اوضاع موجود بررسی شود، بویژه در برخی از مواقع عملکرد نابجای حکومتها و دستگاههای رهبری ایران در مقابل نفوذ قدرتهای بزرگ، اثرات فراوانی در جامعه و حرکتهای اجتماعی ایران به جای گذاشته است.

در فصول «یک تا پنج» کوشش شده است که جزئیات دخالت هر یک از این قدرتهای بزرگ - انگلیس، روسیه، آلمان و امریکا - و چگونگی روش آنان در هر مقطع تاریخی نسبت به نفوذ و تأثیرات متفاوت آنان مورد تحقیق قرار گیرد. بدیهی است که در چهارچوب این تحقیقات می‌بایست اسناد و مدارک تاریخی - تا

حد امکان - از مد نظر پوشیده نماند.

فصل پنجم این پژوهش اختصاص به «نفوذ فرهنگی قدرتهای جهانی» دارد. تأثیر تفکر و فرهنگ این قدرتها، اگر چه در آغاز بسیار کم و روند گسترش آن بسیار کند به نظر می‌آید، اما در درازمدت اثرات عمیقتر و غیر قابل جبرانی را می‌تواند به بار آورد.

مبحث پایانی این پژوهش نیز سرانجام مربوط به سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قدرتهای بزرگ در چهارچوب تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران و سرانجام نتایج به بار آمده از رقابتهای آنان است.

روش کار در این پژوهش بدین شیوه بوده است:

نخست: به دست آوردن اسناد و مدارک موجود در ایران که گه‌گاه پنهان و آشکار منتشر شده بود. این مدارک معمولاً به دو طریق به دست می‌آمد: اول، این که ادارات و مؤسسات مسؤول، آن را در اختیار می‌گذاشتند که معمولاً همه مدارک مربوط را دربر نداشت و آنچه که ارائه می‌شد، اوراقی انتخاب شده بود که البته اسناد قطعی بدان خالی از اشکال علمی نبود. دوم، این که استفاده از اسنادی که بطور خصوصی و در کتابخانه‌های شخصی نگاهداری می‌شد و دسترسی به آن با پرس و جوی زیاد همراه بود. استفاده از این گونه اسناد معمولاً با خواهش عدم استفاده از ذکر نام صاحب سند مواجه می‌شد.

دوم: مراجعه به آرشیو و مرکز اسناد کشورهایی بود که این پژوهش براساس رقابتهای آنان در سیاست جهانی، پایه‌ریزی شده است، از جمله اداره امور خارجه (Auswartiges Amt) در بن (جمهوری فدرال آلمان) و غیره بود.

سوم: استفاده از خاطرات شاهدان عینی رویدادهای تاریخ معاصر ایران بود. از جمله نویسنده در طرح وقایع عشایر تنگستانی و چاکوتاهی و تطبیق آن با یافته‌ها، از خاطرات یکی از اعضای «هیأت آلمانی در افغانستان» که مأموریت داشت از طریق اهرم (شرق بندر بوشهر)، شیراز، یزد و مشهد به افغانستان برود و موجبات حمایت و کمک افغانستان به آلمان - برای جلوگیری از ورود دشمنان آلمان به آن سرزمین - را فراهم کند و از آن تاریخ تا سال ۱۳۶۰ ش همچنان در ایران زندگی می‌کرد، یاری جسته است.\*

چهارم: مقایسه داده‌های مربوط و تجزیه و تحلیل آنها در مسائل مورد نظر این پژوهش و نتایج به دست آمده بود تا اصالت هدف تحقیق حفظ شود. بدین گونه ابتدا به تشریح موقعیت ایران در اوایل قرن بیستم پرداخته شد و آن‌گاه وضعیت نیمه استعماری ایران و فعالیت‌های مقامات در پیشبرد هدفهای سلطه‌گرانه قدرتهای بزرگ وقت، مورد مطالعه قرار گرفت.

پنجم: جستجو در لایلای ادبیات به امید یافتن مطالب تاریخی و تعیین مسیر تحولات جامعه، انعکاس رویدادهای سیاسی و اقتصادی در جهت روشن شدن حقایق و

\* بنا به درخواست شخص مذکور از ذکر نام وی خودداری شد.

زمینه‌های اساسی آن بود که اگر چه می‌بایستی از حوصله زیاد محقق برخوردار باشد، اما می‌توانست رهنمودی جهت تجزیه و تحلیل شالوده‌های اجتماعی باشد.

### منابع و مأخذ کتاب

منابع و مأخذی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از: یکم: اسناد و مدارکی که قبل از سال ۱۳۵۷ ش به‌نحوی در ایران چاپ شده بود و نظر به این که با سیاست زمامداران حکومت‌های وقت هماهنگی نداشت، جمع‌آوری شده بود و دسترسی به آن در کتابخانه‌ها با اجازه مخصوص، آن هم بندرت امکان داشت.

دوم: استفاده از کتابهای محققان ایرانی که آثار خود را به دلایل مختلف اجتماعی و سیاسی در خارج از ایران به چاپ رسانیده بودند، از آن جمله باید از گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران نوشته محمد علی جمال‌زاده، چاپ برلین نام برد.

سوم: آثار نویسندگانی که خود شاهد عینی بسیاری از رویدادهای تاریخی در دهه‌های اول قرن بیستم بودند. بطور مثال باید از یحیی دولت‌آبادی: حیات یحیی، ناظم الاسلام کرمانی: تاریخ بیداری ایرانیان، عبدالله مستوفی: زندگانی من و غیره نام برد که از آنها بویژه در بررسی اوضاع و احوال این قرن بهره گرفته شده است.

چهارم: استفاده از کتابخانه و دوایر مختلف وزارت امور خارجه ایران. پنجم: اسناد و مدارک وزارتخانه و یا ادارات سیاسی خارج از کشور مانند اداره امور خارجه جمهوری فدرال آلمان و یا کتابخانه‌های مربوطه. لازم به یادآوری است که در موازین بین‌المللی، مراجعه به اسناد و مدارک گذشته در بعضی از کشورها تا سی سال و در برخی تا پنجاه سال ممنوع است. ششم: اسناد و مدارک و مکاتبات انگلیس مربوط به ایران مانند کشف تلپیس که وقایع جنگ جهانی اول را دربر می‌گیرد.

هفتم: استفاده از نوشته‌ها و خاطرات وابستگان کشورهای بزرگ است که اغلب با سمتهای دیپلماتی و عناوین وابسته فرهنگی، نظامی، مطبوعاتی، کنسولی و غیره در ایران خدمت می‌کردند که از آن جمله باید از نوشته‌های الویل ساتن (E. Suttan) و خانم آن لمبتون (A.K. Lambton) مأمور و وابسته مطبوعاتی انگلیس در ایران و لنچوفسکی (G. Lenczowski) وابسته مطبوعاتی لهستان در ایران - که اکنون مقیم امریکا است - و دیگران را نام برد که اکثراً وقایع را یک‌جانبه مورد بررسی قرار داده‌اند.

همچنین استفاده از نوشته‌های نویسندگان و محققان شوروی است. این نوشته‌ها که اغلب در این چند سال اخیر به فارسی برگردانده شده است، اوضاع اجتماعی ایران بویژه در نیمه اول قرن بیستم را مورد بررسی قرار داده است. این

نوشته‌ها عموماً بوسیله محققان روسی و کمتر توسط وابستگان سیاسی این کشور در ایران به نگارش درآمده است، اما آنها نیز مانند پژوهشگران غرب کوشش کرده‌اند که خط مشی سیاسی کشور خویش را در نوشته‌ها حفظ کنند. از دانشمندان شوروی که در تاریخ معاصر ایران تحقیق کرده‌اند، باید بطور مثال از ایرانسکی (Iranski) و ایوانف (Ivanov) نام برد. تحقیقات ایرانسکی عموماً مربوط به اوایل قرن بیستم است و ایوانف دوران جدیدتری را بررسی می‌کند. اما بطور کلی نباید به هریک از نویسندگان بلوک غرب و یا شرق بطنهایی اکتفا کرد، زیرا آنان عموماً - و نه همیشه الزاماً - منافع کشور خود را در نظر گرفته‌اند و کوششهای سلطه-جویانه کشور خویش را به نحوی موجه، جلوه داده‌اند.

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم که از وزارت محترم امور خارجه ایران، بویژه معاونت فرهنگی و اداره حقوقی که تسهیلاتی در تهیه و تطبیق قراردادها فراهم کردند، تشکر کنم. همچنین از بخش فرهنگی سفارت محترم کبرای جمهوری فدرال آلمان که سیاهه برخی از قراردادها را از طریق وزارت امور خارجه آلمان در اختیار این‌جانب قرار داد، صمیمانه تشکر می‌کنم.

بخشهایی از پژوهش حاضر در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در شماره‌های ۲۰۱ (۱۳۶۱)، ۴۰۳ (۱۳۶۲)، ۲ (۱۳۶۳)، ۴۰۳ (۱۳۶۳) و ۴ (۱۳۶۴) قبلاً به چاپ رسیده است که بدین وسیله مراتب تشکر خود را از اجازه چاپ آن در کتاب حاضر تقدیم می‌دارم.

دکتر مریم میراحمدی

## مقدمه

### ایران و بیگانگان در آغاز قرن بیستم میلادی

قرن بیستم را باید دوران بیداری ایرانیان و شرکت فعالانه آنان در زندگی سیاسی دانست. انقلاب مشروطه و سالهای مبارزه ۱۲۹۰ - ۱۲۸۴ هجری شمسی / ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ میلادی کوششی بود که ایران را از راه نیمه استعماری باز گرداند. مساعی فراوان دول خارجی، گرفتن امتیازهای مختلف در زمینه راهها - اعم از دریایی، خشکی و وسایل حمل و نقل - بانکها، بهره‌برداری از معادن، شیلات، گمرکات، قرضه‌های مالی و سرانجام سرازیر شدن سیل مستشاران نظامی و مالی و نیز افزایش وابستگی اقتصادی کشور، ایران را به صورت سرزمینی نیمه مستعمره درآورد که دولت و سران آن فاقد هرگونه آزادی عمل سیاسی بودند. از لحاظ سیاسی و اقتصادی کشور ایران بسیار ناتوان بود و حکمرانان اصلی این سرزمین روسیه و انگلیس به‌شمار می‌آمدند و قرارداد مرداد ۱۲۸۶ ش / اوت ۱۹۰۷ م به آنان اجازه می‌داد که مناطق شمالی و جنوبی ایران را تحت نفوذ و کنترل خویش درآورند. نفوذ و گسترش سرمایه‌های دول بیگانه در ایران، خشکسالیهای سالهای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، قحطی و گرسنگی و گسترش بیماریهای واگیر و وضع نامساعد بازارهای داخلی، سقوط اقتصادی ایران را باعث می‌گردید. رقابت سیاسی - نظامی روس و انگلیس، کشور آلمان را برآن داشت که روشهای توسعه‌طلبی خویش را از طریق بازرگانی در ایران تقویت کند، اما دخالتهای نظامی و نفوذ سیاسی آلمان در محافل دولتی، مجلس و عشار، نمایانگر دیگر هدفهای آنان بود - با ورود هیأت مورگان شوستر (W. Morgam Shuster) بعنوان مشاور مالی ایران در سال ۱۲۹۰ ش / ۱۹۱۱ م نفوذ و دسترسی امریکا را به منابع سرشار ایران آسانتر کرد. سیاست اشغال‌گرانه قدرتهای بزرگ مانند روسیه، انگلیس و آلمان در اوایل و خلال جنگ جهانی اول را می‌توان از مفاد قراردادهای مختلف به‌دست آورد. اشغال ایران تحت پوشش «حفظ حاکمیت ایران» انجام گرفت اما هدف واقعی آنان دست یافتن به منابع ایران و گسترش مستعمرات و به‌چنگ‌آوردن امتیازات بیشتر بود و مقصود ایران که

بی‌طرفی بود و رسماً در آبان ۱۲۹۳ ش / نوامبر ۱۹۱۴ م اعلام گردید، هرگز مورد توجه و اهمیت قرار نگرفت. در خلال جنگ اول، ایران مرکز عملیات جنگی قدرتهای مذکور به‌شمار می‌رفت. پیاده‌شدن ارتش انگلیس در آبادان و بوشهر در تابستان و اواخر سال ۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م و یا اشغال کلیه نواحی خلیج فارس در سال ۱۹۱۶ تحت عنوان «تفنگداران جنوب ایران» (South Persia Riflers) ۲ و گسترش این سازمان نظامی تا مکران، کرمان، یزد و شیراز دلیل دیگری بر عدم قدرت سیاسی دولت ایران و تجاوز دولت انگلیس به منظور افزایش منابع درآمد آن کشور بود. از جانب دیگر دولت انگلیس می‌کوشید تا با گسترش نفوذ نظامی خویش در نواحی جنوب کشور، سد بزرگی در مقابل نفوذ عمال آلمان و ترک در نواحی غربی و جنوب غربی ایران به وجود آورد زیرا که دولتهای مزبور از سالها پیش می‌کوشیدند تا در امور اقتصادی و سیاسی ایران دخالت کنند.

اختلافات موجود بین روسیه و انگلیس که هردو از متحدان یکدیگر بودند، بحران ایران را مشکلتر می‌کرد. از سویی انگلیس در تکاپوی تدارک نظامی جهت جنگ با ترکیه، ناوگان و سربازان خود را در خلیج فارس، بصره و جزیره بوبیان - واقع در شرق کویت - نگاه داشته بود. دولت آلمان نیز می‌کوشید به نحوی از طریق ترکیه به سواحل خلیج فارس راه یابد و دست دولت انگلیس را از این نواحی کوتاه سازد. ترکیه نیز به کمک قوای آلمان، قسمتهایی از نواحی غرب دریاچه ارومیه، خوی و ساوجبلاغ (مهاباد) را اشغال کرده بود و مرزهای خویش را در ناحیه شمال غرب ایران گسترش می‌داد و به طرف ماوراء قفقاز پیش می‌راند، و همین امر موجب دخالت دولت روسیه گردید و بهانه‌ای بود برای ورود بیشتر قوای روس که نیروهای مرزی ایشان را از آذربایجان به حرکت درآورده و تا اردبیل و قزوین پیش راند. بدین ترتیب ایران از هر طرف مورد تهاجم دولتهای بیگانه و عرصه زورآزمایی آنان قرار گرفت که نتیجه آن تنگدستی و بیچارگی مردم آن نواحی بود. ارتش روسیه تحت فرماندهی ژنرال چرنوزووف (Chernozubov) قوای ترک را در جبهه قفقاز در نواحی نظامی ساری قمیش شکست داد و تبریز را در دیماه ۱۲۹۴ ش / ژانویه ۱۹۱۵ م مجدداً اشغال کرد.

چند ماه بعد قوای روس نیروهای ترک را از نواحی ساوجبلاغ به سواحل شمالی دریاچه وان در ترکیه به عقب راند و کاملاً نواحی شمال غربی ایران را زیر نفوذ خود قرار داد. سرکوبی ترکها و نقشه‌های فرماندهی آلمان و ترک، موجب تار و مار کردن اقوام ایرانی در ناحیه کردستان و کشتار و ویرانی این مناطق گردید.

در بهار ۱۲۹۴ ش / آوریل ۱۹۱۵ م، ارتش انگلیس از طریق رودخانه‌های دجله و فرات به نیروهای ترک واقع در حوالی بغداد حمله برد و سرانجام شهر مقدس کربلا را به تصرف درآورد و پس از شکست نیروهای ترک در ناحیه کوت‌العماره

۲- به تفنگداران جنوب ایران S. P. R. ، (پلیس جنوب) نیز گفته می‌شود.

تا پاییز همان سال در خاک بین‌النهرین باقی ماند.<sup>۲</sup> از جانب دیگر پیروزی قوای روسیه در نواحی قفقاز، دولت انگلیس را برآن داشت که نیروهای خویش را در مناطق شهر استانبول تقویت و از تهاجم نیروهای روس و تسخیر منطقه داردانل ممانعت کند. دولت روسیه از دیرباز در فکر به‌دست‌آوردن تنگه‌های دریای سیاه به دریای مرمره و بالاخره دریای مدیترانه از طریق بسفر و داردانل بود و همین نقل و انتقال نیروهای دوکشور مورد مذاکرات مفصلی بین سه دولت انگلیس، روس و فرانسه قرار گرفت و سرانجام با موافقت دولت فرانسه و انگلیس قول واگذاری تنگه‌ها و استانبول به دولت روسیه داده شد و در ازای آن دولت روسیه تعهد کرد که علاوه بر منطقه نفوذ انگلیس در ایران، که به‌موجب قرارداد ۱۹۰۷ م تعیین شده بود، بعضی از نواحی اعلام شده بی‌طرف را نیز جزء منطقه نفوذ انگلیسیها به‌شمار درآورد. این تعهدات به‌موجب معاهده سری ۱۹۱۵ م انجام گرفت و دولت روسیه فقط توانست که مناطق اصفهان، یزد و ذوالفقار (مرز افغانستان) را جزء منطقه نفوذ خویش به‌شمار آورد.<sup>۴</sup>

علاوه بر نیروهای روسیه، انگلیس و ترک در ایران، دولت آلمان نیز به فعالیت‌های مختلف در ایران پرداخت. گسترش نفوذ آلمان نه از طریق نظامی بلکه بیشتر جنبه اقتصادی - سیاسی داشت. نفوذ سیاسی آلمان تحت عناوین بازرگانی بتدریج بعدی رسید که کنترل احزاب سیاسی، مجلس و سایر ارگانهای دولت را نیز شامل گردید. کنسولگریهای زیاد آلمان در شهرهای مختلف ایران مانند اصفهان، شیراز، بوشهر، کرمانشاه، همدان و غیره به مأموران آلمانی اجازه می‌داد که نه تنها در شهر بلکه در میان عشایر و قبایل ایران نیز نفوذ کنند.

ورود آلمانها به خاک ایران تحت يك برنامه منظم اقتصادی انجام گرفت.<sup>۵</sup> دولت آلمان در سال ۱۲۸۶ ش / ۱۹۰۷ م علاوه بر چند مؤسسه بازرگانی در سواحل خلیج فارس، امتیاز خط کشتیرانی بین بندر هامبورگ و بندر خلیج فارس را به‌دست آورد. این امر موجب اعتراض شدید وزیر امور خارجه انگلیس، لرد لندزداون (Lord Landsdowne) قرار گرفت و آن را تهدیدی به منافع بریتانیا

۳- قوای انگلیس سرانجام در بهار ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م به سرپرستی ژنرال تاوئنشنند (Townshend) به علت دخالت قوای آلمان و خرابکاری مأموران مخفی آلمان در تأسیسات نفت جنوب ایران و عدم رسیدن سوخت کافی به سربازان انگلیس در جبهه شکست خورد.

۴- ر.ک: به ضمیمه شماره ۲ پژوهش حاضر.

۵- ورود قوای آلمان و مأموران مخفی آنان را نباید اولین برخورد آلمانها با ایرانیان دانست. در جنگهای تیمورلنگ با ترکان در سال ۱۴۰۲ م اولین آلمانی که در رکاب ترکان می‌جنگید، به اسارت گرفته شد. این شخص که یوهانس شیلتبرگر (Johannes Schiltberger) نام داشت شرح توقف طولانی خویش (۱۴۲۷ م) را در سفرنامه‌ای نوشت که در ۱۸۵۹ در München به چاپ رسید. اما عملاً روابط سیاسی ایران همزمان با ورود اولین سفیر دربار آلمان به ایران در زمان شاه عباس اول آغاز گردید. برگرفته از سفرنامه کمپفر E. Kämpfer، در دربار ایران، ترجمه کی‌کاس جهان‌داری، تهران ۱۳۵۰، ص ۵ و بعد.



## دانست. ۶

گسترش شعب دویچ اورینت بانک (Deutsch Orient Bank) «بانک آلمان و شرق» در شهرستانهای مختلف ایران و به دست آوردن امتیاز ضرب سکه، کوشش دیگر آلمانها در همین رابطه بود. بطور مثال این بانک در شعبه کرمانشاه برای جلب نظر مردم که پس از تجربه بانکهای روس و انگلیس، چندان اطمینانی بدین گونه بانکها نداشتند، دستور داد که به جای اسکناس به مردم سکه داده شود تا بتدریج جلب اعتماد مردم گردد. ۷ نفوذ به ارگانهای مختلف کشور از جمله نفوذ در احزاب راه دیگری بود که آلمانها برگزیدند. آنان ابتدا حزب دمکرات را برگزیدند بطوری که این حزب متمایل به آنان گردید و سرانجام در مجلس سوم که حزب دمکرات توانست اکثریت قابل توجهی را در آن به دست آورد، متمایل به آلمان شد و رئیس مجلس نیز از طرفداران آنان بود. اولین مدرسه آلمانها نیز در تهران افتتاح شد و خانواده های ایرانی ترجیح می دادند که فرزندان خود را برای تحصیلات دانشگاهی به آن کشور اعزام دارند. ۸ علاوه بر آن کابینه مستوفی الممالک نخست وزیر نیز که از تاریخ ۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م، تصدی امور را به عهده گرفته بود، مخفیانه پشتیبانی خود را از دولت آلمان اعلام داشت. ۹

عوامل آلمان در بهار ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م با ورود چندین هیأت نظامی و سیاسی فعالیت خود را در ایران توسعه دادند. هیأت های مزبور تحت سرپرستی واسموس (Wassmuss) دکتر تسوک مایر (Zugmayer) و اسکارنیدر مایر (O. Niedermayer) وظایف خرابکارانه خود را آغاز کردند. واسموس کنسول سابق آلمان در بوشهر بود و با عشایر آن منطقه روابط خوبی داشت. وی از طریق بغداد و خوزستان به بوشهر وارد گردید، فعالیت خویش را به اتفاق ژنرال اشتف (Staff) در بین عشایر فارس بخصوص قشقاییها شروع کرد که این گروه بوسیله قوای نظامی انگلیس کشف گردید. وظیفه دیگر واسموس خرابکاری در لوله های نفت جنوب ایران بود که سوخت نیروی دریایی انگلیس را در جبهه های بین النهرین تأمین می کرد. فعالیت های واسموس در منطقه همان طور که ذکر شد سرانجام به شکست قوای انگلیس در بین النهرین منجر گردید. کوشش های واسموس در همین جا خاتمه نیافت بلکه وی منطقه عملیات خویش را گسترش داد و در شیراز به کمک واسترو (Wustrow) کنسول آلمان در شیراز و مساعی ژاندارم های ایرانی «کمیتة دفاع از استقلال ملی» را تشکیل داد. در زمستان سال ۱۹۱۵ م ترور شخصیت های مختلف، بخصوص انگلیسی های مقیم ایران را آغاز کرد و سرانجام با کمک حزب دمکرات و ارگان این حزب «ایران نو» تبلیغات دامنه داری را علیه روسیه و انگلیس

۶- برای اطلاع بیشتر ر.ک:

G. Lenczowski: *Russia and the West in Iran*, (New York 1968), P. 146.

۷- سپهر: تاریخ ایران در جنگ بزرگ، (تهران ۱۳۳۶)، ص ۲۸۴.

8- Lenczowski: *ibid*, P. 147.9- P. Sykes: *A History of Persia*, (London 1930), Vol, II, p. 544.

ادامه داد. سرانجام به کمک کمیته دفاع ملی و نیروهای ژاندارمری ایران که در رأس آنها افسران سوئدی نیز قرار داشتند و به کمک عشایر تنگستانی، دشتستانی، شامکتانی و پرازجانی تأسیسات انگلیسی از جمله بانک شیراز را غارت و راه بوشهر و شیراز را قطع کردند و قیام شیراز را به مدت ۵ ماه رهبری می کردند.

عده ای از اتباع انگلیس را در اهرم نگهداری کردند. در رابطه با همین قیام بود که دولت انگلیس دستور داد تا «تفنگداران جنوب ایران» تحت رهبری ژنرال پرسی سایکس سرکنسول سابق انگلیس در کرمان تشکیل شود و دولت ایران نیز حاکم جدیدی برای فارس انتخاب کرد. اما حاکم جدید (قوام الملک) پس از شکست نیروی ژاندارمری ناحیه لار و قبل از رسیدن به شیراز کشته شد. کوششهای قوام الملک توسط پسرش ادامه یافت و قیام شیراز سرانجام در بهار ۱۲۹۵ ش/ ۱۹۱۶ م سرکوب گردید و واسموس موفق به فرار شد.<sup>۱۰</sup>

تقریباً همزمان با هیأت واسموس، هیأت دیگری نیز از بغداد عازم اصفهان گردید. سرپرستی آن هیأت به عهده نیدرمایر بود. نیدرمایر علاوه بر مأموریت خویش در ایران که شوراندن ایرانیان علیه دول روس و انگلیس بود، مأموریت دیگری در افغانستان داشت و آن عبارت بود از: هم عقیده ساختن رهبران افغانستان و شرکت افغانها به جنگ برای پشتیبانی از آلمان و دیگر همراهان آن. هیأت نیدرمایر پس از ورود به ایران دودسته گردید، دسته ای از طریق راه قصرشیرین، کرمانشاه و اراک عازم اصفهان شد و گروه دیگر به ریاست نیدرمایر پس از دوماه از طریق تهران به اصفهان وارد گردید. همکاران نیدرمایر در اصفهان، دیگر مأموران مخفی و سیاسی دولت آلمان بودند از قبیل یاکوب (Jakub) که از بغداد آمده بود و زایلر (Seiler) که کنسول آلمان در اصفهان بود.

بلوی در کتاب تاریخ ایران همکاری مردم اصفهان از جمله روحانیان و تبلیغات وسیع ایشان را در مساجد که به سود آلمانها بود یادآور می گردد. ۱۱ آلمانها موفق می شوند که نه تنها در میان توده مردم بلکه در بین عشایر بختیاری نیز محبوبیتی به دست آورند. بر اثر تبلیغات وسیع ضد انگلیسی، بانکها و مؤسسات دیگر مانند تلگرافخانه بوسیله مردم مسلح و ژاندارمهای مستقر در اصفهان اشغال می گردد. گسترش عملیات آلمانها به حدی می رسد که به کاور (Kaver) کنسولیاری روس و گراهام (Graham) کنسول انگلیس در اصفهان سوء قصد می شود. ۱۲ روحانیان و تجار اصفهان، کمیته ای تشکیل دادند که عملاً اداره و کنترل شهر را به عهده داشت «کمیته اصفهان» و تبلیغات آلمانی ضد روس و انگلیس شهر اصفهان،

۱۰- برای اطلاع بیشتر رک: بلوی و دیگران: تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، (تهران ۱۳۵۹). ص ۴۱۲ و سپهر. ایران در جنگ بزرگ، (تهران ۱۳۳۶) ص ۷۰ و بعد؛ و رکن زاده آدمیت: دلیران تنگستانی، (تهران ۱۳۵۴).

۱۱- بلوی: تاریخ ایران، ص ۴۱۳.

۱۲- میروشنیکف: ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخیانی (تهران ۱۳۵۷).

سرانجام به ورود ارتش روس در اوایل بهار ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م پایان گرفت. فعالیت نیدرمایر در ایران و در افغانستان که از طریق نائین، طبس، بیرجند، هرات به کابل رفته بود، دولت انگلیس و روسیه را برآن داشت که برای حفظ منافع خویش در ایران، سیاست واحد و هماهنگی را در پیش گیرند که نتیجه آن تقویت قوای دو دولت در سرتاسر ایران گردید.

عوامل تسوک مایر و زایلر و برنستوف در کرمان و بلوچستان نیز بیکار ننشستند و شبکه فعالیت خویش را در شهرهای جنوب و جنوب شرقی ایران گسترش دادند. کمیته کرمان علیه دول روس و انگلیس به وجود آمد و حزب دمکرات فعالیت خویش را با حمایت آلمانها آغاز کرد و خروج اتباع روس و انگلیس را خواستار شد. در این موقع سردار ظفرخان بختیاری حاکم کرمان بود که ابتدا به کمیته کرمان و آلمانها کمک می کرد اما با ورود پلیس جنوب به طرفداری از قوای انگلیس برخاست.<sup>۱۳</sup>

کمیته کرمان در اوایل تابستان ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م توسط قوای تفنگداران جنوب سرکوب گردید و تسوک مایر و زایلر فرار کردند. پیشروی مأموران آلمان در ایران و تبلیغات ضد انگلیسی و روسی آنان و حوادث بحرانی ۱۹۱۵ م و وحشت انگلیس از نفوذ آلمان در منطقه هند باعث شد که دولتهای روس و انگلیس موقتاً اختلاف خود را کنار گذارده و نیروهای بیشتری را به ایران گسیل دارند، دولت انگلیس تحت عنوان دفاع از بنادر خلیج فارس و حفظ و حراست ایران، تفنگداران جنوب در بندرعباس را مشتمل بر سربازان هندی تشکیل داد و نواحی جنوب و جنوب شرقی ایران را زیر تسلط و کنترل خویش درآورد. در نواحی شرقی ایران که به کمربند خاوری ایران موسوم است<sup>۱۴</sup> هردو دولت قوای کافی مشتمل بر عده زیادی سرباز به نواحی خراسان، گرگان، مشهد و تربت حیدریه گسیل داشتند. نواحی بیرجند تا ناحیه بلوچستان را نیروهای هندی - انگلیسی و مناطق جنوبی تر یعنی سیستان، دهنه باغی و دزدآب (زاهدان) را فقط نظامیان انگلیسی اداره می کردند. دولت روس برای جلوگیری از هرگونه مداخله بیشتر آلمانها که اکنون در پارلمان نیز نفوذ داشتند، در پاییز ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م سپاهی از جبهه قفقاز تحت سرپرستی ژنرال باراتف (Baratov) از طریق بندر انزلی به قزوین فرستاد. ژنرال زولوتاریف (Zolotaryov) که قبلاً در قزوین مستقر بود در آبان ماه ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م به همراه سپاه عظیم خویش بمحض رسیدن سپاه باراتف به قزوین، به جانب تهران رهسپار و در کرج مستقر شد. این نقل و انتقال نظامی در محافل سیاسی پایتخت تأثیر بسزایی گذاشت، بعضی از نمایندگان مجلس و وزیران طرفدار آلمان به سرپرستی سلیمان میرزا رهبر حزب دمکرات و همچنین مأموران و سیاستمداران آلمانی به قم رفتند و

۱۳- برای اطلاع بیشتر ر.ک: «موقعیت سیاسی استان کرمان» در:

Sykes: A History of Persia, vol II, p. 455.

14- Sykes: A History of Persia, Vol. II, p. 454.

خواستار انتقال پایتخت از تهران به قم گردیدند، که به خواست ایشان ترتیب‌اثر داده نشد. نیروهای فراری به قم آرام ننشستند و به جمع‌آوری قوا از شهرهای نزدیک مانند کاشان و اصفهان پرداختند و چند سپاه مسلح به سرکردگی نایب حسین و خان بختیاری سردار صولت به آنان ملحق شدند<sup>۱۵</sup> و سرانجام تشکیل يك «حکومت ملی» را دادند.<sup>۱۶</sup> همچنین تحت نظارت سفیر آلمان کمیته‌ای به نام «اتحاد اسلام» را بنیان نهادند. انتخاب قم برای مرکز فرماندهی این جنبش، جنبه سیاسی داشت، زیرا آنان بخوبی از نقش تشیع در میان ایرانیان اطلاع داشتند.<sup>۱۷</sup> اعضای هیأت‌مدیره کمیته قم عبارت بودند از: ۱- سلیمان میرزا ۲- مساوات ۳- میرزا محمد علیخان کلوپ ۴- وحیدالملک. ضمناً کمیته‌های فرعی برای امور مالی، نظامی، فرهنگی و تبلیغاتی تشکیل شد که شاهزاده سلیمان میرزا سمت مدیریت کمیته را به عهده داشت.<sup>۱۸</sup>

تشکیلات حکومت ملی قم دیری نپایید زیرا که سپاه روس از طریق همدان و قم تلفات سختی به آنان وارد کرد و قم را اشغال کردند و سپس به سوی تهران رهسپار شدند. گردانندگان اصلی حکومت ملی قم نیز از طریق کاشان، اصفهان به کرمانشاه رفتند و مقدمات يك حکومت ملی را در کرمانشاه بنا نهادند. پس از برچیده شدن «کمیته ملی» قم، بزرگان این کمیته در کرمانشاه تحت رهبری نظام‌السلطنه و با همکاری سلیمان میرزا يك «دولت ملی» را تشکیل دادند.

### ۱- اسارت سیاسی و ورشکستگی اقتصادی ایران

به‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران در سال ۱۲۹۳ ش / نوامبر ۱۹۱۴ م، عملیات جنگی سالهای ۱۳۰۶ - ۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ م تقریباً در سرتاسر ایران آغاز گردید. علاوه بر آن تقسیم‌بندی کشور به مناطق نفوذ سیاسی و نظامی روس و انگلیس و اسارت اقتصادی ایران بوسیله آلمانها که عملاً از ۱۲۹۳ ش در ایران، با دایر کردن شعبات مختلف تجارتخانه‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و غیره انجام گرفت و یا قرض‌های مختلفی که ایران از انگلیس و روسیه دریافت داشته بود و نیز

۱۵- به نقل از میروشنیکف: ایران در جنگ جهانی اول، ص ۵۵.

۱۶- بی‌مناسبت نیست که در اینجا ذکر گردد که نقل و انتقال نیروهای روس و انگلیس و اقدامات مشترکی که برای جلوگیری از نفوذ آلمان در تابستان ۱۹۱۵ در ایران کردند و همچنین حرکت قوای روس تا حوالی کرج، باعث فعل و انفعالاتی در نیروهای آلمان گردید. سفیر آلمان در ایران، رهبری تدارکات نظامی آلمان را برعهده داشت. تغییرات نظامی، تغییرات سفرا را نیز به دنبال داشت. اسامی سفرای هر سه کشور بدین شرح است: بارون فون اتر (Von Ether) سفیر روس - چارلز مارلینگ (Ch. Marling) سفیر انگلیس و پرنس فن رویس (Von Reuss) سفیر آلمان بود. وابسته‌های نظامی آلمان ناظر بر عملیات نظامی شبکه‌های مختلف در ایران عبارت بودند از کانت کانیتز (Count Kanitz) و ژنرال اشنف (Staff)، برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: میروشنیکف «ایران در جنگ جهانی اول، ص ۵۲».

17- Lenczowski: ibid, p. 148.

۱۸- به نقل از سپهر: ایران در جنگ بزرگ، ص ۲۷۸.

مسائلی که بعلت جنگ اتفاق می افتاد مانند مصادره خواربار و دامهای دهقانان ایرانی بوسیله اشغالگران و یا احتکار کالا بوسیله تجار و استثمارگران ایرانی، خرابیهای ناشی از جنگ، ناامن بودن جاده ها و عدم وسایل ارتباطی دیگر یا ضعف دولت مرکزی و عدم پرداخت مالیات در استانها و کاهش صادرات ایران و غیره همگی اوضاع مالی و اقتصادی کشور را به شدت بحرانی کرده بود.

دولت مرکزی که از جانب اشغالگران خطری برای خود احساس نمی کرد، بوسیله امتیازات مختلف، راه نفوذ آنان را در کشور هموار می کرد و اصولاً دولتی به نام دولت مرکزی می توانست فقط بعلت رقابت دو دولت اشغالگر به زندگی انگلی خود ادامه دهد. ۱۹ بواسطه ضعف دولت، بازرگانان خارجی، بازار داخلی را تحت کنترل خویش درآوردند. عدم کنترل دولت مرکزی، خوانین، ایلات و عشایر را از قدرت بیشتری بهره مند کرد که گاه مستقیماً بوسیله دولتهای روس، انگلیس و آلمان تقویت می شدند و از بارزترین نمونه آن پشتیبانی دولت انگلیس از شیخ خزعل در خوزستان، جانبداری دولت آلمان از ایالات قشقائی و تنگستانی است. استانهای شمالی نیز از حمایت همسایه شمالی یعنی روسیه برخوردار می شد. با وجود این نمی توان بر کلیه مبارزات ملی ایرانیان برضد دولتهای مذکور خط بطلان کشید، همان طور که گذشت به دنبال تشکیل حکومت ملی قم مردم نیز مصرانه از دولت وقت خواستند که از انعطاف در مقابل دو قدرت اشغالگر، دست کشیده و حتی پایتخت را تغییر دهد. ۲۰ اما تغییر پایتخت و یا اعلام حکومتهای ملی قم و کرمانشاه و دیگر نقاط نیز نتوانست نیروهای دولتهای متخاصم را از ایران براند. جنبش جنگل نیز اگر چه امید بسیاری در دل مبارزان زنده کرد اما سرانجام بوسیله دولت مرکزی سرکوب شد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م در روسیه تا حدی از نفوذ سیاسی - نظامی شوروی در ایران کاست و میدان را برای دولت استعمارگر انگلیس خالی گذاشت. انگلیسیها مرز خویش را در ایران بوسیله پلیس جنوب تا نواحی شمال غرب (قفقاز) شمال ایران (گیلان) ادامه دادند. ناگفته نماند که تسلط بر منطقه جنوبی و غرب ایران که شامل بین النهرین و نواحی خلیج فارس باشد از مدتها پیش با دولت تزاری حل شده و مسؤولیت آن برعهده انگلیسیها بود اما انقلاب بلشویکی روس و به استقلال رسیدن حکومت گرجستان، آذربایجان و ارمنستان در

۱۹- عدم ثبات سیاسی ایران در خلال جنگ اول جهانی و دخالت امپریالیستها در ایران، بحران و هرج و مرج را در دستگاه رهبری ایران به دنبال داشت بطوری که صفحه سیاسی ایران بیش از ۱۰ کابینه ظرف ۱۲۹۶-۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۷-۱۹۱۴ م به خود دید و انتخاب کابینه جدید هر بار با سیاست و دخالت هر یک از امپریالیستهای روس، انگلیس و آلمان بستگی تام داشت. این کابینه ها به ترتیب توسط این افراد تشکیل شد: ۱- مستوفی الممالک ۲- مشیرالدوله ۳- مستوفی الممالک ۴- شاهزاده فرمانفرما ۵- سپهسالار ۶- وثوق الدوله ۷- علاء السلطنه ۸- عین الدوله ۹- علاء السلطنه ۱۰- مستوفی الممالک ۱۱- صمصام السلطنه ۱۲- وثوق الدوله. ۲۰- تغییر پایتخت از تهران به قم بعلت دخالت و فشار روس و انگلیس و تردید احمد شاه انجام نگرفت. برای آگاهی بیشتر رک: سپهر: ایران در جنگ بزرگ، ص ۲۷۹ و نیز میروشنیکف: ایران در جنگ جهانی اول، ص ۵۴.

م ۱۹۱۸ پس از قرارداد برست لیتوسک (Brest – Litovsk) بین آلمان و متحدینش با اتحاد جماهیر شوروی در برلین موقعیت بی‌سابقه‌ای را برای دولت انگلیس در جبهه غرب ایران ایجاد کرد. دولت انگلیس برای جلوگیری از نفوذ ترکها و آلمانها به قفقاز و در نتیجه دست یافتن به سواحل خزر و نزدیکی به هندوستان، به قوای خویش تحت فرماندهی ژنرال دنسترویل (L. C. Dunsterville) فرمان حرکت به نواحی شمال ایران و ماوراء قفقاز را داد (ژانویه ۱۹۱۸ م) و همین قواست که از طریق کرمانشاه، همدان، قزوین و خانقین و با توقفی طولانی در این ناحیه سرانجام بندر انزلی و نواحی قفقاز را پیموده و خود را به باکو رسانید. ژنرالهای دیگر انگلیسی جانشینی قوای دنسترویل در نواحی قفقاز را به عهده گرفتند و عملاً تا سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ م حتی پس از این که کابینه انگلستان به تخلیه آن نواحی تصمیم گرفت، (دسامبر ۱۹۱۸ م) در آن منطقه باقی ماندند. ۲۱ به این ترتیب مشخص می‌شود که با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، چگونه مناطق مختلف کشور بخصوص نواحی غربی مورد تجاوز قوای انگلیس قرار می‌گیرد. اگر چه غیر از انگلیسیها، بعثت ضعف دولت مرکزی این منطقه مدتهای مدید مرکز تاخت و تاز دولت آلمان و قوای ترک نیز بوده است.

قرارداد ۱۹۱۹ م ایران و انگلیس بار دیگر برقراری و نفوذ سیاسی بریتانیای کبیر را در ایران تقویت کرد به موجب این قرارداد، سازماندهی تشکیلات ارتش و خزانه ایران به دست مستشاران انگلیسی افتاد و بریتانیای کبیر پرداخت وامی به مبلغ دومیلیون لیره را برای کمک به ساختمان راه آهن ایران به عهده گرفت. ۲۲

قرارداد ۱۹۱۹ م یکی از ننگین ترین گامهایی بود که دولتمردان وقت ایران در راه اسارت سیاسی برداشتند. اگر جملات قرارداد را بشکافیم و آن را نه با زیرکی دیپلماسی بلکه با جملاتی ساده تر بازگو کنیم بغوی آشکار می‌شود که دولت انگلیس می‌خواسته که در حقیقت گرداننده سیاست داخلی و خارجی ایران باشد. حفاظت از مرزهای ایران (ماده ۳)، احداث خطوط راه آهن (ماده ۵) کلاً به دست مستشاران انگلیسی انجام می‌پذیرفت و در ازای اسارت سیاسی بیشتر و قرض، کلیه درآمد گمرکات و دیگر عایدات به آنان تعلق داشت و بدینسان بود که ورشکستگی اقتصادی ایران نیز کشور را از هر نوع فعالیت و بازسازی کشاورزی و صنعتی باز می‌داشت و به استعمار و استثمار انگلیسیها می‌کشانید. ماده ۶ ظاهراً اشاره‌ای مستقیم به چگونگی دخالت نمی‌کند.

«اما در عمل معلوم شد مقصود از معنای آن جملات چه بوده است.

۲۱- برای مطالعه بیشتر رک: دنسترویل «The Adventwes of Dunsterville»، لندن ۱۹۲۶ م. (این کتاب تحت عنوان «امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز» بوسیله حسین انصاری به فارسی ترجمه شده است. تهران ۱۳۵۸). همچنین رک: H. N. Curzon: *The last Phase, A Study in Post-War Diplomacy*, (London 1934).  
۲۲- رک: به ضمیمه شماره ۳ پژوهش حاضر، ص ۱۰۱.

برای تهیه تعرفه يك کمیسیون ۱۲ نفری که شش نفر آن انگلیسی و ۶ نفر ایرانی باشند مقرر شد، اما وثوق الدوله به جای ۶ نفر ایرانی ۵ نفر و آنهم بنا به دستور وی ۳ نفر خارجی مأمور در ایران انتخاب گردیدند که یکی هارت کنسول سابق انگلیس در قزوین بود که سمت مفتش مالیه را داشت و دومی هینسنس (Heynssens) مدیر گمرکات و سومی مولیتر مدیر پست و فقط دونفر ایرانی بودند... علاوه بر آن انگلیسی‌ها با بستن حقوق گمرکی گزاف به صادرات ایران از ورود امتعه داخلی ایران در بازارهای هند و عراق و سایر نقاط که در تسلط آنها بود بکاهند و مملکت را دچار فقر و بدبختی نمایند».<sup>۲۳</sup>

یکی از قراردادهایی که توسط وثوق الدوله بسته شد قرارداد ۱۹۱۶ م ایران و خوشناریای روسی است که بدان وسیله گامی دیگر در ورشکستگی اقتصادی ایران برداشته شد.<sup>۲۴</sup> خوشناریا امتیاز این قرارداد را به شرکت نفت ایران و انگلیس فروخت و همین امر مدتهای مدیدی مورد بحث و اعتراض دولتین شوروی و انگلیس بود که سرانجام موضوع قرارداد بین ایران و امریکا (کمپانی استاندارد اوایل) و (شرکت سینکالر) در زمان نخست‌وزیری احمد قوام (۱۲۰۵ / ۱۹۲۱) قرار گرفت<sup>۲۵</sup> و به کشته شدن سرکنسول امریکا در ایران، رابرت ایمبری (Robert Imbrie) منجر گردید.<sup>۲۶</sup>

نفوذ سیاسی - نظامی دولتهای روس، انگلیس و عثمانی در ایران در خلال جنگ جهانی اول به نابسامانی اقتصادی کشور منجر شد بطوری که ایرانیان بخصوص در نواحی اشغال شده قادر به برآوردن نیازهای غذایی خود نبودند و کمبود خواربار و قحطی، گرسنگی و مرگ عده بی‌شماری را به دنبال داشت. ژنرال دنسترویل که سرپرستی هیأت نظامی اعزامی به نواحی غرب ایران را به عهده داشت، علل قحطی و گرسنگی را چنین بر می‌شمارد:<sup>۲۷</sup>

- ۱- جنگ عمومی.
- ۲- نامساعد بودن اوضاع جوی و عدم ریزش باران کافی در سال قبل (۱۹۱۷ م).
- ۳- خرید عمده قشون روس و ترك.
- ۴- احتکار تجار.

۲۳- نقل از منشور گرگانی: سیاست دولت شوروی در ایران، (تهران ۱۳۲۶)، ص. ۲۴ و همچنین برای اطلاع بیشتر رك: مستوفی گرگانی: ابطال الباطل، (تهران ۱۳۳۶).

۲۴- رك: ضمیمه شماره ۴ پژوهش حاضر، ص ۱۰۲

۲۵- موضوع این قرارداد، دادن امتیاز حفاری و استخراج نفت در نواحی آذربایجان به انضمام اردبیل، خراسان و مازندران به انضمام تنکابن بوده است که مدت ۵۰ سال به امریکاییها تعلق می‌گرفت.

۲۶- حسین مکی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، (تهران ۱۳۵۷) ص ۹۲ و بعد.

۲۷- دنسترویل: امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز، ص ۱۳۸.

بدیهی است که به علل فوق باید خرید عمده قشون انگلیس را نیز اضافه کرد زیرا که در همین زمان قوای دنسترویل برای دست یافتن به نواحی نفت خیز قفقاز، بعلت وجود میرزا کوچک خان در سر راه خود، به اقامت چند ماهه در همدان مجبور گردیدند و از گرسنگی و درماندگی مردم غرب کشور استفاده کردند، در ازای غذا و پول مختصر، ساختن راههای شوسه اطراف همدان را برای استفاده نیروهای انگلیسی، و گذشتن از این منطقه خواستار شدند.<sup>۲۸</sup>

علاوه بر قوای انگلیس که بدین طریق به قحطی زدگان کمک می کرد گروهی نیز به نام «کمیته کمک ایران» از جانب مبلغان مذهبی آمریکایی تشکیل شده بود که هدف آن ظاهراً کمک به مردم گرسنه و قحطی زده ایرانی بود. ژنرال مارشال فرمانده ارتش بریتانیا مستقر در بین النهرین راجع به «کمیته کمک ایران» و «کمیته کمک ایران و آمریکا» که فعالیت خود را در نیویورک نیز آغاز کرده بود چنین می نویسد:

«در ماه سپتامبر یک گروه آمریکایی که خود را «انجمن مبارزه با قحطی در ایران» می نامید، وارد بغداد شد و من دستوراتی برای کمک به این گروه دریافت داشتم. البته من کمک کردم هر چند مطمئن بودم که هدف اصلی این گروه نفت بود و نه مبارزه با گرسنگی و قحطی، برخی از اعضاء این میسیون واقعاً با قحطی مبارزه می کردند اما رهبران آنها پس از آمدن به ایران بلافاصله با دولت وارد مذاکره شدند و سرانجام برای کمپانی استاندارد اویل امتیازاتی در شمال غرب ایران گرفتند».<sup>۲۹</sup>

نظری به ارقام صادرات ایران در خلال سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ م تا حدی روشنگر چگونگی موقعیت اقتصادی ایران است در خلال جنگ:

«صدور پنبه ایران از ۸۳ میلیون قران به ۲۵ میلیون قران، برنج از ۴۱ میلیون قران به ۲۰ میلیون و خشکبار از ۷۰ میلیون به ۴۸ میلیون قران کاهش یافت و دولت از پرداخت اقساط وامهای انگلیس و روس عاجز گردید. ۲۰ زمانی بود که در تهران قحطی و هرج و مرج حکمفرمایی می کرد و طبقات بی بضاعت از علف بیابانی و پوست خیک و لاشه حیوانات تغذیه می نمودند و برنج و جو نایاب بود».<sup>۳۱</sup>

به هر حال به علل مختلف: نبودن وحدت ملی و یکپارچگی کشور و موقعیت

۲۸- دنسترویل: امپریالیسم انگلیس در ایران...، ص ۱۴۰ و بعد.

۲۹- میروشنیکف: ایران در جنگ جهانی اول، ص ۱۰۲.

۳۰- بلوی: تاریخ ایران، ص ۴۱۸.

۳۱- فخرانی: سردار جنگل، (تهران ۱۳۵۷)، ص ۱۰۳.



خاص جغرافیایی - سیاسی ایران، بخصوص عدم ثبات دولت مرکزی در خلال این سالها، برای ملت ایران جز بدبختی و فقر ارمغان دیگری به دنبال نداشت و کشور ایران با وجود اعلام بی طرفی کامل، عملاً صحنه کشمکش دولتهای استعمارگر قرار گرفت. دولتهای روس و انگلیس نواحی شمال و جنوب و جنوب غربی و دولتهای آلمان و عثمانی منطقه غرب را درنوردیدند و حتی سالها پس از خاتمه جنگ و اعلام تخلیه ایران نیز این کشور پایگاهی برای پیشبرد مقاصد توسعه طلبی ارتشهای بیگانه به شمار می رفت.

## ۲- اوضاع اجتماعی ایران

دولت بریتانیا در نظر داشت با استقرار در ایران، کشور را به صورت پایگاه عملیاتی درآورد که راه ترانزیتی بریتانیا به هندوستان را میسر و هموار سازد تا بدین وسیله بتواند از ایران بعنوان وسیله ای برای توسعه طلبی سیاسی و اقتصادی خویش استفاده کند. سیاست توسعه طلبی روس نیز از بریتانیا کمتر نبود و نتیجه چنین رقابتهایی، تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ سیاسی و نظامی روس و انگلیس بود، دولت آلمان نیز سعی می کرد که از نفوذ این دونیرو بکاهد و نفوذ خویش را در کشور ایران گسترش دهد (کما این که پس از پایان جنگ اول جهانی و در خلال سالهای بعد، اقتصاد ایران را عملاً در اختیار داشت) و به همین جهت نیز اقدامات و عملیات خویش را در نواحی جنوبی ایران آغاز کرد.

پایان جنگ اول، می بایستی در عمل به حضور قوای بیگانه در ایران نیز پایان بخشد، اما هردو نیرو سالها پس از جنگ نیز در ایران حضور داشتند. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م روسیه، ارتش شوروی قوای خویش را از شمال ایران فرا خواند و تخلیه ایران از نیروهای شوروی در ۱۹۱۸ م انجام گرفت. از جانب دیگر کابینه انگلیس نیز در دسامبر ۱۹۱۸ م خواستار تخلیه قوای خود از ایران شد که نتیجه آن فقط بستن قرارداد ۱۹۱۹ م به توصیه لرد کرزن (Curzon) نایب السلطنه سابق هند و وزیر امور خارجه وقت بود و سربازان انگلیسی نه تنها از ایران خارج نشدند بلکه به دنبال سقوط آذربایجان آزاد در ۱۹۲۰ م و تعقیب قوای آنان، بهانه ای برای ورود مجدد قشون روسیه شوروی به ایران و استقرارشان در نواحی شمالی کشور گردید.

همزمان با این جابجایی قوای بیگانه در نواحی سرحدی ایران، کوششها و رویدادهایی نیز در داخل ایران در مقابله با رشد استعمارگرانه دولتها و مقابله با استبداد دولت مرکزی نضج می گرفت. جنبش جنگل یکی از این کوششهاست.

از جنبش جنگل تحت عناوین مختلفی مانند «شورش جنگل» «قیام جنگل» و یا «انقلاب جنگل» یاد شده است و بنابراین که نویسنده سرگذشت جنگل به کدام کشور وابسته بوده سعی کرده است که این جنبش را به کشورهای مختلف بیگانه مربوط سازد. به همین جهت توجه علاقه مندان را به نوشته های مستقیم همزمان میرزا-

کوچک‌خان از جمله «سردار جنگل» اثر ابراهیم فخرائی که خود از رهبران جنبش جنگل و نیز وزیر فرهنگ کابینه میرزا کوچک‌خان بوده است معطوف می‌داریم<sup>۳۲</sup>. میرزا کوچک‌خان<sup>۳۳</sup> فعالیت خود را در سال ۱۲۵۳ ش / ۱۹۱۴ م با تشکیل کمیته مرکزی ۷ نفری که اعضای آن مشخص نگردیدند در رشت آغاز کرد. جنگلیها سعی کردند که حتی الامکان نیازمندیهای دسته‌های مختلف خود را شخصا برطرف سازند. آنان البسه، کفش و کلاه خویش را بوسیله کارگاههای مختلف محلی تهیه می‌کردند اما از کمک مالی طرفداران خود بی‌نیاز نبودند. مبالغ جمع‌آوری شده علاوه بر صرف نیازهای جمعی آنان، به ساختن راههایی که از اهمیت خاص نظامی برای جنگلیها برخوردار بود، اختصاص داشت. دیگر منبع درآمد جنگل از عوارض کالا و یکدهم مبلغ ارزش آن به‌هنگام خروج آن از ناحیه بوده است و از همین محل بود که جنگلیها توانستند زمانی که قحطی و خشکسالی در ایران پیداد می‌کرد (۱۹۱۷-۱۹۱۸ م) و بسیاری از مردم در تهران در اثر گرسنگی می‌مردند، به کمک قحطی-زدگان بشتابند. علاوه بر سازمان مالی ذکر شده، سازمانهای دیگری مانند سازمان قضائی و پزشکی نیز وجود داشت که وظایف خویش را به بهترین وجه انجام می‌داد<sup>۳۴</sup>.

اولین تشکیلات اداری جنگلیها به سرپرستی حاجی احمد در کسما دایر گردید اما مرکز نظامی خویش را در گوراب زرمخ دایر کردند و ریاست مدرسه نظامی را

۳۲- همچنین «یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی» با عنوان «قیام جنگل» (تهران، ۱۳۵۷).  
 ۳۳- میرزا یونس معروف به میرزا کوچک فرزند میرزا بزرگ در رشت به سال ۱۲۵۹ شمسی / ۱۸۷۹ میلادی متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در رشت شروع کرد و با علوم دینی در تهران به پایان رسانید، اولین فعالیتهای سیاسی خود را در رشت تحت عنوان «مجمع روحانیون» با گروهی از طلاب آغاز کرد. میرزا در جوانی نیز با ستارخان همکاری می‌داشت. با به‌توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی‌شاه و سرانجام فرار وی به روسیه و بازگشت وی از ناحیه شرق دریای مازندران فعالیت مسلحانه میرزا کوچک‌خان نیز رنگ دیگری به‌خود گرفت و بالاخره به‌زخمی‌شدن وی در نواحی شرقی دریای مازندران به‌هنگام بازگشت محمدعلی‌شاه منجر گردید. وی پس از مداوا در بادکوبه به تهران آمد و با مشروطه‌خواهان همکاری کرد. بعدها میرزا کوچک‌خان به‌اتفاق عده‌ای به یزد تبعید شد اما وی از احمد قوام رئیس دولت وقت تقاضا کرد که در قم توقف کند و در نتیجه در آنجا ماندگار شد. اما به علت فعالیتها و کمکهای وی به انقلابیون کرمانشاه، به تهران منتقل و در باغشاه زندانی شد. میرزا کوچک‌خان پس از رهایی، فعالیتهای سیاسی خود را در ۱۲۹۵ ش برضد کشورهای بیگانه و ایادی آنان در ایران ادامه داد و همواره کوشید که دست مرتجعین و سوداگران داخلی و خارجی را از ایران دور سازد. مبارزات میرزا کوچک‌خان، با همه تلاشها و با دستگیری و اعدام وی در ۱۳۰۰ ش به‌پایان رسید.

۳۴- رزمندگان جنگل آرمانهای خویش را بوسیله نشریه‌ای به‌نام «جنگل» که در سال ۱۳۳۵ هجری قمری تأسیس شد، منتشر می‌ساختند. این نشریه هفته‌ای یکبار در کسما به چاپ می‌رسید. این هفته‌نامه از همان ابتدا خط مشی مشخصی داشت: بررسی اوضاع سیاسی ایران، نقد و انتقاد از حکومت مرکزی، وجود دولتهای بیگانه در ایران و بازگو کردن سیاست آنان در کشور از موضوعات بارز این هفته‌نامه بود حتی اشعار و سرودهایی که در آن به چاپ می‌رسید همین هدف را در مد نظر داشت. نشریه «جنگل» متأسفانه نتوانست بیش از دو سال «نکبتهای حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان» باشد و در مجموع پس از انتشار ۳۵ شماره تعطیل شد. این نشریه در سال ۱۳۵۸ بطریقه افست تجدید چاپ شد.

یک سرگرد آلمانی به نام ویلیام فن پاشن (Von Paschen) به عهده داشت و سایر فنون و تعلیمات نظامی بوسیله چند اتریشی به نامهای استریخ، (Osterich)، اشنایدر (Schneider) و والتریخ (Wa terich) تعلیم داده می شد<sup>۳۵</sup>. ایرانیانی نیز مانند علی اکبر سیاهپوش، نصرت الله آزادراه، علی اکبر آبزرشکی و سلطان داود شاهپور مختاری در تشکیلات نظامی میرزا کوچک خان همکاریهای لازم را داشتند<sup>۳۶</sup>. در این زمان سران «هیئت اتحاد اسلام» را بیشتر روحانیان تشکیل می دادند که اعضای دیگر با این امر مخالف بودند تا این که نام «هیئت اتحاد اسلام» به «کمیته اتحاد اسلام» تبدیل شد و غیر روحانیون اکثریت را در کمیته تشکیل دادند. غیر از ۲۷ عضو اصلی، کمیته چندین عضو افتخاری نیز داشت<sup>۳۷</sup>. و کلیه تصمیمات از طریق این کمیته انجام می گرفت.

برنامه «کمیته اتحاد اسلام» براساس مبارزه با رژیم ارتجاعی دولت مرکزی و نفوذ بیگانگان در ایران قرار داده شد. هدف، استقلال کامل ایران تحت موازین و شعائر اسلامی بود و بطور کلی:

« برنامه کمیته مزبور بالاتر از همه مبتنی بر احساسات ملی و میهن پرستانه بود و در میان اعضای کمیته احسان الله خان بیشتر از همه گرایشهای اصلاح طلبانه متمایل به سوسیالیسم داشت<sup>۳۸</sup> ».

شرح کشمکشهای بیگانگان با مبارزان جنگل و شکست جنگلیها به علت عدم آشنایی با جنگهای چریکی و عدم دسترسی به اسلحه سنگین، ضعف و رکودی در سازمان جنگل به وجود آورد. پایان جنگ بین الملل اول (۱۹۱۸ م) و تثبیت موقعیت سیاسی انگلیس در جهان، حکومت مرکزی ایران را نیز تحت الشعاع خود قرار داد. دولت مرکزی ایران به ریاست وثوق الدوله عامل مهمی در استحکام این دولت بیگانه بود که نقشه اشغال گیلان را طرح و وثوق الدوله و ایادی وی را در اجرای نقشه خویش هدایت کرد. فخرائی از نامه «اتمام حجت» انگلیسیها در کتاب خویش بتفصیل در طی چندین صفحه یاد می کند<sup>۳۹</sup>. که چه گونه آنان از اختلاف داخلی سران جنگل استفاده کرده، سرانجام حاجی احمد کسمائی را وادار به تسلیم کردند که خود در به هم خوردگی سازمان جنگل تأثیر بسزائی داشت. محاصره مبارزان جنگل از راه زمین و هوا توسط قوای ایرانی و انگلیسی نیز همزمان با تسلیم شدن حاجی احمد کسمائی قوت گرفت که باعث جابجایی و پیوستن دستجات جنگلی ناحیه

۳۵- در کتاب «قیام جنگل» ص ۶۶ نوشته میرزا اسماعیل جنگلی با مقدمه ای از اسماعیل رائین علاوه بر افسران آلمانی و اتریشی از افسران ترك نیز یاد می شود که در تعلیمات افراد جنگل نقش مهمی داشته اند.

۳۶- ر.ک: فخرائی، سردار جنگل، ص ۹۳ و بعد.

۳۷- همانجا، ص ۹۷.

۳۸- لنجوفسکی: رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه رائین (تهران ۱۳۵۶)، ص ۹۶.

۳۹- فخرائی: سردار جنگل، ص ۱۶۳ و بعد.

فومنات به لاهیجان گردید. این جابجایی بر اثر حملات هوایی انگلیسیها به هنگام گذشتن قوای جنگل از سفیدرود تلفات بسیاری را به دنبال داشت. جنگهای پراکنده‌ای که به هنگام مهاجرت میرزا کوچک‌خان در نواحی جواهردشت پیش‌آمد، ضربه دیگری به نیروی جنگل بود. خبر تسلیم‌شدن دکتر حشمت و اعدام وی در ۴ اردیبهشت ۱۲۹۷ ش بار دیگر مقاومت جنگل را کاهش داد. وضع میرزا و طرفدارانش رضایتبخش نبود، کمبود مواد غذایی، نابسامانی و تغییر جا، آنان را خسته و درمانده کرده بود و آخرین مقاومت آنان نیز در هم شکسته شد و سرانجام میرزا دوستان را به پراکنده‌شدن دعوت کرد و خود با تعداد قلیلی مجدداً از سفیدرود گذشته و به محل مهاجرت باز گردید. بازگشت و وجود احسان‌الله‌خان و خالوخان در جنگل قوت قلبی برای میرزا بود، اما حکومت مرکزی بوسیله سردار معظم‌در گیلان حکومت نظامی را ابقاء کرد و مجازات سختی برای کسانی که به جنگلیان کمک کنند، در نظر گرفت. به شهادت فخرانی<sup>۴۰</sup> در این زمان از جانب دولتهای بیگانه به میرزا پیشنهاد کمک می‌شد که میرزا آن را نپذیرفت.

ورود ارتش شوروی به ایران در ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ ش / ۱۸ مه ۱۹۲۰ م آغازگر اتفاقات تازه‌ای است. بهانه ورود ارتش شوروی وجود ژنرال مخالف دولت شوروی یعنی دنیکن (Daniken) بود که هنوز با آخرین قوا در سواحل غازیان به مقابله پرداخته بود و سرانجام نیز به کمک انگلیسیها به بغداد رفت و سواحل انزلی تحت نفوذ و محل تاخت و تاز ارتش شوروی قرار گرفت. از اولین اقدام نیروهای شوروی ابراز علاقه‌مندی به دیدار میرزا بود که در کشتی کورسک قوای شوروی انجام گرفت در این دیدار پیشنهاد همکاری با ارتش شوروی به میرزا داده شد، اما میرزا چون مذهبی بود و «به‌همین جهت کمونیسم را با افکارش سازگار نمی‌دید اصرار داشت که تا مدتی بایستی از تبلیغات مسلکی صرف‌نظر نمود»<sup>۴۱</sup>. مدتی بعد میرزا وجود «کمیته انقلاب» را اعلام داشت و حکومت موقت جمهوری گیلان را به آگاهی مردم رسانید. آنچه که بعدها باعث دودستگی و انشعاب جمهوری گیلان گردید، تندرویهای احسان‌الله‌خان و ایستادگی میرزا به‌خاطر مذهب بود. لنجوفسکی به‌مسأله «فراموش کردن مذهب» از جانب بعضی از یاران میرزا کوچک‌خان اشاره می‌کند.<sup>۴۲</sup> این‌گونه نظریات مسلماً به‌پیشوای جنگل گران می‌آمد و احساس می‌کرد که اقداماتی جهت عکس‌نظریاتش که از پیش اعلام کرده بود، صورت می‌گیرد<sup>۴۳</sup> و همین امر باعث گردید باوجودی که جمهوری گیلان گسترش یافته بود و ناحیه مازندران را نیز زیر پوشش خویش داشت، زمام امور از دست دولت انقلابی خارج

۴۰- فخرانی: سردار جنگل، ص ۲۱۷ و بعد.

۴۱- فخرانی: همان کتاب، ص ۲۵۰.

۴۲- اشاره به مذهب در ترجمه فارسی کتاب «رقابت روسیه و غرب در ایران» نوشته لنجوفسکی ترجمه اسماعیل رائین گنجانده نشده است. برای اطلاع از متن کامل این موضوع رک: Lenczowski, Russia and the West In Iran, P. 57

۴۳- فخرانی: سردار جنگل، ص ۲۶۹.

گردد. نابسامانیهای داخلی در تشکیلات جنگل، تأخیر تخلیه ایران از قوای انگلیسی و قوای همسایه شمالی، ضعف بیشتر جنگلیان را باعث گردید تا سرانجام به ازم پاشیدگی قیام جنگل و پایان این نهضت عظیم منجر گردید.

پیکارهای رهایی بخش مردم ایران به قیام جنگلیان منحصر نمی گردد. در سال ۱۳۹۹ ش ۱۹۲۰ م مردم تبریز نهضتی علیه استبداد دولت مرکزی به رهبری یکی از روحانیون مبارز تبریز، شیخ محمد خیابانی<sup>۴۴</sup> آغاز کردند. خیابانی تشکیلات حزب دمکرات و شعبات آن را مجدداً دایر کرد و به تظاهرات گسترده ای برضد حکومت ارتجاعی زمامداران وقت و قراردادهای استعمارگرانه آنان (قرارداد ۱۹۱۹ م. ایران و انگلیس در زمان وثوق الدوله) قیام کرد و در آذربایجان اعلام جمهوری کرد و آن را «آزادیستان» نامید.

جمهوری آذربایجان<sup>۴۵</sup> و اعلام خودمختاری بهانه خوبی برای قوای شوروی که از زمان فعالیت های جنگل در گیلان مستقر بود، به شمار می رفت. بدین جهت ارتش شوروی سعی کرد که حیطه عملیات خود را به آذربایجان گسترش دهد اما بعلمت مخالفت مردم و عدم همکاری با آنان، قوای شوروی در این ناحیه موفقیت چندانی نداشت<sup>۴۶</sup>. سرانجام دخالت دولت مرکزی به کمک ارتش تجهیز شده توسط انگلیسیها و ضعف داخلی قوای خیابانی و کمک مخبر السلطنه استاندار آذربایجان به دولت مرکزی، شهر تبریز در پاییز ۱۳۰۹ ش / ۱۹۲۰ م اشغال گردید و مقاومت خیابانی و پیروان وی درهم شکسته شد و بدین ترتیب قیام وی و مردم آذربایجان پایان یافت.

قیام خیابانی چند سال بعد به رهبری لاهوتی نضج گرفت اما این قیام نیز دوام چندانی نداشت و پس از محاصره تبریز در ۱۳۰۱ ش / ۱۹۲۲ م، درهم کوبیده شد و لاهوتی نیز به شوروی پناهنده گردید<sup>۴۷</sup>.

در این جا لازم است که به یکی دیگر از نهضت های مردم ایران برضد قوای

۴۴- شیخ محمد خیابانی بسال ۱۲۹۷ ش در قصبه خامنه از توابع ارومق تبریز به دنیا آمد. وی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در روسیه و ایران تحصیلات خویش را در علم حکمت و ادبیات به پایان رساند. خیابانی در انقلاب مشروطه فعالیت داشت و نمایندگی مجلس دوم را دارا بود و در تبریز نیز همگام با مردم علیه حاکم آذربایجان به پا خاست (۱۲۸۷ ش). وی در جنگ جهانی اول ۲ ماه به دست ترکان در قارص اسیر و زندانی بود. پس از رهایی مجدداً فعالیت های سیاسی خویش را آغاز کرد و رهبری آن را به عهده گرفت. خیابانی در پائیز ۱۳۰۹ ش در خانه شیخ حسن میانجی در تبریز دستگیر شد و با نابودی وی قیام تبریز نیز پایان گرفت. برای آگاهی بیشتر از زندگانی شیخ محمد خیابانی رک: شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به قلم چند نفر از دوستان او، (برلین ۱۳۰۴) و (تهران ۱۳۵۱) و نیز آذری شیخ محمد خیابانی، (تهران ۱۳۵۴).

۴۵- در جمهوری آزادیستان دو نشریه که مربوط به حزب دمکرات بود به چاپ می رسید. یکی از آنها روزنامه تجدد بود که نطقها و مقالات خیابانی در آن به چاپ می رسید و دیگری مجله «آزادیستان» به مدیریت میرزا تقی خان رفعت که بیانگر عقاید جوانان عضو حزب بود.

۴۶- عدم استقبال مردم از همکاری با بلشویکها در شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی: ص ۳۵ شرح داده شده است.

۴۷- لنچوفسکی: رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۱۰۳.

بیگانه اشاره گردد. این قیام وطن پرستانه در خراسان و به رهبری کلنل محمدتقی خان پسیان (سلطان زاده) بود. وی از افسران ژاندارمری بود که در عملیات نظامی علیه روس و انگلیس در قزوین و کرمانشاه در زمان جنگ جهانی اول شرکت داشت و پس از اشغال کرمانشاه بوسیله قوای روس در ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م، به آلمان رفت. او پس از بازگشت، در تهران و خراسان علیه حکومت مرکزی به پا خاست و نجات ایران از قوای اشغالگر و اجرای قوانین مشروطه را خواستار شد<sup>۴۸</sup>. در بهار ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م، مردم قوچان و شیروان تحت سرپرستی یکی از سران کرد به نام خداوردی از ایل زعفرانلو و دیگر سران از جمله الله وردی، مرسل، دین محمد و حضرتعلی به تحریک شوروی<sup>۴۹</sup> دست به تظاهرات و قیام برضد زمین داران محلی و اشغالگران انگلیسی زدند. دامنه این اعتراضات گسترش یافت و ناآرامیهای خراسان را قوام بخشید. کلنل پسیان که خود از دستورهای حکومت مرکزی (بعلت عزل از سمت خود) سرپیچی می کرد، «کمیته ملی» مشهد را تشکیل و به مبارزه ادامه داد. کلنل پسیان در یکی از برخوردهای افراد ژاندارمری با افراد ناآرام قوچان در ناحیه جعفرآباد به ضرب گلوله کشته شد و با مرگ وی نیز این نهضت پایان یافت<sup>۵۰</sup>.

ذکر جنبشها و مقایسه آنان با یکدیگر علاوه بر وجوهی مشترک، مانند عدم گرایش به کشورهای بیگانه، آزادی خواهی، مبارزه برای عزل دولتهای ارتجاعی و غیر آن دارا می باشند، وجه مشترک دیگری را نمایانگر می سازد و آن رنگ مذهبی اکثر این نهضت است<sup>۵۱</sup>. در گذشته دور ایران نیز، مذهب همواره نقش اساسی خویش را داشته است و در حقیقت به صورت یک حکومت دینی تجلی داشته و رمز موفقیت بسیاری از نهضتها علیه استبداد و طبقات حاکمه به شمار می رفته است. در عصر صفوی نیز بعنوان سدی در جهت جلوگیری از حمله ترکان به کار برده شد و اصولا اگرچه گاه از این گرایش معنوی به نحو دیگری بهره برداری شده، اما جنبه ها و تأثیر

۴۸- برای آگاهی از وقایع و رویدادهای خراسان به منابع زیر رگ: علی آذری: کلنل محمدتقی خان پسیان تهران ۱۳۵۷؛ محمدتقی بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران ۱۳۵۲، ص ۱۵۰ و بعد و نیز کلنل محمدتقی خان پسیان، به قلم چند نفر از دوستان وی، برلین ۱۳۰۶ ش.

۴۹- لنچوفسکی: رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۱۰۲.

۵۰- محمدتقی خان پسیان در ۱۲۷۱ ش در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خود را در همان شهر گذراند. وی با وجود زندگی نظامی، به ادبیات و موسیقی علاقه فراوان و به زبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی و روسی آشنایی داشت. علاقه وی به ادبیات باعث شد که آثاری چند به نظم و نثر از وی به یادگار بماند که از آن جمله ژنویو اثر لامارتین و حکایاتی برای کودکان را باید نام برد.

۵۱- در اوایل قرن بیستم جنبشهای دیگری نیز در ایران فصح گرفت که رنگ مذهبی نداشت و بتدریج فعالیت بیشتری از خود نشان دادند. برای آگاهی بیشتر رگ: ابیوانف، تاریخ نوین ایران، رضا زاده ملک: چکیده انقلاب حیدر عمواغلی، تهران ۱۳۴۲، عبدالله یف: صنایع ایران و تولد طبقه کارگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم. در کتاب آگاه، (تهران ۱۴۶۰) و کامبخش: نظری به جنبش کارگری در ایران، (تهران ۱۳۵۷).

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنرا نباید نادیده گرفت<sup>۵۲</sup>. مذهب در حیات اجتماعی ایران و در يك روند تدریجی، بخش عظیمی از معنویات جامعه در زمینه‌های فعالیت فکری، بخصوص در هنر و ادبیات را، بخود اختصاص داد.<sup>۵۳</sup> درمقطع زمانی، دهه آخر قرن بیستم تا سالهای جنگ جهانی دوم، که در پیشگفتار بدان اشاره شد، تأثیر و ویژگی مذهب در بازتاب وقایع اجتماعی و قدرت سیاسی آن به چشم می‌خورد. بطور نمونه جنبش تنباکو ۱۰-۱۳۰۷ ق / ۹۲-۱۸۹۱ م در مخالفت با اعطای امتیاز انحصار تنباکو به يك شرکت انگلیسی راباید نام برد که به شکست دولت و پیروزی مخالفین انجامید و مسلماً این پیروزی بدون حمایت روحانیان، چنین موفقیت‌آمیز نبود. در ۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۶ م. روحانیان و آزاداندیشان به برقراری حکومت مشروطه موفق شدند. به هر حال روحانیت مبارز در تحولات اجتماعی ایران سهم بزرگی داشته است<sup>۵۴</sup> و در دوران اشغال ایران و قراردادهای مغرضانه بیگانان نیز همگام با مردم، زبان به اعتراض گشوده است و مردم ایران مبارزات آنان را در مورد عدم وابستگی و آزادی کشور فراموش نخواهند کرد<sup>۵۵</sup>.

۵۲- برای آگاهی پیرامون سیاست مذهبی ایران در دوران صفوی رک: مریم میراحمدی: دین و مذهب در عصر صفوی. (تهران، ۱۳۶۳).

۵۳- مریم میراحمدی: «تأثیر و نفوذ مذهب در آثار آل احمد، سخن، شماره ۱۰ (تهران ۱۳۵۷).

۵۴- برای آگاهی بیشتر از رابطه دین و سیاست بطور کلی و نیز در گذشته ایران تا دوران مشروطیت برخی از منابع معرفی می‌گردند:

میرزا ابوالقاسم شیخ‌الرئیس، اتحاد اسلام، بمبئی ۱۸۹۵؛

محمدباقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تهران ۱۳۰۴ ق؛

ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو یا اولین مقاومت منفی در ایران، تهران ۱۳۲۸؛

نیکو کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه قائم مقامی، تهران ۱۳۵۶؛

عبداللهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، ۱۳۶۰؛

عبدالرفیع حقیقت، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان، تهران ۱۳۵۷؛

مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران ۱۳۵۷؛

ابراهیم صفائی، رهبران مشروطه، تهران ۱۳۴۳؛

حامد الکار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران، تهران ۱۳۵۶؛

محمدحسین نائینی: تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه محمود طالقانی، (تهران ۱۳۶۰).

۵۵- حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، تهران ۱۳۵۸.

# فصل اول

## نقش انگلیس در ایران

### ۱- تماس با ایرانیان

ذکر تماس انگلیسها و الزاماً کمپانی هند شرقی با ایرانیان اعم از تماسهای بازرگانی و یا دیپلماسی از آغاز تا قرن بیستم جهت آشکار شدن زمینه انعقاد بعضی از قراردادهای استعمارگرانه انگلیس (ازجمله قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ م) با این گونه فرستاده‌ها بستگی کاملی دارد و بعضی از آنها، بانیان و یا حداقل مشوقین این قراردادها بوده‌اند. در ۹۰-۶۸۹ ق / ۹۱ - ۱۲۹۰ م از جانب ادوارد اول پادشاه انگلیس، در پاسخ نامه ارغون (۹۰ - ۶۸۳ ق / ۹۱ - ۱۲۸۴ م) که توسط ربان سوما (R. Suma) راهب نستوری در ۶۸۶ ق / ۱۲۸۷ م به دست وی رسیده بود، فرستاده‌ای به نام جفری لنگلی (Geoffrey Langley) و نیکلاس شارتز (Nicholas Chartres) در يك هیأت ۲۱ نفری به دربار شاه مغول فرستاده شد تا از کمک نظامی ایران علیه ترکان برخوردار گردد اما به هنگام رسیدن این فرستاده به ایران، ارغون‌شاه در گذشته بود. بعدها انگلیسی دیگری در سال ۹۶۷ ق / ۱۵۶۲ م از جانب ملکه الیزابت اول به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت که به شرکت معروف مسکووی (Moscovy Co.) وابسته بود و آنتونی جنکینسن (A. Jenkinson) نام داشت.

وی را باید از پیشروان بازرگانی غرب در شرق دانست. اگرچه سفر وی به دربار صفوی موفقیت آمیز نبود اما وی چند سال بعد مقدمات سفر هیأت دیگری به سرپرستی توماس الکاک (Thomas Alcock) را فراهم آورد. این هیأت به دربار صفوی رسید اما آرتور ادواردز (A. Edwards) به سال ۷۶-۹۷۳ ق / ۶۸-۱۵۶۶ م از شرکت مسکووی به دریافت فرمانی از شاه طهماسب موفق گردید که به موجب آن شرکت مذکور از پرداخت عوارض گمرکی معاف بود و همچنین از ایران اجازه صدور ابریشم خام را دریافت کرد. بعدها بازرگانان انگلیسی دیگری مانند

---

۱- شرکت مسکووی متشکل از گروهی بازرگان انگلیسی بود که با روسیه تجارت می کردند و جنکینسن را نظر به این که توانسته بود در ۱۵۵۳ م از سلطان سلیمان پادشاه عثمانی معافیت باج و عوارض دریافت کند و شهرت زیادی در آن نواحی کسب نماید، به شرکت خود دعوت کردند و جنکینسن با سمت فرماندهی کل ناوگان بازرگانی شرکت مسکووی در ۱۵۵۷ م کار خود را با آنان آغاز کرد.



ریچارد واتس (R. Watts) و کریستفربارو (Ch. Burrough) در سال ۹۸۹ ق / ۱۵۸۱ م موفق شدند که از ایران دیدار کنند. از جمله انگلیسیهای دیگر دو برادر به نامهای آنتونی و رابرت شرلی (Anthony, Robert Sherly) بودند که در جمع هیأتی ۲۶ نفری به سال ۷ - ۱۰۰۶ ق / ۱۵۹۸ م در قزوین به دیدار و جلب توجه شاه عباس موفق گردیدند و حتی توانستند به عنوان سفیر شاه عباس به دربار انگلیس راه یابند. پس از مرگ آنتونی شرلی در اسپانیا، رابرت شرلی توانست پیغام و نامه های دوستی شاه عباس را به جیمزاول پادشاه انگلیس برساند. در این نامه ها شاه عباس، متعهد شده بود از بازرگانان انگلیسی که در ایران به تجارت بپردازند، عوارض دریافت نشود.<sup>۲</sup> همچنین در زمان شاه عباس بود که پای بازرگانان کمپانی هند شرقی (East India Co.) به سواحل ایران باز شد. کمپانی هند شرقی که بنا به توصیه رالف فیچ (Ralph Fitch) بازرگان انگلیسی وابسته به شرکت ترکیه، تشکیل شده بود، توانست در سورات هندوستان پایگاه محکمی جهت فروش کالاهای انگلیسی در شرق بیابد. در ۱۰۲۴ ق / ۱۶۱۵ م نمایندگان کمپانی هند شرقی ریچارد استیل (Ridard Steel) و جان کرودر (John Crowder) در اصفهان به حضور شاه عباس رسیدند.

یک سال بعد یعنی در زمستان ۱۰۲۵ ق / ۱۶۱۶ م یک کشتی به نام «جیمز» با کالای زیاد دربندر جاسک لنگر انداخت. به همراه این کشتی دو بازرگان انگلیسی به نامهای ادوارد کاناک (E. Connock) و توماس بارکر (Thomas Barker) بودند که در اصفهان به دربار شاه عباس بار یافتند. دو سال بعد کمپانی هند شرقی در جاسک دفتر بازرگانی دایر کرد و در شیراز و اصفهان نیز نمایندگی خود را افتتاح کرد. از مدتها پیش پرتغالیها نیز در سواحل خلیج فارس و جزیره هرمز به بازرگانی پرداخته بودند. پس از پیروزی شاه عباس بر پرتغالیها، کمپانی هند شرقی مرکز فعالیتهای خلیج فارس گردید و دفتر دیگری را در بندرعباس (گمبرون) افتتاح کرد و تا سال ۱۱۷۷ ق / ۱۷۶۳ م که به بندر بصره در خاک عثمانی نقل مکان کرد، در بندرعباس باقی ماند. کمپانی هند شرقی بعدها دفتر دیگری در بوشهر باز کرد و در زمان کریم خان زند (۱۷۴۹-۷۹ م حکومت) موفق به دریافت معافیت گمرکی جهت صادرات و واردات گردید و در حقیقت تنها وارد کننده منسوجات پشمی بود.

در ۱۱۹۲ ق / ۱۷۷۸ م کمپانی هند شرقی دفتر اصلی خود را از بصره به بوشهر منتقل کرد و خلیج فارس و سواحل ایران برای انگلیس اهمیت تجاری بیشتری یافت. گسترش حوزه عملیات کمپانی هند شرقی، مسراودت انگلیس و

۲- در زمان شاه عباس نماینده ای از دربار چارلز اول (۱۶۴۹ - ۱۶۲۵ م) پسر جیمز اول به نام داد مرکتن (D. Cotton) به ایران فرستاده شد. وی به گرفتن امتیازاتی موفق نشد و به هنگام بازگشت به انگلستان به اتفاق همسفرش رابرت شرلی در قزوین بیمار شد و در همان جا به سال ۱۶۲۸ م درگذشت.

ایران را از جهت تجاری خود به آغاز روابط دیپلماسی تغییر داد. علاقه روسیه به آبهای گرم در جنوب و توجه ناپلئون پس از پیروزی بر مصر و احتمال حمله به هندوستان از طریق ایران و در مخاطره بودن منافع انگلیس و کمپانی هند شرقی، انگلیسیها را برآن داشت که روابط خویش را با ایران و کشورهای مذکور بر پایه محکمتر سیاسی بنا کنند تا بدین وسیله بتوانند تسلط خود را در نواحی هندوستان حفظ کنند. به دنبال چنین هدفی هیاتی به ریاست جان ملکم (John Malcolm) در زمستان ۱۲۱۴-۵ ق / ۱۸۰۰ م از بمبئی به ایران فرستاده شد که از طریق بوشهر، شیراز، اصفهان به تهران رسیدند. ملکم به بستن پیمان نامه ای با فتحعلی شاه قاجار (۱۸۳۴ - ۱۷۹۷ م حکومت) موفق شد که به موجب آن هندوستان را به هنگام حمله حکام افغان مورد حمایت قرار دهد و نیز از اقامت فرانسویان در ایران جلوگیری به عمل آورد. همچنین انگلستان متعهد می گردید که اگر ایرانیان مورد حمله افغانها و یا فرانسویها قرار گیرند، در تجهیزات جنگی از ایران حمایت کند. کمپانی هند شرقی به موجب این پیمان نامه از امتیازات خاصی برخوردار گردید.

انجام تعهد کمک انگلیس به هنگام حمله روسها به نواحی قفقاز ایران و کمک نظامی فرانسه به ایران باعث گردید که ایران به قوای فرانسه اجازه دهد تا برای حمله به هندوستان از طریق ایران عبور کنند. بدیهی است که این تغییرات، انگلیس را به تکاپوی سیاسی بیشتری ناگزیر ساخت و جان ملکم برای بار دوم از هندوستان<sup>۳</sup> و هاردفورد جونز (Hardford Jones) از جانب جرج سوم (۱۸۲۰ - ۱۷۶۰ م) پادشاه انگلستان راهی ایران شدند. ابتدا ملکم به ایران رسید و تقاضای اخراج فرانسویان را کرد، اما پس از این که تقاضای وی مورد قبول فتحعلی شاه قرار نگرفت، به هندوستان باز گشت. ورود جونز مصادف با عدم اجرای تعهد فرانسه در قبال حملات روسیه به سواحل غربی دریای مازندران و کمک به ایران بود، لذا جونز در آغاز بهار ۱۲۲۴ ق / ۱۸۰۹ م موفق به انعقاد موافقت نامه ای با فتحعلی شاه گردید که به موجب آن کلیه پیمانهای قبلی با کشورهای اروپایی لغو گردید و هیچ کشور اروپایی اجازه عبور از ایران برای رسیدن به هندوستان را نداشت. کشور ایران تعهد کرد از روابطی که برای انگلستان زیان آور باشد، پرهیز کند و نیز اگر هندوستان مورد حمله افغانها و یا هر کشور دیگر قرار گیرد، کمک نظامی کند. دولت انگلستان نیز متعهد شد که حاکمیت ایران بر خلیج فارس را بپذیرد و در صورت حمله یکی از کشورها ولو متحدین انگلیس، به ایران کمک نظامی کند. مادامی که ایران در حال جنگ با فرانسه است سالانه مبلغی معادل صد هزار لیره انگلیسی به ایران بدهد و در اختلافات ایران و افغانستان، قبل از

۳- جان ملکم سه بار و هربار به عنوان فرستاده کمپانی هند شرقی به ترتیب در ۱۸۰۰، ۱۸۰۸، ۱۸۱۰ و ۱۸۱۰ میلادی به ایران آمد. وی در سال ۱۸۸۳ م درگذشت.

درخواست میانجیگری هردو کشور مداخله نکند.<sup>۴</sup> جانشین جونز، سرگور اوزلی (Gore Ouseley) بود که از جانب دولت انگلستان به ایران آمد. وی متن موافقتنامه جونز را با تغییراتی به همراه داشت که سرانجام در ۱۲۲۷ ق/ ۱۸۱۲ م به صورت پیماننامه‌ای به امضا رسانید.<sup>۵</sup> این تغییرات شامل مبلغ متمهد شده از جانب انگلستان از صد هزار به صد و پنجاه هزار لیر بود و نیز انگلستان پیشنهاد ساختن يك قرارگاه دریایی در خلیج فارس و دریای مازندران را به ایران داد و نیز افسرانی را جهت آموزش ارتش ایران فرستاده بود. با شروع جنگ بین ایران و روسیه، سربازان انگلیسی به شرکت در جنگ مجبور شدند و نظر به این که انگلیس در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ م قرارداد دوستی با روسیه بسته بود و جنگیدن سربازان انگلیسی در کنار ایرانیان علیه سربازان روسی عواقب ناگواری برای انگلیس به دنبال داشت، گور اوزلی فتحعلی‌شاه را به امضای عهدنامه گلستان مجبور کرد.

قرارداد دوستی ۱۸۱۲ م انگلیس و روس، کشور انگلیس را برآن داشت که فرستاده‌ای به نام سرهنری الیس (Henry Ellis) را به ایران گسیل دارد،<sup>۶</sup> تا در متن پیماننامه ۱۸۱۲ م ایران و انگلیس تغییراتی دهد. وی موفق شد که متن دومی از پیماننامه مذکور را به نام «پیمان تهران» در ۱۲۲۹ ق/ ۱۸۱۴ م به امضارساند. این تغییر شامل کاهش کمکهای نظامی انگلیس به ایران می‌شد. در مرحله دوم جنگ ایران و روس کشور انگلیس از کمک به ایران سر باز زد و وزیرمختار انگلیس مک دونالد (John Macdonald) در امضای عهدنامه ترکمانچای نقش مهمی داشت.<sup>۷</sup> در اواسط قرن نوزدهم (۱۸۵۷) انگلیس به تأسیس خط تلگراف لندن و هندوستان از طریق ایران و خلیج فارس موفق شد. علاوه برآن، فعالیتهای بازرگانی شرکتهای مختلف انگلیسی در ایران افزوده شد و انگلیسها توانستند امتیازات فراوانی به دست آورند.

تا آغاز قرن بیستم نمایندگان و وزرای مختار بسیاری از جانب بریتانیا به

۴- برای آگاهی از جزئیات این توافقنامه که ابتدا بین میرزا ابوالحسن خان شیرازی و سر هارد فورد جونز در تهران به امضاء رسید رک:

C. U. Aitchison: *A Collection of Treaties, Engagements and Sanads relating to India and neighbouring countries*, Vol 13 (Calcutta 1933).

۵- این پیماننامه که به نام پیماننامه مفصل نیز معروف است توسط میرزا محمدشفیع خان صدراعظم امضا شد.

۶- جانشینان اوزلی به ترتیب جیمز موریه (James Morier) و هنری ویلاک (Henry Willock) بودند که هر دو به اتفاق اوزلی در ۱۸۰۸ به ایران آمده بودند.

۷- جانشین وی جان کمپل (John Campbell) بود که از ۱۸۲۶ در هیأت نمایندگی مک دونالد مشغول به کار بود. پس از کمپل، هنری الیس مجدداً (۱۸۳۵) بعنوان سفیر به ایران آمد و پس از بازگشت وی به لندن، دکتر جان مک نیل (John Mc Neill) معاون کمپل به سمت وزیر مختار تام‌الاختیار منصوب گردید (۱۸۳۶) وی در مذاکرات عهدنامه ترکمانچای نقش مهمی داشت و نیز پزشک دربار قاجار بود.

ایران فرستاده شدند<sup>۸</sup>، اما سر هنری دراموند وولف (H. Drummond Wolff) بعلت نقشی که در اعطای بعضی از امتیازات به انگلیسیان داشت، قابل توجه است. وولف در آغاز ورود به ایران، ناصرالدین شاه را به انگلستان دعوت کرد و موجبات سفر سال ۱۳۰۶-۷ ق / ۱۸۸۹ م را بوجود آورد. وولف اگر چه تا ۱۸۹۰ م به سمت نماینده بریتانیا بود اما تا سالها پس از آن ردپای وی در سیاست انگلیس در ایران به چشم می‌خورد. وی در مسأله بلوچستان و تعیین مرز ایران و افغانستان که به سال ۱۳۰۸-۹ ق / ۱۸۹۱ م آغاز شد و تا سال ۱۳۲۳ ق / ۱۹۰۵ م طول کشید، نقش داشت<sup>۹</sup>. همچنین وی به بازکردن رود کارون بر روی کشتیرانی خارجیان موفق گردید و نیز به راهنمایی و توصیه وولف بود که ویلیام ناکس دارسی (William Knox d'arcy) به بستن قرارداد معروف نفت ۱۹۰۱ م موفق شد. نیز با حمایت وولف بود که رویتز به سال ۱۸۸۹ م موفق به گرفتن امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی شد. قرارداد ۱۹۰۷ م انگلیس و روسیه و در نتیجه تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس به اندیشه و توصیه وولف انجام یافت و بدین ترتیب کشور انگلیس موقعیت سلطه‌گرانه خویش را در جهت منافع خود مستحکم کرد.

از آغاز قرن بیستم تا پایان جنگ جهانی اول، نمایندگانی چند (هفت‌نماینده) از جانب دربار بریتانیا و یا کمپانی هند شرقی به ایران فرستاده شدند که بررسی گزارشهای هر کدام از آنان می‌تواند از مواردی باشد که در آشکارشدن سلطه سیاسی انگلیس در ایران مؤثر باشد<sup>۱۰</sup>. در پایان جنگ جهانی اول سر پرسی کاکس (Percy Cox) به علت تجربیاتش در نواحی خلیج فارس به سمت نماینده در ایران - با حفظ سمت نمایندگی سیاسی بریتانیا در بوشهر و مأمور ارشد سیاسی در بین‌النهرین - تعیین شد. از بین نمایندگان انگلیس از این جهت به کاکس اشاره می‌شود که وی عاقد قرارداد معروف ۱۹۱۹ م ایران و انگلیس است و هم به دنبال این قرارداد و نامه‌های ضمیمه آن بود که هیأت نظامی دیکسون (Dickson) و هیأت

## ۸- پس از مک‌نیل به ترتیب:

۱. جاستین شیل (Justin Sheil) ۱۸۴۲-۱۸۵۳
۲. چارلز مورای (Charles Murray) ۱۸۵۴-۱۸۵۹
۳. هنری راولینسون (Henry Rawlinson) ۱۸۵۹-۱۸۶۰
۴. چارلز الین (Charles Alison) ۱۸۶۰-۱۸۷۲
۵. ویلیام تیلر تامسن (W. Tylour Thomson) ۱۸۷۲-۱۸۷۹
۶. رونالد تامسن (Ronald Thomson) ۱۸۷۹-۱۸۷۸
- ۹- به موجب این مذاکرات سرحد ایران و افغانستان از کوه ملک سیاه تا بند سیستان در امتداد رود هیرمند تا محل دو شعبه شدن آن رودخانه یعنی مرز کنونی، تعیین شد.
- ۱۰- برای آگاهی از چگونگی روابط ایران و انگلیس در اوایل قرن بیستم رک: - کتاب آبی در ۸ مجلد که رویدادهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ را منعکس می‌سازد. حسن فسائی، فارسنامه ناصری، تهران ۱۳۰۳ ق.
- احمدخان ملک ساسانی: سمت پنهان انگلیس در ایران، تهران ۱۳۵۲.
- اسماعیل رائین: حقوق‌بگیران انگلیس در ایران، تهران ۱۳۵۶. و نیز اسناد انگلیسی برای خفه کردن ایران که به نام کشف قلبیس ابتدا در برلین ۱۳۳۵ ه. ق و در تبریز ۱۳۵۶ به چاپ رسید.

مالی آرمیتاژ اسمیت (Armitage Smith) به ایران آمدند و وثوق الدوله امضاکننده قرارداد، از دولت انگلیس نشان دریافت کرد.

موفقیت کاکس چند عامل اصلی داشت: نخست این که دولت انگلیس فاتح جنگ جهانی اول به شمار می‌رفت. دوم این که کشور روسیه شوروی به علت مسائل داخلی و انقلاب و جنگ تقریباً از صحنه سیاسی ایران خارج شده بود. عامل سوم آگاهی کاکس از مشکلات داخلی ایران و خالی بودن خزانه مملکتی بود. چهارم عدم ثبات سیاسی ایران و نبودن رهبری قاطع و بالاخره پنجم روی کارآمدن سیاسیون طرفدار انگلیس نظیر وثوق الدوله و صارم الدوله بود. برای این که از میزان نفوذ انگلیس و یا اتباع آن آگاهی بیابیم کافی است نگاهی به جدول ذیل بیفکنیم.<sup>۱۱</sup>

| شماره<br>ردیف | تاریخ<br>میلادی | نام قرارداد یا امتیاز           | موضوع                                                                        |
|---------------|-----------------|---------------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| ۱             | ۱۸۶۲            | اداره تلگراف هند و اروپا        | خط تلگراف تهران - بوشهر، تهران - خانقین.                                     |
| ۲             | ۱۸۶۵            | اداره تلگراف هند و اروپا        | دربین سیم خط تلگراف تهران - بوشهر، تهران - خانقین.                           |
| ۳             | ۱۸۶۸            | زمینس (شرکت تلگراف هند و اروپا) | خط تلگراف جلفا - تبریز - تهران.                                              |
| ۴             | ۱۸۶۸            | اداره تلگراف هند و اروپا        | خط تلگراف گوادر، جاسک، بندرعباس.                                             |
| ۵             | ۱۸۷۲            | اداره تلگراف هند و اروپا        | سومین سیم خط تهران، بوشهر.                                                   |
| ۶             | ۱۸۸۹            | بارون جولوس روپتر               | امتیاز تأسیس بانکها <sup>۱۲</sup> ، استخراج معادن، چاپ و نشر اسکناس.         |
| ۷             | ۱۸۸۹            | یحیی خان مشیرالدوله             | احداث جاده تهران - اهواز، جاده عربستان <sup>۱۳</sup> و جاده بروجرد - اصفهان. |

۱۱- رک:

W. Litten: *Persien von der pénétration Pacifique zum Protektorat.* (Berlin 1920), S. 108.

و نیز ترجمه فارسی این کتاب با ویژگیهای زیر: ویلهلم لیتن؛ ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی، ترجمه مریم میراحمدی (زیر چاپ).

۱۲- آین بانک بلافاصله با ۲۳ شعبه در شهرهای آبادان، اراک، اصفهان، انزلی، اهواز، بابل، بروجرد، بندرعباس، بوشهر، بیرجند، تبریز، رشت، خرمشهر، دزفول، زاهدان، زابل، شیراز، شوشتر، کرمان، کرمانشاه، قزوین، مسجد سلیمان و یزد شروع به کار کرد. به نقل از تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، انتشارات بانک ملی (تهران ۱۳۳۸)، ص ۴۲.

۱۳- مقصود خوزستان است.

| شماره<br>ردیف | تاریخ<br>میلادی | نام قرارداد یا امتیاز                                      | موضوع                                                                                                                           |
|---------------|-----------------|------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۸             | ۱۸۹۰            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | احداث جاده تهران - اهواز (جاده عربستان) و جاده بروجرد - اصفهان                                                                  |
| ۹             | ۱۸۹۰            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | انحصار واردات.                                                                                                                  |
| ۱۰            | ۱۸۹۱            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | افزایش هزینه مربوط به جاده تهران - قم.                                                                                          |
| ۱۱            | ۱۸۹۸            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | احداث جاده قم - اصفهان.                                                                                                         |
| ۱۲            | ۱۹۰۱            | ویلیام ناکس داریسی                                         | انحصار امتیاز استخراج نفت در ایران به استثنای آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد و احداث راه کاروان‌رو، به جای جاده. |
| ۱۳            | ۱۹۰۲            | ه. ف. ب. لینچ و شبرکا<br>(Lynch)                           | احداث راه کاروان‌رو، به جای جاده.                                                                                               |
| ۱۴            | ۱۹۰۴            | حکومت هند                                                  | قرضه به مبلغ ۳۱۴۲۸۱ لیره انگلیسی.                                                                                               |
| ۱۵            | ۱۹۰۶            | شرکت حمل و نقل ایران<br>با مسئولیت محدود<br>(برادران لینچ) | افزایش مخارج جاده قم - سلطان آباد [اراک فعلی].                                                                                  |
| ۱۶            | ۱۹۱۰            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | تحکیم بدهی به مبلغ ۷۶۰۰۰۰ لیره انگلیسی.                                                                                         |
| ۱۷            | ۱۹۱۱            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | قرضه به مبلغ ۱۲۵۰۰۰۰ لیره انگلیسی (بدهی ۱۹۱۰ به مبلغ ۴۹۰۰۰۰ لیره انگلیسی).                                                      |
| ۱۸            | ۱۹۱۲            | بانک شاهنشاهی ایران                                        | پیش پرداخت به مبلغ ۱۴۰۰۰۰ لیره انگلیسی.                                                                                         |
| ۱۹            | ۱۹۱۳            | سندیکا راه آهن ایران<br>با مسئولیت محدود                   | مطالعه خط آهن معمره - خرم آباد - بروجرد.                                                                                        |
| ۲۰            | ۱۹۱۳            | شرکت حمل و نقل ایران<br>با مسئولیت محدود<br>(برادران لینچ) | تمدید ساختن جاده‌ها تا بهار ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳ م.                                                                                    |
| ۲۱            | ۱۹۲۳            | حکومت انگلستان                                             | احداث فانوس دریایی در خلیج فارس.                                                                                                |

علاوه بر لیست مذکور باید اسامی تجار و یا تجارتخانه‌های انگلیسی یا اتباع آن را که طی سالهای ۱۳۲۴ - ۱۲۵۶ ق / ۱۹۰۶ - ۱۸۴۰ م در ایران به بازرگانی

مشغول بوده‌اند، نام برد:

- ۱- شرکت چارلز و ادوارد برجس (Burgess) در تبریز.
- ۲- شرکت میلز (Mills) که به کار فروش اسلحه مشغول بود و در اصفهان و شیراز شعباتی داشت.
- ۳- شرکت هکتور (A. Hector) به فروش اسلحه اشتغال داشت و مقر اصلی آن در بغداد بود.
- ۴- شرکت رالی و آنجلاستو (Ralli and Angelasto) به پنج برادر یونانی-الاصل تعلق داشت و به کار ورود پارچه و صدور ابریشم می‌پرداخت و دفتر آن در تبریز بود.
- ۵- شرکت هاتس و پسران (Hotz and Son) (هلندی‌الاصل)، ابتدا به تجارت منسوجات پرداخت و بعدها (۱۸۸۰ م) «شرکت تولید قالی ایران» را تأسیس کرد.
- ۶- شرکت زیگلر (Ziegler) (سویسی‌الاصل) به تجارت منسوجات و نقره در تبریز و تهران پرداخته بود و تجارت فرش را نیز به نام «شرکت تولید قالی شرق» به سال ۱۸۷۰ م دایر کرد.
- ۷- شرکت، مویر و تویییدی (Messrs Muir, Tweedy) که بعدها به نام شرکت «تجارتی خلیج فارس» به کار ادامه داد دارای شعباتی در اصفهان، شیراز، تهران، بوشهر، بصره و بغداد بود.
- ۸- شرکت گری، پل (Gray, Paul) وابسته به شرکت کشتیرانی گری، داوز (Gray, Dawes) که مرکز آن در بوشهر بود و در رأس شرکت کشتیرانی بریتانیا - هند (British India Steam Navigation) قرار داشت.
- ۹- شرکت گری، مکنزی (Gray, Mackenzie) واقع در محمره.
- ۱۰- شرکت لیوینگستون (Livingstone) واقع در بنادر عباس، لنگه، بوشهر.
- ۱۱- تجارتخانه ملک (Malcolm) واقع در بنادر عباس، لنگه، بوشهر.
- ۱۲- شرکت دیکسن (Dixon) واقع در اصفهان، بوشهر، لندن و منچستر.
- ۱۳- شرکت سایکس (Sykes) واقع در کرمانشاه، منچستر.
- ۱۴- شرکت فوربس (Forbes, Campbell) واقع در کرمانشاه، لندن.
- ۱۵- شرکت دیوید ساسن (David Sasson) واقع در کرمانشاه، لندن.
- ۱۶- شرکت لوید اسکات (Loyd Scoott) واقع در محمره.
- ۱۷- گالری هنرهای ایران (Persian Art) واقع در لندن.
- ۱۸- شرکت هودز (Hoods) واقع در لندن، منچستر، تهران.
- ۱۹- شرکت شاول مراد حییم (Shawul Morad Hayem) در بوشهر.
- ۲۰- شرکت برادران شومان (Schumann) در ارومیه.
- ۲۱- شرکت تولید قالی شرقی که به سال ۱۹۰۶ تأسیس شد و به تهیه و فروش فرش می‌پرداخت.

غیر از انگلیسیها کشورهای دیگر و اتباع آنان نیز تا پایان جنگ جهانی اول

در ایران سرمایه‌گذاری کردند<sup>۱۴</sup>، اما استعمارگران روس و انگلیس در واقع کارگزاران اصلی اقتصاد و سیاست ایران بودند.

۱۴- بطور مثال باید از شرکت‌های اتریشی، ایتالیایی، آمریکایی، بلژیکی، ترکی، سوئسی، فرانسوی، هلندی و یونانی نام برد که یا بطور مستقل و یا توسط اتباع خود به‌طریق شرکت‌های چند ملیتی در ایران به داد و ستد مشغول بودند:

یکم - اتریشی: ۱- شرکت تجاری اتریش و شرق در تبریز ۲- کمیسیون صادرات و واردات با (Bayer) در تهران.

دوم - ایتالیایی: ۱- شرکت ولی (Yalli) در تبریز ۲- شرکت کاستلی (Castelli) در تبریز که به تجارت فرش پرداخته بود.

سوم - آمریکایی: ۱- شرکت سینگر (Singer) در همدان، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، شیراز و تهران ۲- شرکت داد وستد و بهره‌برداری معادن و احداث راه‌آهن که در همان مراحل اولیه به‌سال ۱۹۱۸ م منحل گردید.

چهارم - بلژیکی: ۱- شرکت قندسازی ایران در کپریزک ۲- شرکت بوتال (Boital) دارای امتیاز ساختن تراه‌وا در تهران و راه‌آهن تهران-قزوین که به‌علت قرارداد ۱۰ نوامبر ۱۸۹۰ ایران و روس انجام نگرفت. ۳- اعطای امتیاز لاری و بازی رولت به‌سندیکای انگلیسی و آسیا (Anglo-Asiatic) توسط میرزا ملک‌خان که بعدها به‌شرکت بلژیکی (Union générale) به ریاست فیلیپرت (Philipaert) داده شد. ۴- شرکت فیلیپرت که اجازه تهیه و فروش شراب را در دست داشت. ۵- فیلیپرت، امتیاز کارخانجات تهیه شکر، شیشه‌سازی به‌ریاست ونسان (Vincent) شمع‌سازی، کبریت‌سازی، تأسیسات گازی جهت روشنایی خیابانهای تهران به ریاست دمونک (Demunk) (کلیه این امتیازات قبلاً به دنیس بلژیکی (Denis) داده شده بود). ۶- سندیکای قند بلژیک (Syndicate des Sucreries Belges) در بروکسل و کپریزک و...

پنجم - ترکی: ۱- شرکت دارویی کنستانتینوپل در بارفروش (بابل کنونی) ۲- شرکت ایلوقلوبهار در تبریز ۳- شرکت هوموقلو در تبریز، هردو واردکننده بودند و در کشاورزی نیز سرمایه‌گذاری کرده بودند. ۴- شرکت امانوئل هواکیمیانتز (Howakimiantz).

ششم - سوئسی: ۱- شرکت دارویی اکباتان در همدان ۲- شرکت واردات و صادرات ایران و سوئیس در سوئیس.

هفتم - فرانسوی: ۱- شرکت تنباکو (La société de tombac) به‌جای قرارداد تالوت (۱۸۹۰) توانست از طریق ترکیه امتیاز صادرات تنباکو و توتون ایران را تا آغاز جنگ جهانی اول در اختیار داشته باشد. ۲- اعطای امتیاز استخراج کلیه معادن ایران به استثنای نیمی از طلا، نقره و عقیق مکشوفه به‌سال ۱۹۰۰ به دلکاسه (Delcassé) فرانسوی. ۳- حفاریهای هیأت مورگان در شوش که اشیای کشف شده آن بسیاری از سالنهای موزه لوور پاریس را پر کرده است. ۴- شرکت اشنایدر و کرویزوت (Schneider, Creuzot) به‌سال ۱۹۰۵ که اسلحه و مهمات و باطری وارد می‌کرد. ۵- سندیکای ایران و فرانسه (Franco-Persan) که توسط دکتر آلبرت ادر (Albert Eder) (اتریشی‌الصل) و کمک ۵ نفر دیگر در ۱۹۰۷ تأسیس شد. ۶- سندیکای ایران و فرانسه (Franco-Iranien) به‌سال ۱۹۱۳ و به‌ریاست برترام (Bertram) که بهره‌برداری معادن زغال‌سنگ ینگی امام واقع در جاده تهران - قزوین را به‌عهده داشت.

هشتم - مصری - ایتالیایی: ۱- سندیکای مصر و ایتالیا، به‌عقد چند قرارداد (۱۹۱۰) با صاحبان جنگلهای شمال موفق گردید.

نهم - هلندی: ۱- انجمن تجاری ایران و هلند در اهواز. ۲- شرکت هلندی پرنس در تهران و هامبورگ.

دهم - یونانی: ۱- شرکت کوسیسی و توفیلاکتوس (Koussis-Theophilaktos) (بعدها فقط شرکت کوسیسی (Koussis frères) ۱۸۹۰) در رودبار که امتیاز گردآوری

و تصفیه زیتون، تهیه و بهره‌برداری از ابریشم شمال ایران، امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای ←



با وجود چنین اوضاع اقتصادی که سیاست ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد، امضای قرارداد ۱۹۱۹ م جای شگفتی باقی نمی‌گذارد. راجع به مفاد قرارداد و این که چه‌گونه وضعیت نیمه استعماری ایران از طریق افزایش قرضه‌های خارجی (ماده ۴ قرارداد ۱۹۱۹) و سلطه قدرت استعماری بر تشکیلات اداری نظیر ارتش و گمرک (ماده ۳ و ۶) تحکیم می‌یابد بتفصیل بحث شده است.<sup>۱۵</sup> این قرارداد موج مخالفت بسیاری را در داخل کشور از جمله در تبریز، جنبش خیابانی، و در تهران، بسیاری از میهن‌پرستان و روحانیان مانند مدرس و امام جمعه خوئی را برانگیخت. در خارج از ایران نیز کشورهای نظیر شوروی، فرانسه و امریکا که قرارداد مذکور را برخلاف منافع خویش در حال و آینده می‌دانستند به مخالفت بآن پرداختند. فعالیت هیأت‌های نظامی و مالی دیکسن و اسمیت به علت شدت موج مخالفت مردم و مجلس متوقف و اعضای آن از ایران خارج شدند و دولت ایران در سال ۱۳۰۱ ش / ۱۹۲۲ م برای سر و سامان دادن به امور اقتصادی خویش برای دومین بار از دکتر میلپو مستشار امریکایی دعوت به عمل آورد. اگر چه انگلیس نتوانست طبق قرارداد ۱۹۱۹ م نفوذ خود را در ایران به آن نحو که مایل بود، گسترش دهد اما نفوذ اقتصادی خود را بوسیله شرکت نفت انگلیس و ایران کماکان در دست داشت و در زمان جنگ جهانی دوم، در پیشبرد مقاصد سیاسی خود از آن نهایت استفاده را کرد.

## ۲- نفوذ اقتصادی انگلیس در ایران

ایران هنگامی برای انگلیس به صورت مسأله‌ای مطرح شد که منافع کمپانی هند شرقی در آسیا به علت علاقه بیشتر روسیه به هندوستان به خطر افتاد و همین امر بود که نمایندگان کمپانی هند شرقی و پادشاه انگلیس را در آغاز قرن نوزدهم میلادی به ایران کشاند و هم از آن زمان بود که انگلیس به انتخاب نماینده‌ای دائمی در ایران مبادرت کرد. در قرن نوزدهم و بیستم در طی هردوره تاریخی، هرزمان که کشور ایران بوسیله روسیه تزاری مورد دست‌اندازی و یا بهره‌برداری سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار گرفته است، رد پای انگلیس نیز به‌خوبی دیده می‌شود. رقابتهای سیاسی - اقتصادی هردو کشور، باعث می‌شد که ایران، پس از بستن هر

→ گیلان، مازندران، آستارا و امترآباد را داشت. صاحبان این شرکت اگر چه تابع یونان بودند اما از جانب روسیه حمایت می‌شدند. این شرکت دارای شعباتی در ادسا (Odessa) باکو، بارفروش و دفتری در رشت بود.

برای آگاهی بیشتر در مورد سرمایه‌گذاری خارجی‌ان در ایران همچنین رک: محمدعلی جمال‌زاده: گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، (برلین ۱۳۳۵ ه ق) و Ch. Issawi: *The Economic History of Iran 1800-1919*, (Chicago 1971).

و ترجمه فارسی آن با ویژگیهای زیر: چارلز عیسوی: تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران، گستره ۱۳۶۲).

۱۵- رک: حسین مکی: زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، (تهران، ۱۳۵۲)، ص ۲۷ و بعد و نیز منشور گرگانی: سیاست دولت شوروی در ایران (تهران، ۱۳۲۶)، ص ۱۳ و بعد.

قرارداد و یادادن هرامتیازی به یکی از کشورهای نامبرده، به دیگری نیز امتیاز مشابهی بدهد، تا بتواند بدین وسیله به حیات متزلزل سیاسی خود ادامه دهد. در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم، اگر چه ایران در مقام مقایسه با دوران پیش از آن، استقلال سیاسی خود را تاحدی باز یافته بود اما از لحاظ اقتصادی، آزاد و مستقل نبود و مقامات حساس مملکتی را گاه خودانگلیسیها (مانند امور مالی) و زمانی نیز طرفداران آنان در اختیار داشتند. در امور اقتصادی نیز تنها رقیب انگلیس، شوروی بود. تا آغاز جنگ جهانی دوم انگلیسیها مراکز مهمی را در دست داشتند و اگر چه به علت رقابت روسها نتوانستند از دیگر شرکت های نفتی خویشتن مانند شرکت نفت شمال ایران (North Persian Oil Co) که امتیاز آن از خوشتراریا خریداری شده بود، استفاده کنند، اما تأسیسات شرکت نفت انگلیس و ایران (APOC) (Anglo-Persian Oil Co.) که به دنبال کشف اولین چشمه نفت در نفتون مسجد سلیمان در سال ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م به وجود آمده بود و تشکیلات مالی مانند بانک شاهنشاهی را که در حیات اقتصادی مملکت نقش مهمی را دارا بود، در اختیار داشتند. نفوذ انگلیس در خلیج فارس (از زمان ورود کمپانی هند شرقی و تسلط بر بین النهرین) که تا سالهای جنگ جهانی دوم نیز ادامه داشت و آشنایی با سواحل آن، زمینه مساعدی بود که انگلیس نفوذ خود را در اداره استانهای جنوبی ایران بخصوص خوزستان و نواحی عشایری بویژه بختیاریه حفظ کند. انگلیسیها در آغاز قرن بیستم و پس از ایجاد شرکت نفت انگلیس و ایران به علت این که راههای حمل نفت از میان زمینهای بختیاری عبور می کرد، مجبور شدند که خانهای بختیاری را نیز در عواید خود شریک سازند. شرکت نفت انگلیس و ایران، دوشرکت فرعی دیگر نیز داشت. یکی «شرکت استخراج اولیه» (First Exploitation Co.) و دیگری «شرکت نفت بختیاری» (Bakhtiari Oil Co.) بود که به همین منظور تأسیس شده بود و هر دو شرکت ۳ درصد منافع خود را به خانهای بختیاری می دادند. نفوذ مأموران آلمانی در سواحل جنوبی ایران و موفقیت آنان در میان بعضی عشایر در طی جنگ جهانی اول و دوران پس از آن، اگر چه از اعتماد عشایر ایران به انگلیسیها کاسته بود اما انگلیس همچنان منطقه نفوذ خویش را در جنگ جهانی دوم نیز حفظ کرده بود. تجاوز و اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۱ م توسط شوروی و انگلیس و دخالت های قوای اشغالگر، صحنه را برای بازیافتن قدرت بیشتر عشایر مساعد ساخت. همچنین قرار داشتن قسمت جنوبی کردستان که در منطقه اشغالی انگلیس بود و نفوذ آنان در میان کردهای آن ناحیه و نواحی جنوبی ایران مانند خوزستان، بسیاری از رویدادهای سیاسی ایران را تحت الشعاع قرار می داد. با توجه به تصمیم تبدیل سوخت دریاداری انگلیس در سال ۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۳ م از زغال به نفت و قراردادن پالایشگاه آبادان در منطقه نفوذ انگلیس و موقعیت انگلیس در مناطق نفتی ایران، باید اهمیت نفت و رویدادهای مربوط به آن را نقطه عطف جریانهای

اقتصادی انگلیس دانست. ایران تا اواخر جنگ جهانی اول بزرگترین تولیدکننده نفت در خاورمیانه بود. به همین جهت نباید نقش نفت را در اقتصاد ایران و اروپا در طول جنگ فراموش کرد. بدیهی است که تحت چنین اوضاعی نه تنها اقتصاد کشور بلکه سیاست ایران نیز تحت الشعاع این منبع ملی قرار گرفت.

در سال ۱۳۱۱-۱۲ ش / ۳۳ - ۱۹۳۲ م به هنگام تجدید نظر در قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران بین دو کشور اختلاف به وجود آمد زیرا ایران دریافت که شرکت نامبرده در آن سال سهمیه ایران را به حد  $1/4$  از سالهای قبل کسر کرده است.

طبق قرارداد تحویل،  $16\%$  سود به ایران تعلق می گرفت و با در نظر گرفتن این که در سال ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ م شرکت مزبور فقط مبلغ  $356/8$  هزار لیره به ایران پرداخت کرد در حالی که سهم ایران در سال قبل از آن در حدود  $1228/3$  هزار لیره بود، مسأله اختلاف را تشدید کرد و دولت ایران قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران را که تا سال ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۱ م اعتبار داشت، ملغی اعلام کرد. این اختلاف نظر به بستن قرارداد جدیدی در ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م منجر گردید که اگر چه وسعت عملیات حفاری شرکت را به یک پنجم کاهش داد و سهمیه ایران نیز افزایش یافت، اما دست شرکت نفت انگلیس و ایران را از ایران کوتاه نکرد و حتی امتیاز دیگری نیز به انگلیس داده شد<sup>۱۷</sup>.

تا آغاز جنگ جهانی دوم شرکت نفت انگلیس و ایران به گسترش فعالیتهای بازرگانی خود موفق گردید و فرآورده های نفتی خود را به میزان چشمگیری افزایش داد بطوری که در آغاز جنگ، شرکت مذکور بزرگترین صادرکننده نفت منطقه بود. بدیهی است مادام که شرکت نفت افزایش بی رویه تولید را بالا می برد عواید ایران نیز از درآمد نفت اضافه می شد. بطور مثال در سال ۱۳۱۲-۱۳ ش / ۳۴-۱۹۳۳ م درآمد ایران در حدود  $2/2$  میلیون لیره بود در حالی که در آغاز جنگ جهانی (۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۹ م) به مبلغ  $4/2$  میلیون لیره و تا ۱۳۲۲ ش / ۱۹۴۲ م هر ساله ۴ میلیون و در سال ۱۳۲۳ ش / ۱۹۴۴ م به مبلغ ۴۵ و سرانجام در سال ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ م به مبلغ  $5/6$  میلیون لیره افزایش یافت. با توجه به این که در طول سالها، سهام شرکت نفت انگلیس و ایران رو به افزایش گذاشته، سود شرکت مزبور از سود ایران بیشتر بوده است، می توان دریافت که چگونه ایران بوسیله انگلیس استثمار گردیده است. ارقام زیر بیانگر این ادعاست<sup>۱۸</sup>.

بطور خلاصه شرکت نفت انگلیس و ایران در طی سالهای ۱۳۲۹-۱۲۹۳ ش / ۱۹۵۰ - ۱۹۱۴ م نه تنها معادل اولین سرمایه خود که مبلغی در حدود ۱۰۰ میلیون دلار بود، در همان ۳۰ سال اول به دست آورد بلکه منافع سالهای بعد شامل چندین

۱۷- متعاقب این قرارداد حق چاپ و نشر اسکناس از بانک شاهنشاهی به بانک انگلیس واگذار شد.

۱۸- برگرفته از زهیر مقداشی: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه، ترجمه سیروس ابراهیمزاده (تهران ۱۳۵۴)، ص ۱۱۲.

| سال شمسی و<br>میلادی | تولید نفت<br>(تن سنگین) | منابع خالص<br>(هزار لیتره) | مالیات انگلیس<br>(هزار لیتره) | مبالغ پرداختی<br>به ایران<br>(هزار لیتره) | سود سهام<br>عادی<br>(درصد) |
|----------------------|-------------------------|----------------------------|-------------------------------|-------------------------------------------|----------------------------|
| ۱۹۳۹/۱۳۱۸            | ۹/۶                     | ۲۹۸۶                       | ۱۹۵۶                          | ۴۲۷۱                                      | ۵                          |
| ۱۹۴۰/۱۳۱۹            | ۸/۶                     | ۲۸۴۲                       | ۲۹۷۵                          | ۴۰۰۰                                      | ۵                          |
| ۱۹۴۱/۱۳۲۰            | ۶/۶                     | ۳۲۹۲                       | ۲۹۲۱                          | ۴۰۰۰                                      | ۷/۵                        |
| ۱۹۴۲/۱۳۲۱            | ۹/۴                     | ۷۷۹۰                       | ۴۹۱۸                          | ۴۰۰۰                                      | ۲۰                         |
| ۱۹۴۳/۱۳۲۲            | ۹/۷                     | ۵۶۳۹                       | ۷۶۶۳                          | ۴۰۰۰                                      | ۲۰                         |
| ۱۹۴۴/۱۳۲۳            | ۱۳/۳                    | ۵۶۷۷                       | ۱۰/۶۳۶                        | ۴۴۶۴                                      | ۲۰                         |
| ۱۹۴۵/۱۳۲۴            | ۱۶/۸                    | ۵۷۹۲                       | ۱۰/۳۸۱                        | ۵۶۲۴                                      | ۲۰                         |

برای سرمایه‌گذاری اولیه گردید. شرکت مزبور علاوه بر پالایشگاه آبادان، از تشکیلات دیگری مانند کشتیهای نفتکش، فرودگاه، ایستگاه رادیو و پلیس ویژه نیز استفاده می‌کرد. علاوه بر امتیازات فوق، شرکت نفت انگلیس و ایران حق ورود بسیاری از کالا را داشت که از عوارض و فواید گمرکی معاف بودند. وجود همه این مسائل، اقتصاد ایران را متزلزل می‌کرد. عمال شرکت نفت مذکور نیز حوادث سیاسی کشور را شکل می‌دادند. حوادث جداساختن خوزستان از ایران و الحاق آن به عراق نیز از جانب انگلیسیها بوسیله رساندن اسلحه و تقویت عشایر جنوب، هدایت می‌گردید. انگلیسیها برای پشتیبانی از فعالیت‌های عشایر طرفدار تجزیه خوزستان و نیز حمایت از تشکیلات خویش در این استان به استقرار ناوگان دریایی خود در خرمشهر و آبادان مبادرت کردند و نیز ارتشی را در حوالی بصره متمرکز ساختند. وقایع خوزستان، رویدادهای دیگری مانند اعتصابات کارگران نفت آبادان و آغاچاری و دوران اعلام خودمختاری آذربایجان و کردستان همزمان بود که به اعلام حکومت نظامی در خوزستان، اخراج کارگران خارجی شرکت نفت انگلیس و ایران، تظاهرات اعراب طرفدار انگلیس و تشکیل اتحادیه دولتی کارگری منجر گردید که در رخداد آنها دخالت‌های انگلیس و شوروی و وابستگان داخلی آنها نقش مؤثری داشته است.

### ۳- سیاست انگلیس در ایران

رقابت‌های دولتهای روس و انگلیس در زمینه تسلط بیشتر سیاسی بر ایران و دور کردن رقیب دیگر از این کشور، تضعیف نفوذ روسها در ایران را در حدود سال ۱۲۹۸ ش / ۱۹۲۰ م به دنبال داشت که به جایگزینی افسران انگلیسی تحت فرماندهی اسمیت به جای افسران روسی در بریگاد قزاق منجر شد. در سال ۱۲۹۹

ش / ۱۹۲۱ م کودتای رضاخان با همکاری انگلیسیها<sup>۱۹</sup>، موقع را برای فعالیت بیشتر آنان در ایران مساعد کرد.

مناسبات سیاسی انگلیس در ایران مانند مناسبات اقتصادی برپایه نفت ایران استوار بود و کشور انگلیس هرروشی را که در امور اقتصادی و سیاسی دنبال می‌کرد، در چارچوب مسائل نفت و منافع آن کشور قرار داشت. تغییر رهبری در ایران در سال ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۰ م و اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم و رقابت دیگر کشورهای بزرگ به ورود هیاتهای نفتی از انگلیس (شرکت شل)، (استاندارد واکوئم و سینکلر) طی سال ۱۳۲۲ ش / ۱۹۴۳ م و سرانجام در سال ۱۳۲۳ ش / ۱۹۴۴ م ورود هیاتی از شوروی به ریاست کافتارادزه (Kawtaradse) منجر گردید. حفظ ایران در طول جنگ جهانی دوم در مقابل نفوذ شوروی از اولین اهداف انگلیس بود. بحران فارس و خوزستان نیز در ارتباط با همین مسأله بود. در تمام طول جنگ صحبت بر سر مسلح شدن عشایر جنوب ایران بود که اسلحه از خارج دریافت می‌داشتند. در پاییز سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶ م حرکتی در ناحیه بوشهر، شیراز، اصفهان و بطور کلی استان فارس به وقوع پیوست که برخلاف جنبش تجزیه طلبانه آذربایجان، به تهران معطوف بود. طبق اخبار موجود دخالت مقامات دولتی ایران، سران قشقایی و بختیاری که در جنگ جهانی اول علیه متفقین جنگیده بودند، در این قضیه روشن بود<sup>۲۰</sup>. دخالت دیپلماتهای انگلیسی بخش خاورمیانه، آلن چارلز تروت (Alan Charles Trott) و چارلز گولت (Ch. Gault) کارمند کنسولی سفارت انگلیس در تهران، دقیقاً روشن نگردید<sup>۲۱</sup>. با وجودی که جنبش مذکور در پاییز همان سال بوسیله فیروز نماینده دولت وقت از هم پاشیده شد، اما ناصر قشقایی رئیس ایل در همان سال حرکت دیگری را تدارک دید که در آن عشایر نواحی جنوبی مانند بوشهر نیز شرکت داشتند. مذاکرات دولت و سران قبایل به اعلام آتش بس سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶ م منجر گردید. یک هفته پس از آن در شیراز موافقت نامه‌ای در ۱۱ ماده مبنی بر افزایش نمایندگان فارس در مجلس، اصلاحات محلی، عمران و به‌ترکردن تعلیم و تربیت و بهداشت بسته شد.

کابینه احمد قوام در مهرماه / اکتبر ترمیم گردید و انتخابات مجلس پانزدهم آغاز شد. انتخابات مذکور به علت تعیین سرنوشت قرارداد نفت ایران و شوروی مهرماه ۱۳۲۵ ش / اکتبر ۱۹۴۶ م بسیار مهم بود، اما دولت ایران اعلام کرد، هنگامی مجلس می‌تواند شروع به کار کند که مسأله آذربایجان حل شده باشد.

۱۹- برای آگاهی از چگونگی همکاری رضاخان و انگلیسیها در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رک: خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید، ترجمه بهروز فروزنی، (تهران ۱۳۶۱)، وبعد.

۲۰- ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، (تهران ۱۳۵۹)، ص ۴۹۹.

۲۱- از جانب دولت ایران شکایتی مبنی بر دخالت این دو نفر به وزارت خارجه انگلیس ارسال گردید اما دولت انگلیس دخالت آنها را تکذیب کرد. برای آگاهی بیشتر رک: اسماعیل نورزاده بوشهری: اسرار نهضت جنوب، (تهران بی‌تا)، ص ۹.

سفیر انگلیس سر جان لوروکتل (Le Rougtel) به دولت قوام پیشنهاد کرد که با قرارداد نفت ایران و شوروی موافقت کند، که در حقیقت موافقت مسکو و لندن را دربر داشت<sup>۲۲</sup>.

ورود آمریکا که به عنوان قدرت سوم در ایران<sup>۲۳</sup>، نقش آلمان را در دوران بعد از جنگ جهانی اول ایفا کرد، کشورهای شوروی و انگلیس را به رقابت بیشتر وادار ساخت. عدم اطمینان مردم به احمد قوام و تمایلاتش به دخالت خارجیان در امور مملکتی و نارساییهای دستگاههای دولتی در زمان وی<sup>۲۴</sup> و رقابت سیاسی انگلیس و شوروی و نیز انگلیس و آمریکا در به دست آوردن امتیازات بیشتر در ایران باعث روی کار آمدن دولتی به ریاست ابراهیم حکیمی (برای بار دوم) گردید. حکیمی نیز نتوانست در طول دوران صدارت خود مشکلات سیاسی و اقتصادی ایران را حل کند. وی سرانجام در اول تیرماه ۱۳۲۷ ش/ ۱۳ ژوئن ۱۹۴۸ م جای خود را به عبدالحسین هژیر داد<sup>۲۵</sup>. حکیمی اگر چه خود طرفدار انگلیس بود اما به تبعیت از سیاست کلی ایران ورود هیأتهای آمریکایی را به ایران تا حدی آزاد گذاشته بود. به هر حال انگلیس و آمریکا، با وجود رقابت و مشارکت بر سر نفت خاورمیانه<sup>۲۶</sup> سعی می کردند که در مناطق زیر نفوذ یکدیگر رخنه کنند و نفوذ خود را گسترش دهند. علاوه بر آن توسعه جنگ و کم شدن ذخایر نفتی آمریکا به علت رساندن سوخت به متفقین، علاقه آمریکا را به شرکت در منابع نفتی جهان از جمله ایران بیشتر

<sup>۲۲</sup> - سفارت آمریکا در این مسأله مخالفت خود را توسط جرج آلن (G. V. Allen) سفیر آن کشور اعلام داشت. لوی هندرسون (L. Henderson) مدیر بخش خاورمیانه و آفریقا وزارت امور خارجه آمریکا در نیویورک نیز حمایت آمریکا از ایران را ابراز داشت. مجلس ایران این قرارداد را ملغی اعلام کرد.

<sup>۲۳</sup> - از وقایع مهم در دوران زمامداری قوام، ورود هیأتهای متعدد آمریکایی مورینو نودسن (Morrison, Knudson) از آیداهو به ایران بود. در برنامه این هیأتها و بخصوص هیأت مزبور بررسی برنامه های آبرسانی، تأسیسات برق کارخانه ها، مدارس و بیمارستانها قرار داشت و برنامه عمران هفت ساله ۱۳۲۶ ش / ۱۹۴۷ م جهت اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، طرح پیشنهادی این هیأت بود که مستلزم قرضه ای برای ایران به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار از بانک عمران و توسعه می گردید.

هیأت مالی دکتر میلسپو نیز در ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م برای دومین بار به ایران آمد.  
<sup>۲۴</sup> - پس از استعفای قوام از نخست وزیری در اوایل تابستان ۱۳۲۷ ش در مجلس ایران مدارکی مورد بررسی قرار گرفت که بر رشوه خواری قوام در دوران صدارت دلالت می کرد.

<sup>۲۵</sup> - در ۲۵ آبان ۱۳۲۷ / ۱۴ نوامبر ۱۹۴۸ دولت ساعد جانشین هژیر گردید. (هژیر در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ / ۴ نوامبر ۱۹۴۹ به ضرب گلوله کشته شد). ساعد در طول صدارت يك ساله، کابینه خویش را چندین بار ترمیم کرد و سرانجام در ۲۴ فروردین ۱۳۲۹ / ۱۳ آوریل ۱۹۵۰ جای خود را به علی منصور داد.

منصور در تابستان همان سال استعفا کرد و سرلشکر رزم آرا در ۵ تیر ۱۳۲۹ / ۲۶ ژوئن جانشین وی شد. رزم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ / ۷ مارس ۱۹۵۰ به ضرب گلوله از پا درآمد.

<sup>۲۶</sup> - رقابت های دو دولت بیشتر در مورد امتیازات نفتی بود. کشور انگلیس برای این که دست آمریکا را از حوزه نفوذ انحصاری خویش کوتاه سازد، مجبور به قبول موافقت نامه ای شد که در ۲ مهر ۱۳۲۴ ش / ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۵ به امضای طرفین رسید. برای آگاهی بیشتر رک: جرج لنچوفسکی: نفت و دولت ترجمه عالیخانی، (تهران ۱۳۴۲)، ص ۲۱۹ و بعد.

کرد ۲۷. دولت امریکا اگر چه نتوانست مستقیماً توافقی با انگلیس در مورد نفت ایران حاصل کند، اما شرکتهای نفتی امریکایی موفق گردیدند که به مقدار زیادی در منافع نفتی انگلیس در ایران و کویت سهیم گردند و از این راه برتری خویش را توسعه داده و حفظ کنند<sup>۲۸</sup>. با پایان گرفتن جنگ و تضعیف انگلیس در بسیاری از مناطق خاورمیانه از جمله ایران، امریکا نقش اول را به دست آورد. رقابت انگلیس و امریکا بحران نفت را نقطه عطفی در سیاست جهانی کرده بود.

در دوران زمامداری هژیر نیز مسأله نفت از اهمیت خاص برخوردار بود و قرارداد ۱۹۳۳ م و تجدید نظر در آن از مسائل اصلی دولت وی به شمار می رفت. در زمان وی، گس (N. A. Gass) به نمایندگی از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران به ایران آمد. در مورد قرارداد مذکور و نقائص آن با دولت ایران تبادل نظر کرد<sup>۲۹</sup>.

هیأت گس پس از بررسی به لندن بازگشت اما ادامه مذاکرات در دوران نخست وزیری ساعد به عمل آمد<sup>۳۰</sup>. سرانجام در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸ ش / ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ قراردادی که موسوم به قرارداد الحاقی گس - گلشاییان است به امضا رسید. بحث بر سر این قرارداد در دوران صدارت جانشینان ساعد، منصور و رزم آرا ادامه یافت و سرانجام چپاول شرکت نفت مذکور و عدم رعایت حقوق ایران در مفاد قرارداد، زمینه را جهت ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ ش فراهم آورد و دست انگلیسی ها را از بزرگترین پایگاهشان کوتاه کرد<sup>۳۱</sup>.

۲۷- انگلیس و امریکا در طول جنگ دوم مقدار زیادی از سوخت جنگی و بخصوص بنزین هواپیماها را از پالایشگاه آبادان تهیه می کردند. ارتش شوروی نیز بنزین هواپیماهای خود را تا حد زیادی از آبادان تأمین می کرد و پالایشگاه آبادان به طور مثال در سال ۱۹۴۴ قادر به تهیه یک میلیون تن و در ۱۹۴۵، بالغ بر ۱۷ میلیون تن بنزین هواپیما بود.

۲۸- مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران ۱۳۵۸)، ص ۳۶۱.

۲۹- برای آگاهی از زیانهای این قرارداد که متوجه ایران می گردید نگاه کنید به: فؤاد روحانی: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، (تهران ۱۳۵۲)، ص ۷۳ و بعد.

۳۰- هیأت نمایندگی ایران متشکل از گلشاییان وزیر دارایی و دیگر کارشناسان ایرانی، نصرالله جهانگیر، نظام الدین امامی و دکتر حسین پیرنیا بود.

۳۱- درباره مسائل نفت ایران رک: مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران ۱۳۵۸)، فؤاد روحانی: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران (تهران ۱۳۵۲)، حسین پیرنیا: ده سال کوشش در راه حفظ و بسط حقوق ایران در زمینه نفت، (تهران ۱۳۳۱).

# فصل دوم

## روسیه در صحنه سیاسی ایران

### ۱- آغاز روابط و تماس با ایرانیان

در قرن هیجدهم میلادی دولت روسیه تزاری به سرزمینهای واقع در مناطق جنوبی‌تر کشور خود توجه بیشتری مبذول داشت و بالطبع منطقه پهنای ایران نیز در چهارچوب چنین توجهی گنجانده شد. این توجه اگر چه به‌گذشته دورتری باز می‌گردد، اما در زمان پتر کبیر (۱۷۲۵-۱۶۸۲ م) و تاکید او بر راه یافتن به آبهای گرم مناطق جنوبی به‌عمل نزدیک شد.<sup>۱</sup> اولین تماس با ایران البته در عصر الکسی میخائیلوویچ انجام گرفت، اما در زمان پتر این تماسها همه‌جانبه شد و نه‌تنها با ایران، بلکه سعی می‌شد که با اغلب کشورها برقرار شود. در زمان او امپراتوری روسیه توسعه بیشتری یافت و سیاست پتر بطور کلی آن را تقویت می‌کرد. در سال ۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۸ م پتر کبیر، اسرائیل اری (Ori) را که از اتباع ارمنی روسیه بود، به سفارت ایران فرستاد. بهانه سفر اری به ایران فشار مأموران ایرانی بر اقلیت‌های مسیحی نواحی شمال غربی ایران بود.<sup>۲</sup> در سال ۱۱۲۸ ق/ ۱۷۱۶ م پتر نماینده دیگری به نام آرتمی ولینسکی (Artemi P. Volinski) برای جلب موافقت سلطان حسین صفوی به ایران فرستاد.<sup>۳</sup>

پس از سقوط اصفهان به‌دست افغانها، در سال بعد (۱۱۳۶ ق/ ۱۷۲۳ م) شهر رشت نیز به‌دست آنها افتاد و حاکم گیلان برای دفع افغانها از روسیه کمک خواست. به‌دنبال مذاکراتی قوای روس به فرماندهی شپوف (Shipov) در بندر

1- N. S. Fatemi: *Diplomatic History of Persia 1919-1923*, (New York 1952), p. 309.

۲- رك: مریم میراحمدی: دین و مذهب در عصر صفوی، ص ۱۰۲ و بعد. اسرائیل اری اهداف بازرگانی را نیز در نظر داشت و توانسته بود قبل از ورود به ایران با پادشاه اتروش و پاپ نیز درباره اهداف دیگر خود مذاکره کند. اری پس از ورود به ایران نیز مدت‌ها در اصفهان به تجارت پرداخت. اری چند سال بعد در آستراخان درگذشت. همچنین رك: سفرنامه گروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، به تصحیح مریم میراحمدی، (تهران ۱۳۶۳)، ص ۳۶ و بعد.

۳- دولت روسیه ضمن کسب حقوق گمرکی به اجازه تأسیس کنسولگری در رشت موفق شد. مأموریت ولینسکی با موفقیت همراه بود و از جانب پتر پس از بازگشت به وطن، به حکومت آستراخان منصوب شد.



انزلی پیاده شد و گیلان را تحت کنترل گرفت.<sup>۴</sup> سپاه روسها مدت‌ها در نواحی شمالی ایران و حتی استرآباد و گرگان نیز باقی ماند. ظهور نادر و مرگ پتر، سیاست دولت روس را در کلیه جوانب آن تغییر داد و حتی عهدنامه ۱۱۳۷ ق / ۱۷۲۴ م - که استقرار روس در مناطق شمالی ایران را استحکام می‌بخشید - نتوانست عملاً آنان را به مقاصد خود نزدیکتر کند. سرانجام در شعبان ۱۱۴۴ ق / ژانویه ۱۷۳۲ م پس از امضای قراردادی بین میرزا محمد ابراهیم مستوفی و شافیروف (Shafirov) روسها مناطق شمالی را تخلیه کردند و ضمن آزادی تجارت بین هردو کشور، با تبادل سفیر مقیم در دربار یکدیگر نیز موافقت کردند. بعدها به همت نادر و براساس معاهده گنجه در سال ۱۱۴۷ ق / ۱۷۳۵ م نیز دست روسها از نواحی باکو و دربند هم کوتاه گردید.

در عصر کریم‌خان نیز سفیری از جانب دولت روس در سال ۱۱۹۲ ق / ۱۷۷۸ م به ایران فرستاده شد. هدف از این سفارت، اتحاد ایران و روسیه علیه دولت عثمانی بود، اما این پیشنهاد به علت مرگ کریم خان عملی نشد.

در عهد جانشینان کریم‌خان و در زمان سلطنت کاترین دوم و در سال ۱۱۹۵ ق / ۱۷۸۱ م يك دسته ناوگان روسی به فرماندهی وینوویچ (Woinovich) در اشرف مازندران لنگر انداخت و تقاضای احداث تأسیسات نظامی را کرد. این تقاضا با مخالفت شدید آغامحمدخان که در آن نواحی مستقر بود، روبرو شد.

در پاییز ۱۲۱۱ ق / ۱۷۹۶ م سپاهی از جانب دولت روس به فرماندهی والرین سوبوف (Valerien Subov) نواحی دربند، باکو و طالش را درنوردید و پس از سرازیر شدن به مناطق جنوبی، در دشت مغان استقرار یافت. بنا به قدرت رسیدن پل اول (۱۸۰۱-۱۷۹۶ م) پادشاه جدید روسیه، سپاه روسیه از ایران فرا خوانده شد، اما با قتل آغامحمد خان قاجار (۱۲۱۲ ق / ۱۷۹۷ م) و روی کار آمدن فتحعلی‌شاه دولت روسیه موقعیت دیگری در ایران به دست آورد.

پل اول در اوایل سلطنتش کوشید تا برخی نواحی ایران را به متصرفات خود بیفزاید. بر اثر فشارهای قوای روس به فرماندهی سیسیانف (Sissianoff) گرجستان تحت سلطه دولت روس قرار گرفت. با تغییر سلطنت در روسیه و روی کار آمدن الکساندر اول (۱۸۲۵-۱۸۰۱ م) روسیه عملاً زمام امور گرجستان را در دست گرفت. دستور حمله به ایران نیز از جانب الکساندر اول در سال ۱۲۱۸ ق / ۱۸۰۳ م به فرماندهی سیسیانف داده شد و نگرانی فتحعلی‌شاه شدت یافت. نزدیکی دولت ایران با کشور فرانسه در این زمان باعث شد که ناپلئون در سال ۱۲۲۲ ق / ۱۸۰۷ م حاکمیت ایران بر منطقه گرجستان را به رسمیت بشناسد، اما ملاقات ناپلئون با

۴- طهماسب میرزا که پس از سقوط اصفهان، در زمستان ۱۱۳۵ ق / ۱۷۲۲ م خود را شاه خوانده بود، در سال ۱۱۳۶ ق / ۱۷۲۳ م نماینده‌ای به نام اسماعیل بیگ به دربار پتر کسپل داشت که مذاکراتی مبنی بر کمک روسها به ایران در مقابل واگذاری استانهای شمال غربی و شمالی ایران به روسها را به دنبال داشت. این مذاکرات مفاد قراردادی را تشکیل داد که به تأیید طهماسب دوم نرسید.

الکساندر در تیلست (Tilsit) - که به دنبال شکست روسها از فرانسه بود - و عهدنامه صلح تیلست در ۷ ژوئیه ۱۸۰۷ م، فرصت بیشتری به روسها داد که به منطقه قفقاز حمله کنند. حمله شدید روسها در ناحیه اصلاندوز در پاییز ۱۲۲۷/ق ۱۸۱۲ م و سال بعد آن، ایران را مجبور کرد که سرانجام به انعقاد عهدنامه گلستان در ناحیه قزاقاباغ تن در دهد. مرزهای ایران - که در عهدنامه گلستان دقیقاً تعیین نشده بود - بهانه خوبی برای دولت روس در ارسال هیأت جدیدی برای حل اختلافات مرزی شد. ورود مازارویچ (Mazaarowitch) (۱۲۳۳/ق ۱۸۱۸ م) و فرستادن نماینده‌ای از ایران به نام میرزا مسعود مهندس به تفلیس نیز اختلافات مرزی را حل نکرد. حتی با اشغال منطقه گوگ‌چای از جانب روسها در زمستان ۱۲۴۰/ق ۱۸۲۵ م به شدت آن افزوده شد. اشغال مناطق ایران توسط روسها و حل نشدن اختلافات مرزی و ورود ارتش روس به فرماندهی ژنرال پاسکیویچ (C. Paskiewitch) در سال (۱۲۴۲-۴۳/ق ۱۸۲۷ م) امضای قرارداد ترکمن‌چای و واگذاری چند شهر دیگر به روسها و نیز تعیین رودخانه ارس بعنوان مرز ایران و روس را به دنبال داشت (۱۲۴۳/ق ۱۸۲۸ م). در پی تصرف این مناطق از سرزمین ایران، دولت روسیه نواحی شرقی ایران مانند خجند (۱۲۸۵/ق ۱۸۶۸ م)، خیوه و بخارا (۱۲۹۰/ق ۱۸۷۳ م) گوگ‌تپه (۱۲۹۸/ق ۱۸۸۱ م)، و مرو (۱۳۰۱/ق ۱۸۸۴ م) را متصرف شد. در شرق نیز رودخانه اترک به موجب پیمان سال (۱۲۹۸/ق ۱۸۸۱ م) مرز بین دو کشور تعیین شد. دولت انگلستان تعیین مرزهای ایران در مناطق شرقی را با علاقه دنبال می‌کرد، زیرا به علت گسترش سلطه و نفوذ خود در بلوچستان و افغانستان توجه زیادی به این مناطق ابراز می‌داشت. قرارداد لندن - پترزبورگ مورخ (۱۳۰۲/ق ۱۸۸۵ م) توافقهای پنهانی روسیه و انگلیس بر سر ایران را مشخص می‌کند.

در رجب ۱۳۰۷/ق فوریه ۱۸۹۰ م دوتن از اتباع روس به نامهای بوریس پولیاکف (B. Poliakov) و لف رافائیلوویچ (Lef Rafailovitch) برای مذاکره در باره امتیاز خط راه‌آهن به ایران آمدند. کوشش هردو نفر برای دریافت چنین امتیازی بی‌نتیجه بود، زیرا که دولت ایران بر اساس قرارداد (۱۳۰۷/ق ۱۸۹۰ م) می‌بایستی به مدت ده سال از دادن هر نوع امتیازی در باره راه‌آهن به خارجی‌ان

۵- از جانب دولت ایران میرزا ابوالحسن خان شیرازی و از جانب روسیه نیکلا رادیشچف (Nicolai Radichtchev) این عهدنامه را در ذیقعد ۱۲۲۸ / ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م امضا کردند. به موجب آن بسیاری از شهرهای شمال غربی ایران به روسیه واگذار شد. برای اطلاع از جنگهای ایران و روس و روابط دو دولت رك: علی‌اصغر شمیم. ایران در دوره سلطنت قاجار، (تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲)، ص ۵۷-۷۹ و ص ۱۸۸-۱۹۹.

۶- سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲ (تهران ۱۳۴۴)، ص ۱۸۰ و بعد.

۷- بوریس برادرزاده لازار سولومونوویچ پولیاکف یهودی بود که از راه مقاطعه کاری راه‌آهن، ثروت زیادی جمع‌آوری کرده بود. لازار همراه برادرش سموئیل دارای مؤسسات متعددی در روسیه بود و خانواده خود را نیز در فعالیتهای تجاری خود شریک کرده بود.

صرفنظر کند.<sup>۸</sup> از آن جایی که پولیاکف و دوستانش می‌دانستند که بدون پشتیبانی دولت خود قادر به کسب امتیازی نمی‌شوند، کوشش کردند تا مقامات سنت-پترزبورگ را با خود موافق سازند. این کوششها البته بی‌نتیجه بود. با چنین زمینه‌ای پولیاکف و شرکاء تصمیم به تأسیس شرکت استقراضی گرفتند. این شرکت ابتدا «انجمن استقراض ایران» و از (رمضان ۱۳۰۹ ق/ آوریل ۱۸۹۲ م) با موافقت دولت ایران، «بانک استقراضی رهنی روس» (Banque de Prêts) نام گرفت.<sup>۹</sup> بعدها نیز بانک بطور خلاصه «بانک استقراضی روس» نامیده شد. به دنبال این موفقیت پولیاکف انحصار تصفیه‌خانه نفت و انحصار بیمه و حمل و نقل را نیز به دست آورد (۱۳۰۸ ق/ ۱۸۹۱ م). در آخرین دهه قرن نوزدهم و اولین دهه قرن بیستم، روسها به کسب امتیازات زیادی موفق شده بودند که در جدول ذیل منعکس است:<sup>۱۰</sup>

در اوایل قرن بیستم دولت روسیه به سبب پیشرفت رقیب قدیمی خود انگلیس در دیگر نواحی تحت نفوذش مانند جنوب افریقا و موقیتهایش در هندوستان، کشور ایران را بیشتر مورد توجه قرار داد. کنت میخائیل نیکلایویچ مورایف (Mikhail Nikoiaevich Murav'ev) وزیر امور خارجه روسیه مسائل ایران را بویژه در مد نظر داشت. برای روسیه سه راه می‌توانست در باره جلوگیری از نفوذ بیشتر رقیبش انگلستان موجود باشد:

#### ۱- تصرف بندری در خلیج فارس.

۸- علت دیگر مخالفت ایران با پیشنهاد آنها، مخالفت هنری دراموند ولف از جانب دولت انگلیس بود. ولف طی یادداشتی قول شاه را به قوام‌الدوله یادآور شد: هر جا امتیازی برای ساختن راه آهن داده شود، می‌بایستی امتیازی مشابه آن نیز به دولت انگلیس داده شود و نیز هیچ امتیاز راه آهنی برای مسیر تهران به جنوب بدون موافقت سفارت انگلیس میسر نخواهد بود. ر.ک: نامه ولف به قوام‌الدوله در: India Office Library, F.O., 371/1186. در سال ۱۹۰۰ م بار دیگر ایران کتباً متعهد شد که تا چند سال دیگر چنین امتیازی را به دولتی ندهد.

۹- برخی از مواد امتیازنامه بانک که به امضای شاه، صدراعظم و وزیر امور خارجه رسیده بود، به شرح ذیل است:

- ماده ۱- مدت امتیاز ۷۵ سال است.
- ماده ۲- شرکت جدید که «انجمن استقراض ایران» نام گرفت، مجاز به وام‌دادن در برابر هر گونه وثیقه به استثنای اموال غیرمنقول است.
- ماده ۳- شرکت می‌بایستی ۱۰ درصد سودویژه سالانه خود را به خزانه ایران بپردازد.
- ماده ۴- معافیت شرکت از هر نوع مالیات، حقوق و باج.
- ماده ۱۳- نرخ تنزیل نباید از ۱۸ درصد در سال تجاوز کند.
- برای اطلاع بیشتر ر.ک: بایگانی وزارت امور خارجه ایران، جزوه‌دان ۴۴، پرونده ۲۱، شماره ثبت ۱۵، سال ۱۳۲۶.

10- W. Litten: *Persien von der Pénétation Pacifique zum Protektorat*, (Berlin 1920), S. 188f.

۱۱- مورایف در طول وزارت خود روابط دوستانه‌ای با دربار ایران بویژه امین‌السلطان، صدراعظم مظفرالدین شاه داشت و نیز او بود که موجبات پرداخت قرضه روسیه به ایران را فراهم کرد. قسمتی از این قرضه بابت غرامت امتیاز رژی به انگلیس پرداخت شد. در قرضه دوم، مظفرالدین شاه از روسیه نیز مواریف از موافقین اصلی بود.

| شماره<br>ردیف | تاریخ<br>میلادی | نام قرارداد یا امتیاز          | موضوع                                                                                           |
|---------------|-----------------|--------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱             | ۱۸۸۱            | حکومت روسیه                    | بهره‌برداری از خط تلگراف استرآباد - چکیشلر و کنترل دفاتر تلگراف بین جلفا و چکیشلر.              |
| ۲             | ۱۸۸۶            | پولیاکف - رافائیلویچ           | مالیات خط تلگراف بین جلفا و چکیشلر.                                                             |
| ۳             | ۱۸۸۸            | حکومت روسیه                    | بهره‌برداری از شیلات دریای مازندران ۱۸۸۱-۱۹۰۱.                                                  |
| ۴             | ۱۸۹۰            | استپان مارتله لیانازوف         | انجمن استقراضی و بانک.                                                                          |
| ۵             | ۱۸۹۱            | حکومت روسیه                    | مالیات خط تلگراف سرخس و کنترل.                                                                  |
| ۶             | ۱۸۹۱            | حکومت روسیه                    | تمدید قرارداد ۱۸۸۶.                                                                             |
| ۷             | ۱۸۹۱            | حکومت روسیه                    | تغییر قرارداد ۱۸۹۱.                                                                             |
| ۸             | ۱۸۹۳            | استپان مارتله لیانازوف         | بهره‌برداری از شیلات دریای مازندران ۱۹۱۱-۱۹۰۴.                                                  |
| ۹             | ۱۸۹۱            | پولیاکف                        | تأسیس شرکت بیمه حمل و نقل.                                                                      |
| ۱۰            | ۱۸۹۳            | شرکت بیمه و حمل و نقل در ایران | احداث راه انزلی - قزوین.                                                                        |
| ۱۱            | ۱۸۹۳            | حکومت روسیه                    | مالیات خط تلگراف آستارا و کنترل                                                                 |
| ۱۲            | ۱۸۹۵            | شرکت راه انزلی                 | لایروبی مرداب انزلی.                                                                            |
| ۱۳            | ۱۸۹۵            | شرکت راه انزلی                 | احداث راه قزوین - تهران.                                                                        |
| ۱۴            | ۱۸۹۵            | شرکت راه انزلی                 | احداث راه قزوین - همدان.                                                                        |
| ۱۵            | ۱۸۹۶            | استپان مارتله لیانازوف         | بهره‌برداری از شیلات دریای مازندران ۲۰-۱۹۱۱.                                                    |
| ۱۶            | ۱۸۹۶            | گئورگی لیانازوف (پسر)          | بهره‌برداری از شیلات دریای مازندران ۲۰-۱۹۱۱.                                                    |
| ۱۷            | ۱۸۹۸            | گورائینوف و ایناکف             | استخراج معادن قراچه‌داغ                                                                         |
| ۱۸            | ۱۹۰۰            | حکومت روسیه                    | قرض به ایران به مبلغ ۲۲/۵ میلیون روبل.                                                          |
| ۱۹            | ۱۹۰۲            | حکومت روسیه                    | قرض به ایران به مبلغ ۱۰ میلیون روبل.                                                            |
| ۲۰            | ۱۹۰۲            | بانک استقراضی                  | احداث راه جلفا - تبریز - قزوین (استخراج معادن نفت و زغال سنگ اطراف جاده مذکور).                 |
| ۲۱            | ۱۹۰۲            | حکومت روسیه                    | احداث و بهره‌برداری خطوط تلگراف مشهد - نصرآباد سیستان و دریافت حق معافیت از عوارض گمرکی واردات. |

| شماره<br>ردیف | تاریخ<br>میلادی | نام قرارداد یا امتیاز | موضوع                                                                                                                                                                        |
|---------------|-----------------|-----------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۲            | ۱۹۰۵            | گنورکی لیانازوف       | تأیید قرارداد قبلی.                                                                                                                                                          |
| ۲۳            | ۱۹۰۶            | گنورکی لیانازوف       | تأیید قرارداد قبلی.                                                                                                                                                          |
| ۲۴            | ۱۹۱۱            | بانک استقراضی         | تحکیم قرضه ۱۲ میلیون روبلی.                                                                                                                                                  |
| ۲۵            | ۱۹۱۱            | برادران نوبل در باکو  | احداث خط لوله انتقال نفت انزلی - رشت.                                                                                                                                        |
| ۲۶            | ۱۹۱۲            | بانک استقراضی         | قرضه به مبلغ ۹۵۴۷۵۰ روبل.                                                                                                                                                    |
| ۲۷            | ۱۹۱۳            | بانک استقراضی         | احداث و بهره برداری راه آهن جلفا - تبریز، صوفیان - دریاچه ارومیه، استخراج معادن نفت و زغال سنگ اطراف جاده مذکور، حق تقدم استخراج سایر معادن در آن منطقه و راه تبریز - قزوین. |

۲- اعلام رسمی و تأکید بر آن که دولت روسیه هیچ گونه تجاوز به تمامیت ارضی ایران را تحمل نمی کند.

۳- توافق دوستانه با انگلستان بر سر تقسیم ایران به دو منطقه نفوذی. راه اول و دوم مسلماً مورد مخالفت شدید دولت انگلستان واقع می شد. از جانبی موقعیت جغرافیایی روسیه نیز چنان بود که تسلط آنان بر سواحل و مناطق شمالی را ممکن می ساخت همان گونه که در جهت منافع انگلیس بود که در نواحی جنوبی ایران - که سرمایه هنگفتی در تجارت، کشتیرانی، جاده سازی و تلگرافخانه ها به کار انداخته بود - باقی بماند<sup>۱۲</sup>.

وقایع مشروطیت ایران در سال (۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م) و دستاوردهای احتمالی آن می توانست از عواملی باشد که از سلطه دولتهای بزرگ بر ایران بکاهد. اما تقریباً همزمان با آن تغییرات مهمی در کادر دیپلماسی روسیه و انگلستان رخ داد. وزیر مختار روسیه اشپایر (A. N. Speyer) از ایران فرا خوانده شد و هارتویگ (N. Hartwig) جانشین وی گردید<sup>۱۳</sup>. اسپرینگ رایس (S. Spring Rice) سیاستمدار معروف با سمت وزیر مختار انگلیس عازم تهران شد و کوشش شد که همکاری بیشتر بین

۱۲- برای آگاهی بیشتر پیرامون دیدگاههای روسیه و انگلستان بر سر منافعی که در ایران در این مقطع زمانی رک:

J. C. Hurewitz: *Diplomacy in the Near and Middle East*, (Princeton 1958). Vol. I, p. 132f.

۱۳- هارتویگ رئیس سابق اداره اول (آسیا) وزارت امور خارجه بود و به مسائل ایران آشنایی داشت و رایس نیز علاوه بر آگاهی با فرهنگ و تاریخ ایران، زبان فارسی را نیز خوب می دانست.

سفارت‌های روس و انگلیس در تهران به وجود آید. تغییرات و تعویض وزرای مختار نیز در این کوشش مشکلی را به وجود نیاورد و شایعه سازش بین روس و انگلیس ایرانیها را نگران ساخت. عامل مهم و مؤثر این سازش و نزدیکی، افزایش قدرت دولت آلمان در نواحی بالکان و عثمانی هم بود.

در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ م بین روسیه و انگلستان سه قرارداد تنظیم شد و به موجب آن:

- ۱- افغانستان در منطقه نفوذی قرار گرفت.
- ۲- سرزمین تبت جزء منطقه نفوذی روسیه شناخته شد.
- ۳- کشور ایران به سه منطقه تقسیم شد: منطقه شمالی شامل قصر شیرین، اصفهان، یزد و خواف تحت نفوذ روسها قرار گرفت. منطقه جنوبی از بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحد افغانستان زیر نفوذ انگلیسیها درآمد. منطقه مرکزی هم ناحیه‌ای بی طرف و متعلق به ایران شناخته شد<sup>۱۴</sup>. به توپ بستن مجلس از جانب حکومت محمدعلی شاه در بهار (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م) و خروج وی از ایران در سال بعد، روی کار آمدن احمدشاه و بحرانیهای داخلی که هر يك با دخالت یکی از قدرتهای شرق و غرب صورت گرفته بود، نمی توانست اوضاع ناآرام اجتماعی و وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشد. انعقاد قرارداد پتسدام در اوت ۱۹۱۱م روسیه و آلمان نه تنها از بحرانیهای داخلی ایران نکاست، بلکه راه را بنوعی برای ورود آلمانها مساعد کرد<sup>۱۵</sup>.

اقدامات مالی شوستر امریکایی - بویژه پس از آنکه معاونی انگلیسی نیز برگزیده بود - بهانه خوبی بود که دولت روسیه بار دیگر در امور ایران اظهار نظر کند و خروج هیأت او را از مجلس خواستار شود. مقاومت و تظاهرات مردم برضد دولت و عمال روسی برای آنان قابل تحمل نبود و فشار دولت روس بعدی رسید که در روزهای آغازین بهار (۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م) بارگاه مطهر حضرت رضا علیه السلام در مشهد را به توپ بستند. اندکی قبل از شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) دولت روسیه موفق شد که عملیات ساختمانی راه آهن جلفا به تبریز را شروع کند، راهی که ساختمانش در سال بعد پایان یافت و ورود روسها را به منطقه آذربایجان آسان کرد.

در زمستان (۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م) تعداد زیادی از قوای روس - با وجود اعلام بی طرفی ایران در جنگ - وارد مناطق شمال غربی ایران شدند. شهرهایی مانند تبریز، مهاباد و سواحل دریایچه ارومیه محل تاخت و تاز سپاهیان روس و ارتش عثمانی - که به بهانه ورود روسها به آن منطقه آمده بودند - گردید. انگلیسیها

۱۴- عبدالرضا هوشنگ مهدوی: تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۰۵. وبعد. برای آگاهی از مفاد قرارداد رک: محمود محمود: تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۸، (تهران، اقبال ۱۳۵۳)، ص ۲۲۳۳. وبعد.

۱۵- براساس این قرارداد می بایستی آلمان امتیاز احداث راه آهن خاقلین تا خرمشهر (محرمه) را به دست آورد و در نتیجه راه آهن برلین - بغداد به سواحل خلیج فارس متصل می شد.

با پیاده کردن سپاه در بحرین به فرماندهی آرتور بارت (Arthur Barrett) ترکها را به عقب راندند و بصره را اشغال کردند.

در ۲۰ مارس ۱۹۱۵م دولت بریتانیا به روسیه پیشنهاد داد تا در مقابل تصرف قسطنطنیه از جانب روس، بریتانیا نیز به منطقه بی طرف ایران دست یابد. اگر چه عمر این توافق بیش از سه سال نبود، اما اثرات آن بسرعت مشخص گردید. در خوزستان قوای انگلیسی و عثمانی و در نتیجه متحدشان آلمان به فعالیت پرداختند. شکست قوای انگلیس در بهار (۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م) درکوت الماره از قوای عثمانی، راه را برای ورود آلمانها مساعد ساخت. در اوایل سال بعد انگلیس موفق شد که در کت الماره شکست خود را جبران و خود را در نواحی غربی ایران به قوای روسیه نزدیک کند. استعفای نیکلای دوم تزار روس، و امتناع برادرش میشل از قبول سلطنت و شکست روس در نواحی غرب کشور و حرکت های داخلی در روسیه، وضع را دگرگون کرد. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه و تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و پایان جنگ جهانی اول، سیاست روس در خاورمیانه با تغییراتی همراه بود. قراردادهای قبلی دولت روسیه تزاری نیز ملغی اعلام شد و دولت جدید سعی در برقراری روابط دیپلماسی کرد. قرارداد ۳ مارس ۱۹۱۸م در برست لیتوسک (Brest Litovsk) که به امضای دولتهای آلمان، اتریش، عثمانی، بلغارستان و روسیه شوروی رسید، زمینه تخلیه ایران از سپاه روس را مساعد ساخت. با عقب نشینی قوای روس، دولت انگلیس کوشش کرد تا در مناطقی از ایران که روسها نفوذ داشتند، دامنه سلطه خود را گسترش دهد<sup>۱۶</sup>. انگلیسیها حتی کوشش کردند تا تحت فرماندهی نوریس (Norris) در دریای خزر نیروی دریایی فراهم کنند.

دولت جدید روسیه شوروی به دنبال کوششهای دیپلماسی خود در رابطه با ایران، سفیر ایران در پتروگراد را به رسمیت شناخت و به جای سفیر تزار در ایران یعنی فن اتر (Von Etter) سفیری جدید به نام نیکلا کارل براوین (N. K. Bravine) به ایران گسیل داشت. در نامه ای که براوین در سال (۱۳۳۶ق/۱۹۱۸ م) به همراه خود به تهران آورد، برقراری روابط دوستانه تجاری در جهت منافع متقابل تاکید شده بود<sup>۱۷</sup>. متعاقب آن دولت شوروی نماینده سیاسی ویژه ای به نام کولومیتزف (Ivan Kolomitsev) را به ایران فرستاد. وثوق الدوله نخست وزیر وقت ایران و دولت وی این هیأت را به رسمیت نشناخت، اما مذاکراتی را با آنها انجام داد. هیأت کولومیتزف پس از حمله فن اتر به آنها، مجبور به بازگشت شد و اعضای هیأت، خود را بسختی به مسکو رساندند.

۱۶- قوای دسترویل در ربیع الاخر ۱۳۳۶ ق / ژانویه ۱۹۱۸ م عازم بندر انزلی و قفقاز شد.

۱۷- براوین پس از ورود به ایران نتوانست در سفارت شوروی مستقر شود، زیرا که فن اتر از تحویل سفارتخانه به وی خودداری کرد و براوین در هتلی اقامت گزید. ورود براوین مورد استقبال برخی از محافل ایران مانند حزب دمکرات قرار گرفت. برای آگاهی بیشتر رک: علی اصغر شمیم: ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۴۷۵.

کولومیتزف در شوال ۱۳۳۷ق/ ژوئن ۱۹۱۹م همراه با استوارنامه‌ای معتبر از لنین و طرح قراردادی به ایران آمد، اما به تحریک انگلیسیها، وثوق‌الدوله مجدداً این هیأت را به رسمیت نشناخت و حتی طی زد و خوردی کولومیتزف نیز به قتل رسید. این رویداد به قطع روابط ایران و شوروی انجامید.

برقراری روابط مجدد بین ایران و شوروی ابتدا در رمضان ۱۳۳۸ق/مه ۱۹۲۰م صورت گرفت. در این سال دولت شوروی همچنین موفق شد که برقوای انگلیس در قفقاز دست یابد و جمهوری آذربایجان را تأسیس کند. رویدادهای آذربایجان شوروی باعث شد که دولت انگلیس و شوروی سیاست معتدلی را با یکدیگر در مدنظر بگیرند. نتیجه این هماهنگی، سقوط کابینه طرفدار انگلیس (وثوق‌الدوله) بود که البته وی به علت امضای قرارداد معروف ۱۹۱۹م محبوبیت چندانی در محافل ایرانی نداشت.

در ۸ اسفند ۱۲۹۹ق/۲۶ فوریه ۱۹۲۱م قراردادی بین تهران و مسکو منعقد گردید که تا حدی حقوقی را که دولت تزاری به اجبار از ایران گرفته بود، به ایران باز می‌گرداند<sup>۱۸</sup>. این قرارداد در واقع بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت، بویژه که تقریباً همزمان با آن، قراردادهای مشابهی در ۲۸ فوریه ۱۹۲۱م با افغانستان و در ۱۶ مارس ۱۹۲۱م با ترکیه بسته شد.

در خلال این سالها، سیاست داخلی ایران در دگرگونی و تغییر بود. به علت کودتا اسفند ۱۲۹۹ ش / فوریه ۱۹۲۱م دولت قاجار به مرز نابودی نزدیک شد و سرانجام سلطنت به رضاخان تفویض گردید (۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م). اوایل سلطنت وی مصادف با انقضای مدت قرارداد (۱۲۵۸ش/۱۸۷۹م) یعنی دادن امتیاز و بهره‌برداری از شیلات شمال از جانب ناصرالدین شاه به لیانازوف بود که تمدید نشد و همین امر باعث تیرگی روابط دیپلماتی دوکشورتا سال (۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م) گردید.

## ۲- سیاست اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در ایران

روابط سیاسی هریک از قدرتهای بزرگ در کشورهای جهان سوم اغلب بر مبنای نفوذ اقتصادی آغاز می‌گردد و دولت شوروی نیز از این اصل مستثنی نبود. روسیه شوروی در این زمینه دو هدف را دنبال می‌کرد: ۱- اختصاص دادن بازار خاورمیانه به خود. ۲- کاهش میزان نفوذ کشورهای سرمایه‌داری.

شوروی به انجام چنین روشی ناچار بود زیرا که قبل از جنگ جهانی اول ۳ تجارت خارجی ایران را در دست داشت اما رویدادهای مختلف سیاسی باعث شده بود که در سالهای بعد از آن بازار اقتصادی ایران بخصوص پس از قرارداد ۱۲۹۸ش/ ۱۹۱۹م انگلیس و ایران، در اختیار انگلستان باشد. به هر حال دولت شوروی با

۱۸- برای اطلاع از مفاد قرارداد ۱۹۲۱ م رک: به ضمیمه شماره ۵ پژوهش حاضر،



وجود مشکلات اقتصادی که بر اثر جنگهای داخلی خویش داشت، نهایت سعی خود را کرد؛ همچنین سواحل شمالی ایران را با توجه به هم‌مرز بودن و امتیازات گذشته این کشور مانند فروش نفت شوروی در این ناحیه و آشنایی بیشتر مردم با شوروی مورد توجه قرارداد و سعی کرد که هدف اصلی خود، که همانا اختیارات و نفوذ گسترده آنان در این منطقه بود، پنهان بماند<sup>۱۹</sup>. پس از دولتی شدن تجارت خارجی شوروی در سال ۱۹۲۰م و روشن شدن «اصول تجارت شرق» ۱۹۲۳م، اهداف تجارت شوروی در خاورمیانه و خاور دور اعلام گردید<sup>۲۰</sup>:

- ۱- مبادله محصولات صنعتی شوروی با مواد خام کشورهای شرق.
  - ۲- اجازه فروش اجناس بازرگانان شرقی در شوروی.
  - ۳- عدم اصرار شوروی به توازن تجارت در شرق.
  - ۴- گسترش شرکت‌های مختلط شرقی و روسی.
  - ۵- فروش ارزاتر اجناس صنعتی شوروی در کشورهای شرقی.
- به دنبال این اهداف بازرگانی، قرارداد تیرماه ۱۳۰۲ ش/ ژوئیه ۱۹۲۳م<sup>۲۱</sup> درباره پست و تلگراف و وسایل حمل و نقل بین کاراخان و تقی‌زاده و متعاقب آن قرارداد (۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴م) امضا گردید. سازمانهایی که پس از امضای این قراردادها به وجود آمدند، عبارتند از:
- ۱- بانک ایران و روس (بعنوان حق مشابهی در مقابل بانک سلطنتی انگلستان)، با شعباتی در تبریز، رشت و انزلی (تاسیس شده در ۲۵ آگوست ۱۹۲۳م).
  - ۲- شرکت بازرگانی ایران و شوروی (تاسیس شده در ۲۵ آگوست ۱۹۲۳م).
  - ۳- شرکت بازرگانی تولید و صادرات ابریشم ایران و شوروی (تاسیس شده در ۱۸ سپتامبر ۱۹۲۳م).
  - ۴- شرکت بازرگانی پنبه ایران و شوروی.
  - ۵- شرکت حمل و نقل ایران و شوروی (تاسیس شده در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۳م).
- و در پاییز ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴م فرستاده شوروی شومیاتسکی (Shumjatzki) موجودیت دیگر سازمانهای مشترک ایران و شوروی را بدین شرح اعلام کرد:
- ۱- شرکت حمل و نقل و اوطوریان که در کلیه نقاط کشور اجازه کار داشت.
  - ۲- شرکت پرس‌ساخار (Persasachar) - قند ایران و شوروی.
  - ۳- شرکت پرس آذنفیت (Persasnaft) - نفت ایران و آذربایجان.

۱۹- برای آگاهی بیشتر از جزئیات سیاست اقتصادی شوروی در این سالها رك: V. Conolly: *Soviet economic policy in the East*, (London 1933).  
N. S. Fatemi: *Diplomatic History of Persia*, (New York 1952), p. 121.

و نیز م. ع. منشور گرگانی: *سیاست دولت شوروی در ایران*  
۲۰- جرج لنزوسکی: *رقابت روسیه و غرب در ایران*

ص ۱۲۵.

S.N. Fisher: *The Middle East*, (New York 1959) p. 791.

و نیز

۲۱- ایزوستیا، ۹ اکتبر ۱۹۲۳.

## ۴- شرکت نساجی ایران و شوروی ۲۲.

شومیاتسکی احداث این شرکت‌های مختلط را راهی در جهت بازرگانی متقابل دو کشور دانست ۲۲ اما نسبت آمار صادرات و واردات ایران خلاف این ادعا را بیان می‌کند برای مثال در اواخر قرن نوزدهم یعنی ۱۸۹۵ م صادرات روسیه به ایران ۱۵٪ بود در حالی که در اوایل قرن بیستم ارقام بیشتری به چشم می‌خورد ۲۴:

| سال میلادی | صادرات |
|------------|--------|
| ۱۹۰۵       | ۳۹/۵٪  |
| ۱۹۱۰       | ۴۶٪    |
| ۱۹۱۷       | ۶۶٪    |
| ۱۹۱۸       | ۸۰٪    |
| ۱۹۱۹       | ۷۷٪    |
| ۱۹۲۰       | ۷۷٪    |
| ۱۹۲۲       | ۶۶٪    |
| ۱۹۲۳       | ۶۴٪    |
| ۱۹۲۶       | ۲۳٪    |

به دنبال پیمان تجارتي ۱۹۲۷ م بین ایران و شوروی که در حقیقت مکمل پیمانهای ۳-۱۳۰۲ ش/۲۴-۱۹۲۳ م بود، امتیازات دیگری از جمله ماهیگیری و بهره‌برداری از خاویار دریای خزر و استفاده مستمر از تأسیسات کشتیرانی انزلی نیز به شوروی داده شد ۲۵. باید یادآور شد که تا آغاز جنگ جهانی دوم قراردادهای متعدد ایران و شوروی (۱۹۲۷ و ۱۹۳۱ م) این کشور را در مقام اول تجارت خارجی ایران جای داد. اما سالهای قبل از جنگ جهانی دوم و گرایش دولت ایران به دولت آلمان، این مقام را آلمانها دارا بودند بطوری که با آغاز جنگ جهانی دوم تجارت شوروی در ایران تقریباً به صفر رسیده بود ۲۶:

۲۲- ایزوستیا، ۱۱ آوریل، ۲۱ اکتبر و ۲۰ نوامبر ۱۹۲۴.

۲۳- ایزوستیا، ۱۱ آوریل ۱۹۲۴.

۲۴- رلک:

D. Conolly: *Soviet economic policy in the East*, (London 1933), p. 62-71

M. Beloff: *The foreign policy of Soviet Russia 1929-1941*, Vol II, 1930-1941, (London 1949), p. 205

25- J. Degras: *Soviet Documents on Foreign Policy*, Vol II, (London 1951-52), p. 244-245

چیزین این قرارداد را جبهه‌ای در راه جلوگیری از گسترش سرمایه‌داری جهانی می‌داند که هدف از سرمایه‌دار جهانی، رقیب قدیمی شوروی یعنی انگلستان است. برگرفته از ایزوستیا، ۲ اکتبر ۱۹۲۷، نگاهی به ارقام و مقدار درآمد این شرکت مندرج در کتاب سیاست دولت شوروی در ایران نوشته منشور گرگانی (تهران ۱۳۲۶) ص ۲۷۶، نشان می‌دهد که این پیمان تنها منافع شوروی را حافظ بوده است.

26- G. Lenczowski: *Russia and the West in Iran*, (New York 1968), p. 328

| سال میلادی | صادرات |
|------------|--------|
| ۱۹۲۸       | ٪۴۸    |
| ۱۹۳۰       | ٪۳۷    |
| ۱۹۳۴       | ٪۳۴    |
| ۱۹۳۷       | ٪۳۴    |
| ۱۹۳۸       | ٪۱۱/۵  |
| ۱۹۴۰       | ٪ ۰/۵  |

طی سالهای مذکور، دولت شوروی سعی می‌کرد که تسلط اقتصادی خود را بر بازار و تجارت داخلی و خارجی ایران حفظ کند و گه‌گاه با واردکردن اجناس خویش و فروش ارزانتر از قیمت واقعی آنها، تجار ایرانی را به‌ورطه ورشکستگی بکشاند.

### ۳- تجاوز نیروهای شوروی به ایران

اشغال ایران در ۳ شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۲۵ اوت ۱۹۴۱ م توسط شوروی و انگلیس حرکت هماهنگی بود که هردو قدرت در مقابل آلمان انجام دادند. به‌علت موقعیت بحرانی جنگ در نواحی دریای مدیترانه، شمال آفریقا و جبهه‌های شرق، هر دو کشور نمی‌توانستند اعلام بی‌طرفی ایران را محترم بشمارند. قیام‌رشدعالی کیلانی در عراق (آوریل و مه ۱۹۴۱ م) که توسط حکومت ویشی (حکومت حمایت شده آلمانها در فرانسه) و نیروی هوایی آلمان پشتیبانی می‌شد، اهمیت مناطق نفتی را برای قوای انگلیس روشن ساخت و کشور انگلیس در صدد برآمد تا از نفوذ آلمان در سوریه و بین‌النهرین جلوگیری به‌عمل آورد. علاوه براین، ایران از نظر رساندن وسایل و تجهیزات جنگی به شوروی نیز اهمیت بسزایی داشت و ساختن راه‌آهن سراسری مشکل حمل و نقل وسایل جنگی آمریکا را به‌همسایه شمالی ایران، آسان می‌کرد ۲۷ و وجود تعداد زیاد مأموران آلمانی، بدون توجه به بی‌طرف بودن ایران، بهانه‌ای بود که این حمل و نقل را به‌صورتی منطقی جلوه‌گر سازد. در تیر ماه ۱۳۲۰ ش/ ژوئن ۱۹۴۱ م دولت شوروی خواستار اخراج مأموران آلمانی موجود در ایران شد، و وجود آنان را خطری برای شوروی و منافع ملی ایران دانست و برطبق ماده ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ م، قوای خود را در ایران پیاده کرد. ورود ارتش شوروی، راه را جهت اشغال ایران توسط ارتش انگلیس هموار ساخت و بدینسان

۲۷- یادآور می‌شود که از اواخر ۱۹۴۲ تا پایان جنگ پنج میلیون و نیم تن مهمات از همین راه به شوروی فرستاده شد که از آن جمله ۱۵۰ هزار نفربر و ۳۵۰۰ هواپیما که ۱۴۰۰ فروند آن، هواپیمای بمب‌افکن بوده است. امریکاییها به‌فرماندهی ژنرال کانلی Donald Connolly نیرویی مرکب از ۲۸ هزار نفر جهت حمل و نقل در امیرآباد که در آن زمان در خارج از شهر تهران بود، مستقر ساختند و مهمات و مواد غذایی و دارویی را به‌جبهه شوروی می‌رساندند. متفقین به‌همین دلیل به ایران «پل پیروزی» لقب دادند.

هر دو قدرت بزرگ در ایران مستقر شدند<sup>۲۸</sup>.

مناطق غربی ایران نیز علاوه بر دو قدرت مذکور، محل تاخت و تاز قوای ترك و مأموران آلمانی بود و سیاست داخلی ایران نیز تحت تاثیر مستقیم سیاستهای مختلف مناطق اشغالی قرار گرفت. مناطق غربی ایران مانند ارومیه تحت نفوذ آلمانها، مخالفت با دولت مرکزی را آغاز کرده بودند و مناطق جنوبی یعنی فارس نیز از آنان پیروی می کردند، زیرا هر دو منطقه از سیاست آلمانها در ایران دفاع کرده و منطقه نفوذ آنان به شمار می رفتند. بدین ترتیب باید توجه داشت که نه تنها اوضاع اجتماعی، بلکه امور اقتصادی اعم از بازرگانی و کشاورزی نیز تحت الشعاع اوضاع سیاسی مملکت قرار گرفت. تورم اقتصادی و کمبود مواد غذایی و قحطی از جمله مشکلات طاقت فرسایی بود که ایران را فرا گرفته بود. از حمل مواد غذایی استانهای شمالی ایران که تقریباً نیمی از احتیاجات غذایی مملکت را مرتفع می ساخت، به دیگر استانها از جانب شوروی جلوگیری به عمل آمد. سرانجام قحطی، بسیاری از استانها را فرا گرفت و تعداد زیادی از مردم به علت گرسنگی به هلاکت رسیدند<sup>۲۹</sup>. عدم قاطعیت دولت ایران در قبال دول اشغالگر و دیگر نارساییهای مملکتی، باعث گردید که قوای شوروی وانگلیس در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ م به تهران سرازیر گردند. رضاشاه در همان روز استعفا داد و در ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۱ پسرش محمد رضا پهلوی جانشین وی

۲۸ - ارتش شوروی تحت فرماندهی نوویکوف Novikov در سه ستون به ایران وارد شد: ستون یکم - پس از عبور از رودخانه ارس به ترتیب از ماکو و خوی گذشته تبریز و ارومیه را متصرف شد. ستون دوم - از آستارا به طرف اردبیل و بندر انزلی متوجه شد رشت را تصرف کرد و در قزوین مستقر گردید. ستون سوم - از بندر شاه، گرگان گذشت و در سمنان مستقر شد. ارتش انگلیس تحت فرماندهی نظارت ویول Archibald Wavell در سه ستون عملیات خود را آغاز کرد: ستون یکم - به فرماندهی کونینان Quinan جهت تصرف تأسیسات نفت خوزستان و کرمانشاهان.

ستون دوم - به فرماندهی آرباثنوت Arbathnott خرمشهر و آبادان را متصرف گردید. ستون سوم - به فرماندهی اسلیم Slim از طریق مرز خسروی به کرمانشاه وارد شد. برای آگاهی بیشتر از جزئیات این حملات رك: داوود مؤید امینی: از سوم تا بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰، (تهران ۱۳۲۱). عبدالرضا هوشنگ مهدوی: تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران ۱۳۵۵)، ص ۳۸۵ و بعد.

۲۹ - کمبود مواد غذایی و بخصوص نان در تهران ۱۳۲۱ ش دلایل دیگری نیز داشت که از آن جمله است:

الف - اشغال راه آهن و وسایل حمل و نقل توسط نیروهای اشغالگر.

ب - عدم پرداخت قیمت واقعی نان.

ج - ناتوانی دولت جهت جمع آوری محصول.

د - احتکار.

دولت برای نانوایان تهران سهمیه قرار داده بود اما به هنگام کاهش آرد گندم، آن را با آرد جو مخلوط می کردند و عده ای نیز آن را با گاه یا خاک ارده می آمیختند که نتیجه آن بلوای نان در زمستان همان سال بود.

جوزف. م. اپتون: نگارشی بر تاریخ نوین ایران، ترجمه آژند، (تهران ۱۳۵۹) ص ۱۵۴.

گردید. تعویض رهبری مملکت راه رهایی نبود، زیرا که سرنوشت ایران در حقیقت بوسیله قدرتهای اشغالگر تعیین می‌گردید. بخصوص ورود ارتش امریکا به نفع متفقین وضع قوای آلمان در اطراف استالینگراد، شوروی و انگلیس را در سیاست جهانی برتری دیگری بخشید و همین امر در خاک ایران نیز تأثیر عمده‌ای به جای گذاشت.

برای اطلاع از رویدادهای تاریخ معاصر ایران، آگاهی از توافق‌نامه‌های دول بزرگ، ضروری است. یکی از این موافقت‌نامه‌هایی که به پیمان سه‌جانبه ایران، شوروی و انگلیس معروف است، در زمان وزارت امور خارجه علی سهریلی در ۹ بهمن ۱۳۲۱ ش/ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ م به نمایندگی دولت ایران به امضا رسید. نمایندگان دو دولت دیگر که عبارت بودند از: آندریویچ اسمیرنوف (A. Smirnov) سفیر شوروی، و ویلیام بولارد (R. W. Bullard) وزیرمختار انگلیس، پیمان‌نامه مذکور را در ۹ فصل امضا کردند<sup>۳۰</sup>. به موجب آن کشورهای شوروی و انگلیس متعهد می‌شدند که تمامیت ارضی و استقلال ایران را محترم بشمارند و دفاع از ایران را در مقابل حملات کشور آلمان به عهده گیرند و از ارتش ایران علیه کشور آلمان استفاده نکنند. در مقابل، دو دولت مذکور حق استفاده از کلیه وسایل اعم از راه‌آهن، جاده، فرودگاه، تأسیسات نفتی، تلگراف و تلفن را داشته باشند و قوای سه‌گانه خود را در خاک ایران تا هر زمان که لازم بدانند، نگاه دارند و [البته] روشی در پیش نگیرند که به استقلال ایران صدمه زند.

قطع روابط سیاسی ایران با دولت ویشی (فرانسه) و ژاپن در بهار ۱۳۲۱ ش/ ۱۹۴۲ م و اعلام جنگ به دولت آلمان در اواخر تابستان ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م راه را جهت استفاده بیشتر شوروی، امریکا و انگلیس از ایران، بطوری که در اغلامیه سران سه‌کشور در تهران نیز بدان اشاره می‌شود، هموار ساخت<sup>۳۱</sup>.

در پاییز ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م جهت هماهنگ ساختن ارتش سه‌کشور، ملاقاتی بین استالین نخست وزیر شوروی، روزولت رئیس جمهور امریکا و چرچیل نخست وزیر انگلستان در تهران انجام یافت که نتیجه آن طی اعلامیه ۹ آذر ۱۳۲۲ ش/ ۱ دسامبر ۱۹۴۳ م در مورد ایران منتشر گردید. اما نتایج کلی کنفرانس بیرون راندن قوای آلمان از خاک شوروی و اروپای شرقی و نیز تشکیل جبهه مشترک ارتش متفقین بود که سرانجام به عقب‌نشینی نیروهای آلمانی از فرانسه، بلژیک، ایتالیا و اروپای شرقی منجر گردید.

#### ۴- مسأله نفت در سال ۱۳۲۳ شمسی / ۱۹۴۴ میلادی

اواخر سال ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م نمایندگان شرکت‌های امریکایی استاندارد

۳۰- رك: الویل ساتن: ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری (تهران، تابش، بی‌تا)، ص ۵۴۷ و بعد.

۳۱- رك: الویل ساتن: ایران نو، ص ۵۵۸ و بعد.

واکوئوم (Standard-Vacuum) و سینکلر (Sinclair Oil) و شرکت رویال داچ شل (Royal Dutch Shell) به رقابت با یکدیگر جهت دریافت امتیاز استخراج معادن نفت جنوب شرقی ایران، بلوچستان و کرمان، به ایران آمدند. هجوم شرکت‌های بزرگ نفتی جهان به ایران، دولت علی سهیلی را برآن داشت که در آغاز ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م کارشناسان آمریکایی، به نام‌های کورتیس (A. Curtis) و هور (H. Hoover) را جهت مطالعه و رسیدگی به پیشنهادهای رسیده، به ایران دعوت کند. کار این هیأت با کمک همکاران ایرانی خود مانند انتظام، نخعی، پیرنیا و آرام ادامه یافت. ناپسامانیهای داخلی و عدم توازن سیاست خارجی و فشار مطبوعات، سهیلی را وادار کرد که جای خود را به محمد ساعد مراغه‌ای بدهد و هیأت مذکور کار خود را در زمان نخست‌وزیری ساعد نیز ادامه داد. اما دولت ساعد نیز تحت فشار مطبوعات، مجبور به ترمیم کابینه شد و زرین‌کفش، مدیر سابق شرکت نفت انگلیس و ایران ۲۲ را، به امید آن‌که در بهبود موقعیت خارجی ایران مؤثر باشد، به وزارت دارایی گماشت، اما فشار دولتهای بیگانه و شرکت‌های نفتی آنان، دولت جدید را برآن داشت که در اواسط شهریور ماه بیانیه‌ای منتشر سازد که تا پایان جنگ امتیازی به دولت و یا شرکت‌های خارجی داده نشود.

در شهریور ۱۳۲۳ش/ سپتامبر ۱۹۴۴م بدون توجه به بیانیه دولت ساعد، هیأتی به ریاست کافتارادزه (Sergi Iwanowitsch Kawtaradse) مشتمل بر کارشناسان فنی از شوروی به ایران آمد تا درباره استخراج معادن نفت آذربایجان، گیلان، مازندران، سمنان، دامغان و خراسان مذاکراتی به عمل آورد. ریاست هیأت نیز خود به مدت ۲ هفته از مناطق مذکور که در منطقه نفوذ شوروی قرار داشت، دیدن کرد. مطبوعات ایران نیز بر سر واگذاری امتیازات به خارجی‌ان مقالات فراوانی نوشتند و سرانجام دولت ساعد بار دیگر تأکید کرد که دولت ایران تا پایان جنگ، موضوع اعطای امتیازات را مسکوت خواهد گذارد ۲۳.

پس از این رویدادها وسایل ارتباط جمعی شوروی تبلیغات ضد دولت ساعد را شروع کردند و کافتارادزه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در سفارت شوروی در تهران در آبان‌ماه ۱۳۲۳ ش بیاناتی اظهار کرد مبنی بر اینکه تصمیم دولت ساعد در محافل شوروی کاملاً بطور منفی تلقی می‌گردد و افکار شوروی بر این عقیده است که دولت ساعد به علت اتخاذ چنین تصمیمی در مورد دولت شوروی در راه تیرگی مناسبات بین دو کشور قدم برداشته است. فشار سیاسی دولت شوروی از خارج و فشار احزاب سیاسی و روزنامه‌های مختلف از داخل و بحرانی بودن نظرات سیاسی در فضای بین‌المللی، ساعد را مجبور به استعفا کرد. بهر حال پس از این وقایع محافل شوروی رسماً به حضور نیروهای آمریکایی و انگلیسی در ایران، اعتراض کردند ۲۴. اما آنچه مسلم است که دولتهای آمریکا و انگلیس در کنفرانس فروردین

32- Anglo-Iranian Oil Company (AIOC).

۳۳- رک: مذاکرات مجلس شورای ملی ایران، ۱۳۲۳/۷/۲۷، شماره ۸۳۳۰، ص ۱۲۹۱.  
۳۴- ایزوستیا، ۴ نوامبر ۱۹۴۴.

۱۳۲۳ ش / آوریل ۱۹۴۴ م در واشنگتن درباره گرفتن امتیاز نفت از ایران مذاکره و توافق کرده بودند که در به دست آوردن امتیاز و تحت فشار سیاسی قراردادن ایران، خودداری کنند. در نامه‌ای که بورت موریس (Leland Burnette Morris) سفیر امریکا در تهران به دولت ایران نوشته است، متذکر می‌شود که مسأله نفت تا پایان جنگ مسکوت خواهد ماند و در صورت مذاکرات مجدد در این باره، شرکت‌های نفتی امریکایی حق تقدم خواهند داشت و نیز ژنرال دوگل (Charles de Gaulle) در مسکو در دیدار مورخ آبان ۱۳۲۳ ش / نوامبر ۱۹۴۴ م به دولت شوروی یادآور شد که در صورت از سر گرفتن مذاکرات نفت، دولت فرانسه نیز در گرفتن امتیاز استخراج نفت خراسان شریک و ذینفع خواهد بود.<sup>۳۵</sup>

پس از استعفای ساعد، مرتضی قلی‌خان بیات کابینه جدیدی تشکیل داد و در اداره امور مملکتی، تقریباً همان خط‌مشی دولت ساعد را دنبال کرد و عدم اعطای امتیازات نفت را تا پایان جنگ یک بار دیگر تأکید کرد. در ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ ش / ۲ دسامبر ۱۹۴۴ م مجلس شورای ملی ایران نیز طرحی بنا به پیشنهاد دکتر محمد مصدق با مفاد زیر تصویب کرد:

«... ماده اول - هیچ نخست‌وزیر، وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و یا نمایندگان شرکت نفت و هرکس غیر از اینها مذاکراتی بنماید که اثر قانونی بکند و یا این که قراردادی امضاء نماید.

ماده دوم - نخست‌وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند. ماده سوم - متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از ۳ تا ۸ سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده چهارم - تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد. دادستان مزبور وظیفه‌دارست که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید».<sup>۳۶</sup>

تشنجات داخلی و خارجی در زمان دولت بیات تا حدی کاهش یافت و شاید همین امر باعث شد که بار دیگر مذاکرات درباره اخذ امتیاز بین سفیر شوروی

35- Raymond Lacoste: *La Russie Soviétique et la question d'orient*, (Paris 1946), p. 187

۳۶- حسین کی‌استوان: سیاست موازنه منفی، ج ۱، تهران ۱۳۲۷، ص ۱۹۹ و نیز پارسا یمکانی: کارنامه مصدق ج ۱، تهران ۱۳۵۷، ص ۳۵ و بعد.

ماکسیموف (Michail A. Maksimov) و بیات آغاز گردد. اما سرانجام سفیر شوروی به این نتیجه رسید که تا قبل از تغییر در مفاد قانون ۱۱ آذرماه، از هرگونه مذاکره درباره نفت خودداری کند<sup>۳۷</sup>.

بدین ترتیب، پس از این که ایران صحنه نبرد قدرتهای جهانی گردید، توانست بار دیگر خود را از سلطه سیاسی این قدرتها برهاند. اما منافعی که دولتهای بزرگ بر اثر استقلال سیاسی ایران از دست می دادند، دلیل دیگری برای ادامه حضور آنان در این منطقه بود. رویدادهای آذربایجان در این سالها، خود نشانگر این مدعاست.

### ۵- تخلیه ایران و تشکیل جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان

جنگ جهانی دوم در ۸ مه ۱۹۴۵م ابتدا با شکست آلمان در اروپا و در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵م پس از تسلیم ژاپن در سراسر جهان به پایان رسید. پایان جنگ برای ایران، فرصتی جهت بازسازی کشور و رفع مشکلات ناشی از جنگ بود، به همین علت پس از خاتمه جنگ دولت ایران خروج نیروهای متفقین را خواستار شد. دولت امریکا نظر بدین نیاز مبرمی که به سپاهیان خود در جبهه چین، برای مقابله با ژاپن، قبل از شکست آن کشور داشت، بتدریج سربازان خود را از ایران خارج کرد، اما شوروی وانگلیس خروج قوای خود را به تأخیر انداختند. بر اثر اعتراض ایران، متفقین اعلام کردند که تا ۲ مارس ۱۹۴۶م، خاک ایران را تخلیه خواهند کرد، اما مسئله تخلیه ایران نه تنها انجام نگرفت بلکه در مناطق شمال غربی ایران با کمک قوای شوروی، تظاهرات و ناآرامیهایی صورت گرفت که اشغال و انحلال ادارات دولتی را به دنبال داشت و سرانجام نیز به اعلام جمهوری در آن نواحی منجر گردید.

در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ ش/ ۳ سپتامبر ۱۹۴۵م حزب دمکرات آذربایجان به ریاست پیشه‌وری طی بیانیه‌ای ۱۲ ماده‌ای موجودیت خویش را اعلام داشت. در این بیانیه از جمله خودمختاری آذربایجان با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، پیشبرد فرهنگ آبادانی آذربایجان (ماده ۱)، تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق قانون اساسی ایران و فعالیتهای بهداشتی، اقتصادی و حق اظهار نظر درباره مأموران دولتی (ماده ۲)، تدریس و ترویج زبان آذری بعنوان زبان دولتی و تشکیل دانشگاه (ماده ۳)، رفع بیکاری (ماده ۴)، توسعه تجارت (ماده ۵)، آبادانی شهرها و تغییر قوانین انجمن شهر (ماده ۶) را خواستار شدند.

در اثر بحرانهای داخلی ایران در ۲ آبان ۱۳۲۴ ش دولت صدر سقوط

۳۷- دولت بیات در فروردین ۱۳۲۴ ش / آوریل ۱۹۴۵م استعفا و جای خود را در اردیبهشت ۱۳۲۴ ش / مه ۱۹۴۵م به دولت ابراهیم حکیمی که در کابینه اول قوام عهده‌دار وزارت کشور بود، داد. دولت حکیمی تحت فشار مجلس در خرداد/ژوئن همان سال استعفا داد و جانشین وی حسن صدر بود که در پاییز همان سال پست خود را به ابراهیم حکیمی سپرد و وی توانست دومین کابینه خویش را تشکیل دهد.



کرد و نمایندگان مجلس، ابراهیم حکیمی و احمد قوام را جهت نخست‌وزیری به مجلس پیشنهاد کردند. حکیمی پس از انتخاب شدن، تصمیم گرفت برای سرکوبی حزب دمکرات نیروی نظامی به آذربایجان اعزام دارد و قصد خود را همراه با اعتراض‌نامه‌ای بسفارت شوروی مبنی بر دخالت آنان در امور لشکری و کشوری یادآور شد. همچنین طی نامه‌ای مراتب دخالت را به اطلاع دولتهای انگلیس و امریکا رساند که چندان مورد استقبال آن مقامات، قرار نگرفت. پس از این‌که از حرکت قوای ایران به طرف آذربایجان بوسیلهٔ سربازان شوروی مستقر در شریف‌آباد قزوین جلوگیری به عمل آمد، امریکا و انگلیس باقیماندهٔ ارتش خود را در ایران تقویت کردند. دولت حکیمی در مورد دخالت شوروی در اوضاع داخلی ایران، نامه‌ای به سفارت شوروی در تهران مبنی بر عدم آزادی حرکت نیروهای ایرانی فرستاد و مسئولیت عدم کامیابی قوای ایران در جلوگیری از حوادث نامطلوب را به عهدهٔ مأموران نظامی شوروی دانست. دولت شوروی ضمن رد هر نوع دخالتی از جانب خود، علت ممانعت از ورود نیروهای نظامی را به آذربایجان بدین‌گونه بیان کرد: دولت شوروی ارسال نیروهای تازهٔ ایرانی به استانهای شمالی را صلاح نمی‌داند و باید در نظر گرفت که چنانچه نیروهای تازه علاوه بر ارتش منظم ایرانی و ژاندارم که در نواحی مزبور هستند، وارد شوند، باعث ناآرامی و خونریزی خواهد گردید و از این‌رو دولت شوروی به منظور حفظ امنیت، مجبور به ورود نیروی تازه خواهد شد و نظر به این‌که دولت شوروی به این امر راضی نیست، لذا ورود قوای ایرانی را نیز صلاح نمی‌داند.<sup>۲۸</sup> دولت حکیمی جهت یافتن راه‌حلی، درصدد مذاکرهٔ مستقیم با مولوتف (Molotov) وزیر خارجهٔ شوروی، بیرنز (James F. Byrnes) وزیر خارجهٔ امریکا و بوین (E. Bevin) وزیر خارجهٔ انگلستان برآمد. اما پیشه‌وری در آذرماه ۱۳۲۴ ش / دسامبر ۱۹۴۵ م جمهوری خودمختار آذربایجان را اعلام کرد و مذاکرات مسکو و پیشنهادهای وزرای خارجهٔ امریکا و انگلیس نیز به علت ذینفع نبودن ایران در مفاد آن، از طرف مجلس شورای ملی ایران رد شد و بدون نتیجه ماند. جیمز بیرنز در کتاب **گفتار صریح**، (Speaking Frankly) خود در مورد پاسخ استالین راجع به تخلیهٔ ایران چنین می‌نویسد:

«استالین در جواب من اظهاراتی نمود و نام آن را «حقایق مربوطه» گذاشت و گفت نفت بادکوبه واقع در جنوب شوروی در نزدیک مرز بوده و مسألهٔ بخصوصی را ایجاد کرده است. این معادن را باید در مقابل احتمال هر اقدام خصمانه‌ای که از جانب ایران ابراز شود، حفظ نمود و هیچ اعتمادی هم به دولت ایران نمی‌توان داشت و... پیمان ۱۹۲۱ م ایران و شوروی نیز به دولت شوروی حق می‌دهد که هرگاه احتمال خطری

از منبع خارجی متوجه روسیه شوروی شود، ارتش خود را به ایران اعزام دارد<sup>۳۹</sup>».

در اثر مشکلات داخلی و عدم موفقیت دریافتن راهحلی جهت بحرانیهای خارجی ایران، کابینه حکیمی جای خود را به احمد قوام داد. اولین اقدام قوام ابراز تمایل به مذاکره مستقیم با دولت شوروی بود و به همین منظور در ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ ش در رأس هیأتی عازم مسکو گردید. قوام در طول اقامت خود در مسکو موفق به ملاقاتهای مکرر با استالین و مولوتف شد و مولوتف پیشنهاد خود را به این شرح به قوام اعلام کرد:

«۱- ارتش سرخ در قسمتهایی از ایران برای مدت نامعلومی متوقف خواهند بود.

۲- دولت ایران استقلال داخلی آذربایجان را به رسمیت خواهد شناخت و نخست وزیر آذربایجان در روابط خود با دولت مرکزی ایران سمت استاندار آذربایجان را خواهد داشت.

۳- آذربایجان وزارت جنگ و وزارت خارجه نخواهد داشت و فرمانده کل قوای آذربایجان از طرف دولت مرکزی تعیین خواهد شد.

۴- سی درصد از مالیاتهای آذربایجان به دولت پرداخته خواهد شد.

۵- زبان رسمی در مدارس و محاکم و ادارات محلی، ترکی خواهد بود ولی تمام مکاتبات با دولت تهران به فارسی خواهد بود.

۶- دولت شوروی از تحصیل امتیاز نفت صرفنظر خواهد کرد و در عوض شرکت مختلط شوروی و ایران تشکیل خواهد شد که نفت شمال را استخراج کند. در ۲۵ سال اول ۵۱٪ سهام متعلق به شوروی و ۴۹٪ متعلق به ایران خواهد بود و در ۲۵ سال دوم هر یک از طرفین ۵۰٪ سهم خواهد داشت.»<sup>۴۰</sup>

قوام پیشنهادات مذکور و شرایط یکجانبه را نپذیرفت، در آخرین دیدار استالین و قوام در مسکو از جانب دولت شوروی پیشنهاد تعدیل شرایط مسکو در صورت پذیرفتن امتیاز نفت شمال از جانب ایران، داده شد. قوام با تأسیس شرکت مختلط شوروی و ایران و ملایمت با حکومت جدید آذربایجان، موافقت نکرد. همزمان با طرح مشکل ایران در شورای امنیت، دولت شوروی توانست بار دیگر از امکانات نظامی خویش برای گرفتن امتیاز نفت از ایران استفاده کند. سفر قوام به مسکو، موافقت نامه نفت قوام - سادچیکف ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶ م، مذاکره و

۳۹- برگرفته از مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران ۱۳۵۸)، ص ۳۶۸ و بعد.

۴۰- مصطفی فاتح، پنجاه سال...، ص ۳۷۲ و بعد.

قرارداد با سران حکومت آذربایجان<sup>۴۱</sup> و تغییر ریاست ستاد ارتش و چند وزیر را به دنبال داشت<sup>۴۲</sup>.

موافقت نامه قوام - سادچیکف اگرچه بعدها در ۳۰ مهر ۱۳۲۶ ش/۲۲ اکتبر ۱۹۴۷ م توسط مجلس ایران بی اعتبار خوانده شد<sup>۴۳</sup>، اما در زمان خود باعث آرامش بحران و تخلیه ایران و مسائل آذربایجان گردید. دولت شوروی تنها پس از انعقاد این موافقت نامه بود که شروع به تخلیه ایران کرد و در اردیبهشت ۱۳۲۵ ش / مه ۱۹۴۶ م آخرین سرباز شوروی نیز ایران را ترک گفت، معذالك مسأله آذربایجان کماکان باقی ماند. دولت قوام وقتی موفق به بازگشت آرامش در آذربایجان گردید که دولت شوروی به علت نیاز به مورد مذاکره قرار گرفتن مفاد موافقت نامه قوام - سادچیکف در مجلس ایران، از دخالت مستقیم در امور ایران پرهیز می-

۴۱- مواد مورد توافق طرفین عبارتند از:

یکم - پارلمان آذربایجان مبدل به شورای ایالتی خواهد شد.  
دوم - شورای ایالتی چهار نفر را برای پست استانداری نامزد خواهد کرد و وزیر کشور حکومت مرکزی یکی از ایشان را به استانداری آذربایجان منصوب خواهد کرد.  
سوم - ارتش آذربایجان ضمیمه ارتش ایران خواهد شد و کمیسیونی جزئیات این کار را ترتیب خواهد داد.

چهارم - سربازان غیر دائمی آذربایجان ضمیمه ژاندارمری کشور خواهند شد.  
پنجم - صدی هفتاد و پنج مالیات آذربایجان عاید خزانه ایالتی و مابقی به تهران تسلیم خواهد شد تا جزو عایدات عمومی مملکتی درآید.  
ششم - حکومت مرکزی با استفاده از کارگران آذربایجانی بین میانه و تبریز خط آهن خواهد کشید.

هفتم - حکومت تهران در تأسیس يك دانشگاه آذربایجانی مساعدت خواهد کرد.  
هشتم - زبان فارسی و ترکی هردو رسمی خواهند بود و در مدارس ابتدایی هردو زبان تدریس خواهد شد.

نهم - دولت قیمت املاک خصوصی را که توسط رژیم آذربایجان برای تقسیم بین کشاورزان ضبط و مصادره شده، خواهد پرداخت و با تقسیم اراضی خالصه نیز موافقت خواهد کرد.

دهم - برای این که نمایندگی پارلمان بر مآخذ تعداد نفوس باشد، قوانین انتخابات اصلاح خواهد شد.

برگرفته از لنزوسکی: رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۳۳۱.

۴۲- عزل سرلشکر ارفع و انتصاب سرلشکر آق اولی در پست ریاست ستاد ارتش - تثبیت دکتر سلامه جاوید، وزیر داخله حکومت آذربایجان بعنوان استاندار

آذربایجان.

- انتخاب ایرج اسکندری بعنوان وزیر بازرگانی و صنایع.

- انتخاب مظفر فیروز بعنوان وزیر کار و تبلیغات و معاون نخست وزیر (وی ریاست هیات قوام به آذربایجان را که نتیجه اش قرارداد دهگانه بود به عهده داشت).

- انتخاب دکتر مرتضی یزدی بعنوان وزیر بهداشتی.

رك: لنزوسکی: رقابت روسیه و...، ص ۳۳۲.

کابینه جدید دوام چندانی نداشت و قوام مجبور به برکناری وزرای جدید گردید.

۴۳- جهت اطلاع از نکات مربوط به نامه قوام به مجلس شورای ملی و دلایل مجلس در رد این موافقت نامه و توجیه عمل مذاکره با دمکراتهای آذربایجان، رك: فؤاد روحانی: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، (تهران ۱۳۵۲)، ص ۷۰.

کرد۴۴. در آذر ۱۳۲۵ ش/ نوامبر ۱۹۴۶ م ارتش ایران در سه ستون به طرف آذربایجان حرکت کرد و پس از رهایی زنجان از دست دمکراتها، از طریق زنجان، میانه و انزلی، تبریز را به تصرف درآورد. با فرار پیشه‌وری و دستگیری دیگر سران دمکرات، بحران آذربایجان نیز خاتمه یافت.

\*\*\*

تقریباً همزمان با بحران آذربایجان، حزب دمکرات در مهاباد، به ریاست قاضی محمد در ۲۴ آذر ۱۳۲۴ ش/ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ م جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. اما کوششهای کردان در این مورد از گذشته خیلی دور آغاز شده بود. روسها و انگلیسیها چه در زمان جنگ جهانی اول و چه به هنگام تجاوز به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش، سعی می‌کردند که روابط دوستانه‌ای با کردها برقرار سازند. در زمستان ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م، به دنبال تمامی که انگلیسیها با معتمدان کرد در بوکان گرفتند، روسها درصدد برآمدند تا دعوتی از آنان به عمل آورند. این دیدار که عنوان بازدید از تأسیسات صنعتی و مؤسسات فرهنگی را داشت، به مدت ۱۰ روز ادامه یافت و سران کرد از جمله قاضی‌محمد، توانستند از باکو دیدن کنند۴۵. اگرچه کشورهای انگلیس و شوروی هر کدام به نحوی به مسائل کردها علاقه‌مند بودند اما نظر به این‌که مناطق کردنشین مهاباد، سردشت، بانه و دیوان‌دره، نه از جانب نیروهای شوروی و نه از طرف قوای انگلیسی اشغال شده بود، کردها در حقیقت استقلال محلی خود را حفظ کرده بودند. با تأسیس حزب مخفی کومله (Komala) «سازمان زندگی کردستان» در ۲۵ شهریور ۱۳۲۱ ش/ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۲ م در مهاباد۴۶، فعالیت‌های کردها در این منطقه جنبه رسمی‌تر به خود گرفت. در اوایل پاییز ۱۳۲۳ ش/ ۱۹۴۴ م قاضی محمد به عضویت کومله درآمد۴۷ و در سال بعد یعنی در تابستان ۱۳۲۴ ش در یکی از مجمعه‌های حزب کومله بنا بر پیشنهاد وی مبنی بر علنی شدن فعالیت‌های حزبی، این سازمان «حزب دمکرات کردستان»

۴۴- در حل مشکلات آذربایجان، عوامل دیگری نیز مؤثر بودند از آن جمله: سیاست دولت مرکزی و به کار بردن تاکتیک سیاسی در تأسیس حزب دمکرات به ریاست قوام - پیاده شدن قوای انگلیس در جنوب ایران - و سرانجام تقویت ارتش ایران با کمک امریکاییها. برای آگاهی بیشتر از جزئیات حمله نیروهای انگلیسی به جنوب غربی ایران و دخالت امریکاییها ر.ک:

G. Lenczowski: *Russia and the west in Iran*, (New York 1968), p. 304ff

و ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، (تهران ۱۳۵۹)، ص ۴۸۵.

45- W. Eagleton Jr: *The Kurdish Republic of 1946*, (London-New York 1963), p. 23

وiliam ایگلتن در سالهای ۳۴-۱۳۲۴ ش / ۵۵-۱۹۴۵ م رئیس مرکز فرهنگی امریکا در کرکوک بود و سپس سمت کنسولی امریکا در تبریز را در سالهای ۴۰-۱۳۳۸ ش / ۶۱-۱۹۵۹ م به عهده داشت. وی از نزدیک رویدادهای نواحی کردنشین عراق و ایران را دنبال کرده و کتاب یاد شده نتیجه تحقیقات و بررسی نویسنده در همین دوران است.

۴۶- نام قبلی مهاباد، ساوجبلاغ است که در زمان رضاشاه به دنبال تغییر نام بسیاری از شهرهای ایران به پیشنهاد فرهنگستان انجام گرفت.

۴۷- ر.ک: W. Eagleton, Jr: *The Kurdish Republic of 1946*, p. 39

نامیده شد. خواسته‌های آنان طی بیانیه‌ای بدین شرح اعلام گردید:

خودمختاری با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران (ماده ۱)، تدریس زبان کردی (ماده ۲)، تشکیل انجمن ولایتی، طبق قانون اساسی (ماده ۳)، محلی بودن ماموران دولتی (ماده ۴)، تأمین آتیه دهقانان و سازش بین آنان و مالکین (ماده ۵)، وحدت و برابری کامل بین اقوام مختلف موجود در آن ناحیه (ماده ۶) و استفاده از منابع طبیعی کردستان جهت پیشبرد مقاصد کشاورزی و بازرگانی و بهبود و گسترش امور بهداشتی و فرهنگی (ماده ۷).

قاضی محمد پس از دیدار کوتاهی از تبریز در پاییز ۱۳۲۴ ش/ ۱۹۴۵ م برای بار دوم از باکو دیدن کرد. در این سفر جمهوری آذربایجان شوروی قول ارسال اسلحه و کمکهای تسلیحاتی را به وی داد<sup>۴۸</sup>. از چگونگی رساندن اسلحه از جانب این جمهوری به جمهوری کردستان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما قاضی محمد به تشکیل «ارتش مهاباد» اقدام کرد، اگر چه نیروهای جنگی ملامصطفی بارزانی را که از سران کرد عراق بود، نیز در اختیار داشت.

خروج نیروهای شوروی از ایران و سرنگونی جمهوری آذربایجان می‌تواند از جمله عواملی باشد که در سقوط جمهوری کردستان مؤثر بوده است. در زمستان ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م به دنبال ورود نیروهای دولت مرکزی به کردستان و بازگشت بارزانی به عراق و دستگیری قاضی محمد، جمهوری خودمختار کردستان نیز رسماً سقوط کرد<sup>۴۹</sup>.

48- Eagleton, *ibid*, p. 45

۴۹- برای آگاهی از رویدادهای کردستان همچنین رک:

A. Roosevelt Jr.: "Kurdish Republik of Mahabad", In: *Middle East Journal*, July 1947.

# فصل سوم

## نفوذ اقتصادی - سیاسی آلمان در ایران

### ۱- آغاز روابط ایران و آلمان

اگر چه روابط دیپلماتی ایران و آلمان به گذشته‌های دور برمی‌گردد اما در حقیقت این روابط از قرن ۱۹ به بعد رشد و شکل دیگری یافته است. گسترش راه آهن برلین - بغداد به طرف شرق، توجه آلمانها را که بنیانگذار این خط آهن مهم بودند، به ایران جلب کرد و حتی پس از کنفرانس پتسدام (۱۹۱۱ م)، آلمانها اجازه ساختن خط آهن خانقین - تهران را نیز به دست آوردند. با توجه به این که اصولاً قرن نوزدهم در ایران را باید قرن قراردادهای مخصوص در دوران ناصرالدین - شاه و مظفرالدین شاه دانست، بنابراین توجه دولت وقت آلمان به بستن قراردادهای مختلف مانند دیگر قدرتهای بزرگ زمان دور از انتظار نیست. علت دیگر توجه دولت آلمان، نفوذ و دستیابی به افغانستان و تجمیع آن سرزمین و در نتیجه جلوگیری از نفوذ انگلستان و روسیه در آن نواحی بود که از نظر حمل و نقل و ارتباط دارای اهمیت و همواره مورد توجه آلمان قرار گرفته بود. دخالت و نفوذ آلمان در ایران به علت عدم وجود قراردادهای بین دو کشور رسماً امکان پذیر نبود به همین علت نفوذ آلمان بیشتر از طریق مخفی، و گاه علنی به صورت قراردادهای اقتصادی انجام می‌یافت.

در سال ۱۲۹۹ ش کابینه میرزا حسن خان مشیرالدوله سعی کرد که روابط ایران و آلمان را که پس از انتشار «لیست سیاه»<sup>۲</sup> تیره شده بود، به حالت عادی

1- W. V. Blücher: "Deutsch - Persischen Beziehungen im Laufe der Geschichte" in: *Mitteilung d. Institut f. Auslandsbeziehungen*, (Stuttgart Juli - Dez. 1960), 10. Jg. Nr. 3/4, S. 234ff.

۲- در زمستان ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م لیستی منتشر گردید که اسامی اتباع آلمانی را در برداشت که در ایران مخالف منافع انگلستان بودند. این لیست شامل ۷۳ نفر بود که افراد آن تا ده سال حق مسافرت به ایران را نداشتند. انتشار این لیست دولت آلمان را در مضیقه خاص سیاسی قرار می‌داد زیرا که حاوی اسامی بسیاری از کارشناسان آلمانی بود که سالها بر روی مسائل ایران به تحقیق و بررسی پرداخته بودند و اطلاعات آنان برای دولت آلمان بسیار ارزشمند بود. بی‌مناسبت نیست، یادآوری شود که این لیست در دوران نخست‌وزیری وثوق‌الدوله و تصدی وزارت امور خارجه، توسط فیروزمیرزا نصرت‌الدوله که هر دو از طرفداران جدی سیاست انگلیس بودند، انتشار یافت. دولت آلمان ابتدا قصد داشت به انتشار چنین

بازگرداند. این امر به خاطر تسلط چندین ساله روس و انگلیس بر اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران مشکل به نظر می‌رسید.

→ لیستی اعتراض کند اما بعداً ترجیح داد که از طریق نفوذ و اعمال عقیده در مجلس ایران با آن برخورد کند.

در آوریل ۱۹۲۱م دکتر پوگین (Dr. Pugin) رئیس کارخانه رنگ‌سازی که جزو لیست بود مأموران انگلیسی را متوجه سفر بعضی از آلمانیهای ممنوع‌الورود به طریق پنهانی و احتمالاً با گذرنامه هلندی را کرد و همین امر باعث شد که مرزهای جنوبی ایران که زیر نفوذ انگلیسیها بود بشدت کنترل شود اما بتدریج از شدت این ماجرا کاسته شد به طوری که تا اوت ۱۹۲۱ م فقط چند نفری اجازه ورود به ایران را نداشتند با وجود این منافع اقتصادی آلمان در ایران بطور جدی صدمه می‌دید بخصوص که این چند نفر نمایندگان مؤسسات آلمانی در ایران بودند مهمتر از همه نمایندگان بانک کنتیننتال (Continental Bank) و مدیرعامل شرکت تجارت که در حقیقت مدیریتعامل چندین شرکت بزرگ تجارتي دیگر را به عهده داشت و بطور کلی کارخانجات شیمیایی، تأسیسات برقی و غیره را شامل می‌گردید. علاوه بر آلمانیها، ایرانیانی که طرفدار دولت آلمان بودند حق سفر به ایران را نداشتند، از آن جمله نظام‌السلطنه بود که در خلال جنگ اول جهانی از آلمان جانبداری می‌کرد. نکته مهم و جالب توجه وجود نام واسترو (Wustrow) بود که در ۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸ م بعنوان کنسول آلمان در تبریز به ایران وارد شد و هم در زمان خدمت وی بود که تعداد زیادی سرباز و تسلیحات آلمانی به ایران وارد گردید که طبق مدارک آلمان برای حفاظت و کمک به دستجات میرزا کوچک‌خان در جنگ با انگلیس ارسال شده بودند. یکی از دلایلی که سرانجام بهانه‌ای برای به قتل رسیدن واسترو بود، همین اسلحه‌ها و مهمات بود. همزمان با ورود واسترو علاوه بر وقایع گیلان و مازندران و عدم تسلط دولت مرکزی در آنجا و جنبشهای مردمی آن سامان علیه دولت مرکزی، مردم آذربایجان نیز برای خودمختاری خویش فعالیت می‌کردند. علاوه بر آن، فعالیتهای پان‌ترکیسم نیز در آذربایجان ایران در جریان بود که تحت رهبری کاظم‌پاشا قرار داشت که این ناحیه را سرزمینی جدا از ایران می‌دانست. واسترو نیز فعالیتهای خود را با دموکراتها آغاز کرد و به همین علت زمانی که ۳۰ نفر از دموکراتها از حزب جدا شدند، به کنسولگری آلمان در تبریز پناهنده شدند. مقامات محلی آذربایجان استرداد آنان را از واسترو طلب کردند و متعاقب آن خروج وی و سایر خدمه کنسولگری را نیز خواستار شدند، واسترو خواهان عقب‌نشستن قوای پلیسی بود که کنسولگری را محاصره کرده بود و برای این کار نیز ساعت ۱۲ روز ۳ ژوئن ۱۹۲۰ م را تعیین کرد اما از ۱۲/۳۰ دقیقه به بعد پس از آن که پلیس عقب‌نشینی نکرد واسترو دستور شلیک داد و خود نیز تیراندازی کرد و آغاز همین تیراندازی بود که واسترو کشته شد و جسد وی را در همان باغ کنسولگری به خاک سپردند. (تنها شاهد عینی قتل واسترو غلام‌باشی ایرانی بود).

بعدها قبر واسترو نبش گردید و از جسد وی معاینه به عمل آمد اما چون اثر زخم قابل توجهی نیافتند مرگ او را خودکشی اعلام کردند، و بخصوص این حدس موقعی شدت گرفت که دولت آلمان خسارتي به علت قتل وی از دولت ایران طلب کرد و پاسخ دولت ایران بدین گونه بود که واسترو پس از بررسی شرایط موجود و عدم پیشرفت خویش، راهی جز خودکشی ندیده است. اما سرانجام پس از این که مطبوعات آلمان بدین مسأله اهمیت بسیاری دادند، دولت ایران حاضر شد سالانه ۱۲۰۰۰ مارك به بیوه واسترو و تا سال ۱۹۳۱ م سالانه ۸۰۰۰ مارك به پسران وی کمک هزینه پرداخت کند.

برای آگاهی بیشتر از «لیست سیاه» و پیامدهای آن رک:

W. Litten: *Wer hat die persische Neutralität verletzt? Vierzehn Punkte zur Frage der persischen Neutralität und zur persischen Schwarzen Liste*, (Berlin - Leipzig 1920).

A. Mahrad: *Die deutsch-persischen Beziehungen 1918-1933* (Frankfurt 1979), S. 48, 80, 82, 89.

و سپهر، ایران در جنگ بزرگ (تهران ۱۳۳۶ ه. ق)، ص ۵۰۶ و بعد.

## ۲- نفوذ اقتصادی آلمان در ایران

رمز موفقیت آلمان در راه نفوذ به ایران، رقابت کشورهای روس و انگلیس در این سرزمین بود. عدم اطمینان مردم و مجلس ایران از اواخر قرن نوزده، دولت را برآن داشت که بتدریج سیاست خارجی دیگری پیش گیرد. پناهندگی به يك قدرت سوم اگر چه در همان زمان راهگشا بود اما نتایج بهتری به بار نیاورد. با وجودی که در سالهای ۱۲۷۳ و ۱۲۸۹ ش/ ۱۸۵۷ و ۱۸۷۳ م قراردادهای مودت و تجارت و دریانوردی بین ایران و آلمان بسته شد اما می توان اولین قدم برای نفوذ اقتصادی آلمان در ایران را در سال ۱۸۹۸ م دانست<sup>۳</sup> و این زمانی است که امپراتوری ویلملم، سیاست جدیدی مبنی بر گسترش نفوذ خویش در ناحیه خاورمیانه و نزدیک و تسلط بر آبهای خلیج فارس را دنبال می کرد و از همین زمان است که مؤسسات مختلف بازرگانی صنعتی و فرهنگی در ایران بتدریج دایر گردید. دولت انگلستان ابتدا توجه چندانی به گسترش روابط آلمان در ترکیه و نواحی خلیج فارس نکرد حتی واگذاری امتیاز ساختن راه آهن در زمان سلطان عبدالحمید (۱۸۹۹ م) را راه حلی برای جلوگیری از ورود کشورهای فرانسه و روسیه تلقی کرد. اما نفوذ روزافزون بازرگانی آلمان بخصوص از طریق دریایی و تبلیغات سیاسی ضد انگلیس، که توسط بازرگانان و هیأت اعزامی اکتشافی و مأموران مخفی انجام گردید، سلطه طلبی انگلستان را در آغاز قرن بیستم به خطر انداخت. قرارداد راه آهن برلین - بغداد ۱۹۰۳ م بین دولتهای آلمان و عثمانی زنگ خطر دیگری برای انگلیس بود اما نزدیکی انگلیس و فرانسه به موجب سه قرارداد هشتم آوریل ۱۹۰۴ م به قرارداد ذکر شده ۱۹۰۷ م منجر گردید اما همان طور که مطبوعات و عقاید عمومی انگلیس پیش بینی می کردند نتیجه مطلوبی در اذهان عمومی ایران باقی نگذاشت و آلمان نیز بعدها از این افکار در جهت بهره برداری خویش از ایران نهایت استفاده را کرد. قرارداد کشتیرانی بین بنادر آلمان و خلیج فارس در ۱۹۰۷ م گامی در این راه بود. در همین سال دولت آلمان به تأسیس (Deutsch Orient Bank) بانک آلمان و خاورمیانه و شعبات آن در ایران و ضرب سکه نقره موفق گردید. اما این امر بر اثر فشار دولتهای روس و انگلیس عملی نشد و لردلندزداون (Landsdowne) وزیر امور خارجه وقت در پارلمان انگلیس شدت دخالت آلمان در ایران و بخصوص تأسیسات دریایی آنان در خلیج فارس را تجاوز به منافع انگلستان دانست<sup>۴</sup> و سرانجام صدراعظم آلمان در ۱۹۰۸ م اعلام کرد سیاست عدم مداخله در ایران و در نتیجه عدم مداخله در منافع روس و انگلیس را پیش خواهد گرفت<sup>۵</sup>. اما دولت آلمان سیاست دیگری در پیش گرفت. نفرت مردم و دولتمردان از سیاست دو قدرت انگلیس و روس بسیاری از سیاستمداران ایران را به طرقداری از آنان

3- G. B. Martin: *German - Persian Diplomatic Relations 1873-1912*. (Netherland 1959).

4- M. Nakai: *L'Evolution Politique de L'Iran*. (Brussels 1933), p. 40.

5- G. Lenczowski: *Russia and the West in Iran 1918-1948* (New-York 1968), p. 146, 147.



جلب کرده بود و هنگامی که حزب دمکرات طرفدار آلمان توانست کرسیهای بسیاری در مجلس به دست آورد دولت ایران به سیاست آلمان متمایل گردیده بود و مستوفی-الممالک نخست وزیر نیز پشتیبانی خویش را از دولت آلمان اعلام کرده. در خلال جنگ جهانی اول و پس از آن نیز تداوم مأموران مخفی وابسته نظامی آلمان در ایران برای آماده کردن زمینه مساعد، جهت گسترش روابط اقتصادی و سیاسی، گرایش ایران را به صنایع بازرگانی و فرهنگ آلمان بیشتر کرد. اهمیت وجود مأموران مخفی و وابستگان نظامی آلمان را در خلال جنگ نباید از نظر پنهان داشت زیرا که بارها از نفوذ دولت انگلیس بخصوص در ناحیه غرب ایران جلوگیری به عمل آورد. ناگفته نماند که دولت آلمان بطور پنهانی، بسیاری از حوادث داخلی ایران را از جمله «دولت قم» و «کمیتة اتحاد اسلام» قم را که تحت نظارت پرنس فن رویس (Prince von Reuss) وزیرمختار آلمان در ایران انجام می گرفت و همچنین دولت موقت کرمانشاه را هدایت می کرد. اهمیت سوق الجیشی ایران و دست یافتن بر هندوستان از طریق ایران باعث گردید که مأموران مخفی آلمان ابتکارات فراوانی به کار برند و نقشه انگلیس در غرب و جنوب ایران و بین-النهرین را خنثی کنند. معروفترین آنها فعالیتهای واسموس کنسول سابق آلمان در بوشهر بود که به اتفاق ژنرال اشتف مأموریت یافت که قبایل جنوب ایران بخصوص ناحیه تنگستانی - قشقائی - دشتستانی و چاکوتاهی را علیه انگلیسیها بشوراند و در حمل و نقل نفت برای قوای نظامی انگلیس و تأسیسات نفتی آنها خرابکاری کند. موفقیتهای وی در چند مورد چشمگیر بود چنانکه سرانجام به شکست ژنرال تاونشند (Townshend) انگلیسی در ناحیه بین النهرین (کوت الماراه) به سال ۱۹۱۶ م منجر گردید. عملیات مأموران آلمان در ایران فقط به فعالیتهای واسموس خاتمه نمی یافت بلکه منطقه وسیعی از ترکیه عثمانی ایران و افغانستان را دربر می گرفت.

مأموران مؤثر دیگری نظیر نیدرمایر (Niedermayer) و تسوگمایر (Zugmayer) عملیات شایانی در خلال جنگ جهانی اول در ناحیه خاورمیانه از خود نشان دادند و اگر دولت آلمان توانست که نفوذ خویش را پس از جنگ جهانی اول در ایران گسترش دهد، بسیاری از موفقیتها را مدیون مأموران خود جهت آماده کردن زمینه مساعد این نفوذ بود. با روی کار آمدن پهلوی اول در ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م روابط ایران و آلمان گسترش یافت اگر چه در سالهای اول سلطنت وی این گسترش در حالت رکود بود اما تدارکات صنعتی راهگشای این گسترش و نفوذ گردید. از اولین متخصصین آلمانی که راهی ایران شدند دکتر بونه (Dr. Bohne) بود. وی و بعدها دکتر مارتین (Dr. Martin، ۱۹۲۷ م) مسؤولیت معدن یابی بخصوص زغال سنگ را به عهده داشتند و به موفقیتهای چشمگیر نیز نایل آمدند. منطقه جستجوی دکتر بونه ناحیه البرز سفیدرود تا دامغان در شمال و در جنوب نواحی کویر از اصفهان تا

کرمان را در بر داشت نتیجه تحقیقات وی و مؤسسه کروپ (Krupp) آلمان که وظیفه بررسی سنگهای معادن ایران را به عهده داشت، انگیزه احداث مدرسه معدن شناسی، تأسیسات کارخانه مربوط به ذغال سنگ و همچنین تأسیسات حمل و نقل مانند راه آهن جهت انتقال مواد معادن به شهرهای بزرگ گردید.

### الف - وسایل ارتباطی

فعالیت آلمانها در زمینه حمل و نقل و وسایل ارتباطی همزمان و در جهت افزایش نفوذ اقتصادی - سیاسی آنان در ایران بود و شامل وسایل ارتباطی دریایی - هوایی و زمینی می گردید. تاریخچه دریانوردی و کشتیرانی ایران و آلمان از سالهای دور یعنی ۱۸۷۳م آغاز می شود<sup>۷</sup> و به دنبال گسترش روابط ایران و آلمان در زمان ناصرالدین شاه به سال ۱۸۸۵م دوفروند کشتی به نامهای پرسپولیس و شوش (به ظرفیت ۲۵۰ و ۶۰۰ تن) از آلمانها خریداری گردید. در ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م شرکت کشتیرانی آلمان یکی از رقبای تجارت انگلیس در خلیج فارس به شمار می رفت و قبل از جنگ جهانی اول، کشتیهای خطوط کشتیرانی هامبورگ - امریکا (مؤسسه هامبورگ - خلیج) مرتباً بین بنادر عباس، لنگه، بوشهر، محمره (خرمشهر) و هامبورگ در رفت و آمد بودند و شرکت ونک هاوس (Robert Wunkhaus) در سال ۱۸۹۸م مسؤولیت شرکت هامبورگ - خلیج و صید صدف و مروارید را در آبهای جنوبی ایران به عهده داشت.<sup>۸</sup> بعدها شرکتهای دیگری مانند هانزالاین (Hansa Line) نیز به خطوط کشتیرانی خلیج فارس اضافه گردید که بخصوص در خلال جنگ از اهمیت خاصی برخوردار بود.

بعد از جنگ جهانی اول و همچنین در زمان جمهوری وایمار آلمان (۱۹۳۲-۱۹۱۹م) اهمیت و تفوق بر راهها و وسایل حمل و نقل بخصوص پس از وقایع جنگ، بارز و چشمگیرتر شد. جمهوری وایمار به همین جهت سعی بر آن داشت تا امتیاز اداره خطوط ارتباطی را به دست آورد از آن جمله خطوط هوایی اعم از داخلی و خارجی ایران بود. شرکت یونکرس (Junkers) اولین شرکتی بود که در سال ۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م از طریق خارکف (Charkow)، تفلیس و باکو به ایران آمد و در فروش چند فروند هواپیما سعی کرد. باید یادآوری کرد که آلمان در این سالها تنها فروشنده هواپیما به ایران نبود، بلکه فرانسه و شوروی نیز فروشنده هواپیماهای بمب افکن و اکتشافی به ایران بوده اند اما هواپیماهای مسافری همگی از آلمان خریداری شدند. سرانجام با وجود رقیبی چون فرانسه در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م شرکت یونکرس امتیاز پرواز بین شهرهای تهران - انزلی، تهران - بوشهر را به مدت ۵ سال به دست آورد. در همین سال نیز شرکت انگلیسی (Imperial Airways Limited)

۷- اسماعیل رائین: دریانوردی ایرانیان، (تهران ۱۳۵۰).

۸- شرکت ونک هاوس در ۱۹۰۱م مرکز نمایندگی خود را در بحرین قرارداد در حالی که شعبات خود را در بصره و بندرعباس نیز حفظ کرده بود.

موفق به گرفتن امتیاز خطوط هواپیمایی شد که در اثر فشار مجلس ایران عملی نگردید اما همکاری شرکت انگلیسی با شرکت یونکرس جهت حمل محموله پست از بوشهر به شهرهای دیگر جهان ادامه یافت تا سرانجام در سال ۱۳۰۸ ش/ ۱۹۲۹ م شرکت یونکرس موفق شد به مدت ۳ سال از طریق هوا به شهرهای خلیج فارس دست یابد. در سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ ش کلیه خطوط هوایی ایران در دست آلمانها بود و شرکت یونکرس و خلبانهای نظامی آن در ایجاد فرودگاههای نظامی<sup>۹</sup> در خلال سال ۱۳۰۸-۹ ش / ۱۹۲۹-۳۰ م فعالیت چشمگیری داشتند<sup>۱۰</sup>. قرارداد شرکت یونکرس در فوریه ۱۹۳۲ م به پایان رسید و پس از آن شرکت آلمانی لوفت هانزا (Lufthansa) کارهای یونکرس را ادامه داد. در سال ۱۳۱۶ ش/ ۱۹۲۷ م خط هوایی برلین - بغداد - کابل افتتاح شد و مدتی بعد نیز اجازه استفاده از فرودگاه نظامی مشهد به نیروی هوایی آلمان (Luftwaffe) داده شد و بدین ترتیب قدمی دیگر در راه نفوذ آلمان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس برداشته شد. در سال ۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸ م در ایران فقط ۱۵۰ کیلومتر راه آهن (جلنا - تبریز) وجود داشت. در آغاز سال ۱۲۹۹ ش/ ۱۹۲۰ م که دولت ایران با پیش بینی و توصیه انگلستان به فکر ساختن خط راه آهن خانقین، کرمانشاه، همدان، قزوین و سرانجام تهران افتاد که راه دیگری به سوی منطقه نفوذ انگلستان یعنی هندوستان بود. اما روسها توجهی به این خط راه آهن نداشتند زیرا که مسیر شمال ایران به طرف شهرهای خلیج فارس به علت دسترسی به سواحل جنوب بیشتر مورد توجه و احتیاج آنان بود. دولت ایران بر آن شد که از کشور دیگری غیر از شوروی و انگلستان دعوت به عمل آورد که نتیجه آن از جمله هیأت پولاند (Poland) امریکایی بود. علاوه بر آن آلمان نیز به مسئله راه آهن ایران علاقه مند بود و نظر به این که امریکاییان دستمزدهای طلب کردند سرانجام احداث قسمتی از راه آهن ایران به آلمانها واگذار شد. در بهار ۱۳۰۷ ش/ ۱۹۲۸ م مجلس ایران مسیر خط آهن ایران را به علت اهمیت اقتصادی آن از بنادر شمال در مسیر تهران، همدان و خورموسی تعیین کرد اما در حقیقت تعیین چنین مسیری به علت صادرات زیاد ایران به کشور شوروی بود<sup>۱۱</sup>. ساختن قسمت جنوبی این خط آهن از تهران به جنوب به عهده شرکت های امریکایی، انگلیسی و فرانسوی گذاشته شد و قسمت شمالی آن را شرکت آلمانی تقبل کرد<sup>۱۲</sup>.

۹- به موجب این قرارداد، ساختن فرودگاههای بنادر بوشهر، لنگه و جاسک به عهده کمپانی یونکرس گذاشته شد.

10- A. Böhne: *Wir flogen für Iran*, (Steinbach O. J.).

11- A. Mahrad: *Die deutsch-persischen Beziehungen...* S. 127.

۱۲- این شرکتها عبارتند از شرکتهای امریکایی: Ulem and Co. New York.

— J. C. White Engineering Corporation New York.

— Steward and Mc Donell, London.

— Battignolles.

— Julius Berger Tiefbau AG. Berlin.

— Philipp Holzmann AG. Frankfurt.

— Siemens Bauunion. Berlin.

شرکت انگلیسی  
شرکت فرانسوی  
شرکتهای آلمانی

آنچه که نباید از مد نظر پوشیده بماند، منافع دو کشور شوروی و انگلیس در ایران است، زیرا روسها تصور کردند که با اجرای این برنامه به آسانی می-توانند به سواحل خلیج فارس دست یابند و انگلیسیها معتقد بودند به این ترتیب و در صورت لزوم، ارسال مهمات و سرباز به مناطق شمالی ایران، با آسانی ممکن می-گردد. خط آهن شمال به جنوب ایران بالاخره در سال ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م به پایان رسید و با شروع جنگ جهانی دوم منافع راه آهن ایران در عمل برای متفقین آشکار گردید.

هدف آلمانها از چنین برنامه‌ای هرگز استقبال یا کمک غیر مستقیم به ایران نبود، تا ایران را از قید نفوذ انگلیس و شوروی رهایی بخشد، بلکه آنچه آلمانها در ساختن راه آهن ایران در نظر داشتند ۳ علت مهم داشت: یکم منافع مادی چنین قراردادی و دوم اهمیت استراتژی آن و سوم گشودن راهی جهت گسترش بازار آلمان در منطقه آسیا بود تا بتوانند در آینده بعنوان «قدرت سوم» در این منطقه اعمال نفوذ کنند.

#### ب - روابط صنعتی و بازرگانی

با سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۷۸ م قدم دیگری جهت گسترش روابط ایران و آلمان برداشته شد. دیدار شاه قاجار و امپراتور ویلهلم اول (۱۸۸۸ - ۱۸۷۱م) و بیسمارک صدراعظم وقت، مذاکرات محرمانه‌ای را به دنبال داشت که اولین نتیجه آن تأسیس سفارتخانه آلمان به سال ۱۸۸۵ م در تهران بود.<sup>۱۳</sup> در چنین زمانی علاوه بر روابط سیاسی، روابط فرهنگی نیز آغاز گردید. لازمه گسترش روابط بازرگانی و صنعتی، وجود راههای ارتباطی بود که نه تنها آلمانها بلکه روسها و انگلیسیها در قرون مختلف بخصوص در دو قرن اخیر همواره سعی در احداث وسایل ارتباطی مطمئنی کردند و هم به دنبال چنین هدفی بود که خطوط دریایی، هوایی و زمینی بسیاری ایجاد گردید که صنایع استخراج معادن، هواپیماسازی و دیگر کارخانجات صنعتی را به دنبال داشت. امپراطوری آلمان به اهمیت خاورمیانه و منطقه خلیج فارس آگاهی کامل داشت و حتی ویلهلم دوم که به سال ۱۸۹۸م از سلطان عبدالحمید در استانبول دیدن کرد، دلایل و زمینه‌های سیاسی و اقتصادی این دیدار را در نظر داشت و خود را حامی مسلمانان جهان معرفی می-کرد. بی ارتباط نیست اگر نتیجه چنین حمایتی را، اخذ امتیاز ساختن راه آهن برلین-استانبول - بغداد بدانیم. فعالیت اقتصادی آلمان در ایران بیشتر به صورت تأسیس تجارتخانه‌های مختلف بود که زمینه کار آنها را می توان بدین گونه

۱۳- اولین سفیر آلمان در ایران گراف فن برانشویک Graf von Braunschweig نام داشت.

تقسیم‌بندی کرد<sup>۱۴</sup>:

۱- تجارتخانه‌هایی که مستقیماً با کارخانجات در ارتباط بودند و همزمان تولید و فروش را در اختیار داشتند: از آن جمله می‌توان مؤسسه فرش (petag) - (Teppich - gesellschaft AG.) (۱۹۱۲م) را نام برد که مرکز آن در برلین بود و شعباتی در کنستانتین‌پل (استانبول)، تبریز، سلطان‌آباد (اراک)، همدان، کرمان، مشهد و شیراز داشت. این مؤسسه شعباتی نیز در امریکا و دیگر ممالک اروپایی دایر کرده بود. شعبه تبریز آن، دارای صنایع رنگرزی و نساجی بود و پشم مورد لزوم در همان کارخانه رنگ و بافته می‌شد و مستقیماً نیز به‌خارج صادر می‌گردید. با ایجاد چنین تأسیساتی در ایران، کشور آلمان نیازی به واسطه‌گران نداشت و مستقیماً تولیدکننده و فروشنده بود، بخصوص که یکی از پرفروشترین بازارها یعنی امریکا را به‌خود اختصاص داده بود.

۲- مؤسسات دارویی: در سال ۱۲۶۳ ش/ ۱۸۸۴ م آلبرت شورین (Schwerin) (Albert) به تهران آمد و توانست از شهرت‌خوب آلمان در امور داروسازی استفاده کرده و بنگاه کوچک دارویی در تهران را افتتاح کند. لیتن در کتاب خود در این باره می‌نویسد: ۱۵ شهرت این بنگاه دارویی به‌حدی رسید که شاه (ناصرالدین‌شاه) و دربار ایران فقط از داروهایی استفاده می‌کردند که مهر این مؤسسه را بر خود داشت و همین شهرت سبب شد که شورین داروساز دربار گردد (۱۹۰۷م) و به علت اعتماد زیاد ایرانیان به‌شورین، بنگاه وی سرانجام به‌یکی از بزرگترین مؤسسات دارویی تبدیل شد<sup>۱۵</sup>. جانشین وی همکار قدیمی او بوناتی (Eugen Bonati) بود که قبلاً در همان داروخانه شروع به‌کار کرده بود. در سال ۱۲۹۳ ش/ ۱۹۱۳م بوناتی دارنده «مرکز دارویی آلمان» (Pharmacie Centrale Allemande A. Schwerin) در تهران بود. یکی از همکاران دیگر شورین به‌نام لتس (Albert Lotz) در همدان به تأسیس داروخانه‌ای در سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳م موفق شد. پس از مرگ لتس به علت تیفوئید داروخانه یاد شده توسط یک نفر سوئدی به‌نام سالزمن (Salzmann) اداره می‌شد. داروخانه دیگری نیز در تبریز (Pharmacie Provincial Aserbeidjan) دایر بود که متعلق به رایت (C.A. Reith) برلین بود که توسط اگبرت (Eggbert Seelmann) اداره می‌شد و سرانجام در سال ۱۲۹۲ ش/ ۱۹۱۳م دومین داروخانه نیز در تبریز افتتاح گردید.

۳- همزمان با تجارتخانه‌ها و شرکت‌های زیاد وارداتی و صادراتی روسیه که صادرات پشم، پنبه، خشکبار و تریاک ایران را به‌عهده داشتند، دولت آلمان دو مؤسسه در ایران تأسیس کرد، یکی شرکت ونک‌هاوس بود که بدان اشاره شد و

۱۴- رك:

W. Litten: *Persien von der pénétration pacifique zum Protektorat*, S. 217 ff.

15- W. Litten: *Persien, von der pénétration...* S. 217 f.

16- Litten: *ibid*, S. 219.

صادرات غله، مروارید و صدف را به عهده داشت و دیگری شرکت ویلهلم روور (Wilhelm Roewer) در شیراز بود که به سال ۱۲۸۹ ش/ ۱۹۱۰ م افتتاح گردید.

۴- تجارتخانه‌هایی که امور وارداتی را به عهده داشتند. مهمترین آنها شرکت اونداج (F. Undutsch) برمن (Bremen) بود که کار خود را از سال ۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۳ م در تهران شروع کرد و دارای شعباتی در عشق‌آباد، مرو، مشهد و غیره بود. در تبریز نیز تجارتخانه دیگری تحت سرپرستی اولمان (Otto Ochlmann) اداره می‌شد که نمایندگی چندین تجارتخانه آلمان را به عهده داشت.

همان‌طور که قبلاً یادآوری شد روابط آشکار و پنهانی آلمان به قدری گسترده بود که گاه در مقاطع زمانی مختلف، مجلس ایران را تحت نفوذ خود داشت. در جمهوری وایمار (۱۹۳۳-۱۹۱۸ م) آلمان که همزمان با افزایش قدرت رضاشاه در ایران بود، این روابط مرحله صعودی خود را داشت و در زمینه دیپلماسی نیز گسترش چشمگیری یافت. پس از روی کار آمدن حزب ناسیونال سوسیالیست به رهبری آدولف هیتلر (Adolf Hitler) در سال ۱۹۳۳ م، روابط دو کشور وارد مراحل جدیدی گردید، اگرچه قبل از زمامداری هیتلر، آلمانها، کارشناسان بسیاری را در ادارات دولتی و صنایع ایران به کار گمارده بودند. شرکت اونداج، حمل و نقل کالا از آلمان به ایران را میسر می‌ساخت و بازار ایران در دهه سوم قرن بیستم را با محصولات مختلفی مانند چرم، کاغذ، نوشت افزار، لوازم شیشه‌ای از جمله چراغهای نفتی و برقی در دست داشت، بطوری که در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م دولت ایران لیست طولی، بالغ بر بیش از هزار نوع جنس را منتشر و ورود آنها را ممنوع اعلام کرد<sup>۱۷</sup> و این امر تا حدی از رقابت بازرگانی کشورهای ذینفع در ایران کاست. نه تنها بازار ایران، بلکه ادارات و مؤسسات کشاورزی و مراکز مالی ایران نیز در دست کارشناسان بیگانه بود. پس از اتمام قرارداد میلپو (Millspough) ریاست بانک ملی ایران، در نتیجه کارهای بانکی ایران در سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م به عهده لیندن بلات (Lindenblatt) آلمانی قرار گرفت. روابط اقتصادی و بانکی ایران با ورود دکتر شاخت (Dr. Schacht) وزیر اقتصاد و رئیس رایش بانک آلمان به تهران در سال ۱۳۱۴ ش / ۱۹۳۵ م گسترش یافت و متعاقب آن امضای قراردادی در مورد مبادلات بازرگانی بین ایران و آلمان بود. مبادلات تجاری ایران در سالهای جنگ جهانی اول در دست دو کشور روس به مقدار ۲۸٪ و انگلیس ۲۳٪ و امریکا ۱۲٪ بود و بعد از آن یعنی در سالهای ۱۲-۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲-۳۳ م آلمان فقط ۸٪ تجارت خارجی ایران را در دست داشت، اما در سالهای ۱۸-۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷-۳۹ م آلمان ۲۷٪ تجارت خارجی ایران را بر عهده داشت. با اشغال چکسلواکی توسط آلمان در سال ۱۹۳۸-۳۹ م این کشور نیز متعلق به آلمان گردید و کلیه

۱۷- این اجناس را می‌توان تحت ۶ گروه کلی طبقه‌بندی کرد: (۱) نوشابه‌های الکلی و غیرالکلی (۲) مواد خوراکی (کسرو گوشت و پنیر...) (۳) پارچه (ابریشمی، ساتن...) (۴) وسایل دوخته یا بافته شده (پیراهن، جوراب، فرش...) (۵) اشیای کوچک (دست‌بند، گوشواره، اسباب‌بازی...) (۶) متفرقه مانند سیگار، رنگ...

صنایع چکسلواکی در دیگر کشورها، به کارخانجات آلمانی تبدیل شد و با این تحول کارخانه اشکودای موجود در ایران نیز وسیله دیگری جهت نفوذ اقتصادی قرار گرفت و بدین ترتیب آلمان در سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م ۲۱٪ (مقام دوم پس از شوروی) تجارت خارجی ایران را برعهده داشت که این رقم به سال ۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹ م ۴۱٪ و در سالهای ۲۰-۱۳۱۹ ش/۴۱-۱۹۴۰ م به ۴۵٪ رسیده بود. صادرات ایران به آلمان بیشتر مواد خام از قبیل پنبه، پشم و غلات بود که بخصوص از نظر نظامی و استراتژیکی اهمیت خاصی برای آلمان داشت<sup>۱۸</sup>. همچنین در زمینه مبادلات خارجی قراردادی بین ایران و آلمان در سال ۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹ م بسته شد که به موجب آن تجار می توانستند قیمت اجناس سفارشی خود را در تهران به بانک ملی پرداخت کنند. همین نحوه پرداخت در «صندوق توازن حساب آلمان» (Deutsch Verrechnungskasse) در برلین نیز امکان پذیر بود و این امر مبادلات تجارتری بین دو کشور را آسانتر کرد. علاوه بر آن معاف بودن تجارت آلمان از دریافت اجازه نامه مخصوص ورود کالا، امر دیگری بود که تجارت بین دو کشور را امکان پذیر ساخت. مستشرقان شوروی و آمریکا مانند ایوانف و لنچوفسکی ایران را بمثابة پایگاه آلمان در خاورمیانه دانسته اند<sup>۱۹</sup> و از عوامل آلمان در ایران به نام ستون پنجم (Fifth Column)<sup>۲۰</sup> در دوران جنگ جهانی دوم یاد می کنند و بدین گونه است که فعالیت های امپریالیسم آلمان دامنه وسیعی از سرزمین ما را دربر می گیرد و از ایران بعنوان وسیله ای جهت دستیابی به اهداف سیاسی خود بهره برداری می کند.

### ۳- نفوذ سیاسی آلمان در ایران

وجود مأموران سری آلمان در ایران و نقش عمده ای که در پیشبرد مقاصد آلمان در ایران، بخصوص در طی جنگ جهانی اول به عهده داشتند، تجربه ای بود که نتایج بسیار بارزی را جهت جلوگیری از نفوذ کشورهای روسیه، انگلیس و عثمانی در خاک ایران به دنبال داشت. در دوران جنگ جهانی اول مأموران مخفی آلمان هم چون واسموس، تسوگت مایر و نیدر مایر خدمات ارزنده ای به کشور آلمان ارائه دادند. همین عملیات درخشان دوران جنگ جهانی اول مأموران آلمانی بود که دولت آلمان را به حفظ مأموران خود در ایران مایل کرد. سالهای سلطنت رضاشاه و گرایش وی به آلمان، آزادی بیشتری را در حوزه فعالیت مأموران مخفی امکان پذیر کرد. سالهای اول جنگ جهانی دوم بر فعالیت مأموران مخفی افزود و مأموران توانستند از جانی در نواحی شمالی مانند رشت، تبریز و قزوین، حوزه عملیات شورویها و از جانب دیگر نواحی مورد نفوذ انگلیسیها یعنی غرب و جنوب غربی، ارومیه و فارس را در زیر پوشش منطقه فعالیت های مخفی خویش درآورند.

۱۸- ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، (تهران ۱۳۵۶)، ص ۴۷۵.

۱۹- ایوانف و دیگران: تاریخ ایران...، ص ۴۷۷.

20- G. Lenczowski: *Russia and the West in Iran...* p. 162.

تجاوز همزمان نیروهای شوروی و انگلیس در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م به ایران و اتمام حجت آنها برای اخراج اتباع آلمانی ساکن ایران، از شدت عملیات آنان کاست اما با وجود این عملیات درخشان مأمورانی مانند گاموتا (Roman Gamotta) و مایر (Franz Mayr) کارمند «شرکت حمل و نقل ایران - نوئل» (Nouvelle Iran Express) و مولر (B. Müller) را نباید فراموش کرد. آنان موفق شدند که بعضی از ایرانیان<sup>۲۱</sup> را به سازمانهای مخفی خویش جلب نمایند و جمعیت «ملیون ایران» را به اتفاق تشکیل دادند که نتیجه فعالیت آنها رویدادهای قبایل کرد و لر در نواحی غربی ایران بود. دولت آلمان نیز از ارسال قوای کمکی برای آنها دریغ نمی‌ورزید بطوری‌که در بهار ۱۳۲۲ش/۱۹۴۲م پول و تجهیزات دیگر بوسیله چند چترباز آلمانی به حوالی دریاچه قم فرستاده شد و مأموران جدید به قوای مایر پیوستند، عشایر جنوب ایران نیز همانند دوران جنگ جهانی اول مرکز نفوذ مأموران مخفی آلمان بود. یکی دیگر از مأموران مخفی شولتسه (B. Schulze) کنسول آلمان در تبریز بود<sup>۲۲</sup> که پس از فرار از تبریز به هنگام ورود نیروهای شوروی به این منطقه، در تهران به فعالیت خویش ادامه داد، اما بعدها به مناطق قشقائی رفت و عملیات خود را در آنجا ادامه داد و نظر به این‌که قبایل قشقائی از جنگ جهانی اول با فعالیتهای واسموس آشنایی داشتند شولتسه را پذیرفتند و دولت مرکزی و قوای ارتشی در ناحیه قشقائی و بختیاری مرتب دچار شکست می‌گردید. همه این مأموران دستورهای خود را از بغداد می‌گرفتند که محل سفارت آلمان در خاورمیانه بود و دکتر گروبا (Dr. Grobba) آنرا هدایت می‌کرد<sup>۲۳</sup> اما شکست آلمان کلیه اهداف آنها را در ایران که خرابکاری در مؤسسات نفتی و فرودگاهها و متحدکردن و پیوستن ایران به جنگ به نفع آلمان بود، نقش بر آب کرد، به‌رحال باید تأکید کرد، قدرتهای بزرگ با هر هدف و مقصودی که در ایران فعالیت می‌کردند، جز ورشکستگی و اسارت سیاسی و اقتصادی ایران، چیز دیگری با خود به‌ارمغان نیاوردند.

۲۱- از جمله ایرانیان و سران ارتش باید از فضل‌الله زاهدی و تی چند از نمایندگان مجلس حبیب‌الله نوبخت و نیز جواد علی‌آبادی را نام برد. «ملیون ایران» نقشه کودتایی را به‌سرپرستی دریاسالار کاناریس طرح کرده بودند که بی‌اثر ماند. کاناریس در (۹ آوریل ۱۹۴۵) پس از واقعه سوءقصد به‌هیتلر بوسیله سیم خفه شد.

۲۲- وی شرح دقیق وقایع جنگ را در کتاب خویش به‌تکاشش درآورده است:

B. Schulze: *Frührot in Iran*, (Esslingen 1959).

۲۳- نیوزیویو، ۲۸ اوت ۱۹۲۱، به‌نقل از فتح‌الله نوری اسفندیاری: رستاخیز ایران (تهران بی‌تا)، ص ۷۸۱ و بعد.





# فصل چهارم

## امریکا در صحنه سیاسی ایران

### ۱- آغاز روابط ایران و امریکا

در نیمه دوم قرن نوزدهم که مقارن با سرآغاز نفوذ تجاری امریکا در خاور دور، در چین، و در خاورمیانه بویژه در کشورهای منطقه خلیج فارس و ترکیه بود، دولت امریکا برآن شد که مناسبات فرهنگی را نیز به دیگر روابط خویش در مشرق زمین اضافه کند. فعالیت هیأت‌های امریکایی در ایران ابتدا به وسیله شخصی به نام مریک (J. L. Merrick) و سپس توسط اسمیت (Eli Smith) و دوایت (Timothy Dewight) به سال ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۹ م بررسی و تکمیل گردید. با فرمان محمدشاه قاجار مبنی بر اجازه فعالیت هیأت‌های امریکایی این نوع اقدامات، جنبه رسمیت یافت. دکتر پرکینز (Justin Perkins) و دکتر گرانت (Asahel Grant) توانستند خدمات آموزشی و بهداشتی خود را در سال ۱۲۴۹-۵۰ ق/ ۱۸۳۴-۳۵ م در ارومیه آغاز کنند. بتدریج که فعالیت آنان با موفقیت بیشتر همراه شد بر تعداد مؤسسات آموزشی خویش در اطراف ارومیه افزودند. اقدامات پزشکی نیز همزمان با عملیات آموزشی روبه افزایش گذارد و پزشکان مختلفی مانند دکتر رایت (A. Wright) (۱۸۸۴ م)، دکتر کوکران (J. Cochran) (۱۸۷۸ م)، دکتر میلر (E. Miller) و دکتر پاکارد (Pacard) (۱۹۰۵ م) به فعالیت‌های بهداشتی ادامه دادند. در تهران نیز هیأت آموزشی دیگری در سال ۱۲۸۹ ق/ ۱۸۷۲ م آغاز به کار کرده بود. آموزشگاه مذکور بتدریج وسعت یافت و تا سال ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م که دکتر جردن (S.M. Jordan) کار خود را در تهران آغاز کرد، فارغ التحصیلان زیادی به خود دیده بود. خدمات پزشکی در تهران بوسیله افتتاح بیمارستانی در ۱۳۱۱ ق/ ۱۸۹۳ م رسماً آغاز گردید، اگرچه اولین مراوده، قدمت بیشتری داشت. پیشنهاد اولین قرارداد تجاری که نتیجه مذاکرات فرستاده امیرکبیر (حاجی میرزا احمدخان) با نماینده امریکا (جرج مارش G. Marsh) در استانبول بود، در سال ۱۲۶۷ ش/ ۱۸۵۱ م مطرح گردید. مفاد قرارداد مزبور مبتنی بر موافقت‌نامه‌های دوستی و ارتباط

کشتیرانی بود.<sup>۱</sup> در سال ۱۲۷۲/ق/۱۸۵۶م نیز قراردادی در مورد «دوستی و بازرگانی» بین ایران و آمریکا (حاجی میرزا احمدخان و کارول اسپنس Carroll Spence) بسته شد که در مسائل کنسولی و بازرگانی برای کارفرمایان و بازرگانان امریکایی تسهیلاتی به وجود می‌آورد. در ۱۲۹۹/ق/۱۸۸۲م آمریکا به تأسیس سفارتخانه‌ای در تهران مبادرت کرد. این فعالیتها بالاخره با ارسال اولین سفیر دولت آمریکا ساموئل گرین بنیامین (S.G.W. Benjamin) در سال ۱۳۰۰/ق/۱۸۸۳م جنبه دیپلماسی یافت و خدمات هیأت‌های مختلف را تکمیل کرد.<sup>۲</sup>

نفوذ تدریجی آمریکا توسط وینستون (Winston) جانشین بنیامین ادامه یافت. وینستون موفق شد از ناصرالدین‌شاه امتیاز ساختن راه‌آهن تهران - بوشهر را که محل کنسولگری آمریکا از سال ۱۳۰۱/ق/۱۸۸۴م بود، به دست آورد. سومین سفیر ادوارد اسپنسر پرات (Edward Spencer Pratt) نیز در اخذ برخی امتیازات سعی کرد و به طرح موافقت‌نامه‌ای موفق شد که براساس آن تأسیسات سدسازی، استخراج معادن، ساختن راه‌آهن و تأسیس بانکی را به یک شرکت امریکایی به نام «کمپانی ایران» واگذار کرد.<sup>۳</sup> فعالیت هیأت‌های مختلف امریکایی از طریق خدمات بهداشتی و آموزشی از هر جهت به نفوذ بیشتر این کشور در ایران کمک کرد، بخصوص که آنان توانسته بودند بتدریج حوزه فعالیت خویش را نیز در دیگر شهرهای شمالی و غربی ایران مانند مشهد، رشت، کرمانشاه و سنندج گسترش دهند. در دوران جنبش مشروطه، امریکاییها شروع به تبلیغ به نفع ایرانیان کردند و کشته شدن یکی از اعضای هیأت آموزشی آمریکا در تبریز به نام باسکرویل (Baskerville) که به تعلیم و آموزش نظامی جوانان تبریز پرداخته بود، توانست بعنوان موضوع تبلیغاتی مثبتی، مورد بهره‌برداری امریکاییان قرار گیرد.<sup>۴</sup>

## ۲- ورود هیأت‌های اقتصادی و نظامی امریکایی به ایران

بحران مالی سالهای اولیه قرن بیستم، ایران را به استفاده از کارشناسان

### ۱- برای اطلاع از متن آن رك:

رحیم رضازاده ملك: تاریخ روابط ایران و ممالك متحده (تهران ۱۳۵۰)، ص ۸۹ و بعد.  
۲- برای آگاهی بیشتر از چگونگی کار هیأت‌های نام برده رك: جان الدر، تاریخ مسیون امریکایی در ایران، ترجمه سبیل آذری، (تهران ۱۳۳۳). محمدجعفر معنوی، تاریخچه اولین مدرسه دانشکده و بیمارستان مدرن در ایران، مجله دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۶، شماره ۱، (تهران ۱۳۳۳).

۳- پرات ناصرالدین‌شاه را به نوشتن نامه‌ای به ریاست جمهوری امریکا تشویق کرد که در آن شاه ایران تقاضای نجات کشور را از دست انگلیس و روسیه می‌کرد و همچنین راه را برای سرمایه‌گذاری امریکا در ایران باز می‌کرد. برای اطلاع از این نامه رك: مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، (تهران ۱۳۲۸)، ص ۶۷ و بعد.

### ۴- جهت آگاهی بیشتر رك:

رضازاده ملك: تاریخ روابط ایران و ممالك متحده (تهران ۱۳۵۰)، ص ۸۱، ۲۲۸ و ۲۳۴.

- باستانی پاریزی: تلاش آزادی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۰.

امریکایی مجبور کرد. علاوه بر آن بیرون کردن خویش از حوزه مبارزاتی دو حریف، انگیزه دیگر ایران برای ورود امریکاییان در ایران به شمار می‌آمد، در خرداد ۱۳۲۹ ق/م ۱۹۱۱ م هیأت مالی امریکایی به ریاست مورگان شوستر (W. Morgan Shuster) به ایران وارد گردید. شوستر با سمت خزانه دار کل، نظارت بر کلیه مسائل مالی مانند تجدید سازمان مذکور، تعویض کارکنان و امور گمرکی و مالیاتی را به عهده گرفت. هیأت مورگان برای دریافت مالیاتها به تأسیس تشکیلاتی به نام «ژاندارمری مالی» مبادرت کرد. در مدت زمان کوتاهی «ژاندارمری مالی» که «ژاندارمری خزانه» و یا «قراسواران مالیه» نیز خوانده می‌شد، افراد خود را از ۲۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰۰ نفر افزایش داد. متعاقب آن انحلال بریگاد قزاق که در آغاز توسط روسها سازمان یافته بود، خواستار گردید و این امر قدمی در راه کنترل نظامی ایران توسط امریکا بود. بهانه دولت ایران در دادن چنین اختیارات وسیعی به امریکا، دور بودن مرزهای آن کشور بود. ایران تصور می‌کرد که این کشور دور به صورت وزنه‌ای در مقابل انگلیس و روس در جهت حفظ ایران قرار می‌گیرد اما امریکا در حقیقت کوشش می‌کرد تا از ایران پایگاهی برای تقویت اهداف خویش بسازد فعالیت هیأت شوستر با مخالفت شدید روس و انگلیس مواجه گردید اما با انتخاب استوکس (Stokes) وابسته نظامی سفارت انگلیس بعنوان فرمانده ژاندارمری خزانه و معاون شوستر، قدم مؤثری در عدم مخالفت انگلیس با امریکا برداشته شد. کشور انگلیس می‌توانست بدین وسیله نفوذ روسها را در مناطق شمالی ایران کاهش دهد. استوکس طی سالها فعالیت خود در ایران، دوستان فراوانی به دست آورده بود و هنگامی که شوستر انتخاب معاونی را برای خود در مجلس ایران مطرح کرد، به درخواست وی پاسخ مثبت داده شد.<sup>۷</sup>

نخستین عکس العملی که پس از این اقدام در دو سفارتخانه روس و انگلیس به وجود آمد، این بود که دو سفارتخانه توافق کردند که ترتیبی بدهند که استوکس فقط در نواحی جنوب ایران خدمت کند. متعاقب این امر و بعنوان اعتراض

۵- مکی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، (تهران ۱۳۵۷)، ص ۷۶۰.

۶- شوستر خاطرات اقامت خود را به نگارش درآورد که به فارسی ترجمه شده است: شوستر: اختناق ایران، ترجمه موسوی، تهران ۱۳۵۱.

۷- شوستر در یادداشت‌های خود در این مورد چنین می‌نویسد: «... در این موقع با ماژور استوکس وابسته نظامی انگلیس ملاقات کردم و به او معرفی شدم. دوره خدمت چهار ساله مأموریت نظامی در ایران قریب‌الاجتام بود. بسیاری از مردم مرا از ماژور موصوف منع نموده و آگاهانیدند، که مشارالیه جاسوس دولتی روس و انگلیس و دشمن سختی برای پیشرفت خیالات غالب ملت ایران می‌باشد. ماژور استوکس صاحب منصب فوج هندی انگلیس بود و زبان فارسی را می‌توانست به سهولت تمام بخواند و بنویسد و گفتگو نماید. چند مرتبه هم در داخل ایران مسافرت کرده و از عادات و اخلاق مردم ایران و این اثر عناصر پلتیکی مختلفه ولایات، بصیرت و اطلاع کامل داشت.» از کتاب: اختناق ایران، اثر مورگان شوستر: ص ۱۲۷.

وقایعی روی داد<sup>۸</sup>. روسیه روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد و قشون خود را در قزوین حاضر کرد و نیروهای دیگری را به حالت آماده باش نگاه داشت و همچنین روسیه خواستار اخراج هیأت شوستر از ایران گردید. مالیاتهای جدیدی که توسط شوستر وضع گردیده و یا افزایش یافته بود، اوضاع اقتصادی کشور را هم دگرگون ساخته بود. قحطی سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م، تهی بودن خزانه دولت و بدهی به بانکهای خارجی، تظاهرات شدیدی را علیه شوستر و همکاران ایرانی و خارجی وی که مسببان اصلی اوضاع نابسامان اقتصادی به شمار می آمدند، به دنبال داشت. در دومین اولتیماتومی که دولت روسیه در سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م، به دولت ایران داد در یک موعده ۴۸ ساعته خواسته های خود را به این شرح اعلام کرد<sup>۹</sup>:

- ۱- اخراج شوستر.

- ۲- تعهد دولت ایران مبنی بر این که بدون تصویب روس و انگلیس کارشناس غیر ایرانی را استخدام نکند.

- ۳- پرداختن وجه خسارتی جهت هزینه قشون ارسالی روس به ایران. سرانجام به علل مختلف داخلی و خارجی از جمله عدم رفع مشکلات مالی، اعتراض مردم، فشار قدرتهای دیگر، شوستر از ایران خارج شد اما علاقه کشورهای بزرگ به بهره برداری از منابع ایران و رقابت سلطه گرانه آنان در ایران، باعث گردید که امریکا در ۲۸ آبان ۱۳۰۰ش/۲۰ نوامبر ۱۹۲۱م باب پاره ای مذاکرات محرمانه را درباره اخذ امتیازات جدیدی از ایران، باز کند. به دنبال این مذاکرات امتیاز اکتشاف و استخراج نفت ایران در پنج استان شمالی به کمپانی نفت امریکایی استاندارد اوایل (Standard Oil) واگذار گردید<sup>۱۰</sup>.

۸- برای اطلاع بیشتر رک:

- مورگان شوستر: اختناق ایران، مقدمه و ص ۱۹ الی ۲۳.

- کشف تلیس یا دوروئی و نیرنگ انگلیس، ص ۲۷ و بعد.

۹- جهت آگاهی بیشتر درباره اتمام حجت روس به ایران رک:

- مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۷۷.

- کشف تلیس: ص ۲۹.

- حسین مکی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، ص ۸۸.

۱۰- متن امتیازنامه به این شرح است:

۱- مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیاز حق استخراج نفت ایالات مفصله الاسامی شمال ایران را به کمپانی استاندارد اوایل امریکایی تصویب می نماید. نقاط مزبور شامل ایالات آذربایجان، استرآباد، مازندران، گیلان و خراسان خواهد بود.

۲- مدت این امتیاز پنجاه سال خواهد بود.

۳- حقوق دولت ایران زاید بر صدی ده از کلیه نفت و مواد نفتی مستخرجه از چاهها، قبل از آن که هرگونه خرجی به او تعلق بگیرد، خواهد بود.

۴- شرایط دیگر امتیاز از قبیل تسعیر سهم دولت و پرداخت آن و طرز نظارت دولت در عواید کمپانی و شرایط ابطال کننده این امتیاز و سایر شرایط دیگر را دولت پس از مذاکره تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد نمود.

۵- کمپانی مزبور حق نخواهد داشت این امتیاز را به دولت یا شرکت خارجی واگذار نماید و در صورت تخلف از این ماده امتیاز مزبور ملغی خواهد بود. برگرفته از مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۱۰۲ و بعد.

این قرارداد مورد اعتراض دولتهای شوروی و انگلیس قرار گرفت. شوروی مدعی بود که وثوقالدوله در سال ۱۲۹۵ ش/ ۱۹۱۶ م امتیاز نفت شمال را به خوشتاریا، داده است و انگلیس معتقد بود که امتیاز خوشتاریا را خریداری کرده است. سرانجام امریکا جهت بازداشتن انگلیس از اعتراض و مخالفت، تصمیم گرفت. انگلیس را در این قرارداد سهیم کند و بدین ترتیب انگلیس نیمی از سهام استاندارد اویل را به دست آورد. مسأله استاندارد اویل، بسیار جنجالبرانگیز بود و دامنه سهیم کردن انگلیس در زمان کابینه قوام السلطنه حل نشد و در کابینه مشیرالدوله ادامه یافت و سرانجام از جانب دولت ایران مشارکت انگلیس طبق ماده ۵ قرارداد ملفی اعلام گردید.<sup>۱۱</sup> مسأله نفت ایران شرکتهای دیگر امریکایی را متوجه ایران و منافع نفتی آن ساخت. در مرداد ۱۳۰۱ ش/ اوت ۱۹۲۲ م شرکت نفت سینکلر (Sinclair Oil Company)<sup>۱۲</sup> به ایران آمد و شرایط مساعدتری را برای عقد قراردادی پیشنهاد کرد.<sup>۱۳</sup> با این پیشنهاد رقابت بین طرفداران شرکت نفتی استاندارد و سینکلر آغاز گردید و هر دو شرکت به تبلیغات مفصلی دست زدند و نظر به این که صدور نفت از سواحل جنوبی ایران فقط با موافقت انگلیس امکان پذیر بود، شرکت سینکلر برای حمل و نقل آن با شوروی وارد مذاکره شد. سینکلر توانست ابتدا موافقت شوروی را در این باره جلب کند اما پس از آن که دولت شوروی از عقیده خود منصرف گردید،<sup>۱۴</sup> سینکلر نتوانست به تعهدات خود در ایران بپردازد. موضوع نفت شمال در حقیقت تا سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م بکلی خاتمه نیافت و سرانجام شرکت سینکلر که نتوانست اجازه حمل نفت را به دست آورد، پس از قتل ایمبری (R. Imbrie) به بهانه این که کارکنان شرکت تأمین جانی ندارند، ایران را ترک گفتند.<sup>۱۵</sup> یکی از کسانی که با شرکت سینکلر همکاری نزدیک داشت دکتر

۱۱- برای آگاهی بیشتر درباره رقابتهای نفتی رک: مهدی کیانفر، - : سیاست امریکا در ایران، ص ۱۰۷ و بعد.

B. Schwadran: *The Middle East, Oil and the Great Power*, (New York 1959).  
S. H. Longrigg: *Oil in the Middle East, Its Discovery and Development*, (New York 1954).

۱۲- مؤسس آن هری سینکلر (Harry F. Sinclair) امریکایی صاحب تأسیسات نفتی بسیاری از ایالت کانزاس و آکلاهما بود.

۱۳- برای اطلاع از مفاد پیشنهادی شرکت سینکلر رک: مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران ۱۳۵۸)، ص ۳۳۶.

۱۴- برای آگاهی از چگونگی انصراف شوروی و سینکلر رک: فاتح: پنجاه سال...، ص ۳۳۷ و بعد.

۱۵- در ۲۷ تیرماه ۱۳۰۳ / ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۴ کنسولیار امریکا، رابرت ایمبری که مخبر مجله جغرافیایی بود به همراه سیمور (Seymore) کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران برای تماشای سقاخانه‌ای واقع در خیابان شیخ هادی که شایعه معجزه، فامش را بر زبانها انداخته بود و تهیه عکس به آنجا می‌روند، اما مردم به گمان این که آنها در سقاخانه سم ریخته‌اند، آنها را دستگیر کردند و کتک زدند. ایمبری در این حادثه کشته شد. به دنبال این امر دولت امریکا به ایران اعتراض کرد و دولت ایران رسماً عذرخواهی نمود و سه نفر از مسببین این موضوع را اعدام کرد. برای اطلاع بیشتر در مورد انگیزه قتل ایمبری رک: حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۹۲ تا ۹۸ و ۱۰۵.

آرتور میلسپو (Dr. Arthur C. Millsbaugh) بود. در کابینه دوم قوام برای استخدام کارشناسان خارجی اقداماتی به عمل آمد به همین جهت زمینه استخدام دکتر میلسپو بعنوان مستشار عالی مالی کاملاً آماده گردیده بود و مجلس ایران در سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۲م استخدام وی را تأیید کرد<sup>۱۶</sup>. بهانه استخدام میلسپو، اوضاع خراب مالی دولت ایران بود اما اقدامات میلسپو منحصر به فعالیتهای مالی نبود. ۱۷ میلسپو در اولین سالهای فعالیتش بسیاری از امریکاییان را به شغلهای حساس مملکتی از جمله ریاست اداره درآمدهای داخلی و خزانه‌داری کل وزارت دارایی، سرپرست مالی استانهای آذربایجان، گیلان، خوزستان، فارس و کرمان منصوب کرد. طی پنج سال اقامت میلسپو، اکثر اقدامات وی متوجه تأمین منافع امریکا بود. دولت ایران سرانجام به علت بحران اقتصادی و نابسامانیهای مملکتی قرارداد میلسپو را در سال ۱۳۰۶ ش/ ۱۹۲۷م لغو کرد و وی ایران را ترک گفت. در زمان جنگ جهانی دوم و نیز در دوران نخست‌وزیری قوام و به دنبال دیدار ویلکی (Wendel Wilkie) نماینده روزولت رئیس جمهور امریکا از ایران، مجدداً از میلسپو دعوت به عمل آمد تا برای سروسامان دادن به امور اقتصادی به ایران بیاید. ۱۸ وی در زمستان ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م با سمت ریاست کل دارایی، کار خود را با اختیارات وسیعی آغاز کرد. ۱۹ علاوه بر آن به هنگام زمامداری قوام، امریکا موفق به امضای چند قرارداد بازرگانی گردید که به موجب آن<sup>۲۰</sup>، بسیاری از کالاهای وارداتی از امریکا، مالیات مختصری می‌پرداختند و به این ترتیب زمینه برای نفوذ بازرگانی بیشتر امریکا در ایران مساعدتر گردید و نیز ارتش امریکا به بهانه ارسال مهمات به شوروی، در ایران مستقر شده، اداره بسیاری از سازمانهای دولتی را عملاً تحت نظارت خود داشت. دخالتهای نظامی امریکا به همین موارد ختم نمی‌گردد بلکه ورود هیأت نظامی امریکا در بهار همان سال و توافق دولت قوام، به فعالیت نظامی امریکا جنبه رسمیت داد. ورود هیأت نظامی امریکا به ریاست ژنرال والتر ریدلی (W. Riedly) برای آموزش نظامی و تحقیق در امور حمل و نقل اعلام گردید اما در حقیقت بیانگر نفوذ و توسعه تدریجی امریکا در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بود زیرا که از پاییز سال قبل نیز مسئله حمل و نقل خوار و بار و ارزاق عمومی کشور نیز زیر نظارت مشاوران دیگر امریکایی مانند شریدان (Sheridan) و ویویان (Vivian) لمب (Lamb) رئیس اداره تعیین نرخها و

۱۶- مقایسه کنید با مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۱۴۹.

۱۷- رک: خاطرات آرتور میلسپو: مأموریت امریکاییها در ایران، (تهران ۱۳۵۶).

۱۸- پس از پایان اولین دوره مأموریت میلسپو، فعالیت و اقدامات مالی ایران زیر نظر کارشناس بلژیکی به نام مرنارد (Mornard) اداره می‌شد.

۱۹- برای آگاهی از متن لایحه استخدامی مصوب مجلس جهت استخدام میلسپو و اختیارات وی رک: مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۱۵۹ و بعد.

۲۰- رک: جمشید صداقت‌کیش. روابط ایران و امریکا در دهه پنجاه (تهران، دهخدا، ۱۳۵۷) ص ۹۴ و بعد.

فرگوسن (Ferguson) رئیس اداره توزیع قرار داشت. ۲۱ علاوه بر ارتش ایران، دیگر تشکیلات دفاعی و انتظامی کشور مانند ژاندارمری و شهربانی نیز از دخالت امریکا مصون نمانده بود. در پاییز ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م بنابر دعوت دولت ایران دو سرهنگ امریکایی، شوارتسکپف ۲۲ (Schwarzkopf) و تیمرمن ۲۳ (Timmerman) بعنوان مستشاران ژاندارمری ۲۴ و شهربانی به ایران آمدند و از آن به بعد فعالیت این دو ارگان نظامی کشور زیر نظر امریکاییان قرار گرفت. همچنین در ارگانهای کوچکتر وزارت جنگ مانند امور سر رشته داری و حمل و نقل، ژنرال گریلی (Grealy) و سرهنگ گیلسپی (Gilsby) که از افسران برجسته امریکا بودند، خدمت می کردند. ۲۵ در سواحل جنوب ایران نیز ژنرال کانلی (D. Connolly) هدایت «فرماندهی خلیج فارس» (P.G.C) (Persian Gulf Command) را در سواحل جنوبی

۲۱- دولت ایران خود بطور مستقیم و غیرمستقیم در افزایش قیمتها مؤثر بود. در پایین ۱۳۲۵ در دوران وزارت دارایی دکتر حسن مشرف نفیسی، دولت ایران نرخ لیوه انگلیسی را از ۶۶ ریال به ۱۲۰ ریال افزایش داد و همین امر در افزایش قیمتها و ارزهای خارجی تأثیر فراوانی گذاشت. ر.ک: سالنامه دنیا، ۱۳۴۰، ص ۱۳۳.

اسامی اعضای اولیه دومین هیأت دکتر آرتور میلسپو براساس کتاب جرج آلن به شرح ذیل است:

- |                 |                                                        |
|-----------------|--------------------------------------------------------|
| ۱- گرشام        | Harold Gresham - مدیر کل گمرک                          |
| ۲- لوکنت (لوکن) | W. K. Le Count - خزانه دار کل (دراستداکارشناس مالی)    |
| ۳- پیکسلی       | Rex A. Pixley - مدیر کل مالیات بر درآمد                |
| ۴- براون ریگ    | William Brownrig - مدیر کل کارمندان                    |
| ۵- هودسن        | George T. Hudson - سرپرست اداره اراضی عامه             |
| ۶- ویویان       | Rex Vivian - سرپرست اداره نظارت صنعتی                  |
| ۷- لمب          | Bernard I. Lamb - سرپرست اداره تعیین نرخها             |
| ۸- هانسن        | Irving C. Hansen - سرپرست اداره تهیه و نظارت           |
| ۹- فرگوسن       | Edmond S. Ferguson - سرپرست اداره توزیع                |
| ۱۰- شیلدز       | Floyd F. Shields - سرپرست اداره حمل و نقل زمینی (شوسه) |
| ۱۱- شوک من      | Fred A. Schuckman - سرپرست اداره حمل و نقل             |
- ر.ک: George V. Allen: in the: Department of State Bulletin, July 23 1944.

در کتاب کیانفر از شوک من بعنوان معاونت اداره قیمتها یاد می شود و نیز نامی از دو نفر از اعضای هیأت میلسپو آورده می شود که در لیست آلن ذکر از آنان نیست این دو نفر یکی اشتیغین نایمن، مدیر کل بازرسی وزارت دارایی، و دیگری شامبارگر، رئیس اداره حسابداریها می باشد. ر.ک: مهدی، کیانفر: سیاست امریکا در ایران، (تهران ۱۳۲۸)، ص ۱۷۶.

۲۲- شوارتسکپف تعلیمات نظامی خود را در آکادمی نظامی امریکا بعنوان سواره نظام به پایان رساند و مأموریت مختلفی را در خارج از امریکا به پایان رسانده بود. جانشین وی در ژاندارمری ایران سرهنگ پیرس James Pierce بود.

۲۳- تیمرمن تحصیلات خود را در دانشگاه وایزن من نیویورک به پایان رساند و تجربیات حرفه ای خویش را در ادارات شهربانی شهرهای شیکاگو، نیویورک، پتسبورگ و هوستن آندوخته بود.

۲۴- برای آگاهی از قرارداد ژاندارمری ر.ک: صداقت کیش: روابط ایران و امریکا...، ص ۱۰۴ وبعد وضمیمه شماره ۹ پژوهش حاضر.

۲۵- علاوه بر وزارت جنگ، در راس وزارتخانه های دیگر ایران نیز امریکاییان قرار داشتند که از آن جمله وزارت کشاورزی، بهداری را باید نام برد. اداره کل گمرک ایران نیز تحت ریاست هارولد گرشام (Gresham) اداره می شد.



ایران و در نتیجه کنترل راههای منطقه جنوب ایران را به عهده داشت و زمینه را جهت استقرار نیروهای امریکایی در اهواز، بندر شاهپور و خرمشهر آماده کرد. کانلی اکثرأ در تهران بود و عملیات خود را از تهران هدایت می کرد<sup>۲۶</sup>. «فرماندهی خلیج فارس» در مدتی که حمل و نقل مهمات را به روسیه برعهده داشت، جهت تسهیل کار خود به ساختمان و ترمیم راههای اصلی بنادر، خط آهن سرتاسری و فرودگاه مبادرت کرد. امریکا طرح ساختمان راه آهن خلیج فارس به تهران را در دست تهیه داشت و شوروی نیز طبق توافق، ساختمان راه آهن تهران-بندر شاه را اداره می کرد. در حقیقت سعی می شد که مناسبات امریکا و شوروی بنا بر موقعیت جنگی در تمام طول جنگ جهانی دوم با آرامش سپری شود.

پس از پایان جنگ که فعالیتهای نظامی امریکا در ایران شدیدتر شد<sup>۲۷</sup> و بحران آذربایجان و رد قرارداد قوام - سادچیکف و دخالت بیشتر امریکا در اداره ایران پیش آمد، دولت شوروی نسبت به نفوذ امریکا در امور مختلف و بخصوص در ارتش ایران، به دولت حکیمی در ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸ م اعتراض کرده در ۱۷ خرداد ۱۳۲۶ ش / ۸ ژوئن ۱۹۴۷ م مجلس ایران قرارداد خرید ده میلیون دلار اسلحه و مهمات را از امریکا تصویب کرد در همین تاریخ، ایران وامی به مبلغ بیست و پنج میلیون دلار جهت خرید اسلحه از امریکا دریافت کرد<sup>۲۸</sup>. همچنین قرارداد نظامی مهمی بین ایران و امریکا در ۱۳ مهر ۱۳۱۶ ش / ۶ اکتبر ۱۹۴۷ م بسته شد که به موجب آن تعداد و اختیارات کارشناسان نظامی امریکا در ایران افزایش یافت. این قرارداد بوسیله محمود جم وزیر جنگ ایران و جرج آلن (George Allen) سفیر امریکا در ایران به امضا رسید<sup>۲۹</sup>. به موجب این قرارداد، ایران حق استخدام کارشناسان نظامی از کشورهای دیگر را نداشت.

در سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶ م توسط شرکت امریکایی موريسن - نودسن برای ایران وامی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار از بانک جهانی توسعه و عمران تأمین شد. به دنبال این قرارداد، در ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸ م طرحی به اجرا درآمد که براساس آن برنامه عمرانی ۷ ساله با شرکت مشاورتی امریکایی ماوراءبحار (Overseas Consultants) که وابسته به شرکت استاندارد اوپل بود، اجرا شد<sup>۳۰</sup>. در تیر و

۲۶- کانلی درخانه ناصرخان قشقایی واقع در امیرآباد تهران سکونت داشت. رک: لنزوسکی: رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه راثین. ص ۳۰۰

۲۷- ژنرالهای امریکایی مانند رابرت گرو (R. G. Grow) و ایوانز (Evans) مدتها پس از جنگ در ارتش ایران خدمت می کردند.

۲۸- رک:

Document on American Foreign Relation 1949 (New York 1950), p. 305.

۲۹- برای آگاهی از مفاد موافقتنامه مربوط به ميسيون نظامی (ارتش) ایران و امریکا در سال ۱۳۲۶ ش / ۱۹۴۷ م رک: صداقت کیش. روابط ایران و امریکا در دهه پنجاه، ص ۱۱۳ و بعد و همچنین به ضمیمه پژوهش حاضر.

۳۰- در برنامه ۷ ساله که می بایستی در فاصله زمانی ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۵ انجام گردد، احداث فرودگاه، بنادر، راههای شوسه و آهن، کمکهای بهداشتی، آبیاری و برق، فعالیتهای کشاورزی و خرید لوازم فنی پیش بینی شده بود.

مرداد ۱۳۲۷ ش/ژوئن و ژوئیه ۱۹۴۸ م ایران دو قرضه به مبلغ ۱۰ و ۱۶ میلیون دلار از آمریکا برای خرید اسلحه دریافت داشت. پس از روشن شدن سیاست خارجی ترومن رئیس جمهور آمریکا و اعلام دکترین ترومن، ایران در حوزه فعالیت «اصل چهارم» ترومن قرار گرفت.<sup>۳۱</sup> همچنین قرارداد همکاری متقابل دفاعی ایران و آمریکا (Mutual Defense Assistance Act) نیز در تابستان ۱۳۲۸ ش/۱۹۱۹ م به امضاء رسید که بر مبنای آن ایران توانست ۱۰ میلیون دلار کمک نظامی دریافت دارد.

کلیه این فعالیتها و کوششهای آمریکا بیشتر، جهت تحت‌الحمایه کردن ایران، همزمان با مبارزات مردم ایران برای کوتاه کردن دست انگلیسیها و ملی کردن نفت ایران بود. تظاهرات و اعتراضات مردم اگر چه مستقیماً علیه انگلیس بود اما بطور کلی با شعارهای استقلال کامل کشور و علیه دخالت کشورهای بزرگ در ایران بود. آمریکا و انگلیس هر دو، برای حمایت از منافع خود به فعالیت پرداختند. به دنبال آن آمریکا موفق به بستن پیمان دیگری شد که در زمینه همکاریهای دفاعی و افزایش فعالیت کارشناسان خود و در نتیجه کنترل شدید ایران بود.<sup>۳۲</sup> در زمستان ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م تظاهرات شدیدی در بندر شاهپور علیه آمریکا به وقوع پیوست و کارکنان بندری از تخلیه یک کشتی آمریکایی که حامل اسلحه و مهمات برای ایران بود، جلوگیری به عمل آوردند. پس از این که دامنه تظاهرات گسترده شد، دولت وقت مجبور به فسخ قرارداد شرکت مشاورتی ماوراء بحار گردید و کارشناسان اقتصادی آمریکا که برای اجرای برنامه عمرانی هفت‌ساله به ایران آمده بودند، کشور را ترک کردند.

### ۳- گسترش سلطه سیاسی آمریکا در ایران

فعالیت اقتصادی - نظامی آمریکا در ایران عملاً این دولت را به صحنه سیاسی ایران کشانده بود و از این تاریخ به بعد است که استقلال سیاسی ایران در اختیار آمریکا قرار گرفت و چند سال بعد با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش/۱۹۵۳ م تکمیل گردید. ورود آمریکا به صحنه سیاسی جهان، وضعیت استراتژیکی ایران و نقشی که این کشور، خواه ناخواه در طی جنگ در جهت منافع قدرتهای بزرگ عهده‌دار شده بود، دولت آمریکا را متوجه اهمیت ایران کرد و به همین علت دولت آمریکا در زمستان ۱۳۳۲ ش/۱۹۴۳ م، سفارتخانه خود را به سفارت‌کبری ارتقا داد.

۳۱- در بیستم ژانویه ۱۹۴۹ ترومن برنامه خود، مبنی بر کمکهای اقتصادی و فنی و سرمایه‌گذاری در کشورهای کم‌رشد را اعلام داشت که ماده ۴ این برنامه به نام «اصل چهارم» مشهور است و بطور کلی این طرح برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای یونان، ترکیه و ایران مطرح گردید. برای آگاهی از برنامه‌های اصل چهارم و سیاست آمریکا پس از سال ۱۹۵۰ رک: جمشید صداقت‌کیش، روابط ایران و آمریکا، تهران ۱۳۵۷، ص ۲۸ و بعد و نیز: W. M. Daniels: *The Point Four Program*, (New York 1951), p. 60.

۳۲- براساس این قرارداد گروه مشاوران کمک‌نظامی آمریکا به ایران، فعالیت خود را در تهران آغاز کردند و ایران حق انتقال تجهیزات نظامی را بدون موافقت آمریکا به کشور دیگر نداشت.

انتخاب احمد قوام در فاصله زمانی بیست ساله به نخست‌وزیری ایران و دعوت مجدد از هیأت سابق مالی میلسپو به ایران، آن هم پس از آن که وی به علت عدم موفقیت مجبور به ترک ایران شده بود، بازگوکننده طرح کامل توسعه طلبی همه جانبه آمریکا، در دراز مدت، در ایران بود. به دست آوردن بسیاری از مقامهای اقتصادی توسط کارشناسان آمریکایی، مواضع محکمی را ایجاد می‌کرد تا با اتکاء به آن، آمریکا بتواند سیاست کشور را نیز به نفع خویش تغییر دهد. فعالیتهای مختلف هیأت‌های بسیاری که در ایران در رفت‌وآمد بودند، حاکی از کنترل تدریجی و تسلط بر اوضاع داخلی ایران است. کوششهای آمریکا جهت انقیاد ایران با اختیارات وسیعی که به مرور هیأت‌های اقتصادی و نظامی به دست می‌آوردند، دست اندازی به خاک ایران را مقدور می‌ساخت. از جانب کشورهای شوروی و انگلیس تجاوز به خاک ایران در سال ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۱ م انجام گرفت و با وجودی که قوای آمریکا در زمستان ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م به آرامی به ایران وارد گردید، اما طولی نکشید که کنترل ارگانهای حساس مملکتی را در نتیجه تاکتیک ماهرانه و نفوذ تدریجی به دست آورد. وجود هیأت‌های مالی و نظامی، مهمترین اساس ثبات مملکت را که همانا ارتش، اقتصاد و صنعت است، مختل کرده بود. به مرور زمان محافل مختلف ایران از جمله مجلس که زمانی تنها راه رهایی از اوضاع از هم پاشیده اقتصادی را، استخدام کارشناسان خارجی و افزایش اختیارات آنان می‌دانست<sup>۳۳</sup>، آگاه شد، سرانجام با تصویب قانون سلب اختیارات ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ م، دکتر میلسپو، از کار برکنار گردید. در دوران سرپرستی میلسپو، توزیع خواروبار در میان مردم با برنامه صحیحی توأم نبود بطوری که در بعضی استانها، کمبود مواد اولیه زندگی مانند نان، قند و شکر به چشم می‌خورد. در سال ۱۳۲۲ ش قحطی بر مملکت حکمفرما شد و استانهای خراسان، آذربایجان به عنوان اعتراض و جهت بهتر توزیع کردن کالا و ارزاق عمومی به مردم از نظارت و کنترل میلسپو سر باز زدند. قیمتها چندین برابر افزایش یافت و نشر اسکناس «بیش از دوبرابر شد یعنی از ۳/۵ میلیارد ریال به ۷/۶ میلیارد ریال»<sup>۳۴</sup> افزایش یافت و نرخ بنزین نیز دوبرابر گردید. کسر بودجه دولت که در سال ۱۳۲۱ ش، ۷ میلیون دلار بود. در سال ۱۳۲۳ ش به ۸ میلیون دلار بالغ شد<sup>۳۵</sup>. با وامهای اسارتباری که آمریکا در اختیار ایران قرار می‌داد نه تنها اقتصاد ایران، بلکه سیاست ایران نیز عملاً تحت رهبری امپریالیسم آمریکا قرار گرفت و این مرز و بوم به کشوری تحت‌الحمایه

۳۳- مجلس ایران در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ قانونی تصویب کرد که طی آن اختیارات فوق‌العاده‌ای را به میلسپو واگذار کرد. دخالت در تجارت داخلی و خارجی مانند صدور مواد خام، پخش و حمل و نقل خواروبار و کنترل حقوق کارمندان و قیمت اجناس از جمله اختیارات محوله این قانون بود.

۳۴- به نقل از ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران ۱۳۵۹، ص ۲۸۷.

۳۵- ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، ص ۴۸۶.

تبدیل شد. سلطه اقتصادی - سیاسی آمریکا به دوران جنگ جهانی دوم محدود نمی‌شود، به دنبال عدم کنترل صحیح کالاهای وارداتی از آمریکا، صنایع داخلی و وضع اقتصادی به ورشکستگی کشانده شد و گرسنگی در استانهای نامبرده و سیستان تا سال ۱۳۲۸ ش / ۱۹۴۹م غوغا می‌کرد. انتصاب و تعویض نخست‌وزیرانی مانند قوام، حکیمی، هژیر، منصور و رزم‌آرا که هر کدام سیاست توسعه‌طلبانه غرب را زمانی به نفع آمریکا و زمانی به سود انگلیس دنبال می‌کردند، نه تنها موجبات حل مشکلات و رهایی ایران را از انقیاد به وجود نیاورد، بلکه خصوصاً زمینه توسعه و گسترش محافل امریکایی حاکم بر ایران و در نتیجه زمینه روابط هرچه اسارت‌بارتر این کشور را با غرب، بیشتر مساعد کرد.



## فصل پنجم

### نفوذ فرهنگی قدرتهای جهانی در ایران (۱۹۵۰-۱۹۴۰)

در بررسی و تحقیق سیاست خارجی قدرتهای جهانی در ایران، مبحث نفوذ فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار است. سیاست خارجی قدرتهای جهانی همواره مبتنی بر تغییرات عمیق داخلی و فعل و انفعالات درون‌مرزی در کشور مورد نظر است، زیرا اگر این فعالیت و تغییرات براساس فرهنگ کشور غالب باشد، موفقیت‌آمیز نخواهد بود و عموماً بدین ترتیب است که به‌آهستگی می‌تواند ارزشها، عادات و دیگر موازین اجتماعی را تحت کنترل خویش در آورد. این کوششها را در حقیقت دیپلماسی فرهنگی می‌نامند. در سیاست فرهنگی، کشورهای سلطه‌جو بتدریج خواهان تغییرات کلی و عمیق می‌باشند. آنان حتی سعی می‌کنند که خود را با ویژگیهای جامعه سنتی کشور مورد تهاجم نیز تا حدی وفق دهند. بدین نحو کشورهای مورد تجاوز زمانی متوجه این تأثیر می‌شوند که معمولاً راه بازگشت مشکل شده است. رقابتهای استعمارگرانه دولتهای بزرگ، همپشمیهای فرهنگی بین‌المللی را به‌وجود می‌آورد. منطقه خاورمیانه و بویژه ایران مثال بارزی برای ذکر صحنه رقابتهای فرهنگی قدرتهای جهانی است. قدرتهای بزرگ همواره به نفوذ فرهنگی حتی بیش از نفوذ سیاسی اهمیت قائل می‌شوند و از طریق مراکز فرهنگی، در جهت وابستگی، تجاوز و تعرض به کشورهای جهان سوم گامهایی مناسب برمی‌دارند.

#### ۱- نفوذ فرهنگی انگلیس

کشور انگلیس پیوسته رخنه در امور آموزشی و بهداشتی را یکی از عوامل مؤثر می‌دانست و آن را بر نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی خویش می‌افزود. این وسیله بکرات توسط قدرتهای بزرگی که به‌نحوی در طی دهه‌های اخیر در ایران دخالت و نفوذ داشتند، به‌کار گرفته شد. از عوارض جنگ دوم نیز دو مطلب را باید یادآور شد: نخست قحطی که به‌علت خشکسالی و یا رویدادهای جنگی و رساندن آذوقه به قوای بیگانگان در ایران بود و دیگری بیماریهای مسری و خائمانسوز که آن هم به‌دلیل جنگ و عدم بهداشت به‌وجود آمد. هر یک از دو مورد دستاویزی بود

که قدرتهای بزرگ به این وسیله نیز در طی جنگ، پایگاهی در ایران برپا کنند. بر اثر مشکلات اقتصادی، کشور ایران چندین بار دچار قحطی و کمبود مواد غذایی شد. یکی از آنها قحطی ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م بود که در تهران رخ داد و با تظاهرات مردم از حوالی میدان توپخانه آغاز گردید و سرانجام در میدان بهارستان با شلیک قوای نظامی به سوی مردم و اعلام حکومت نظامی سرکوب شد. در سال ۱۳۲۲ ش / ۱۹۴۳ م که بیماری حصبه شیوع یافت، انگلیسیها به تأسیس يك بیمارستان مبادرت کردند که اهداف دیگری را جز کمکهای بهداشتی به دنبال داشت. نمونه‌ای از این کمکها، فعالیتهای بهداشتی زنی انگلیسی به نام اسمیت (Smith) بود که کارهای پزشکی، سرپوشی برای دیگر اقدامات وی در شهرهای جنوبی ایران به شمار می‌رفت. در همین زمینه و به علت قحطی سال ۱۳۲۲ ش، کشور شوروی هیأتی بهداشتی به ایران گسیل داشت و متعاقب آن نیز ۲۵ هزار تن گندم به ایران ارسال شد که دولت شوروی بهره‌برداری تبلیغاتی بسیاری از آن کرد. تقریباً در همین زمان بود که «مرکز تدارکات خاورمیانه» که در زمینه اقتصادی و حل مشکلات آن فعالیت داشت، به وجود آمد. این مرکز که شعبه‌ای نیز در تهران داشت، توسط انگلیس و آمریکا اداره می‌شد. دیگر مسائل فرهنگی از طریق اداره روابط عمومی سفارت انگلیس در تهران هدایت می‌شد. این اداره مشتمل بر چهار مرکز فیلم، عکس، نمایشگاه و مطبوعات بود. در اداره روابط عمومی افرادی مانند الویل ساتن، آن لمبتون، بینگلی (J. S. Bingly) و اون (C. H. Owen) به کار اشتغال داشتند. بعدها ساتن و لمبتون کرسیهای تاریخ معاصر ایران را در دانشگاههای ادینبورگ (ادینبرا) و لندن به خود اختصاص دادند. همچنین اداره روابط عمومی به تأسیس «انجمن فرهنگی ایران و انگلیس» در تهران و دیگر شهرها بخصوص شهرهای جنوبی ایران مبادرت کرد. هدف از دایر کردن انجمنهای فرهنگی گسترش فرهنگ انگلیس در میان ایرانیان بود و نیز به همین منظور کنسرتهای موسیقی نیز تشکیل می‌گردید، برپا کردن نمایشگاه و سخنرانی نیز از وظایف این اداره بود. سفارت انگلیس همچنین از يك فرستنده رادیویی و نیز روزنامه‌ای به نام (Tehran Daily News) در پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کرد.

## ۲- نفوذ فرهنگی شوروی

آغاز روابط فرهنگی ایران و شوروی اگر چه ریشه عمیقتری دارد اما باید اذعان داشت که در زمان جنگ جهانی اول و بخصوص در فاصله دو جنگ بین‌المللی و بعد از آن گسترش بیشتری یافت. آمیختگی سنتهای ایرانی با ایالات جنوبی مسلمان نشین اتحاد جماهیر شوروی، وجوه اشتراك فراوانی را در زمینه فرهنگی باعث می‌شود تا دولت شوروی موجبات تشویق و برگزاری جشنهای مشترك در دو منطقه را فراهم کنند از آن جمله برگزاری مجالسی مانند جشنواره‌های سالگرد تولد شاعران ایرانی نظیر فردوسی (۱۹۳۵ م)، نظامی (۱۹۳۵ م) و امیرعلی-

شیرنوائی (۱۹۴۷ م) و نمایش فیلمهای مختلف روسی، پخش برنامه‌های فارسی رادیویی و انتشار روزنامه‌های فارسی زبان را باید نام برد. پیرو چنین اقداماتی در دهه‌های آخرین نیمه اول قرن بیستم مراکز دیگری نیز در تهران و شهرستانها گشایش یافت که عبارت بودند از:

- ۱- انجمن فرهنگی ایران و شوروی.
  - ۲- تأسیس کتابخانه‌های مختلف.
  - ۳- افتتاح کلاسهای آموزشی زبان روسی.
  - ۴- انتشار مجله پیام نو وابسته به انجمن فرهنگی ایران و شوروی.
- بدیهی است پیرو چنین هدفی دعوت از ایرانیان علاقه‌مند، جهت بازدید از اتحاد جماهیر شوروی که البته جنبه تبلیغات داشت، به عمل می‌آمد. در این رابطه چند دعوت انجام شد که یکی در سال ۱۳۳۴ ش/ ۱۹۴۵ م به مناسبت سالگرد تأسیس جمهوری ازبکستان و دیگری در سال ۱۳۲۶ ش / ۱۹۴۷ م به مناسبت پانصدمین سال تولد علیشیرنوائی به ازبکستان بود. فعالیت انجمن فرهنگی ایران و شوروی علاوه بر نشر عقاید دولت متبوع خود بوسیله مطبوعات و نشریات، به صورت‌های دیگری نیز انجام می‌گرفت. سخنرانی استادان و محققان شوروی بخصوص شرقشناسان و افتتاح نمایشگاه‌های هنر و صنایع دستی ایران (۱۳۲۴ ش) از جمله دیگر فعالیتهای انجمن بود. علاوه بر آن در تهران سه سینمای بزرگ به نامهای ستاره، مایاک و تهران پخش و نمایش فیلمهای روسی را به عهده داشتند. این فعالیتهای بوسیله خدمات بهداشتی تکمیل می‌گردید. نشریه طبیبی منتشره در سال ۱۳۲۳ ش در رابطه با مساعی پزشکی طبای شوروی انجام می‌یافت، ناگفته نماند که افتتاح بیمارستان شوروی اگر چه در زمان جنگ کمک مؤثری برای ایران بود، اما جنبه وابستگی به دولتهای بیگانه را نمی‌توان در این مورد نادیده گرفت.

### ۳- نفوذ فرهنگی آلمان

با تجاوز شوروی و انگلیس به ایران در آغاز جنگ و اخراج آلمانها از ایران و رخنه تدریجی امریکا، فعالیتهای فرهنگی آلمان در دوران قبل از جنگ جهانی دوم که به منظور وسیله‌ای جهت دست‌اندازی به ایران آغاز و توسعه یافته بود، محدود گردید. به همین جهت آنچه که راجع به تعرض فرهنگی آلمان ذکر می‌شود، به آن دوره منحصر می‌گردد.

از جمله کوششهای فراوانی که در زمینه نزدیکی ایران و آلمان در طی سالیان متعادی انجام یافت می‌توان فعالیتهای فرهنگی را بمثابة اولین قدمهای نفوذ سیاسی دولت آلمان در ایران دانست. در سال ۱۳۲۳ ش / ۱۹۰۵ م در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه به موجب قرارداد منعقد بین دو دولت آلمان و ایران اولین مدرسه آلمان در ایران با ۸ معلم آلمانی و ۸ معلم ایرانی با کمک مالی هر دو کشور تأسیس شد و در سال ۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م اولین گروه دانش آموزان به دریافت دیپلم



موفق شدند. در خوی و ارومیه نیز توسط میسیون آلمانی خاورمیانه (Deutsche Orient Mission) دو مدرسه کوچکتر دایر شد که در خلال جنگ جهانی اول و حمله روسها به آن منطقه، از بین رفت. در طی جنگ جهانی اول مدرسه آلمانی در تهران بسته شد و پس از پایان جنگ دولت آلمان کوشش فراوان کرد تا دوباره این مدرسه، به کار خود ادامه دهد علاوه بر آن نیز مذاکراتی درباره افتتاح يك مدرسه صنعتی انجام گرفت. در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ «هنرستان صنعتی حرفه‌ای ایران و آلمان» افتتاح شد که سرپرستی آن را دکتر اشترنک (Dr. Strunk) به عهده داشت. این مدرسه فارغ‌التحصیلان کلاس ششم ابتدایی را می‌پذیرفت و رشته‌هایی مانند فلزکاری و نجاری دایر کرد. علاوه بر آن محصلان می‌توانستند کلاسهای جداگانه‌ای را در مورد داروسازی و دیگر رشته‌های فنی بگذرانند و در امتحان مربوط شرکت کنند. دولت ایران بیشتر در تأسیس يك مدرسه صنعتی اصرار می‌ورزید و دولت آلمان علاقه‌مند به دایر کردن يك دبیرستان بود. اصرار هر دو دولت زمینه خاص سیاسی - اقتصادی داشت. ایرانیان متوجه این امر بودند که با تأسیس چنین مدرسی تا حدی نیاز صنعتی جامعه بر طرف می‌شود و فارغ‌التحصیلان آن می‌توانند نقش مهمی در پیشبرد جامعه به عهده داشته باشند و میزان وابستگی کشور را کاهش دهند. از جانب دیگر، دولت آلمان متوجه نفوذ هر چه بیشتر جبهات تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی این مراکز بود. مجلس ایران در اوایل تابستان ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م از تمدید قرارداد مربوط به ادامه کار معلمان آلمانی این مدرسه خودداری ورزید. اما در سال ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م دولت آلمان موفق شد يك مدرسه صنعتی به سرپرستی دکتر لندهف (Landhof) و هفت معلم دیگر آلمانی دایر کند. علاقه‌مندی آلمانها به مسائل مشرق‌زمین و بویژه خاورمیانه باعث گردید که در خود آلمان مؤسسات فرهنگی مختلفی جهت تشویق علاقه‌مندان به وجود آید که این امر مسلماً تبلیغات فراوانی به دنبال داشت و وانمود می‌گردید که دولت آلمان هرگز اهداف استعمارگری و سلطه‌گرایی ندارد بلکه علاقه‌مند به پیشرفت منطقه شرق بویژه خاورمیانه است. پیرو چنین ایده‌ای تأسیسات بسیاری در خود کشور آلمان نیز دایر شد که چنین هدفی را دنبال می‌کرد. از آن جمله «کمیته نظارت بر محصلین ایران در آلمان» (۱۲۹۶ ش/ ۱۹۱۷ م) بود که در برلین به وجود آمد که امتیاز و اداره آن را آلمانها و ایرانیان (تقی‌زاده و هدایت) بر عهده داشتند. وظیفه این کمیته راهنمایی محصلین و آمادگی آنان جهت تحصیل رشته‌های پزشکی، بانکداری، سیستم اداری، صنایع راه آهن و کشاورزی بود. بعدها در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۱۸ م این کمیته به «انجمن پرورش محصلین ایران در آلمان» تغییر نام داد و مدتی نیز به علت مسائل جنگی بسته شد. مسائل مالی، مدت‌ها از بازگشایی مجدد

۱- برای آگاهی بیشتر به مقاله «یکی از وسایل سیاست فرهنگی آلمان در ایران» رک:

A. Mahrads: Die deutsch - persische Beziehungen von 1918-1933. (Frankfurt/M 1979), S. 457.

انجمن جلوگیری می‌کرد و سرانجام در سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۲ م این انجمن مستقیماً بدون کمک مالی دولت ایران و فقط بوسیلهٔ هزینهٔ تحصیلی محصلین - که از ایران اعزام می‌شدند - به‌کار خود با هدف «آشنا کردن محصلین ایران به فرهنگ و علم آلمان» ادامه داد. لازم به‌تذکر است که آلمانها اولین دولت خارجی نبودند که در ایران به‌تأسیس مدرسه اقدام کردند، بلکه امریکاییان و فرانسویان قبلاً در اواخر قرن نوزدهم مدارس در ایران دایر کرده بودند علاقه به‌نفوذ فرهنگی از جانب قدرتهای جهانی در ایران به‌حدی بود که در ظرف مدت کوتاهی (۱۲۰۸ ش/ ۱۹۲۹ م) بیش از ۵۰ مدرسه خارجی در ایران به‌وجود آمد که از این تعداد ۲۵ مدرسهٔ آن وابسته به ایالات متحده بود.<sup>۲</sup>

#### ۴- نفوذ فرهنگی امریکا

فعالیت‌های فرهنگی امریکا در آخرین دههٔ نیمهٔ اول قرن بیستم باشکال مختلف انجام گرفت و مؤسسات و تشکیلات بسیاری را شامل می‌شد:

۱- در ابتدا باید از مؤسساتی نام برد که در گذشته تأسیس شده بودند و هنوز به‌فعالیت خود ادامه می‌دادند. از آن جمله، مدرسه آمریکایی معروف به‌کالج امریکایی بود که کار خود را قبلاً با دکتر جردن آغاز کرده بود و در زمان جنگ جهانی دوم کماکان به‌کارهای فرهنگی خویش ادامه می‌داد. دانشجویان جردن در طول جنگ و بعد از آن دکتر بویس و دکتر گرنی بودند. علاوه بر آن مدرسهٔ دخترانه‌ای نیز توسط امریکا دایر شده بود که بوسیلهٔ خانم بویس اداره می‌شد و فعالیت‌های فرهنگی آن منحصرأ تربیت جوانان ایرانی با اصولی آمیخته به فرهنگ امریکایی بود و عملیات آنان بیشتر جنبهٔ تبلیغاتی برای کشور امریکا داشت.

۲- در اوایل جنگ در سال ۱۳۲۱ ش که به‌علت عوارض ناشی از ورود نیروهای بیگانه به ایران و عدم رعایت بهداشت و کم غذائی، بیماری تیفوئید و غیره در تهران شیوع یافت، صلیب سرخ امریکا بعنوان اولین فعالیت‌ها، ارسال دارو و وسایل مربوط را به ایران شروع کرد و به‌دنبال آن همکاری‌های بهداشتی برای ساختن سرم ضد تیفوئید در انستیتو پاستور تهران آغاز شد.

۳- این خدمات پزشکی توسط مؤسسهٔ دیگر امریکایی به‌نام «بنیاد خاور- نزدیک» (Near East Foundation) تکمیل شد. این بنیاد که در سال ۱۳۲۴ ش در تهران دایر شد، کار خود را با فعالیت بهداشتی مانند مهار کردن بیماری‌های مسری تراخم و مالاریا و فعالیت آموزشی از جمله تربیت مأموران بهداشتی و فنی برای روستا و تأسیس کلاسهای حرفه‌ای در دهات اطراف ورامین تهران، آغاز کرد.

۴- انجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا وظیفهٔ بیشتری را در مورد تأثیر و نفوذ فرهنگی امریکا در ایران عهده‌دار بود. قدمت انجمن به سال ۱۳۰۴ ش /

۲- ایوانف و دیگران: تاریخ ایران، ترجمهٔ کیخسرو کشاورزی، (تهران ۱۳۵۹)، ص ۳۷۲.

۱۹۲۵م می‌رسید و اگر چه طبق ماده ۳ اساسنامه آن<sup>۳</sup> انجمن حق هیچ‌گونه فعالیت سیاسی را نداشت، اما اعضای آن را مردان سیاسی آن دوران تشکیل می‌دادند<sup>۴</sup> و فعالیت آشکار و پنهانی آنان توسط انجمن روابط ایران و امریکا ادامه یافت.

۵- انجمن روابط ایران و امریکا در پنج بخش مهم مطبوعات، امور فرهنگی، مسائل اقتصادی و بازرگانی، ورزش و موسیقی و کتابخانه فعالیت می‌کرد. علاوه بر آن قسمتهایی مربوط به تنظیم برنامه‌ها، قبول عضویت و امور مالی نیز وجود داشت. هر يك از بخشها متناسب با عنوان خود در نزدیکی فرهنگ مردم در کشور سعی می‌کرد، بخش مطبوعاتی سفارت امریکا در ایران نیز قسمت اعظم بار تبلیغاتی مانند پخش جراید و تهیه روزنامه به زبانهای انگلیسی و فارسی را به‌عهده‌داشت. ۶- از سازمانهای فرهنگی امریکایی که پس از جنگ دوم در ایران به‌وجود آمد، سازمان فولبرایت (به‌مناسبت نام سناتور جیمز ویلیام فولبرایت) است که در ۱۰ شهریور ۱۳۲۸ ش / سپتامبر ۱۹۴۹م با هدف «ایجاد تفاهم بیشتر بین عموم ملل... و آگاه شدن از نیت و مقاصد یکدیگر» آغاز به‌کار کرد<sup>۵</sup>.

سفارت امریکا در ایران در تمام سالها، مسؤولیت مطبوعاتی و تهیه برنامه‌های رادیو «صدای امریکا» را برعهده‌داشت. اجرای کلیه برنامه‌های نامبرده از جانب امریکا خطوط مشخص سیاست اقتصادی و نظامی امریکا در ایران را دنبال می‌کرد که نتیجه آن دخالت مستمر و نابودی تدریجی استقلال ایران بود.

۳- برای آگاهی از اساسنامه انجمن ر.ک: مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۲۲۱.

۴- سردار سپه و چند تن از وزراء، اعضای اصلی آنرا تشکیل می‌دادند. ر.ک: مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲ و بعد.

۵- برای اطلاع از موافقت‌نامه فولبرایت ر.ک: مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، ص ۲۴۴ و ۲۴۶.

## فرجام سخن

بررسی اوضاع و احوال اجتماعی ایران در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن بیستم میلادی ما را به جمع‌بندی‌هایی دربارهٔ انگیزه و علل دخالت قدرتهای جهانی و رقابتهای استعماری آنان و چگونگی عدم حاکمیت و استقلال کامل ایران هدایت می‌کند.

توسعهٔ امور اقتصادی و سیاسی قدرتهای جهانی، به‌تصرف‌اراضی بیشتر نیاز داشت و راه‌یافتن به دریاهای آزاد را ایجاب می‌کرد و زمینهٔ اصلی مقاصد استعمار-طلبی آنان نیز، اکثراً از این امر نشأت می‌گرفت. بویژه در دورهٔ قاجار، حکومت ایران دچار انحطاط کامل سیاسی، اقتصادی و نظامی شده بود. منابع طبیعی فراوان، وضعیت خاص ایران، ضعف حکومت داخلی و افزایش قدرت روس و انگلیس موقعیتهای مساعدی برای دخالت خارجی‌ان را ایجاد کرده بود. انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای دست روسیه را برای مداخلات اقتصادی و سیاسی در ایران باز کرد. قدرت بیشتر روسیه در ایران و تهدید هندوستان با پیشروی تدریجی روسیه در نواحی مرزی ایران و افغانستان، برخورد منافع انگلیس در منطقه و در نتیجه تحدید منطقهٔ نفوذی روس و انگلیس در ایران را به‌وجود آورد. سیاست جهانی در آغاز جنگ جهانی اول ایجاب کرد که دو رقیب قدیمی، در کنار یکدیگر علیه دشمن مشترک به جنگ بپردازند. تا آغاز جنگ جهانی دوم نیز به‌علت برخورد منافع روسیه شوروی و انگلستان، ایران صحنه زورآزمایی سیاسی این دو قدرت بود، با وجودی که نفوذ اقتصادی آلمان در این دوره روبه افزایش گذاشته بود، با حملهٔ آلمان به شوروی و شروع جنگ جهانی دوم، انگلیس مجدداً به منظور حمایت از روسیه شوروی وارد عمل شد. ضعف زمامداران ایران و سهل‌انگاری در ادارهٔ امور مملکتی باعث شد که تشکیلات حاکمه به‌رژیمی دست‌نشانده تبدیل شود، همچنین آنان جهت تداوم حکومت مطلقهٔ خویش، قدرتهای شرق و غرب را در غارت ثروتهای ملی و استقرار سیطرهٔ استعماری‌خویش در ایران آزادگذاشتند و بدینسان مانع رشد سیاسی کشور شدند.

علاوه بر ضعف سیاست داخلی ایران، موقعیت خاص استراتژیکی ایران نیز

دخالت قدرتهای جهانی را موجب می‌گردید. کشور ایران از سویی به علت وضعیت خاص جغرافیایی و ارتباط بین چند قاره و از سوی دیگر به علت وجود نفت، از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت نفت در اقتصاد جهانی، توجه قدرتهای شرق و غرب را به این ناحیه معطوف کرد که نتیجه آن نفوذ سرمایه‌گذاری خارجی و وابستگیهای اقتصادی و غیره بود. ورود کارشناسان سیاسی و نظامی اکثراً پس از استحکام پایگاههای اقتصادی این قدرتها انجام می‌یافت و بدیهی است که نفوذ نظامی در کشورهای کوچکتر یکی از مطمئن‌ترین روشها، جهت حفظ منافع اقتصادی و سیاسی به‌شمار می‌رود. مسائل جنگ جهانی دوم و نقشی که امریکا در رویدادهای بین‌المللی به‌عهده داشت، باعث شد که از آن به بعد امریکا بعنوان قدرت بزرگی در صحنه سیاسی جهان باقی بماند. کمکهای اقتصادی امریکا به ایران در طول جنگ و بعد از آن، سبب از بین رفتن بسیاری از حقوق سیاسی ایران شد و از همین زمان است که امریکا به عنوان تنها قدرت غالب بر ایران شناخته می‌شود بویژه که ورود کارشناسان امریکایی، پایگاههای استعماری امریکا در ایران را استحکام بخشید. بدین ترتیب نه تنها سیاست داخلی، بلکه سیاست خارجی ایران نیز تحت تأثیر سیاست بین‌المللی امریکا قرار گرفت.

بدینسان سلطه اقتصادی - سیاسی قدرتهای شرق و غرب بر ایران، کشور را در وضعیت نیمه استعماری قرار داد و واکنش مردم در مقابل این وضعیت، تحولات اجتماعی چندی را به دنبال داشت که نمونه آن حرکت و جنبش مردم در مقابل دخالتهای روسیه و انگلیس و یا پس از پایان جنگ جهانی دوم واکنش شدید آنان علیه انگلیس و امریکا بود. این جنبشها اگر چه همواره با موفقیت کامل مردم علیه استعمارگران همراه نبود و قدرتهای استعماری از راه دیگری در جهت منافع خویش گام برداشتند، اما در بسیاری از موارد نیز مانند ملی کردن صنعت نفت، چندان بی‌بهره نبود.

تحریف حقایق و واقعیتهای تاریخی، تاریخ معاصر ایران را به گونه‌ای دیگر جلوه‌گر کرده است اما حقیقت این است که در سالهای نیمه اول قرن بیستم، ایران هیچ‌گاه از استقلال کامل و قدرت مستقل داخلی برخوردار نبود و بنابر اقتضای هر يك از قدرتهای جهانی، در مسیر خاص سیاسی قرار گرفت. از اواخر جنگ دوم جهانی نیز امریکا با تسلط بر امور سیاسی و اقتصادی بر رقبای دیگر خود در ایران پیشی گرفت تا این که تحولات بعدی حاصله از رشد سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، به صورت انقلابی از بطن جامعه بروز کرد.

پایان

ضمائم



## ضمیمه شماره ۱

## قرارداد روس و انگلیس - ۳۱ اوت ۱۹۰۷ میلادی\*

متن قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۰۷ م، ۱۲۸۶ ش، بین روس و انگلیس - عاقد قرارداد سرادودگری Sir E. Grey وزیر خارجه انگلیس امضا شده در سن پترزبورگ. نمایندگان مختار دولت روس و انگلیس عبارت بودند از: از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلیس و ایرلند سرآرتور نیکلسن Sir A. Nicolson و سفیر فوق العاده در دربار اعلیحضرت امپراطور کل روسیه.

از طرف اعلیحضرت تزار الکساندر ایزولسکی A. Iswolsky وزیر امور خارجه. از آنجائی که دولتین بریتانیای کبیر و روسیه متعهد شده اند که تمامیت استقلال ایران را محترم شمرده و... ذینفع در استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایلات متصله و همسایه سرحد روسیه از طرفی و مجاور بسرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر می باشد و نظر به این که می خواهند از هرگونه موجبات اختلاف و کشمکش که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نمایند، اجتناب کنند، به مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده اول - دولت بریتانیای کبیر تعهد می کند که در ماوراء خطی که از قصر شیرین به اصفهان و یزد و خواف ممتد شده به یک نقطه در سرحد ایران در محل تقاطع دو خط سرحدی روس و افغانستان منتهی می شود. تقاضای هیچگونه امتیاز سیاسی و تجارتی از قبیل راه آهن، بانک، تلگراف، طرق، حمل و نقل، بیمه و غیره برای خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت روسیه در منطقه فوق الذکر مستقیماً یا غیر مستقیم مخالفتی ابراز ننماید. بدیهی است که امکنه فوق الذکر در جزء منطقه ای است که دولت بریتانیای کبیر خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده دوم - دولت روسیه به نوبه خود تعهد می کند که در منطقه واقعه در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از گازیک (قازیک شرق بیرجند) و بیرجند و کرمان ممتد شده و به بندر عباس منتهی می شود تقاضای هیچگونه امتیاز و تجارتی از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راههای شوسه، حمل و نقل، بیمه و غیره برای خود و اتباع خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و یا درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس در منطقه فوق الذکر مستقیماً مخالفتی ابراز ننماید بدیهی است که امکنه فوق الذکر در جزء منطقه ای است که دولت روسیه خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده سوم - دولت روسیه از طرف خود متعهد می شود که پیش از موافقت نظر با دولت انگلیس هیچگونه مخالفتی با تفویض هرگونه امتیازات به یکی از تبعه بریتانیا در نواحی ایران واقعه بین دو خط مذکور در ماده یک و دو ننماید، دولت

\* برگرفته از م. ع. منشور گرگانی: سیاست دولت شوروی در ایران، (تهران، مظاهری، ۱۳۲۶)، ص ۱ و بعد.



انگلستان نیز نظیر تعهد فوق را در خصوص تفویض هرگونه امتیازی در نواحی مذکوره ایران به اتباع روسیه بر عهده می‌گیرد، کلیه امتیازاتی که در موقع انعقاد این عهدنامه در مناطق مذکور، در ماده یک و دو وجود دارد به حال خود باقی خواهد ماند. ماده چهارم - توضیح این که کلیه عواید گمرکی ایران با استثنای عواید گمرکی فارس و خلیج فارس که وثیقه برای تأدیه منافع و استهلاك قروض حکومت شاه ایران به بانک استقراضی روس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است می‌باشد برای اجرای منظور فوق اختصاص خواهد داشت. همچنین عواید گمرکی فارس و خلیج فارس به انضمام عواید صید ماهی آن قسمت بجز خزر که متعلق به ایران است و عواید حاصله از پست و تلگراف کما فی السابق برای تأدیه و استهلاك قروض حکومت شاه ایران در مقابل بانک شاهنشاهی انگلیس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است، اختصاص خواهد داشت.

ماده پنجم - در مواردی که مرتباً تأدیه منافع و یا قسط استهلاك قروضی که دولت ایران در مقابل بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این معاهده بر عهده دارد صورت نگیرد، هرگاه برای دولت روسیه لازم شده که نظارتی در موضوع منابع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قروض دولت ایران در مقابل بانک استقراضی است و در جزء منطقه مذکوره در ماده دو باشد برقرار نماید و یا دولت بریتانیای کبیر خواسته باشد که نظارتی در موضوع منابع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قروض ایران در مقابل بانک شاهنشاهی است و در منطقه مذکوره در ماده یک این معاهده واقع باشد بنماید، دولتین انگلیس و روس تعهد می‌کنند که قبلاً بطور دوستانه تبادل نظری به عمل آورده و متفقاً وسایلی را که برای انجام نظارت مذکوره لازم است اتخاذ نمایند، و از هرگونه مداخله‌ای که موافق با اصول مندرجه در این معاهده نباشد اجتناب ورزند.

#### ضمیمه شماره ۲

قرارداد سری روسیه، انگلیس، فرانسه\* - ۱۹۱۵ ۱۹۱۶ میلادی

به موجب این عهدنامه، منطقه بیطرف قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس بکلی از میان برداشته می‌شود و روسیه مبادرت به تربیت قوای نظامی می‌نماید و در قسمت شمالی منطقه بیطرف از کرمانشاهان تا بروجرد و کاشان الی تربت حیدریه و طبس و قسمتی از قائنات الی جام و باخرز و خواف (جنوب شرقی تربت حیدریه) گسترش می‌دهد.

\* با تمام حسن همکاری وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه متن اصلی این قرارداد پیدا نشد اما مفادش مربوط به ایران، از کتاب زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه نوشته حسین مکی، (تهران، ۱۳۵۷) صفحه ۲۳۴ و بعد استخراج شده است. این قرارداد پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در شوروی منتشر گردید.

در مقابل دولت انگلیس نیز در اراضی جنوبی ایران قوای نظامی ایجاد می- نماید که مناطق اصفهان، اراضی بختیاری، تمام راه خرم آباد بروجرد، کرمان تا قائنات، فارس، خوزستان، بلوچستان و سیستان را تحت کنترل خود قرار داد. انگلیس نیز به تربیت نیروی نظامی مبادرت می ورزد.

### ضمیمه شماره ۳

قرارداد ایران و انگلیس/ ۱۷ مرداد ۱۲۹۸ شمسی / ۱۹ اوت ۱۹۱۹ میلادی\*

نظر به روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتی ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر به اعتقاد کامل به این که مسلماً منافع مشترکه و اساسی هر روز دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می نماید و نظر به لزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بعد اعلی بین دولت ایران از یکطرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می شود:

۱- دولت انگلستان با قطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است، تکرار می نماید.

۲- دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتی توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد، این مستشارها با کنتراست اجیر و به آنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد، کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود.

۳- دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکلی که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهد کرد، عده و مقدار و ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهمات مزبور به توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد کرد.

۴- برای تهیه وسایل نقدی لازمه به جهت اصلاحات مذکوره در ماده (۲) و (۳) این قرارداد دولت انگلستان حاضر است که یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آن را بدهد تضمیناً این قرض به اتفاق نظر دولتی از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعین می شود تا مدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان به طور مساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکور لازم است خواهد رسانید.

\* برگرفته از مهدی کیانفر: سیاست امریکا در ایران، (تهران، خیام، ۱۳۲۸)، ص ۸۳ و بعد.

- ۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعه تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت می باشد حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترکه ایران و انگلیس را راجع به تأسیس خطوط آهن و یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید، در این باب باید قبلاً مراجعه به متخصصین شده و توافق بین دولتین در طرحهایی که مهمتر و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل شود.
- ۶- دولتین توافق می نمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده و با منافع حقه مملکتین و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید.

#### ضمیمه شماره ۴

قرارداد امتیاز استخراج نفت به خوشتاریا - ۱۲۹۵ شمسی / ۱۹۱۶ میلادی\*

ما بین وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی به امر دولت از يك طرف و مسیو اکاکی مددیویچ خوشتاریا از طرف دیگر (من بعد برای تسهیل به جای اسم خوشتاریا صاحب امتیاز نوشته می شود) در خصوص تفتیش و استخراج نفت مواد ذیل مقرر گردید.

ماده اول - دولت... ایران به موجب امتیاز نامه حق انحصار کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی را در حوزه ایالات گیلان و مازندران و استراباد در مدت هفتاد سال به صاحب امتیاز مرحمت و اعطاء می فرمایند (محال و نقاطی که به موجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ به آقای محمد ولیخان سپهسالار اعظم واگذار شده بکلی از این امتیاز خارج است) ابتدا از تاریخ امضای امتیاز تا مدت هفتاد سال این تفتیش و استخراج در ایالات مذکوره حق صاحب امتیاز خواهد بود.

ماده دوم - دولت... ایران به صاحب امتیاز اجازه می دهد که هر وقت می خواهد شرکتی تأسیس نماید اسامی و نظام نامه و سرمایه آن شرکت به توسط صاحب امتیاز معین می شود مشروط بر آن که در ایجاد شرکت صاحب امتیاز باید رسماً به وزارت فوائد عامه دولت علیه اطلاع داده و همین طور نظام نامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور باید در آن نقاط عملیات نماید اظهار دارد و مدیران آن شرکت را باید به وزارت فوائد عامه معرفی نماید در این صورت البته آن شرکت تمام حقوق امتیاز را دارا خواهد بود و مقرر است که آن شرکت باید تعهداً و مسؤولیت صاحب را عهده کند.

ماده سوم - صاحب امتیاز حق دارد که بنای چاههای نفت و حوضها و انبارها

\* برگرفته از مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران، پیام، ۱۳۵۸)، ص ۳۲۸ و بعد.

و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و راههای لازمه و ابنیه و هرچه که لازمه دایر داشتن استخراج و حمل و نقل نفت است، بنماید.

ماده چهارم - دولت علیه ایران اراضی بایره (غیر از جنگل که جزو اراضی دایره محسوب می شود) خود را در محلهایی که مهندسين صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس عملیات مذکوره در ماده سوم لازم بدانند مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند فرمود و اگر آن اراضی دائر باشد صاحب امتیاز باید اراضی لازمه را به قیمت عادلانه از اولیای دولت علیه خریداری کند و دولت علیه به صاحب امتیاز حق می دهد که اراضی و املاک لازمه را به جهت اجرای این امتیاز به رضایت از صاحبان ابتیاع یا اجاره کند مشروط بر آن که هیچ وقت قیمت اراضی و املاک از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حول و حوش تجاوز ننماید. مسلم است که این خریداری موافق مواد شریاطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد.

توضیح - مقرر است که اماکن مشرفه و مساجد و جمیع متعلقات به آنها به محیط دایره که شعاع آن دویست ذرع باشد از حوزه عملیات مجزا و مستثنی است.

ماده پنجم - صاحب امتیاز متعهد است در موقع کشف و استخراج هر چشمه نفت وزارت فوائد عامه را به موجب راپرت مخصوص مطلع ساخته و دو نسخه نقشه (که حداقل آن به مقیاس يك ده هزارم باشد) از اراضی و محالی که می خواهد در آنها استخراج نفت نماید. به راپرت خود منضم نماید. هرگاه صاحب امتیاز استخراج نفت را مفید به حال خود دانست يك صدهزار منات نقد و يك صدهزار منات بلیط اکسیون بدون حق استرداد باید به وزارت فوائد عامه بدهد و این تقدیمی به نحو مذکور يك دفعه خواهد بود.

ماده ششم - صاحب امتیاز متعهد است که هر ساله از منافع خالص صدی شانزده با يك صورت بیلان به دولت علیه ایران تقدیم دارد.

ماده هفتم - دولت علیه ایران حق دارد در هر موقعی که مقتضی بداند برای حفظ حقوق خود و اطمینان از این که صاحب امتیاز مواد فوق الذکر را اجرا بنماید تفتیشات لازمه در کتابچه و دفاتر تجارتي صاحب امتیاز راجع به نفت و سایر مواد مذکوره بنماید و نیز يك نفر کمیسر برای این کار معین خواهد شد که طرف شود. صاحب امتیاز بوده و محض خبر این تأسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد به صاحب امتیاز داده همه نوع راهنمایی نماید و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند به عمل آورد. صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ شروع به عمل سالی شش هزار منات به کمیسر دولتی حق خواهد داد.

ماده هشتم - کلیه عمله و اجزائی که در تأسیس و بناهای فوق مشغول عملیات می شوند باید از اتباع ایران و رعایای... دولت علیه (ایران) باشد به استثنای اعضا و اجزای علمی و نفتی.

ماده نهم - تمام اسباب و ماشین آلات لازمه برای تفتیش و تأسیس و ایجاد و دایر نمودن و بسط آنها که برای صاحب امتیاز لازم گردد از حقوق گمرکی معاف

خواهد بود.

مادهٔ دهم - پس از انقضای مدت مقرر در این امتیاز کلیهٔ اسباب و ماشین-آلات و ابنیه و ساختمان متعلق به آنها از منقول و غیرمنقول و کلیهٔ چاهها و چشمه-های نفت بالکلیه بدون استثنا متعلق به دولت علیه ایران خواهد بود. صاحب امتیاز و شرکای ایشان به هیچ وجه حق اعتراض و خسارت نخواهند داشت.

مادهٔ یازدهم - اگر در مدت پنج سال از تاریخ این امتیاز شروع به عملیات نشود این امتیاز از درجهٔ اعتبار بکلی ساقط است.

مادهٔ دوازدهم - منازعات طرفین در خصوص اجرای مواد و شرایط امتیاز را بدین نحو قطع خواهند کرد که یک نفر از طرف وزارت فوائد عامه و یک نفر از طرف صاحب امتیاز معین خواهد شد در صورتی که مابه‌النزاع به حکمیت دو نفری قطع نشد آن دو حاکم منصوبهٔ طرفین به رضایت هم، ثالثی را معین می‌کنند که در آن موضوع محل نزاع حکم و قطع و فصل نماید.

در تهران به دو نسخه نوشته شد - شهر جمادی‌الاولی توشقان نیل ۱۳۳۴  
امضا وثوق‌الدوله وزیر خارجه

#### ضمیمهٔ شمارهٔ ۵

قرارداد ایران و شوروی - ۸ اسفند ۱۲۹۹ شمسی / ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی\*  
چون دولت ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی صمیمانه و متفقانه مایل‌اند که روابط حسنهٔ همجواری و مناسبات مستحسنة برادری را فیما بین افراد ملت خود مستحکم نمایند لهذا اشخاص مفصله‌الاسلامی ذیل را برای مذاکره در نیل به این مقصود تعیین نمودند.

از طرف دولت ایران علیقلی‌خان مشاورالممالک

از طرف دولت ج.ف.س.ش. چیچرین و کاراخان

وکلای مختار مزبور پس از ارائهٔ اعتبارنامه‌های خود که موافق قاعده و ترتیبات شایسته بود فصول ذیل را منعقد نمودند.

فصل اول - دولت ج.ف.س.ش. بر طبق اخطاریه و مراسلهٔ مورخهٔ ۱۴

ژانویهٔ ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ راجع به اساس سیاست خود نسبت به ملت ایران مجدداً و صراحتاً اعلام می‌دارد که به سیاست جابرانهٔ امپراطوری روسیه نسبت به ایران که اکنون با قوای رنجبران و بزرگران این مملکت سرنگون گردیده است بطور قطعی و دایمی خاتمه می‌دهد بنابراین و نظر به این که دولت ج.ف.س.ش. مایل است که ملت ایران را دارای استقلال و مختار در تصرفات، در محزونات مملکتی و رواج سعادت و ترقی ببیند اعلام می‌دارد که کلیهٔ مقاولات و معاهدات و قرارداد-

\* برگرفته از م. ع منشور گرگانی: سیاست دولت شوروی در ایران، (تهران، مظاهری، ۱۳۲۶) ص ۱۲۳ و بعد.

هایی که دولت امپراطوری سابق با دولت ایران منعقد نموده و به این وسایل حقوق حق ملت ایران را تضییع کرده است بکلی لغو و از درجه اعتبار ساقط می‌داند.

فصل دوم - چون اساس سیاست دولت امپراطوری روسیه مبنی بر این بوده که با سایر دول اروپایی در خصوص ممالک شرقی بدون رضایت ملل آسیا به اسم هواخواهی و حفظ استقلال آنها بعضی قراردادهای منعقد داشته و به این واسطه مقصود باطنی را که تصرفات تدریجیه بوده است انجام دهد لهذا دولت ج.ف.س.ش. این سیاست جایزانه اروپا را که هم مایه ضعف سیادت ملل آسیا و هم وسیله اضمحلال ارکان مشرق زمین بود مطرود می‌نماید. بنا علیهذا دولت ج.ف.س.ش. نظر به اصول مقرر در فصول اول و چهارم همین معاهده اعلام می‌دارد که از هر اقدامی که باعث ضعف و موجبات تحقیر سیادت ملت ایران است بکلی صرف نظر کرده و نیز تمام معاهدات و مقاولاتی را که دولت روسیه سابق با دولت ثالثی برضد دولت ایران یا راجع به آن منعقد کرده باشد از درجه اعتبار ساقط و ملغی می‌داند.

فصل سوم - دو دولت خطوط سرحدی ایران و روسیه را بطوری که کمیسیون سرحدی در سال ۱۸۸۱ معین نموده است قبول و رعایت می‌کنند و چون دولت ج.ف.س.ش. در انتفاع از ثمره اقدامات غاصبانه دولت امپراطوری سابق روسیه احتراز می‌کند لهذا از جزیره آشوراده و سایر جزایری که در سواحل ایالت استراباد واقع هستند صرف نظر می‌نماید و همچنین قصبه فیروزه و اراضی مجاور آن را که دولت ایران بنابر قرارداد مورخه ۲۸ ماه مه ۱۸۹۳ به روسیه واگذار کرده بود به دولت ایران مسترد ولی دولت ایران هم متقبل می‌شود که شهر سرخس که حالیه به اسم سرخس روس یا سرخس کهنه معروف است با اراضی متعلقه به آن را که به رودخانه سرخس منتهی می‌شود جزو متصرفات روسیه بداند.

دولتین... از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آبهای سرحدی متساویاً انتفاع خواهند کرد.

تنظیم و انتفاع از آبهای سرحدی و کلیه مشاجرات راجع به امور سرحدی و اراضی آن بواسطه کمیسیونی مرکب از نمایندگان روسیه و ایران حل خواهند شد.

فصل چهارم - چون طرفین... تصدیق دارند که کلیه ملل عالم بدون هیچ مانعی مستقلاً در حل و عقد امور سیاسی خویش مختارند لهذا از دخالت در امور داخلی یکدیگر با کمال جدیت احتراز خواهند کرد.

فصل پنجم - دولتین... مطالب مشروحه ذیل را تعهد می‌کنند:

۱- ورود دستجات و تشکیلات و حتی اشخاص منفرد را که مقصودشان ضدیت با دولتین ایران و روس و یا با دول متحده با روسیه باشند اعم از هر عنوانی که داشته باشند باید در خاک خود جلوگیری نمایند و نیز باید از دستجات و تشکیلات فوق در تربیت قوای مسلحه و تجهیز قشون در خاک خود ممانعت نمایند.

۲- هرگاه یکی از دول و یا تشکیلات مختلفه اعم از هر عنوانی که داشته باشند

بنخواهند برای مخاصمه با یکی از طرفین متعاهدتین اشیاء مضره‌ای که ممکن است برضد یکی از طرفین استعمال شود به خاک یکی از دولتین متعاهدتین وارد کنند و یا از حدود آن دولت عبور بدهند، جداً باید ممانعت شود.

۳- از توقف قشون یا قوای مسلحه دولت ثالثی که موجب تهدید منافع و امنیت و وسیله مخاطره سرحدی یکی از دولتین... باشد با تمام قوای موجود باید جلوگیری کنند.

فصل ششم - دولتین... قبول می‌نمایند که دولت ثالثی بخواهد بواسطه مداخلات نظامی پلتیک غاصبانه را در ایران مجرا و یا خاک ایران را مرکز عملیات نظامی ضد روسیه قرار بدهد و به این طریق مخاطراتی متوجه حدود روسیه و دول متحده آن بشود در صورتی که دولت روسیه قبل از وقت به دولت ایران اخطار نماید و دولت ایران در رفع مخاطره مزبوره مقتدر نباشد آن وقت دولت روسیه حق خواهد داشت که قشون خود را به خاک ایران وارد نموده برای دفاع از خود اقدامات نظامی به عمل بیاورد.

دولت جمهوری... روسیه متعهد می‌شود همین که مخاطره مزبوره برطرف شود فوراً قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

فصل هفتم - چون ملاحظات مندرجه در فصل ششم ممکن است همچنین امنیت بحرخرز را هم شامل گردد لهذا دولتین... قبول می‌نمایند که هرگاه در جزو مستخدمین کشتیهای ایرانی اتباع دولت ثالثی باشند که بخواهند بودن در جهازات ایران را مفتنم شمرده نسبت به روسیه خصومت ورزند آن وقت دولت روسیه حق خواهد داشت انفصال این مستخدمین مضر را از دولت تقاضا نماید.

فصل هشتم - چون دولت ج.ف.س.ش. از آن سیاست اقتصادی که دولت امپراطوری روسیه در مشرق تعقیب می‌نمود و به دولت ایران نه برای توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران بلکه برای پردگی سیاسی ایران پول قرض می‌داد صرف نظر نموده لهذا دولت ج.ف.س.ش. از تمام قروضی که دولت امپراطوری روسیه به ایران داده بود دست کشیده و اعلام می‌دارد که تمام قروض مزبور از درجه اعتبار ساقط و پرداخته نخواهد شد و به این جهت دولت ج.ف.س.ش. در هیچ یک از منابع عایدات دولتی که ضامن استهلاك قروض مزبوره بوده‌اند ابداً دخالت نخواهند نمود.

فصل نهم - چون دولت ج.ف.س.ش. روسیه مخالفت خود را با سیاست مستعمرانه کاپیتالیستها که موجب ازدیاد فقر و فاقه و باعث خونریزی بوده است علناً اعلام کرد لهذا جداً از استفاده کارهای اقتصادی دولت امپراطوری روسیه که مقصود بردگی اقتصادی ایران بود صرف نظر می‌نماید و به این ملاحظه تمام نقود و نفائس و قروض و مطالبات و کلیه اشیاء منقول و غیرمنقول بانک استقراضی ایران واقع در خاک ایران را کاملاً به ملت ایران تفویض می‌کند.

توضیح آن که در آن شهرهایی که بانک استقراضی مالک چندین عمارات بوده

و به موجب همین فصل نهم کلیه آنها به ملکیت دولت ایران تفویض شده هرگاه دولت روسیه بخواهد در یکی از آن شهرها ایجاد کنسولگری نماید دولت ایران با کمال رضامندی یکی از آن عماراتی را که برای کنسولگری انتخاب خواهند کرد بلاعوض برای استفاده دولت روسیه واگذار خواهند نمود.

فصل دهم - چون دولت ج.ف.س.ش تمایلات امپریالیستهای عالم را که در ممالک پیگانه به اسم توسعه مدنیت به احداث طرق و ایجاد خطوط تلگرافی پرداخته و ضمناً به اجرای مقاصد نظامی خود می کوشیدند لفو و باطل نمود و نظر به این که مایل است ملت ایران را در تصرفات طرق و شوارع خود که اولین مایه حیات و وسیله استقلال و توسعه تمدن هر ملتی است مختار بداند و به ملاحظه این که می خواهد خساراتی را که از قشون امپراطوری به ایران وارد شده است، حتی المقدور جبران کند لهذا ادارات و متعلقات مفصله ذیل ملکی روسیه را بلاعوض به مالکیت خاص ملت ایران واگذار می نماید.

الف - راه شوسه انزلی - تهران و قزوین - همدان با همه اراضی و ابنیه و عمارات و اثاثیه متعلق به خطوط مزبور.

ب - راه آهن جلفا - تبریز و صوفیان و دریاچه ارومیه و عمارت و وسایل نقلیه و سایر متعلقات آنها.

ج - اسکله و انبار مالالتجاره و کشتیهای بارکشی و سایر سفاین و وسایل نقلیه واقع در دریاچه ارومیه و هرچه متعلق به آنهاست.

د - کلیه خطوط تلفنی و تلگرافی و تلگرافخانه هایی که دولت امپراطوری در ایران احداث کرده است با تمام ابنیه و اثاثیه و لوازم آنها.

ه - اسکله انزلی با تمام ابنیه و استاسیون الکتریسیته و انبار مالالتجاره و سایر متعلقات آنها.

فصل یازدهم - بنابر اصول مندرجه در فصل اول همین معاهده عهد نامه صلح ترکمانچای که مورخه ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ فیما بین دولتین روسیه و ایران منعقد شده بود و دولت ایران را در فصل هشتم آن از کشتیرانی در بحر خزر محروم داشته بود، ملغی و از درجه اعتبار ساقط است.

لهذا دولتین معظمین از ساعت امضای این معاهده بطور تساوی از حق کشتیرانی در بحر خزر زیر بیرقهای خود استفاده خواهند نمود.

فصل دوازدهم - چون دولت ج.ف.س.ش. از فواید امتیازات سرمایه داری که محتوی تصرفات نظامی بود صراحتاً صرف نظر کرده است لهذا علاوه بر امتیازاتی که به موجب فصل نهم و دهم همین عهدنامه به دولت ایران تفویض شده آن امتیازاتی را هم که دولت امپراطوری و اتباع آن از دولت ایران جبراً تحصیل کرده اند لفو و باطل می شمارد و از ساعت امضای این عهدنامه تمام امتیازات مندرجه فوق را



اعم از این که شروع به عمل کرده یا بلااجرا گذارده باشد به انضمام کلیه اراضی متعلقه به آنها به ملکیت دولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار می‌نماید. از اراضی و مستملکات که دولت امپراطوری در ایران دارا بوده است، عمارات سفارت روس در تهران و زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه آنها و کلیه ژنرال کنسولگریها و ویس کنسولگریها به ملکیت دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیست شوروی روسیه تعلق خواهد گرفت. دولت روسیه از اداره کردن قریه زرگنده که سابقاً جزو حقوق دولت امپراطوری بوده است، صرف نظر می‌نماید.

**فصل سیزدهم** - دولت ایران از طرف خود وعده می‌دهد که امتیازات و املاکی که به موجب همین عهدنامه به او تفویض شده است به تصرف یا اداره یا استفاده هیچ دولت ثالثی نداده این امتیازات و املاک را برای رفاه ملت ایران نگاهداری نماید.

**فصل چهاردهم** - چون سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه اهمیت دارد لهذا دولت ایران راضی خواهد شد که پس از انقضای مدت قانونی امتیازاتی که در این باب به سایرین داده است قرارداد مخصوص در صید ماهی بحر خزر با اداره ارزاق روسیه منعقد نماید و نیز دولت ایران حاضر است که با دولت روسیه قبل از آن که مدت امتیاز مذکور در فوق منقضی گردد داخل مذاکره گشته تا ترتیبی فعلاً اتخاذ شود که دولت روسیه از ماهی بحر خزر بتواند استفاده نماید.

**فصل پانزدهم** - چون دولت ج.ف.س.ش. ر. آزادی ادیان و مذاهب را اعلان نموده است و مایل است به اشاعات مذهبی که مقصود مخفی از آن اثرات سیاسی در افکار مردم و موجب پیشرفت دسایس غاصبانۀ امپراطوری روسیه بود خاتمه دهد لهذا تمام دوایر روحانی (میسوین) را که به توسط دولت امپراطوری روسیه در ایران ایجاد شده بود بسته و از این به بعد هم اقدامات لازمه خواهد شد که این قبیل میسوینها از طرف روسیه به ایران فرستاده نشود. دولت ج.ف.س.ش. ر. اراضی و عمارات و متصرفات میسوین روحانی ارتدکس در ارومیه و همچنین کلیه متصرفات این قبیل دوایر روحانی را بلاهوض به ملکیت ابدی دولت ایران که نماینده ملت ایران است، منتقل می‌نماید. دولت ایران هم اراضی و عمارات و متصرفات مزبوره فوق را به مصرف احداث مدارس و سایر مجامع ادبی خواهد رسانید.

**فصل شانزدهم** - نظر به مندرجات مراسله دولت شوروی مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ دایر به الغای حق قضاوت کنسولها حقوق اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین حقوق اتباع ایران مقیمین روسیه از تاریخ امضای این عهدنامه با حقوقی که اهل مملکت دارند مساوی خواهند بود و کلیه محاکمات آنها به دوایر عدلیه محلی رجوع و حل خواهد شد.

**فصل هفدهم** - اتباع دولت ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمات نظامی و از هر قبیل مالیات و عوارض جنگی معاف خواهند بود.

**فصل هیجدهم** - ترتیب مسافرت اتباع دولت ایران در روسیه و اتباع دولت

روس در ایران در داخله مملکت مثل اتباع دول کامله الوداد خواهد بود به استثنای دول متحده با روسیه.

**فصل نوزدهم** - دولتین بعد از امضای این عهدنامه هر چه زودتر به تجدید روابط تجارتی خواهند پرداخت و ترتیبات صادرات و واردات مال التجاره و پرداخت قیمت آنها و حقوق گمرکی و میزان آن را که دولت ایران برای مال التجاره روسیه معین خواهد کرد در قرارداد جداگانه تجارتی که توسط کمیسیون مرکب از نمایندگان طرفین منعقد خواهد شد، تعیین خواهد گردید.

**فصل بیستم** - دولتین... ذیحقند که مال التجاره خود را از حدود ایران یا از خاک روسیه بطور ترانزیت به خاک دولت ثالثی عبور دهند ولی باید عوارض ترانزیتی مال التجاره مزبور بیش از میزان مأخوذه از مال التجاره ملل کامله الوداد نشود.

**فصل بیست و یکم** - دولتین... پس از امضای این عهدنامه هر چه زودتر به ایجاد روابط پستی و تلگرافی مابین ایران و روسیه خواهند پرداخت شرایط ایجاد روابط مزبوره در قرارداد مخصوص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

**فصل بیست و دوم** - چون مقصود از امضای این عهدنامه استحکام روابط همجواری و استقرار حسن مراوده طرفین است لذا هر يك از دولتین... در پایتخت طرف دیگر نماینده سیاسی خواهند داشت و نمایندگان سیاسی چه در ایران و چه در روسیه دارای حقوق مصونیت و سایر امتیازاتی که در قوانین بین المللی مقرر است، خواهد بود و همچنین از عادات و ترتیبات که در مملکتین نسبت به نمایندگان سیاسی جاری است، استفاده خواهند کرد.

**فصل بیست و سوم** - دولتین... برای توسعه روابط فیما بین دو مملکت در تقاطعی که رضایت طرفین باشد، ایجاد کنسولگری خواهند کرد حقوق و اختیارات کنسولها موافق فصول جداگانه که فوراً بعد از امضای این عهدنامه نوشته می شود و همچنین آداب و ترتیباتی که در هر دو مملکت برای کنسولها مقرر است، تعیین خواهد شد.

**فصل بیست و چهارم** - این عهدنامه در مدت سه ماه تصدیق و در تهران به اسرع وسایل رد و بدل خواهد شد.

**فصل بیست و پنجم** - این عهدنامه به زبان روسی و فارسی در دو نسخه نوشته شده و در موقع تفسیر آن زبان روسی و فارسی هر دو سندیت خواهند داشت.

**فصل بیست و ششم** - پس از آن که این معاهده امضا شد فوراً دارای اعتبار خواهد گردید و علیمذا امضا کنندگان ذیل این عهدنامه را امضا و به مهر خود ممهور داشتند.

به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در شهر مسکو تحریر یافت.

### مراسله ضمیمه قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

از طرف سرپرستی کاکس وزیر مختار انگلیس

به آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء ایران

جناب مستطاب اجل اشرف افخم

امیدوارم که حضرت اشرف در دوره زمامداری با موفقیت خودتان در امور مملکت ایران یقین کرده‌اید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آن چه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را برای این که از یک طرف اعاده نظم و امنیت در داخله مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دولتين ایران و انگلستان محفوظ باشد، تقویت نماید.

برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینه لندن بوده است من حالا مأذون هستم که به حضرت اشرف اطلاع دهم که در موقع امضای قراردادی که مربوط به رفرمهائی است که کابینه حضرت اشرف اجرای آن را در نظر گرفته‌اند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهد بود با دولت علیه برای اجرای تقاضای ذیل موافقت نماید.

۱- تجدید نظر در معاهدات حاضره بین دولتين.

۲- جبران خسارات مادی وارده به مملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر.

۳- اصلاحات خطوط سرحدی ایران در نقاطی که طرفین آن را عادلانه تصور نمایند. انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیه، تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره مابین دولتين خواهد گردید این موقع را برای این که احترامات فائقه خود را به حضرت اشرف تقدیم نمایم مفتنم می‌شمارم.

پ.ز. کاکس

### ضمیمه شماره ۶

پیمان اتحاد سه‌گانه، ایران، انگلیس و شوروی - ۹ بهمن ۱۳۲۰ / ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲\*

فصل اول - اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراءبحار و امپراطوری هندوستان و هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که از این پس آنها را دول متحده خواهیم خواند) مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد می‌کنند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بدارند.

فصل دوم - مابین اعلیحضرت شاه ایران از یک طرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته می‌شود.

\* برگرفته از الویل ساتن: ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، (تهران، تابش، بی‌تا)، ص ۵۴۷ و بعد.

## فصل سوم:

۱- دول متحده مشترکاً و هر يك منفرداً متعهد می‌شوند که به جمیع وسایلی که در اختیار دارند از ایران در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند.

۲- اعلیحضرت شاه ایران متعهد می‌شوند که:

الف - به جمیع وسایلی که در دست دارند و به هر وجه ممکن شود با دول متحده همکاری کنند تمهید فوق انجام یابد ولیکن معضدت قوای ایرانی محدود به حفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.

ب- برای عبور لشکریان یا مهمات از يك دولت متحد به دولت متحد دیگر یا مقاصد مشابه دیگر به دول متحده حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران به‌کار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ بنمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به هر نحوی که مقتضی بدانند در دست بگیرند. راههای آهن و راهها و رودخانه‌ها و میدانهای هواپیمایی و بنادر و لوله‌های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی‌سیم مشمول این فقره می‌باشند.

ج - هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری و بهبود وسایل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) مصالح و کارگر فراهم شود.

د - به اتفاق دول متحده هرگونه عملیات سانسوری که نسبت به وسایل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) لازم بدانند برقرار کنند و نگاه بدارند.

۳- واضح و مسلم است که در اجرای فقرات (ب-ج-د) از بند دوم این فصل دول متحده حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.

## فصل چهارم:

۱- دول متحده می‌توانند در خاک ایران قوای زمینی و دریایی و هوایی به عده‌ای که لازم بدانند نگاه دارند و تا جایی که مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد نقاطی که این قوا آنجا نگاهداشته خواهند شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط به روابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی‌الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد به نحوی که مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت به ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت‌وآمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود.

■

۲- هر چه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان يك یا چند قرارداد راجع به تعهدات مالی که دول متحده به‌سبب مقررات این فصل و فقره (ب-ج-د) از بند دوم فصل سوم بر عهده خواهند داشت در اموری از قبیل خرید-های محلی و اجاره ابنیه و تأسیسات صنعتی و به‌کار گرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن فی‌مابین منعقد خواهد شد. قرارداد مخصوصی منعقد خواهد

شد مابین دول متحده و دولت... ایران که معین خواهد کرد که بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند به چه شرایط به دولت... ایران واگذار می شود در قراردادهای مزبور مصونیتهایی هم که قوای دول متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود، مقرر خواهد گردید.

فصل پنجم - پس از آن که کلیه مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به موجب يك یا چند قرارداد متاركة جنگ متوقف شد دول متحده در مدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح بین آنها بسته شد ولو این که قبل از شش ماه بعد از متاركة باشد بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد. مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده با یکی از دول متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد.

#### فصل ششم:

۱- دول متحده متعهد می شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که به تمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای نبندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد می شوند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت... ایران مشاوره نمایند.

۲-... شاه (ایران) متعهد می شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که با اتحاد منافای باشد یا پیمانهای منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم - دول متحده مشترکاً متعهد می شوند که بهترین مساعی خود را به کار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید، محفوظ بدارند.

پس از آن که این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن به این تعهد مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.

فصل هشتم - مقررات این پیمان مابین... (ایران) و هر يك از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان الزام آور است.

فصل نهم - این پیمان پس از امضاء معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده از خاک ایران برطبق فصل پنجم مقرر شده به اعتبار باقی خواهد بود.

بنابراین نمایندگان مختار مذکور در فوق این پیمان را امضاء و مهر کرده اند. در تهران به سه نسخه فارسی و انگلیسی و روسی تحریر شده و هر سه نسخه یکسان معتبر خواهد بود.

علی سبیلی، وزیر امور خارجه ایران

ریدر دبلیو بولارد، وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلیحضرت پادشاه

انگلستان در ایران.

آندریویچ اسمیرنوف، سفیرکبیر فوق‌العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران.

#### ضمیمه شماره ۷

اعلامیه سه دولت در کنفرانس تهران - نهم آذر ۱۳۲۲ / ۱ دسامبر ۱۹۴۳\*

رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست‌وزیر ممالك متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست‌وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع به مناسبات خود با ایران اعلام دارند. دولتهای کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان کمکهایی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل حمل و نقل مهمات از ممالك ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی به عمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل می‌کند و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمکهای اقتصادی خود را تا حد امکان به دولت ایران ادامه بدهند.

راجع به دوره بعد از جنگ دول کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان یا دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات، ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین‌المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی بین‌المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.

دولتهای کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول منشور اتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است، استظهار دارند.

وینستون چرچیل

ژ. و. استالین

فرانکلین. د. روزولت

\* برگرفته از الویل‌ساتن: ایران‌نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، (تهران، تابش، بی‌تا)، ص ۵۵۸ و بعد.

## ضمیمه شماره ۸

پیمان بازرگانی ایران و امریکا - ۱۸ فروردین ۱۳۲۲ / ۸ آوریل ۱۹۴۳ میلادی\*

## ماده اول:

۱- کشورهای متحده آمریکا و ایران در کلیه مسائل مربوط به حقوق گمرکی و عوارض فرعی از هر نوع که باشد و در طرز وضع حقوق و همچنین در تمام مسائلی که مربوط به مقررات و تشریفات و عوارضی که در مورد گمرک کردن کالا تحمیل می‌کنند، باشد و در مورد تمام آیین‌نامه‌ها یا نظاماتی که با فروش یا مالیات‌بندی یا مصرف کالاهای وارده در داخله کشور بستگی داشته باشد. بدون هیچ‌گونه شرط و قیدی معامله کامله‌الوداد را نسبت به یکدیگر معمول و مجزا خواهند داشت.

۲- بنابراین کالاهای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های هر یک از دو کشور متعاهد که به کشور طرف دیگر وارد می‌شود، نباید درباره مسائلی که در بالا بدان اشاره شده در هیچ مورد مشمول حقوق، مالیات یا عوارض دیگر یا بیشتر یا تابع مقررات یا تشریفات دیگر یا سنگین‌تری از آنچه که فعلاً به کالاهای متشابه کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های هر کشور ثالثی تعلق می‌گیرد یا در آتی تعلق خواهد گرفت، واقع گردد.

۳- به همین ترتیب کالاهایی که از خاک کشورهای متحده آمریکا یا کشور ایران صادر می‌شود و مقصد آن کشور دیگر می‌باشد، در مورد صدور و در مورد مسائلی که در بالا بدانها اشاره شده، نباید هیچ‌گاه حقوق یا مالیات یا عوارض دیگر یا بیشتر یا تابع مقررات یا تشریفات دیگر یا سنگین‌تر از آنچه که فعلاً به کالاهای متناهی نه مقصد آن خاک هر کشور ثالث دیگری است، تعلق می‌گیرد یا در آینده تعلق خواهد گرفت، شود.

۴- مزایا یا تسهیلات یا حقوق اختصاصی یا مصونیت‌هایی که کشورهای متحده آمریکا یا کشور ایران از لحاظ مسائل فوق‌الذکر نسبت به کالاهایی که مبدأ اصلی آن هر کشور ثالثی باشد یا مقصد آن خاک هر کشور ثالثی باشد، قائل می‌شوند یا بعد از این قائل بشوند می‌بایستی بلافاصله و بلاعوض درباره کالاهای متشابهی که مبدأ اصلی آن یا مقصد آن به ترتیب خاک کشورهای متحده آمریکا یا کشور ایران باشد نیز قائل بشوند.

## ماده دوم:

کالاهای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های کشورهای متحده آمریکا یا کشور ایران پس از ورود به کشور طرف دیگر از کلیه مالیات‌های داخلی یا عوارض یا

\* برگرفته از جمشید صداقت‌کیش، روابط ایران و امریکا در دهه پنجاه، (تهران، دهخدا، ۱۳۵۲)، ص ۹۴ و بعد.

رسوم يا تحميلات ديگر يا بيشترى از آنچه كه به كالاهائى متشابهى كه مبداً اصلى آن خود آن كشور يا هر كشور خارجى ديگرى باشد، تعلق مى‌گيرد، معاف خواهد بود.

ماده سوم:

۱- دولتين متعاهدتين هيچ نوع ممنوعيت يا محدوديتى را درباره ورود كالاهائى كشاورزى يا صنعتى يا فرآورده‌هاى كشور متعاهد ديگر يا درباره كالاهائى كه به مقصد كشور متعاهد ديگر صادر مى‌شود وضع نخواهند كرد مگر اين كه عين اين ممنوعيت و محدوديت درباره كالاهائى متشابه كشاورزى يا صنعتى يا فرآورده‌هاى وارده از تمام كشورهاي ثالث يا درباره كالاهائى متشابه صادره به كليۀ كشورهاي ثالث معمول و مجرا گردد.

۲- دولتين متعاهدتين نبايد درباره واردات هر كالائى از كشورهاي متعاهد ديگر كه طرف علاقه آن كشور باشد، هيچ نوع محدوديتى چه به عنوان پروانه ورود يا جواز يا به عناوين ديگر وضع كنند مگر اين كه مجموع مقدار يا ارزش آن كالاهائى كه ورود آن در خلال دوره معينى تجويز مى‌شود يا هر نوع تغييرى كه در مجموع مقدار يا ارزش مورد اشاره به عمل مى‌آيد معين و مشخص گشته و به اطلاع عامه رسيده است - هرگاه يكي از دولتين متعاهدتين سهميه‌اى از مجموع مقدار يا ارزش مورد بحث به كشور ثالثى اختصاص دهد، ملزم خواهد بود سهميه‌اى به نسبت مجموع واردات همان كالاهائى كه كشور متعاهد ديگر قبلاً در خلال دوره متشابهى فرستاده است به آن كشور اختصاص دهد مگر اين كه بين طرفين متعاهدتين چنين تراضى حاصل شده باشد كه از اختصاص آن سهميه صرف‌نظر نمايند در مورد تعيين سهميه تا حدى كه عملاً مقدور باشد عوامل خاصى كه در وضع بازرگانى آن كالاهائى بخصوص مؤثر بوده و يا مؤثر باشد مورد توجه واقع خواهد شد و اين عمل به نحوى انجام خواهد يافت كه موجبات حد اعلاى استفاده از آن را بسپولت فراهم كند - به غير از اختصاص سهميه پيش گفته وضع هيچ نوع محدوديت يا ممنوعيت ديگرى به عنوان پروانه ورود يا جواز يا به عناوين ديگر درباره سهميه‌اى كه از روى مجموع مقدار يا ارزش مورد اشاره تعيين شده و مى‌توان از كشور متعاهد ديگر وارد كرد، جايز نخواهد بود.

۳- مقررات اين ماده از لحاظ مقدار يا ارزش درباره هر كالائى كه ورود آن با نرخ گمركى معينى اجازه داده شده باشد، قابل اجرا خواهد بود.

ماده چهارم:

۱- هرگاه يكي از دولتين هر نوع نظارتى در مورد وسايل پرداخت بين‌المللى وضع يا برقرار نمايد از لحاظ كليۀ جهاتى كه مربوط به نظارت مورد اشاره باشد، بدون هيچ شرطى معامله كشور كاملۀ الوداد را نسبت به بازرگانى كشور متعاهد



دیگر مرعی خواهد داشت.

۲- دولتی که يك چنین نظارتی را وضع یا برقرار می‌کند، در مورد انتقال بهای هر نوع کالای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده کشور متعاقد دیگر هیچ نوع ممنوعیت یا محدودیت یا تأخیری را که درباره انتقال بهای کالاهای متشابه کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده کشور ثالث اعمال نمی‌شود، معمول نخواهد داشت. در مورد نرخ ارز و در مورد مالیات یا عوارضی که به معاملات ارزی تعلق می‌گیرد، کالای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های کشور متعاقد دیگر بلاشرط مشمول معامله‌ای خواهد بود که مآدون معامله‌ای که نسبت به کالاهای متشابه کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های هر کشور ثالثی اعمال می‌شود نباشد نسبت به پرداختهایی که برحسب ضرورت یا اتفاق برای واردات کالای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده کشور متعاقد دیگر به عمل می‌آید نظارت متشابهی اعمال و نظارت مزبور نیز مشمول مقررات فوق خواهد بود، بطور کلی این نظارت به نحوی اعمال خواهد شد که از نظر خصوصياتی که از لحاظ رقابت بین کالاهای کشاورزی یا صنعتی با فرآورده‌های خاک کشور متعاقد و کالاهای متشابه کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های کشور ثالث موجود است، زیانی متوجه آن کشور متعاقد نسازد.

ماده پنجم:

۱- در صورتی که یکی از دولتين متعاقد درباره واردات یا تولید یا فروش هر نوع کالای انحصاری را وضع و برقرار نماید و یا در صورت یا در معنی امتیاز انحصاری ورود یا تولید یا فروش هر نوع کالایی را به بنگاهی اعطا کند، ملزم خواهد بود در مورد خریدهای خارجی که بوسیله بنگاه صاحب انحصار یا امتیاز به عمل می‌آید، درباره بازرگانی کشور متعاقد دیگر معامله متساوی و منصفانه را قائل شود بنابراین بنگاه صاحب انحصار یا امتیاز در مورد خرید هر نوع کالایی از خارجه می‌بایستی تنها بها و نوع و مرغوبیت جنس و شرایط فروش آن یعنی همان سلسله خصوصياتی را که معمولاً يك بنگاه بازرگانی خصوصی که منظور خرید کالا با مساعدترین شرایط باشد مورد توجه قرار می‌دهد، در نظر بگیرد.

۲- دولتين متعاقد در مورد انعقاد کنتراست برای کارهای عمومی و بطور کلی در مورد خرید لوازم رفتار متساوی و منصفانه‌ای مطابق رفتاری که برای بازرگانی هر کشور ثالثی قائل می‌شوند، درباره بازرگانی کشور متعاقدین خواهند داشت.

ماده ششم:

۱- کالاهای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های کشورهای متحده آمریکا که در جدول (۱) پیوست این پیمان مندرج و مشروح است با در نظر گرفتن شرایطی که ضمن آن قید شده در موقع ورود به ایران از حقوق گمرکی متعارفی زیاده برآن در جدول نامبرده پیش‌بینی و مقرر گردیده معاف خواهد بود، همچنین کالاهای

نامبرده از کلیه حقوق یا مالیات یا عوارض یا رسوم یا تحمیلات دیگری که به واردات تعلق می‌گیرد. یا مربوط به واردات است زیاده بر آن چه که در تاریخ امضای این پیمان اخذ می‌شود یا طبق قوانین ایران که در تاریخ امضای این پیمان مجرا باشد، بعدها باید اخذ شود، معاف خواهد بود.

۲- جدول ۱ و ۲ یادداشت‌های مندرج در آن از لحاظ قوه و اثر جزء لایتنج‌های این پیمان به‌شمار خواهد رفت.

#### ماده هفتم:

۱- کالاهای کشاورزی یا صنعتی یا فرآورده‌های ایران که در جدول (۲) پیوست این پیمان مندرج و مشروح است با در نظر گرفتن شرایطی که ضمن آن قید شده در موقع ورود به کشورهای متعدد آمریکا از حقوق گمرکی متعارفی زیاده بر آن چه در جدول نامبرده پیش‌بینی و مقرر گردیده معاف خواهد بود همچنین کالاهای نامبرده از کلیه حقوق یا مالیات‌ها یا عوارض یا رسوم یا تحمیلات دیگری که به واردات تعلق می‌گیرد یا مربوط به واردات است زیاده بر آن چه که در تاریخ امضای این پیمان اخذ می‌شود یا طبق قوانین ایران که در تاریخ امضای این پیمان مجرا باشد، بعدها باید اخذ شود، معاف خواهد بود.

۲- جدول ۱ و ۲ یادداشت‌های مندرج در آن از لحاظ قوه و اثر جزء لایتنج‌های این پیمان به‌نظر خواهد رفت.

#### ماده هشتم:

مقررات ماده ۶ و ۷ این پیمان هر يك از دولتين را هیچ‌گاه مانع از انجام این عمل نخواهد بود که از واردات هر نوع کالایی عوارضی معادل مالیات داخلی کالاهای متشابه وطنی که کالای وارده کلا یا بعضاً از آن ساخته شده یا فراهم آمده دریافت دارد.

#### ماده نهم:

۱- هرگاه یکی از دولتين متعاهد کیفیت عمل یا اقدامی را که از طرف دولت متعاهد دیگر به عمل می‌آید چنین تلقی کند که هر چند با مقررات این پیمان متباین نیست ولی از لحاظ اثر موضوع پیمان را خنثی نموده یا بدان لطمه می‌زند یا به صنعت یا بازرگانی آن کشور زیانی متوجه می‌سازد دولت متعاهد دیگر ملزم خواهد بود که اعتراضات یا پیشنهادهای کتبی را که به منظور تسویه امر به رضایت طرفین تسلیم می‌شود با نظر مساعدی مورد توجه قرار بدهد، هرگاه در عرض مدت ۲۰ روز از تاریخ وصول اعتراض یا پیشنهاد موافقتی نسبت به موضوع حاصل نشود دولتی که آن اعتراض یا پیشنهاد را به عمل آورده اختیار خواهد داشت در عرض ۱۵ روز بعد از انقضای مدت سی‌روز پیش‌گفته این پیمان را با اخطار کتبی ۳۰ روزه کلا

یا بعضاً فسخ نماید.

۲- دولتین توافق دارند نسبت به کلیه مسائلی که مربوط به اجرای این پیمان است تا آخرین حد امکان با هم شور نمایند.

ماده دهم:

۱- مقررات این پیمان در مورد رفتاری که می‌بایستی از طرف کشورهای متحده آمریکا و کشور ایران نسبت به بازرگانی کشور طرف دیگر مجرا شود شامل اراضی گمرکی هر دو کشور خواهد بود.

۲- به علاوه مقررات این پیمان در مورد رفتار دول کامله الوداد شامل تمام اراضی که تحت حاکمیت یا سلطه دو کشور است خواهد بود به استثنای منطقه کانال پاناما که مشمول این معامله نخواهد بود.

ماده یازدهم:

۱- مزایایی که از طرف کشور ایران با کشورهای متحده آمریکا به منظور تسهیل عبور و مرور مرزی درباره کشورهای همجوار معمول می‌شود یا بعد از این معمول بشود و مزایایی که به استناد اتحاد گمرکی که یکی از طرفین متعاقد در آن شرکت داشته باشند اعطا می‌شود از مقررات این پیمان مستثنی خواهد بود. تمام مزایایی که کشورهای متحده آمریکا یا اراضی یا متصرفات آن یا منطقه کانال پاناما اکنون نسبت به یکدیگر معمول می‌دارند یا بعد از این معمول بدارند قطع نظر از تغییراتی که در وضع سیاسی اراضی یا متصرفات کشورهای متحده آمریکا داده شود کماکان مشمول مقررات این بند خواهد بود.

ماده دوازدهم:

۱- هیچ‌یک از مواد این پیمان مانعی برای اتخاذ یا اجرای اقدامات زیرین ایجاد نخواهد بود.

الف - آنچه که از لحاظ اخلاقی یا نوع‌پروری اعمال شود.

ب - آنچه که به منظور حفظ حیات یا صحت انسانی، حیوانی یا نباتی اعمال گردد.

ج - آنچه که مربوط به کالاهای ساخت بازداشتگاه باشد.

د - آنچه که مربوط به اجرای قوانین شهربانی یا قوانین مالیاتی باشد.

ه - آنچه که مربوط به واردات یا صادرات زر و سیم باشد.

و - آنچه که مربوط به نظارت در صدور یا فروش به منظور صدور اسلحه، مهمات یا آلات و ادوات جنگی و در موارد استثنائی آنچه که مربوط به کلیه ساز و برگهای دیگر ارتشی باشد.

ز - آنچه که مربوط به امنیت عمومی باشد یا در موقع جنگ و سایر پیش-

آمدهای فوق‌العاده برای حفظ مصالح کشور اعمال شود.

ماده سیزدهم:

دولت کشورهای متحده آمریکا و دولت... ایران اعلام می‌دارند که منظور از انعقاد این پیمان این است که وسیله اعطای امتیازات و مزایای متقابل و دوجانبه مناسبات بازرگانی بین دو کشور را توسعه بخشند و هر يك از مواد این پیمان را با همین فکر و نیت اجرا و تعبیر نمایند.

ماده چهاردهم:

این پیمان از طرف رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا اعلام و به تصویب مجلس شورای ملی ایران خواهد رسید و از روز سی‌ام تاریخ مبادله اعلامیه مزبور و اسناد مصوبه که هر چه زودتر ممکن باشد در واشنگتن صورت خواهد گرفت، وارد مرحله اجرا خواهد شد.

ماده پانزدهم:

با در نظر گرفتن مقررات ماده (۱) این پیمان برای مدت سه سال از تاریخ اجرا به موجب ماده (۱۴) به قوت خود باقی خواهد ماند و در صورتی که اقل ۶ ماه از انقضای مدت سه سال پیش گفته یکی از دولتين متعاهد قصد خود را دائر به نسخ پیمان در انقضای آن مدت اعلام ننموده باشد، این پیمان با توجه به مقررات ماده (۱) از آن تاریخ به بعد نیز تا مدت شش ماه از تاریخی که یکی از دولتين متعاهد قصد خود را دائر به فسخ پیمان اعلام ننموده باشد، به قوت خود باقی خواهد ماند.

ضمیمه شماره ۹

موافقت‌نامه مربوط به میسیون نظامی (ژاندارمری) - ۵ آذر ۱۳۲۲ شمسی / ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳\*

بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحده آمریکا و به استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری مصوب ۱۳۲۲/۷/۲۸ رئیس‌جمهوری کشورهای متحده آمریکا اجازه داده است که هیأتی از افسران و درجه‌داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا که تعداد افسران آن از هشت نفر تجاوز نخواهد نمود، به منظور اصلاح امور ژاندارمری برطبق مواد ذیل منصوب شوند:

\* برگرفته از جمشید صداقت‌کیش: روابط ایران و آمریکا در دهه پنجاه، (تهران، دهخدا، ۱۳۵۷)، ص ۱۰۴ و بعد.

### فصل اول - مقصود و مدت

ماده ۱- مقصود از این هیأت رایزنی و کمک به وزارت کشور ایران است برای تجدید سازمان ژاندارمری... ایران.

ماده ۲- شروع خدمت این هیأت از تاریخ دوم اکتبر ۱۹۴۲ و حداقل مدت مأموریت این هیأت دو سال است و پس از آن برای هر مدتی که به تراضی طرفین ذینفع توافق حاصل شود قابل تمدید می باشد مگر آن که چنانچه در مورد پایین مقرر است، قبلاً خاتمه پذیرد و همچنین مشروط بر این که اجازه ای که به رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکا برای مأموریت این افسران داده شده است در آن مدت به اعتبار خود باقی باشد. هر یک از کارمندان هیأت در هر زمان که دولت کشورهای متحد امریکا تقاضا نماید ممکن است احضار شوند، به شرط این که دیگری که واجد شرایط متساوی باشد قبلاً به جای او انتخاب گردد.

ماده ۳- این قرارداد پیش از پایان یافتن مدت معین در ماده دوم به ترتیب ذیل قابل فسخ است:

الف - به وسیله هر یک از دولتین به شرط این که سه ماه پیش کتباً به دولت دیگر اخطار شود.

ب - به وسیله فراخواندن همه کارکنان هیأت از طرف دولت کشورهای متحد امریکا به اقتضای مصالح عمومی کشورهای متحد امریکا.

ماده ۴- هر زمان هر یک از دولتین دچار مخاصمات خارجی شود این قرارداد به میل هر یک از دولتین ایران و امریکا قابل فسخ است. در صورت فسخ کلیه مقرراتی که در مواد بعد راجع به فسخ پیش بینی شده است اجرا خواهد گردید.

### فصل دوم - تشکیل هیأت و کارکنان آن.

ماده ۵- این هیأت در همه اوقات مرکب خواهد بود از کارکنان ارتش کشورهای متحد امریکا با موافقت نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن و وزارت جنگ کشورهای متحد امریکا.

### فصل سوم - وظایف و درجات و تقدم و تاخر.

ماده ۶- کارکنان هیأت وظایفی را انجام خواهند داد که از طرف رئیس هیأت پیشنهاد و به تصویب وزیر کشور ایران برسد.

ماده ۷- کارکنان مزبور به وسیله رئیس هیأت منحصرأ مسؤول وزیر کشور ایران خواهند بود.

ماده ۸- هر یک از کارمندان هیأت با درجه ای که در ارتش کشورهای متحد امریکا حائز است یا کفالت هر درجه بالاتری که دولت ایران اعطا نماید در هیأت مزبور خدمت خواهد نمود. کارمندان هیأت لباس ارتش امریکا یا لباس ژاندارمری... ایران را که حق پوشیدن آن را خواهد داشت به تشخیص و اختیار

رئیس در بر خواهند کرد لیکن بر همه افسران ایرانی ژاندارمری از همان درجه مقدم خواهند بود.

ماده ۹- هر يك از کارمندان هیأت از کلیه منافع و مزایایی که مقررات ارتش ایران و ژاندارمری ایران برای افسران هم درجه ژاندارمری... ایران منظور می- دارد، بهره‌مند خواهد بود.

ماده ۱۰- کارکنان هیأت مشمول مقررات انتظامی ژاندارمری ایران خواهند بود باستثنای مواردی که مقررات مزبور مخالف ارتش کشورهای متحده امریکا باشد.

### فصل چهارم - حقوق و عوائد.

ماده ۱۱- کارمندان هیأت حقوق خالص سالانه‌ای به پول رایج کشورهای متحده امریکا و به میزانی که میان دولت ایران و دولت کشورهای متحده امریکا برای هر کارمند توافق حاصل شود، دریافت خواهد نمود. این حقوق در دوازده قسط متساوی ماهانه پرداخت خواهد شد. موعد هر قسط در روز آخر ماه و در آن روز پرداخته خواهد شد. این حقوق پس از کسر هرگونه مالیات که در حال حاضر یا از این تاریخ به بعد از طرف دولت ایران با هر يك از دوائر اداری و بلدی آن وضع شود خالص خواهد بود. لیکن هرگاه در حال حاضر یا در مدت اجرای این قرارداد مالیاتهایی به وجود آید که تاثیری در این حقوق داشته باشد این گونه مالیاتها را وزارت کشور ایران خواهد پرداخت تا طبق مقررات این ماده حقوقی که نسبت به آن موافقت شده است خالص باشد.

ماده ۱۲- حقوقی که طبق ماده پیش نسبت به آن موافقت شده است شروع پرداخت آن از تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۲۱ (دوم اکتبر ۱۹۴۲) یا از تاریخ عزیمت هر کارمند هیأت خواهد بود، در صورتی که تاریخ عزیمت بعد از دوم اکتبر ۱۹۴۲ باشد و باستثنای مواردی که مصرحاً در این قرارداد پیش‌بینی شده، پس از خاتمه خدمت هر کارمند هیأت پیش از حرکت به کشورهای متحده امریکا برای هر مدت مرخصی متراکم که حق داشته باشد، پرداخته خواهد شد.

ماده ۱۳- حقوقی که برای مدت مرخصی متراکم به هر کارمندی که خدمتش خاتمه می‌یابد پیش از حرکت از این به او تأدیه می‌شود.

ماده ۱۴- برای هر کارمند هیأت و خانواده‌اش باستثناء مواردی که کارمندی به موجب مقررات ماده دوم این قرارداد تبدیل می‌شود وسایل مسافرت درجه اول از اقصر طرق معمولی برای مسافرتها که طبق این قرارداد لازم است و انجام می- شود، بین بندر حرکت در امریکا و اقامتگاه رسمی او در ایران ایساب و ذهاب از طرف دولت ایران تهیه خواهد شد و نیز دولت ایران همه هزینه حمل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل و اقامتگاه رسمی آنها در ایران تا بندر ورود امریکا خواهد پرداخت. حمل و نقل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل یکجا صورت خواهد گرفت و هر مقداری که بعداً حمل شود به هزینه کارمندان مربوط هیأت خواهد بود مگر

آن که طور دیگر در این قرارداد پیش‌بینی شده باشد و یا این که این محمولات جداگانه در نتیجه اوضاع و احوالی که از اختیار آنها خارج است ایجاب شود. پرداخت هزینه حمل و نقل خانواده‌ها و اثاثیه خانه و اتومبیل کارکنانی که برای خدمات موقت به تقاضای وزیر کشور ایران به هیأت مزبور ملحق شوند طبق این قرارداد لازم نخواهد بود، لیکن هزینه مزبور به وسیله مذاکرات بین وزارت جنگ کشورهای متحده آمریکا و نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن هنگامی که درباره اعزام کارکنان موقت موافقت حاصل شود، تعیین خواهد بود.

ماده ۱۵- دولت ایران به درخواست رئیس هیأت در مورد اشیایی که کارمندان هیأت برای مصرف شخصی خود و برای مصرف اعضای خانواده خود وارد می‌نمایند، معافیت از حقوق گمرکی و سایر عوارض و مالیاتها اعطاء خواهد نمود.

ماده ۱۶- مصارف حمل و نقل و هزینه سفر در ایران برای کارهای رسمی دولت ایران طبق مقررات ماده نهم از طرف دولت ایران تأمین خواهد شد.

ماده ۱۷- دولت ایران به رئیس هیأت، اتومبیل مناسب با شوفر برای کارهای رسمی خواهد داد. وسیله حمل و نقل موتوری مناسب با شوفر حاضر خدمت برای استفاده اعضای هیأت در اجرای کارهای رسمی هیأت از طرف دولت ایران در اختیار هیأت گذاشته خواهد شد.

ماده ۱۸- دولت ایران محل مناسبی برای اداره و تسهیلات برای استفاده کارمندان هیأت تدارک خواهد نمود.

ماده ۱۹- به استناد پاراگراف آخر جزء «ج» از قانون ۲۸ مهرماه ۱۳۲۲ هرگاه یکی از کارمندان هیأت یا هر عضوی از اعضای خانواده‌اش در ایران فوت نماید، دولت ایران ترتیب خواهد داد که جنازه او به هر نقطه‌ای در آمریکا که بازماندگان متوفی تعیین نمایند انتقال داده شود لیکن هزینه این کار برای دولت ایران از مخارج حمل جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک تجاوز نخواهد نمود. هرگاه متوفی یکی از کارمندان هیأت باشد، خدمت او در هیأت مذکور این‌طور خواهد شد که پانزده روز بعد از فوت او خاتمه یافته است. هزینه حمل و نقل برای بازگشت خانواده کارمند متوفی و حمل و نقل اسباب سفر و اثاثیه خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۴ داده خواهد شد. کلیه وجوهی که دولت مدیون کارمند متوفی می‌باشد از جمله حقوق ۱۵ روز بعد از فوت او پرداخت مخارج حمل و نقل که عضو متوفی برای مسافرت‌های رسمی در ایران طلب دارد به عیال کارمند یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی هنگامی که به موجب این قرارداد انجام خدمت می‌نموده، کتباً معین شده باشد، پرداخت خواهد شد. لیکن حقوق و مرخصی متراکم که حق متوفی بوده و مورد استفاده او واقع نشده باشد، به عیال وی یا دیگری پرداخته نخواهد شد. کلیه وجوهی که به عیال متوفی تعلق خواهد گرفت یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی معین شده باشد، طبق مقررات این ماده در ظرف پانزده روز از درگذشت کارمند مزبور پرداخته خواهد شد.

## فصل پنجم - لوازم و شرایط.

ماده ۲۰- وزیر کشور ایران رئیس هیأت را به سمت مستشار وزارت کشور عهده‌دار امور ژاندارمری دولت... ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود و رئیس هیأت بر همه افسران ژاندارمری... ایران تقدم خواهد داشت. مشارالیه مستقیماً عهده‌دار کلیه اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت طبق مقررات انتصاب یا ترفیع یا تنزیل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به‌وزیر کشور پیشنهاد و با تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت و نیز حق خواهد داشت هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین نماید.

ماده ۲۱- دولت ایران موافقت می‌نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتشهای خارجی دیگر با کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری... ایران یا شعب آن که کارکنان هیأت نظامی کشورهای متحده آمریکا در آن خدمت می‌نمایند، استخدام ننماید.

ماده ۲۲- هر يك از کارمندان هیأت تعهد خواهد نمود هیچ يك از اسرار و مسائل محرمانه‌ای که به سمت عضویت هیأت از آنها ممکن است مطلع گردد، به هیچ دولت بیگانه یا هیچ کس مطلقاً افشا و ابراز ننماید. این شرط بعد از خاتمه خدمت هر يك از کارمندان در هیأت مزبور و پس از پایان یافتن یا فسخ این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

ماده ۲۳- لفظ خانواده در همه جای این قرارداد اطلاق می‌شود به زن و فرزندی که تحت کفالت هر کارمند می‌باشند.

ماده ۲۴- هر کارمند هیأت مستحق يك ماه مرخصی با حقوق در سال یا جزئی از آن با جزئی از آن با حقوق متناسب به آن قسمت جزء ارسال می‌باشد. قسمتهائی که از مرخصی مزبور که مورد استفاده واقع نشود، سال بسال در مدتی که هر کارمند به عضویت هیأت خدمت می‌نماید، متراکم خواهد شد.

ماده ۲۵- مرخصی که در ماه پیش‌بینی شده است ممکن است در ایران یا کشورهای متحده آمریکا یا در کشورهای دیگر گذرانید، لیکن هزینه مسافرت و حمل و نقل که در جای دیگر این قرارداد پیش‌بینی نشده باشد، بر عهده کارمند هیأت که به مرخصی می‌رود، خواهد بود. همه اوقاتی که در مسافرت به سر می‌برد، مرخصی حساب می‌شود و اضافه بر مدتی که به عنوان مرخصی اجازه داده شده است، نخواهد بود.

ماده ۲۶- دولت ایران موافقت می‌نماید مرخصی مصرح در ماده ۲۴ را به وصول درخواست کتبی که به تصویب رئیس هیأت رسیده باشد، با توجه لازم به مصالح دولت ایران اعطا نماید.

ماده ۲۷- کارمندان هیأت که تغییر و تبدیل می‌یابند به خدمت خود در هیأت فقط موقعی خاتمه خواهند داد که جانشین آنها وارد شود. مگر آن که به نحو دیگری



قبلا بین دولتین توافق حاصل شود.

ماده ۲۸- دولت ایران ترتیب مناسب طبّی برای کارمندان هیأت و خانواده‌هایشان خواهد داد. هرگاه یکی از کارمندان هیأت مریض شود یا صدمه ببیند، کارمند مزبور به تشخیص رئیس هیأت یا موافقت وزیر کشور ایران به بیمارستانی که رئیس هیأت مناسب بداند، فرستاده خواهد شد و کلیه مخارجی که در نتیجه ناخوشی یا صدمه پیش آید، تا زمانی که بیمار کارمند هیأت است و در ایران می‌ماند از طرف دولت ایران پرداخته خواهد شد. هرگاه کارمندی که به بیمارستان فرستاده می‌شود، افسری باشد که دارای فرمان است، هزینه اعاشه (غذا) را خود افسر خواهد پرداخت. خانواده‌ها از همین مزایایی که در این ماده برای کارمندان هیأت مورد موافقت است، بهره‌مند خواهند شد الا این که کارمند هیأت در کلیه موارد هزینه غذای عضو خانواده‌اش را که در بیمارستان خوابیده است، خواهد پرداخت. مگر آن که طبق ماده نهم این مسأله منظور شده باشد.

ماده ۲۹- هر کارمند هیأت که به علت طولانی شدن مدت ناتوانی جسمی قادر به انجام وظایف خود در هیأت نباشد، تبدیل خواهد شد.

ماده ۳۰- نسبت به هر يك از کارمندان این هیأت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است، هیأت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد، لغو نماید.

#### ضمیمه شماره ۱۰

اعلام حالت مخاصمه بین دولت ایران و آلمان - ۱۷ شهریور ۱۳۲۲/۹ سپتامبر ۱۹۴۳\*

بطوری که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی در آغاز جنگ کنونی بی‌طرفی خود را به دول متخاصم اعلام و در حفظ شرایط آن‌نهایت مراقبت را معمول داشت ولی در نتیجه پیش‌آمدهایی که منتهی به وقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران از يك طرف و دولتین انگلیس و شوروی از طرف دیگر منعقد شد و از آن پس این قرارداد مبنای سیاست خارجی نسبت به متخاصمین قرار گرفت و رویه دولت شاهنشاهی در مقابل دول محور روشن و اعلام شد و انتظار می‌رفت دول محور با در نظر گرفتن وضع خاص ایران و تعهداتی که این کشور در مقابل متفقین دارد مبادرت به اقدامات و عملیاتی ننمایند تا بالنتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویه‌ای که در پیمان سه‌گانه اتخاذ نموده گردد لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده و شواهد و مدارکی

\* برگرفته از الویل ساتن، ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، (تهران، تابش، بی‌تا) ص ۵۵۴ و بعد.

که در دست است منجمله تحریک جمعی از عشایر بر علیه دولت که منجر به وقایع اسفآوری گردید و همچنین اعزام افراد مخصوص به وسیله هواپیماها به منظور تخریب راه آهن و قطع وسائط ارتباطیه و تشکیل سازمانهای جاسوسی و سایر اقداماتی که خاطر نمایندگان محترم از چگونگی آنها آگاه می باشد، آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست به فعالیتهای وخیمی در ایران زده و سعی کرده اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور فتنه و انقلاب داخلی را برپا ساخته و موجبات سلب آسایش عامه و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند.

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را در داخله ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات و دسایسی را هم که به منظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور به عمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیّه کشور خود حقاً موظف می باشد اقداماتی در خاتمه دادن به این وضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبه ملت ایران است به عمل آورد بنابراین دولت با مذاقه در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال و استقبال خود را ناگزیر دید به فرمان... شاه حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد و در همین حال الحاق خود را به اعلامیه مشترک ملل متفقّه مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام می دارد.

#### ضمیمه شماره ۱۱

**موافقت نامه مربوط به مسیون نظامی (ارتش) ایران و امریکا - ۱۳ مهر ۱۳۲۶ شمسی / ۶ اکتبر ۱۹۴۷ میلادی\***

به موجب تقاضای دولت ایران از کشورهای متحده امریکا رئیس جمهور کشورهای متحده اجازه داده است که یک عده افسر امریکایی به منظور تشکیل یک هیأت نظامی در ایران طبق شرایط مصرحه زیر گماشته شوند:

#### عنوان اول - هدف و مدت قرارداد.

ماده ۱- هدف این هیأت این است که به منظور ترقی و بهبود وضع ارتش ایران با وزارت جنگ و افسران و مأمورین ارتش ایران همکاری کنند.

ماده ۲- این قرارداد پس از امضای نمایندگان معتبر دولت کشورهای متحده امریکا و دولت ایران رسمیت یافته و تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) به قوه خود باقی خواهد ماند مگر این که طبق مواد بعدی این قرارداد زودتر به آن خاتمه داده شده و یا تمدید گردد.

ماده ۳- چنانچه دولت ایران مایل باشد مدت خدمت هیأت را بیش از موعد

\* برگرفته از جمشید صداقت کیش: روابط ایران و امریکا در دهه پنجاه، تهران، دهخدا، ۱۳۵۷، ص ۱۱۳ و بعد.

قید شده تمدید کند، پیشنهاد خود را کتباً قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) تسلیم خواهد نمود. دولت امریکا موافقت می‌کند که درباره چنین پیشنهادی تا قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام نماید. ماده ۴- این قرارداد ممکن است به طریق زیر قبل از ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۱۹ اسفند ۱۳۲۷) ملغی شود:

الف: با اخطار قبلی سه ماهه هریک از دولتین کتباً به دولت دیگر.  
ب: با اخطار کتبی هر یک از دولتین به دولت دیگر در هر موقع در صورتی که آن دولت این امر را به سبب بروز اغتشاشات داخلی یا مخاصمات خارجی لازم شمارد.

ج: دولت کشورهای متعده امریکا حق دارد در صورتی که مدت قانون فعلی که به موجب آن این قرارداد منعقد شده است، منقضی شود و کلیه کنگره امریکا به موجب قانون دیگری اجازه ادامه خدمت هیأت را ندهد، با دادن اطلاع کتبی در هر موقع این قرارداد را لغو نماید.

د: دولت امریکا حق دارد هر موقعی که منافع ملی امریکا اقتضا کند، کلیه کارمندان هیأت را احضار نماید بدون این که لازم باشد قسمت الف این ماده را مراعات کند.

ه: در هر صورت انقضا یا الفای این قرارداد در مورد تعهداتی که دولت... ایران بر طبق مصرحات عنوان چهارم قرارداد حاضر در قبال اعضای هیأت و خانواده آنها نموده است، تأثیری نداشته و در آن تغییر و تعدیلی نخواهد داد.

#### عنوان دوم - ترکیب و اعضای هیأت

ماده ۵- از ابتدا هیأت مرکب خواهد بود از عده‌ای افسران و نفرات ارتش امریکا که با موافقت وزیر جنگ ایران توسط نمایندگان مجاز ایشان در واشنگتن و وزارت جنگ امریکا تعیین شده باشند. اشخاصی به این کار گماشته خواهند شد که وزیر جنگ دولت... (ایران) و یا نماینده مجاز ایشان و وزارت جنگ امریکا یا نماینده مجاز آن با انتصاب آنها موافقت داشته باشند.

#### عنوان سوم - وظایف درجات و ارشدیت

ماده ۶- اعضای این هیأت در یکی از ادارات وزارت جنگ دولت... (ایران) به اسم اداره مستشاری منصوب خواهند شد. اداره مستشاری تحت یک جدول سازمانی که با موافقت رئیس هیأت و تصویب وزیر جنگ ایران تهیه شده و تشکیل خواهد شد. اعضای هیأت به مشاغلی که توسط این جدول سازمانی تعیین می‌شود، گماشته خواهند شد و انتصاب آنها در فرمانهای عمومی ارتش درج خواهد گردید. ماده ۷- افسر ارشد هیأت به سمت ریاست هیأت منصوب خواهد گشت. سایر اعضای هیأت توسط رئیس هیأت به مشاغلی که در جدول سازمانی تعیین و وزیر

جنگ ایران تصویب خواهد کرد و یا به وظایفی که وزیر جنگ ایران و رئیس هیأت درباره آن موافقت کنند، گماشته خواهند شد.

ماده ۸- وظایف هیأت عبارت خواهد بود از راهنمایی و مساعدت به وزارت جنگ و ادارات مختلف و ارکان تابع ستاد ارتش در مورد نقشه‌ها و مسائل مربوط به سازمان و اصول اداری و اسلوب تعلیمات. این وظایف شامل اصول کار ستاد ارتش و کلیه ادارات وزارت جنگ و شعب خارج از مرکز آنها خواهد بود؛ باستانهای نقشه‌های تاکتیکی و استراتژیکی یا عملیات بر علیه دشمن که با وظایف هیأت ارتباطی ندارد.

ماده ۹- اعضای این هیأت در ارتش ایران هیچ‌گونه سمت فرماندهی یا ستادی نخواهند داشت. ممیزان آنها می‌توانند چنانچه ضرورت ایجاب نماید با تصویب مقام وزارت و دستور رئیس هیأت اقدام به پاره‌ای از بازرسیها و تحقیقات رسمی بنمایند.

ماده ۱۰- هر یک از اعضای هیأت با همان درجه‌ای که در ارتش امریکا دارد، خدمت خواهد کرد ولی بر تمام افسران هم‌درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهد داشت. هر یک از اعضای هیأت از تمام امتیازات و مزایایی که بنابر مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران هم‌درجه او تعیین شده است برخوردار می‌گردد. اعضای هیأت لباس متحدالشکل ارتش امریکا را برتن خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در منتها الیه آستین نزدیک شانه نصب خواهند نمود. ماده ۱۱- اعضای هیأت در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت ارتش ایران معاف گردند، در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت به امریکا را خواهند داشت.

ماده ۱۲- بطوری که در مواد ۸ و ۹ توضیح داده شده رئیس هیأت و سایر اعضا (به دستور رئیس هیأت) مجازند در اجرای وظایف عادی خود هر قسمت ارتش ایران را بازرسی کنند و افسران متصدی این قسمت‌ها بایستی در مورد بازرسیهای مذکور تسهیلات لازم فراهم آورند و طرحها و پرونده‌ها و گزارشها و مکاتبات مورد نیاز را در دسترس آنها بگذارند. اعضای هیأت هیچ‌گونه دخالتی در اموری نخواهند داشت، مگر این که امور مذکور با وظایف آنها بستگی ضروری داشته باشد و در این صورت منحصرأ طبق دستور وزارت جنگ ایران خواهد بود. هر عضو هیأت متعهد است هیچ‌گونه مطالب سری یا محرمانه را که از لحاظ سمت خود در عضویت از آن آگاه می‌شود، به هیچ دولت خارجی و یا هر کسی که باشد از هیچ طریق اظهار و افشا ننماید. این تعهد پس از خاتمه خدمت عضو یا هیأت و پس از انقضا یا الفای این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

عنوان چهارم - پاداش و مزایا.

ماده ۱۳- از اعضای هیأت سالیانه مبلغی مقطوع به عنوان پاداش با موافقت

بین دولتی ایران و آمریکا به پول رایج آمریکا یا حواله دلار و یا چک دریافت خواهد نمود. این پاداش در ۱۲ قسط ماهانه متساوی هر قسط در آخرین روز هر ماه پرداخت خواهد شد. مالیاتهای جاری که از طرف دولت ایران با تشکیلات اداری و سیاسی آن اکنون وضع شد و یا این که بعداً وضع خواهد شد، شامل پاداش اعضای هیأت مربوط نخواهد گردید معیناً چنانچه فعلاً یا تاموقعی که این پیمان معتبر باشد، مالیاتی وضع گردد که شامل این پاداش نیز بشود این قبیل مالیاتها برای این که با مفاد این ماده قابل مطابقت باشد از طرف وزارت جنگ پرداخت خواهد شد تا به این ترتیب پاداشهای مورد موافقت بطور خالص پرداخت شود.

ماده ۱۴- پاداشهای مذکور در ماده قبل در مورد هر يك از اعضای هیأت از بدو ورود به ایران شروع خواهد شد و به جز در مواردی که صریحاً در قرارداد حاضر به نحو دیگر ذکر شده باشد، تا خاتمه خدمت هیأت به موجب ماده ۱۴ این قرارداد برای مدت مراجعت به آمریکا و بعد از آن و در مورد مرخصی متراکم به هر يك از اعضای هیأت قابل پرداخت خواهد بود.

ماده ۱۵- پاداشهای اضافی مربوط به بازگشت به آمریکا و مرخصی متراکم میبایستی قبل از حرکت از اعضای هیأت در ایران پرداخته شود و مأخذ احتساب این پاداشها قطع نظر از راه و وسیله مسافرتی که عضو هیأت به کاربرد کوتاهترین راهی خواهد بود که به بندر ورودی آمریکا منتهی و معمولاً مسافرت از آن راه انجام میگیرد.

ماده ۱۶- در طی دوره بحران ملی که فعلاً در کشورهای متعدده آمریکا حکمفرماست هزینه سفر هر يك از اعضا و هزینه حمل اثاثیه منزل و بنه و اتومبیل او از کشورهای متحد به ایران و از ایران به کشورهای متحد توسط دولت کشورهای آمریکا پرداخته خواهد شد. چنان که مدت این قرارداد از تاریخی تجاوز نماید که بحران ملی کنونی در کشورهای متعدده خاتمه یابد، پس از اعلام خاتمه این بحران کتباً از طرف دولت کشورهای متحد به دولت ایران (باستثنای مورد عضوی که کمتر از دو سال سابقه خدمت در هیأت را دارد و بنا به مصالح دولت آمریکا با عضو دیگری مبادله می شود) هزینه حمل و نقل هر عضو هیأت و اثاثیه منزل و بنه و اتومبیل از طرف دولت ایران پرداخت خواهد شد. وسایل درجه اول مسافرت برای کوتاهترین راهی که معمولاً مسافرت مابین بندر خروجی کشورهای متعدده آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت میگیرد هم برای مسافرت به ایران و هم مراجعت به آمریکا تأمین خواهد شد.

ماده ۱۷- در هر موقع در طی مدت این قرارداد هر يك از اعضای هیأت بر حسب تمایل شخصی میتواند خانواده خود را با وسایل درجه اولی که دولت... ایران در دسترس آنها خواهد گذاشت از طریق کوتاهترین راهی که معمولاً مسافرت بین بندر خروجی کشورهای متعدده آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت میگیرد از آمریکا خواسته و یا به آمریکا مراجعت دهد.

در سراسر این قرارداد منظور از کلمه «خانواده» زوجه و اولاد تحت الکفاله می باشد.

ماده ۱۸- فوق العاده هزینه سفر مربوط به مأموریت های رسمی دولت ایران به وسیله دولت ایران طبق آئین نامه های مسافرتی ارتش ایران تأمین خواهد شد.

ماده ۱۹- علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه ای که از طرف دولت امریکا در اختیار هیأت گذاشته شده دولت ایران در مورد لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری در اختیار هیأت قرار خواهد داد و دولت ایران یک سوم (ثلث) مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت امریکا را که در اختیار هیأت است، طبق تشخیص رئیس هیأت و با پیروی از قوانین و مقررات جاریه یک هواپیمای ارتشی امریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران داشته باشد مشروط براین که رئیس هیأت قبلاً طبق قواعد و مقررات به اولیای امور مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد. کلیه وسایل نقلیه دولت امریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیأت است، از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

ماده ۲۰- دولت ایران محل اداره و سایر تسهیلات کار از قبیل دفتر و اثاثیه و لوازم آن، تندیس و منشی و مترجمین غیر نظامی و گماشته بر طبق جدول سازمان اداره مستشاری برای اعضای هیأت تهیه خواهد کرد و کمکهای دیگر به منظور حسن اداره و سرعت جریان امور درباره ایشان مبذول خواهد داشت.

ماده ۲۱- چنانچه یکی از اعضای هیأت و یا عضو خانوادگی یکی از اعضا در ایران وفات یابد دولت ایران جسد او را به هر منطقه ای از خاک ممالك متحده امریکا که سایر اعضای خانواده متوفی بخواهند انتقال خواهد داد ولی هزینه ای که از این بابت به دولت ایران تعلق می گیرد از میزان مخارج انتقال جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک نباید تجاوز نماید. در صورتی که متوفی یکی از اعضای میسیون باشد، تاریخ انقضای مدت خدمت نامبرده در میسیون، ۱۵ روز بعد از فوت خواهد شد. هزینه بازگشت خانواده عضو متوفی به امریکا به انضمام هزینه انتقال اثاثیه و لوازم خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۷ مقرر خواهد گردید. مزایا و پاداشی که به عضو متوفی تعلق می گیرد، به علاوه حقوق مدت ۱۵ روز پس از مرگ و مطالباتی راجع به هزینه سفر و خرج مسافرت آن عضو مربوط به خدمات اداری هنگام خدمت به دولت ایران و به زوجه عضو متوفی و یا شخص دیگری که متوفی کتباً در موقعی که طبق مفاد این پیمان در هیأت کار می کرده تعیین نموده باشد پرداخت خواهد شد ولی بابت مدت متراکم که متوفی از آن استفاده ننموده باشد وجهی به زوجه متوفی و یا شخص دیگر پرداخت نخواهد شد. کلیه وجوه مورد مطالبه زوجه یا سایر اشخاصی که متوفی تعیین نموده باشد برحسب مقررات این ماده در ظرف مدت پانزده روز پس از مرگ عضو پرداخت خواهد شد.

ماده ۲۲- چنانچه عضوی از اعضای هیأت مریض شود و یا آسیبی ببیند،

نامبرده به صوابدید رئیس هیأت پس از مشاوره با وزارت جنگ ایران در بیمارستانی که رئیس هیأت مناسب بداند، بستری خواهد گردید و کلیه هزینه‌هایی که در اثر این کسالت یا آسیب ایجاد گردیده تا مدتی که بیمار عضو هیأت و در ایران می‌باشد، به وسیله دولت ایران پرداخت خواهد شد. چنانچه عضو بستری افسر باشد، هزینه خوراک او به وسیله خودش پرداخت خواهد شد. خانواده‌های اعضای هیأت نیز از مزایای مذکور در این ماده که برای اعضای هیأت مورد موافقت واقع شده استفاده خواهند نمود جز این که عضو هیأت در هر مورد هزینه خوراک ایام بستری بودن خانواده خود را خواهد پرداخت. هر عضو هیأت که بر اثر ناتوانی ممتد جسمانی قادر نباشد وظایف محوله را انجام دهد تمویض خواهد شد.

#### عنوان پنجم - مقررات و شرایط.

ماده ۲۳- هر عضو هیأت سالیانه استحقاق استفاده از يك ماه مرخصی با حقوق و یا جزئی از آن را در سال به تناسب ایامی که خدمت نموده با دریافت حقوق خواهد داشت. هر قسمت از مرخصی مذکور که استفاده نشده باشد، تا مدتی که عضو در هیأت مشغول خدمت است به سه سال قابل جمع می‌باشد. این مرخصی ممکن است در ایران یا در امریکا یا کشورهای دیگر گذرانده شود، ولی هزینه سفر و حمل و نقل که به وجه دیگری در این قرارداد مذکور نشده باشد، به عهده عضو که از مرخصی استفاده می‌کند، می‌باشد. کلیه مدت مسافرت در استفاده جزو مدت مرخصی محسوب خواهد شد. دولت ایران موافقت دارد مرخصی مصرحه در این قرارداد را طبق تقاضای کتبی که به تصویب هیأت رسیده باشد با در نظر گرفتن مقتضیات دولت ایران عطا نماید.

ماده ۲۴- تا مدتی که این قرارداد یا تعدید آن معتبر است، دولت ایران مأمورین هیچ دولت خارجی دیگر را برای انجام هیچ گونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود مگر با توافق نظر مشترك مابین دولتين کشورهای متعده امریکا و ایران.

ماده ۲۵- دولت ایران اشیا و لوازمی را که اعضای هیأت برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود به ایران وارد می‌نمایند از حقوق گمرکی یا عوارض دیگر معاف خواهد نمود. مشروط به این که درخواست ورود معافی با تصویب سفیرکبیر امریکا و یا کاردار موقت امریکا باشد و نیز اشیا و لوازمی را که در ایران برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود خریداری و خارج می‌نمایند از کلیه حقوق گمرکی معاف خواهد ساخت. در صورتی که دولت کشورهای متعده امریکا وسیله نقلیه جهت ارسال مراسلات و بسته‌های پستی که از طرف اعضای هیأت به امریکا و یا به عنوان آنها وارد می‌شود تأمین نماید دولت ایران آن را از عوارض پستی معاف خواهد نمود و بلامعارض اجازه خواهد داد. رئیس هیأت، مسؤول خواهد بود که طرف اعضای هیأت و یا خانواده آنها هیچ گونه کالاهای قاچاق به خارج فرستاده نشده و از خارج دریافت نگردد.

## کتاب‌شناسی

### منابع و مأخذ به زبان فارسی:

- آذری، علی: کلنل محمدتقی‌خان پسیان، (تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۴۳ و ۱۳۵۷).
- — —: شیخ محمد خیابانی، (تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۵۴).
- آموزگار، س، ج: نفت و حوادث آذربایجان، (تهران، روزنامه زندگی، بی‌تا).
- آپتون، جوزف، م: نگرشی بر تاریخ نوین ایران، ترجمه یعقوب‌آژند، (تهران، نیلوفر، ۱۳۵۹).
- اسکرین، کلارمونت: جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، (تهران: اطلاعات، بی‌تا).
- اسناد سیاسی محرمانه، سیاست انگلیس و روس در ایران، (تهران، سلیمی، ۱۳۱۱).
- اعظام قدسی، حسن: کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، ۲ ج، (تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۴۲).
- الدر، جان: تاریخ میسیون امریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، (تهران، نورجهان، ۱۳۳۳).
- الگار، حامد: نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، دین و دولت در ایران، نقش علماء در دوره قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم سری، (تهران، توس، ۱۳۵۶).
- ایوانف، س: تاریخ نوین ایران، (تهران، بی‌تا).
- انتنر، ماروین: روابط بازرگانی ایران و روسیه (۱۸۱۴-۱۸۲۸)، ترجمه عطاءالله نوریان، (تهران، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۱).
- انصاف‌پور، غلامرضا: روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران، (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹).
- ایرانی، علی‌اصغر: واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱، (تهران، ۱۳۲۱).



- ایزوستیا، ۱۲ فوریه، ۲۸ مارس و ۱۴ مه ۱۹۱۸ - ۱۱ آوریل، ۲۱ اکتبر، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۴، ۴ نوامبر ۱۹۴۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: تلاش آزادی، ج ۴، (تهران، نوین، ۱۳۵۶).
- — —: پیغمبر دزدان، ج ۶، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵).
- بامداد، مهدی: تاریخ رجال ایران، ج ۶، (تهران، زوار، ۱۳۴۷).
- بانک ملی: تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، (تهران، بانک ملی، ۱۳۳۸).
- به قلم چند نفر از دوستان: شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، (برلین، ایران‌شهر، ۱۳۰۴).
- به قلم چند نفر از دوستان: محمدتقی‌خان پسیان، (برلین، ایران‌شهر، ۱۳۰۶).
- بلوی و دیگران: تاریخ ایران، ترجمه کشاورزی (تهران، پویش، ۱۳۵۹).
- بهار، محمدتقی: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، (تهران، جیبی، ۱۳۵۷).
- پرن، ژاک: جریانهای بزرگ و تاریخ معاصر، ترجمه م: مشایخی، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۴).
- پیرنیا، حسین: ده سال در راه حفظ و بسط حقوق ایران در زمینه نفت (۱۳۳۰-۱۳۲۱)، (تهران، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۱).
- تاجبخش، احمد: تاریخ روابط ایران و روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم، (تبریز، ۱۳۳۷).
- تیموری، ابراهیم: تعزیم تنباکو یا اولین مقاومت منفی در ایران، (تهران، سقراط، ۱۳۲۸).
- — —: عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، (تهران، اقبال، ۱۳۳۲).
- جامی: گذشته، چراغ راه آینده است، (تهران، بی‌نا، بی‌تا).
- جمال‌زاده، سید محمدعلی: گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، (برلین، کاوه، ۱۳۳۵ ه. ق.).
- جنگلی، اسماعیل: قیام جنگل، (تهران، جاویدان، ۱۳۵۷).
- چرچیل، وینستون: خاطرات جنگ جهانی دوم، ترجمه تورج فرازمنند، ج ۶ در ۱۰ مجلد، (تهران، نیل، ۱۳۳۴).
- حائری، عبدالهادی: تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰).
- حقیقت، عبدالرفیع: تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان، (تهران، فرهنگ، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۷).
- خان‌ملك ساسانی، احمد: دست پنهان انگلیس در ایران، (تهران، هدایت، ۱۳۵۲).
- — —: سیاستگران دوره قاجار ۲ ج (تهران، هدایت و چاپخانه فردوسی،

- ج ۱ بی‌تا، ج ۲، (۱۳۴۶).
- خوانساری، محمدباقر: *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، (تهران، ۱۳۰۴ هـ. ق.).
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: *اسناد لانه جاسوسی دخالت‌های امریکا در ایران*، ج ۸ و ۱۲، (تهران، بی‌تا).
- دانشور علوی، نورالله: *تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری، توضیحات و حواشی از حسین سعادت نوری*، (تهران، بی‌تا).
- داودی، مهدی: *قوام‌السلطنه*، (تهران، چاپ خودکار ایران، ۱۳۲۶).
- دولت‌آبادی، یحیی: *تاریخ معاصر یا حیات یحیی*، ج ۴، (تهران ابن‌سینا، ۳۱-۱۳۲۶).
- دنبلی، عبدالرزاق: *مآثر سلطانیه*، به اهتمام غلامحسین مددري افشار، ج ۲، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱).
- دنسترویل، ژ: *امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز، ترجمه حسین انصاری*، (تهران، منوچهری، ۱۳۵۸).
- رائین، اسماعیل: *حقوق‌بگیران انگلیس در ایران*، (تهران، جاویدان، ۱۳۵۶).
- — —: *دریانوردی ایرانیان*، ج ۲، (تهران، جاویدان، ۱۳۵۰).
- رایت، دنیس: *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه ل. خنجی، (تهران، امیر-کبیر، ۱۳۵۹).
- رضازاده ملک، رحیم: *تاریخ روابط ایران و ممالک متعده امریکا*، (تهران، طهوری، ۱۳۵۰).
- — —: *چکیده انقلاب حیدر عمواوغلی*، (تهران، روزبه، ۱۳۵۲).
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین: *دلیران تنگستانی*، ج ۷، (تهران، اقبال، ۱۳۵۴).
- — —: *فارس و جنگ بین‌الملل*، ج ۴، (تهران، اقبال، ۱۳۵۷).
- روحانی، فؤاد: *تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ایران*، (تهران، جیبی، ۱۳۵۲).
- سالنامه دنیا: مقدمین شماره*، (تهران، کیهان، ۱۳۴۰).
- سایکس، پرسی: *تاریخ ایران*، ج ۲، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، (تهران، وزارت فرهنگ، ۳۰-۱۳۲۳).
- — —: *هشت سال در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، (تهران، ارمغان، ۱۳۱۶).
- سپهر، احمدعلی: *تاریخ ایران در جنگ بزرگ*، (تهران، بی‌نا، ۱۳۳۶).
- — —: *تاریخ ایران در جنگ دوم جهانی*، (تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۵).
- شرکت ملی نفت ایران: *تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت*، (تهران، شرکت نفت، ۱۳۴۴).
- شیخ‌الرئیس، میرزا ابوالقاسم: *اتحاد اسلام*، (بمبئی، ۱۸۹۵).

شوستر مورگان: اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، (تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱).

صداقت‌کیش، جمشید: روابط ایران و امریکا در دهه پنجاه، (تهران، دهمخدا، ۱۳۵۷).

صفائی، ابراهیم: رهبران مشروطه، (تهران، علمی، ۱۳۴۶).

صفی‌نیا، رضا: استقلال گمرکی ایران، (تهران، انتشارات فلاح و تجارت و فوائد عامه، ۱۳۰۷).

علوی، بزرگ: ازبک‌ها، روندی در فرهنگ و جامعه‌شناسی مردم اتحاد جماهیر شوروی، (تهران، بی‌نا، ۱۳۲۷).

عنان، محمد عبدالله: تاریخ جمعیت‌های سری و جنبش‌های تفریبی، ترجمه علی هاشمی حائری، چ ۳، (تهران، بهجت، ۱۳۵۸).

عیسوی، چارلز: تاریخ اقتصادی ایران ۱۹۱۴-۱۸۰۰، ترجمه یعقوب آژند، (تهران، گستره، ۱۳۶۰).

فاتح، مصطفی: پنجاه سال نفت ایران، چ ۲، (تهران، پیام، ۱۳۵۸).

فخرائی، ابراهیم: سردار جنگل، (تهران، جاویدان، ۱۳۵۷).

فسائی، میرزا حسن: تاریخ فارسنامه ناصری، (تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۳ ه. ق).

فلور، ویلم: «تجار در ایران عصر قاجار»، ترجمه غلامعلی عرفانیان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال ۱۳، شماره ۱، (مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶).

قائم مقامی، جهانگیر: تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر، (تهران، ژاندارمری کل کشور، ۱۳۵۵).

— — —: اسناد تاریخی وقایع مشروطه ایران، (تهران، طهوری، ۱۳۴۸).

قدیمی، ذبیح‌الله: تاریخ انقلاب نفت ایران، (تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۲).

قرآن مجید.

کارلوتر نزیو، پیو: رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹).

کاظم‌زاده، فیروز: روابط روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴، ترجمه منوچهر امیری، (تهران، جیبی، ۱۳۵۴).

کدی، نیکی: تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، (تهران، جیبی، ۱۳۵۶).

کرزن، لرد: ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹-۵۰).

کروسینسکی: سفرنامه کروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، به تصحیح

- مریم میراحمدی، (تهران، توس، ۱۳۶۲).
- کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، ج ۹، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱).
- کشف تلبیس یا دوروتی و نیرنک انگلیس، (برلین، ایرانشهر، ۱۳۳۵ ه. ق).
- کمپفر، ا: در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاوس جهاننداری، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰).
- کوزنتسوا، ن. آ: اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران، ترجمه میروس ایزدی، (تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۵۸).
- کوهی کرمانی، حسین: از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، ۲ ج، (تهران، مظاهری، ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹).
- کی‌استوان، حسین: سیاست موازنه منفی، (تهران، مصدق، ۱۳۲۷).
- کیانفر، مهدی: سیاست امریکا در ایران، (تهران، کتابخانه خیام، ۱۳۲۸).
- گرانوسکی، ا. ا. - داندامایو، م. ا. - گاشلنگو، کت. آ - پتروشفسکی، ای. پ - ایوانف، م. س - بلوی: تاریخ ایران، از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، (تهران، پویش، ۱۳۵۹).
- لمبتون، ا. س: نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، (تهران، مولی، ۱۳۶۰).
- لنچوفسکی، گئورگ: نفت و دولت، ترجمه علی‌نقی عالیخانی، (تهران، اقبال، ۱۳۴۲).
- — —: رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه ا. رائین، (تهران، جاویدان، ۱۳۵۶).
- مجتهدی، مهدی: ایران و انگلیس، (تهران، چاپخانه نقش‌جهان، ۱۳۲۶).
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، ج ۲، (تهران، مجلس، ۱۳۲۴).
- محمود، محمود: تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ۸ ج، (تهران، اقبال، ۱۳۲۸-۳۳).
- مختاری، حبیب‌الله: تاریخ بیداری ایران، (تهران، ۱۳۱۴).
- مذاکرات مجلس: شماره ۱۳۳۰.
- مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، (تهران، علمی، ۱۳۲۴).
- — —: ابطال الباطل، (تهران، ۱۳۲۶).
- مطهری، آیت‌الله مرتضی: نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، (قم، عصر، ۱۳۵۷).
- معاصر، حسن: (گردآوری و ترجمه)، تاریخ استقرار مشروطیت (اسنادمحرمانه وزارت خارجه انگلستان)، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۷).

- معنوی، محمد جعفر: «تاریخچه اولین مدرسه، دانشکده و بیمارستان مدرن در ایران»، مجله دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۶، شماره ۱، (تبریز، ۱۳۳۳).
- مقداشی، زمیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه، ترجمه سیروس ابراهیمزاده، (تهران، پیروز، ۱۳۵۴).
- مکی، حسین: تاریخ بیست ساله، ۳ ج، (تهران، امیرکبیر و بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹).
- : زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷).
- : کتاب سیاه، ۳ ج، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۰-۱۳۵۸).
- : مدرس قهرمان آزادی، ۲ ج، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸).
- منشور گرگانی، م. ع: سیاست انگلیس در خلیج فارس، (تهران، چاپخانه مظاهری، بی تا).
- : سیاست دولت شوروی در ایران، (تهران، ۱۳۲۶).
- مؤید امینی، داود: از سوم تا بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰، (تهران، چاپخانه آفتاب، ۱۳۲۱).
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ: تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران، سیمرغ، ۱۳۵۵).
- میراحمدی، مریم: دین و مذهب در عصر صفوی، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳).
- : «تأثیر و نفوذ مذهب در آثار آل احمد»، مجله سخن، شماره ۱۰، (تهران، ۱۳۵۷).
- میروشنیکف، ل. ی: ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، (تهران، فرزانه، ۱۳۵۷).
- میلسپو، آرتور: مأموریت امریکائی‌ها در ایران، ترجمه ح. ابوترابیان، (تهران، پیام، ۱۳۵۶).
- نائینی، محمدحسین: تنبیه‌الامة وتنزیه‌الملة، (یا حکومت از نظر اسلام)، با مقدمه آیت‌الله محمود طالقانی، چ ۷، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰).
- نفیسی، سعید: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ۲ ج، (تهران، بنیاد، ۱۳۳۵).
- نورزاده بوشهری، اسماعیل: اسرار نهضت جنوب، (تهران، چاپخانه تابش، بی تا).
- نوری اسفندیاری، فتح‌الله: رستاخیز ایران، (تهران، بی نا، بی تا).
- نیوزریویو، ۲۸ اوت ۱۹۴۱.
- وحید مازندرانی، غلامعلی: اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، (تهران، علی جعفری، ۱۳۱۶).

- وحید مازندرانی، غلامعلی: ایران، پیمان‌نامه‌ها و غیره، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۱).
- — —: قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، (تهران، سقراط، ۱۳۲۸).
- — —: راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۱).
- وزارت خارجه آمریکا: اسناد سیاسی وزارت خارجه آمریکا (به انگلیسی)، جلد هشتم، (تهران، ۱۹۴۵).
- وزارت خارجه انگلیس: کتاب آبی، ترجمه ابوالقاسم نصیرالدوله و حسن اصفهانی و محمود نصیرالدوله، ۸ ج، (تهران، ۱۳۳۱ ق).
- هدایت، مهدی‌قلی: خاطرات و خطرات، ج ۲، (تهران، زوار، ۱۳۴۴).
- یکتائی، منوچهر: تاریخ گمرک ایران، (تهران، دانش، بی‌تا).
- یمگانی، پارسا: کارنامه مصدق، (تهران، رواق، ۱۳۵۷).

#### ب - منابع و مآخذ به زبانهای خارجی:

- Agajew. S. L: *Der deutsche Imperialismus im Iran*, (Moskou 1969).
- Aitchison, C. U: *A Colection of Treaties, Engagments and Sanads relating to India and neighbouring countries*, Vol. 13, (Calcuta 1933).
- Allen, George V: *Department of State Bulltin*, July 23, 1944.
- Ansari, H: *Deutsch - Persische Beziehung nach dem Zweiten Weltkrieg*, Diss. (München 1967).
- Beloff, M: *The foreign policy of Soviet Russia 1929-1941* (London 1949).
- Benjamin, S. G. W: *Persia and the Persians*, (Boston, Titchnor and Company, 1887).
- Binder, L: *Iran, political Devlopment in a Chaning Society*, (Berkeley and Los Angeles, 1962).
- Blücher, Wipert V: *Deutsch - Persischen Beziehungen im Laufe der Geschichte in: Mitteilung d. Institut f. Auslandsbeziehungen*, (Stuttgart-Juli-Dez. 1960), 10. Jg. Nr. 3/4.
- Blücher, *Zeitenwende in Iran*, (Biberach a. d. Riss, 1949)
- Böhne, Adolf: *Wir flogen für Iran*, (Steinbach O. J.).
- Brugsch, H. C: *Reise der Königliche Preußischen Gesandschaft nach Persien 1860 und 1861*, (Leipzig 1862-3).
- Busch, Briton, C: *Britain and the Persian Gulf, 1894-1914*. (Berkeley University of Californis Press, 1967).

- Churchill, W: *The Seconf World War*, (London Boston 1948-54).
- Conelly, Violet: *Soviet economic policy in the East*, (London 1933).
- Curzon, G. N: *Persia and the Persian Question*, 2 Vol. (London, Longmanns, Green and Co., 1892).
- Curzon, H. N: *The last phase, a Study in Post-War Diplomacy*, (London 1934).
- Daniels, W. M: *The point Four Pragram*; (New York 1951).
- Degras, J: *Soviet Documents on Foreign Policy*, 2 Vol. (London 1951-52).
- Documents on American Foreign Relation 1949*, (New York 1950).
- Documents on British Foreign Policy 1919-1939*, First Series, Vol. XIII, (London 1963).
- Eagleton, Jr. W: *The Kurdish Republic of 1946*, (London - New York 1963).
- Elwell-Sutton, L. P: *Modern Iran*, (London 1941).
- Elwell-Sutton, *Persian Oil*, A Study in Power Politics, (London 1955).
- Entner, M: *Russo - Persian Commercial Relations, 1828-1914*. (Gainville University of Florida Press, 1965).
- Fatemi, N. S: *Diplomatic History of Persia 1917-1923*, (New York 1952).
- Fisher, SI. N: *The Middie East*, (New York 1959).
- Ford, A. W: *The Anglo-Iranian Oil Dispute of 1951-52*, (Berkeley and Los Angeles 1954).
- Gehrke, U: *Persien in der deutschen Orientpolitik während des I. Weltkrieges*, (Stuttgart O. J.).
- Geyer, D: *Die Sowjetunion und Iran*, (Tübingen 1955).
- Gielhammer, L: *Deutsche Gesandte in Iran in: Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen*, Nr. 3/4, (1960).
- Great Britain, *Foreign Office: Persia, Correspondence Respecting the Imperial Tobacco corporation of persia, 1890-92*, Fo/539, Vol. 53, No. 2383, (London 1893).
- Hoskins, H: *The Middle East Problem area in World politics*, (New York 1954).
- Hurewitz, J. C: *Diplomacy in the Near and Middle East, A Documentary Record*, 2 Vols. (Princeton and London 1956).
- Hurewitz, J. *The Middle East Dilemmas*, (New York 1953).
- Iran-Almanac: *Published by "Echo of Iran"*, (Tehran 1961, 62, 63).
- Issawi, Ch: *The Economic History of Iran 1800-1914*, (Chicago, The University of Chigago Press, 1971).
- Kazemzadeh, F: *Russia and the Britain in Persia 1864-1914*, (Yale University Press, 1968).

- Keddie, N. R: *Religion and the Rebellion in Iran, The Tobacco Protest of 1891-1892*, (London, Frank Cass and Co. 1966).
- Kinnane, D: *The Kurds and Kurdistan*, (London 1964).
- Kirk, G. E: *A Shorty history of the Middle East*, from The rise of Islam to modern times, (London Methuen 1959).
- Kirk, G. E: *The Middle East in the War*, Survey of International Affairs 1939-1945, (London Oxford University Press, 1952).
- Kirk, G. E: *The Middle East 1945-50*, (London Oxford University Press, 1954).
- Kochwasser, F: *Iran und Wir*, (Radstatt/Baden 1961).
- Lacoste, R: *La Russie Soviétique et la question d'Orient*, (Paris 1946).
- Lambton, A. K. S: *Impact of the west on Iran*, International Affairs XXXIII, Jan. 1957.
- Lambton, A. K. S: *Islamic Society in Persia*, (London 1954).
- Lambton, A. K. S: *Persian Society under the Qajars*, Royal Certral Asian Journal, Vol XLVII, Part II, April 1961.
- Latham, E: *Crisis in the Middle East*, (New York 1952).
- Lenczowski, G: *Oil and State in the Middle East*, (Ithaca, New York 1960).
- Lenczowski, G: *Russia and the West in Iran 1918-1948*, (Ithaca, New York 1953).
- Lentz, W: *Iran 1951-52*, (Heidelberg 1952).
- Litten, W: *Persische Flitterwochen*, (Berlin 1925).
- Litten, W: *Persien von der pénétration pacifique zum Protektorat*, (Berlin-Leipzig 1920).
- Mahrad, A: *Die deutsch-persischen Beziehungen 1918-1933*, (Frankfurt/M 1979).
- Marlowe, J: *The Persian Gulf in the Twentieth Century*, (London and New York 1962).
- Martin, G. B: *German-Persian Diplomatic Relation 1873-1912*, (Netherland 1959).
- Mc Daniel, R: *The Shuster Mission and the Persian Constitutional Revolution*, (Minneapolis, Bibliotheca Islamica, 1974).
- Miroshnikov, L. I: *English Expansion in Iran 1914-1920*, (Moscow, 1961).
- Morrell, S: *Spheres of Influence*, (New York 1946).
- Nakai, M: *L'Evolution Politique de L'Iran*, (Brussels 1938).
- Niedermayer, O: *Under der Glutsonne Irans*, (München 1925).
- Paschen, V: *Der Persische Golf*, in: *Marine- Rundschau*, (Berlin, Sept. 1935).
- Rabino, J: *Banking in Persia*, (London 1891).



- Roosevelt, Jr. A: Kurdish Republic of Mahabad, in: *Middle East Journal*, July 1947.
- Schulze, B. H: *Frührot in Iran*, (Esslingen 1952).
- Shwadran, B: *The Middle East, Oil and the Great Powers*, (New York 1959).
- Skrine, C: *World war II in Iran*, (London 1962, New York 1963).
- Sykes, Ch: *Wasmuss, the German Lawrence*, (London 1936).
- Sykes, P: *A History of Persia II Vols.* (London Macmillan CO. New York 3ed. 1930).
- Wilson, A. T: *South West Persian. 1907-1914*, (London 1941).
- Wilson, A. T: *The Persian Gulf*, (London 1928).
- Wright, D: *The English amongst the Persians during the Qajar Period; 1787-1921*, (London Heinemann 1977).

## فهرست اعلام

### نامها

اسپنس، کارول ۷۸  
 استوکس ۷۹  
 اسرائیل اری ۴۳  
 استیل ۲۸  
 اسکندری، ایرج ۶۲  
 اسماعیل بیگ ۴۴  
 استالین، ژوزف ۵۶، ۶۰، ۱۱۳  
 استریخ ۲۲  
 اسمیت، آرمیتاژ ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۷۷، ۹۰  
 اسمیرنف، آندریویچ ۵۶، ۱۱۳  
 اشتف ۱۲، ۱۵، ۶۸  
 اشپایر ۴۸  
 اشترنک ۹۲  
 شنایدر ۲۲  
 الدر، جان ۷۸  
 الکاک، توماس ۲۷  
 الکساندر اول ۴۴  
 اوزلی، سرگور ۳۰  
 الیس، هنری ۳۰  
 الیسن، چارلز ۳۱  
 الگار، حامد ۲۶  
 الله وردی ۲۵  
 امامی، نظام الدین ۴۲  
 امیرکبیر ۷۷  
 امین السلطان ۴۶

### آ

آب زرشکی، علی اکبر ۲۲  
 آذری، سهیل ۷۸  
 آرام، احمد ۵۷  
 آربانتوت ۵۵  
 آزاد راه، نصرت الله ۲۲  
 آژند، یعقوب ۳۶، ۵۵  
 آغا محمد خان ۴۴  
 آق اولی ۶۲  
 آل احمد، جلال ۲۶  
 آلن، جرج ۴۱، ۸۳، ۸۴  
 آیرونساید ۴۰

### الف

ابراهیم زاده ۳۸  
 اپتون، جوزف. م ۵۵  
 اتر، فن ... ۱۵، ۵۰  
 احسان الله خان ۲۲، ۲۳  
 احمد شاه ۱۶، ۴۹  
 ادر، آلبرت ۳۵  
 ادوارد اول ۲۷  
 ادوارز، آرتو ۲۷  
 ارغون ۲۷  
 ارفع ۶۲

- انتظام، عبدالله ۵۷  
انصاری، حسین ۱۷  
اولمان، اوتو ۷۳  
اون، سی. ایچ ۹۰  
ایرانسکی ۸  
ایزوالسکی، الکساندر ۹۹  
ایگلتون، ویلیام ۶۳  
ایمیری، رابرت ۸۱، ۱۸  
ایناکف ۴۷  
ایوانز ۸۴  
ایوانف ۸، ۴۰، ۶۳، ۷۴، ۸۶، ۹۳
- ب**
- بارت، آرتور ۵۰  
باراتف ۱۴  
بارکر، توماس ۲۸  
بارزانی، ملا مصطفی ۶۴  
بارو، کریستفر ۲۸  
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم ۷۸  
باسکرویل ۷۸  
برانشوویک، گراف فن ... ۷۱  
براون ریگ، ویلیام ۸۳  
براوین، نیکلا کارل ۵۰  
برترام ۳۵  
برنستوف ۱۴  
بلوی ۱۳، ۱۹  
بوریس ۴۵  
بولارد، ریدربلیو ۱۱۲  
بولارد، ویلیام ۵۶  
بوناتی، اویگن ۷۲  
بونه ۶۸
- بویس ۹۳  
بوین، ۶۰  
بهار، محمد تقی ۲۵  
بیات، مرتضی قلی ۵۸، ۵۹  
بیرنر، جیمز ۶۰  
بیسمارک ۷۱  
بنیامین، ساموئل گرین ۷۸  
بینگلی، جی. س. ۹۰
- پ**
- پاکارد ۷۷  
پاتن، ویلیام فن ۲۲  
پاسکویچ ۴۵  
پتر ۴۴  
پتر کبیر ۴۳  
پرات، ادوارد اسپنسر ۷۸  
پرکینز، یوستین ۷۷  
پل اول ۴۴  
پسیان (سلطانزاده)، محمد ۲۵  
پوگین ۶۶  
پولاند ۷۰  
پولیاکف، بوریس ۴۵، ۴۶، ۴۷  
پیرس، جیمز ۸۳  
پیرنیا، حسین ۴۲، ۵۷  
پیشه وری، جعفر ۵۹، ۶۳  
پیگس لی، رکس ۸۳
- ت**
- تالبوت ۳۵  
تامسن، رونالد ۳۱  
تامسن، ویلیام تیلر ۳۱  
تاونشند ۱۱، ۶۸

حکیمی، ابراہیم ۴۱، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۸۴، ۸۷

تروت، آلن چارلز ۴۰

ترومن ۸۵

تسوک مایر ۱۲، ۱۴، ۶۸، ۷۴

تقی زادہ، حسن ۵۲، ۹۲

تیمرمین ۸۳

تیمورلنگ ۱۱

تیموری، ابراہیم ۲۶

## خ

خالو خان ۲۳

خان ملک ساسانی، احمد ۳۱

خداوردی ۲۵

خزعل ۱۶

خوانساری، محمد باقر ۲۶

خوشتاریا، مددیوچ ۱۸، ۳۷، ۸۱، ۱۰۲

خیابانی، شیخ محمد ۲۴، ۳۶

## د

دارسی، ویلیام ناکس ۳۱، ۳۳

دراموند، ولف ۳۱

دوایت، تیموٹی ۷۷

دلکاسہ ۳۵

دمونک ۳۵

دنبلی، عبدالرزاق ۴۳

دنسترویل ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۵۰

دنیس ۳۵

دوگل ۵۸

دیکس ۳۶

دیکسون ۳۱

دنیکن ۲۳

دین محمد ۲۵

دولت آبادی، یحیی ۷

## ر

رادیشچف، نیکلا ۴۵

رافائیلوویچ، لف ۴۵، ۴۷

راولیسون، هنری ۳۱

## ج

جاوید، سلام اللہ ۶۲

جردن ۷۷، ۹۳

جم، محمود ۸۴

جمال زادہ، محمد علی ۷، ۳۵

جنکینسن، آنتونی ۲۷

جہانداری، کیکاوس ۱۱

جہانگیر، نصر اللہ ۴۲

جونز، ہاردفورد ۲۹، ۳۰

جیمز اول ۲۸

## چ

چرچیل، وینستون ۵۶، ۱۱۳

چرنوزوبوف ۱۰

چیچرین ۵۳، ۱۰۴

## ح

حیدر عمو اوغلی ۲۵

حاجی میرزا احمد خان ۲۱، ۷۷، ۷۸

حائری، عبدالہادی ۲۶

حشمت ۳۳

حضرت علی ۲۵

حقیقت، عبدالرفیع ۲۶

- رایت، آ. ۷۲، ۷۷  
 رایس، اسپرینگ ۴۸  
 راثین، اسماعیل ۳۱، ۵۲، ۶۹  
 رزم آرا، علی ۴۱، ۴۲، ۸۷  
 رشید عالی گیلانی ۵۴  
 رضا(ع)، حضرت ۴۹  
 رضاخان (رضاشاه پهلوی) ۴۰، ۵۱، ۵۵، ۶۳، ۷۴، ۷۳  
 رضازاده ملک، رحیم ۲۵، ۷۸  
 رکن زاده آدمیت، حسین ۱۳  
 روحانی، فؤاد ۴۲، ۶۲  
 روزولت، فرانکلین ۵۶، ۱۱۳  
 رویتز، بارون جولوس ۳۲  
 رويس، پرنس فن ۱۵، ۶۸  
 ریذلی، والتر ۸۲

## ش

- شاخست ۷۳  
 شارتر، نیکلاس ۲۷  
 شافیروف ۴۴  
 شاهپور مختاری، سلطان داود ۲۲  
 شاه طهماسب (صفوی) ۲۷  
 شاه عباس (صفوی) ۲۸  
 شیخ الرئیس، ابوالقاسم ۲۶  
 شرلی، آنتونی ۲۸  
 شرلی، رابرت ۲۸  
 شریدان ۸۲  
 شفیع خان صدراعظم میرزا محمد ۳۰  
 شمیم، علی اصغر ۴۵، ۵۰  
 شوارتسکف ۸۳  
 شورین، آلبرت ۷۲  
 شوستر، مورگان ۹، ۴۹، ۷۹، ۸۰

## ز

- زاهدی، فضل الله ۷۵  
 زایلر ۱۳، ۱۴  
 زرین کفش ۵۷  
 زولوتاریف ۱۴

## س

- ساتن، الویل ۷، ۵۶، ۹۰، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۴  
 سادچیکف ۶۱، ۶۲، ۸۴  
 ساعد مراغه ای محمد ۴۱، ۴۲، ۵۷، ۵۸  
 سالزمن ۷۲  
 سایکس، پرسی ۱۳  
 سپهر (مورخ الدوله) ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۶۶  
 ستارخان ۲۱  
 سردار سپه ۹۴

- شولتسه، ب ۷۵  
 شیپوف ۴۳  
 شیرازی، ابوالحسن ۳۰  
 شیلت برگر، یوهاونس ۱۱  
 شیلدز، فلوید ۸۳  
 شیل، جاستین ۳۱  
 شومیاتسکی ۵۲، ۵۳  
 فرگوسن، ادموند ۸۳  
 فسایی، حسن ۳۱  
 فولبرایت، جیمز ویلیام ۹۴  
 فیچ، رالف ۲۸  
 فیروز، مظفر ۴۰، ۶۲  
 فیلپرت ۳۵

## ق

- قاضی محمد ۶۳، ۶۴  
 قزوینی، بهروز ۴۰  
 قشقایی، ناصر ۴۰، ۸۴  
 قوام، احمد (قوام السلطنه) ۱۸، ۲۱، ۴۰، ۴۱، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷  
 قوام الدوله ۴۶  
 قوام الملک ۱۳

## ک

- کاترین دوم ۴۴  
 کاتن، دادمر ۲۸  
 کاراخان ۵۲، ۱۰۴  
 کاظم پاشا ۶۶  
 کافتارادزه، سرگی ایوانوویچ ۴۰، ۵۷  
 کاکس، پرسى ۳۱، ۳۲، ۱۱۰  
 کامبخش، صمد ۲۵  
 کاناک، ادوارد ۲۸  
 کانلی، دونالد ۵۴، ۸۳، ۸۴  
 کانیتنر، کانت ۱۵  
 کاور ۱۳  
 کدی، نیکی ۲۶  
 کرزن ۲۰  
 کروسینسکی ۴۳

## ص

- صارم الدوله ۳۲  
 صبورى، عبدالعظیم ۵۶، ۱۱۳، ۱۲۴  
 صداقت کیش، جمشید ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵  
 ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۵  
 صدر، حسن ۵۹  
 صفایی، ابراهیم ۲۶  
 صمصام السلطنه ۱۶

## ط

- طالقانی، محمود (آیت الله) ۲۶  
 طهماسب میرزا ۴۴

## ع

- عالیخانی ۴۱  
 علاء السلطنه ۱۶  
 علی آبادی، جواد ۷۵

## ف

- فاتح، مصطفی ۴۲، ۶۱، ۸۱، ۱۰۲  
 فتحعلی شاه (قاجار) ۲۹، ۳۰، ۴۱  
 فخرایی، ابراهیم ۱۹، ۲۲، ۲۳  
 فردوسی ۹۰

- کریم خان (زند) ۲۸، ۴۴  
 کسمایی، احمد ۲۲  
 کشاورزی، کیخسرو ۱۳، ۴۰، ۶۳، ۸۶، ۹۳  
 کمپل، جان ۳۰  
 کورسک ۲۳  
 کورتیس، آ. ۵۷  
 کوکران، جی ۷۷  
 کولومیتزف، ایوان ۵۰، ۵۱  
 کونیان ۵۵  
 کی استوان، حسین ۵۸  
 کیانفر، مهدی ۶۰، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۴، ۱۰۱
- گی
- گاموتا، رومان ۷۵  
 گرانت، آسل ۷۷  
 گراهام ۱۳  
 گرشام، هارولد ۸۳  
 گرنی ۹۳  
 گرو، رابرت ۸۴  
 گروبا ۷۵  
 گری، ادوارد ۹۹  
 گرلی ۸۳  
 گس ۴۲  
 گلشانیان ۴۲  
 گورائینوف ۴۷  
 گولت، چارلز ۴۰  
 گیلسی ۸۳
- ل
- لامارتین ۲۵  
 لتس، آلبرت ۷۲
- لمب، برنارد ۸۲، ۸۳  
 لمبتون، آن ۷  
 لندهف ۹۲  
 لنچوفسکی (لنزوسکی)، گئورگ (جرج) ۷، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۴۱، ۵۲، ۶۲، ۷۴  
 لندزداون ۶۷  
 لنگلی، جفری ۲۷  
 لنین، ولادیمیر ۵۱  
 لوروگتیل، جان ۴۱  
 لوکنت (لوکن)، ویلیام ۸۳  
 لیانازوف، استپان مارتلد ۴۷  
 لیانازوف، گئورگی ۴۷، ۴۸، ۵۱  
 لیتن، ویلهلم ۳۲، ۷۲  
 لیندن بلات ۷۳
- م
- مارتین ۶۸  
 مارش، جرج ۷۷  
 ملرشال ۱۹  
 مارلینگ، چارلز ۱۵  
 مازارویچ ۴۵  
 ماکسیموف، میخائیل ۵۹  
 مایر، فرانس ۷۵  
 محمد علی شاه (قاجار) ۲۱، ۴۹  
 محمد شاه (قاجار) ۷۷  
 محمود محمود ۴۹  
 مدرس ۳۶  
 مرسل ۲۵  
 مریک، جی. ال. ۷۷  
 مخبرالسلطنه ۲۴  
 مساوات ۱۵

- مستوفی، عبدالله ۷  
 مستوفی، میرزا محمد ابراهیم ۴۴  
 مستوفی الممالک ۱۲، ۱۶، ۶۸  
 مستوفی گرگانی ۱۸  
 مشاور الممالک، علیقلی خان ۱۰۴  
 مشیرالدوله، میرزا حسین خان ۶۵  
 مشیرالدوله، یحیی خان ۱۶، ۳۲  
 مصدق، محمد ۵۸  
 مطهری، مرتضی (آیه الله) ۲۶  
 مظفرالدین شاه (قاجار) ۴۶، ۹۱، ۶۵  
 معنوی، محمد جعفر ۷۸  
 مقداشی، زهیر ۳۸  
 مک دونالد، جان ۳۰  
 مکی، حسین ۱۸، ۲۶، ۳۶، ۷۹، ۸۱، ۱۰۰  
 ملک، جان ۲۹  
 منشور گرگانی ۱۸، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۹۹، ۱۰۴  
 منصور، علی ۴۲، ۸۷  
 مورای، چارلز ۳۱  
 مورایف، میخائیل نیکلایویچ ۴۶  
 موریس، لاند بورنت ۵۸  
 مورگان ۳۵  
 موریه، جیمز ۳۰  
 موسوی، ابوالحسن ۷۹  
 مولر، ب. ۷۵  
 مولوتف ۶۰، ۶۱  
 مولیتر ۱۸  
 مؤید امینی، داوود ۵۵  
 مهدوی، عبدالرضا هوشنگ ۴۹، ۵۵  
 میانجی، شیخ حسن ۲۴  
 میخائیلوویچ، الکسی ۴۳  
 میراحمدی، مریم ۸، ۲۶، ۳۲، ۴۳  
 میرزا ابوالحسن خان شیرازی ۴۵  
 میرزا اسماعیل جنگلی ۲۱، ۲۲  
 میرزا بزرگ ۲۱  
 میرزا تقی خان ۲۴  
 میرزا کوچک خان ۱۹، ۲۳، ۶۶  
 میرزا محمد علیخان کلپ ۱۵  
 میرزا مسعود ۴۵  
 میرزا ملکم خان ۳۵  
 میروشنیکف ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۹  
 میشل ۵۰  
 میلر، ای. ۷۷  
 میلیسپو، آرتور ۳۶، ۴۱، ۷۳، ۸۲، ۸۳، ۸۶
- ن
- نابلئون ۲۹، ۴۴  
 نادر ۴۴  
 ناصرالدین شاه (قاجار) ۳۱، ۵۱، ۶۵، ۶۹،  
 ۷۱، ۷۲، ۷۸  
 ناظم الاسلام کرمانی ۷  
 نایب حسین ۱۵  
 نائینی، محمد حسین ۲۶  
 نایمن، استیفن ۸۳  
 نخعی ۵۷  
 نصرت الدوله، فیروز میرزا ۶۵  
 نظام السلطنه ۱۵، ۶۶  
 نظامی ۹۰  
 نفیسی، سعید ۴۵  
 نوایی، امیرعلیشیر ۹۱  
 نوبخت، حبیب الله ۷۵  
 نورزاده بوشهری، اسماعیل ۴۰  
 نوری اسفندیاری، فتح الله ۷۵



- نوریس ۵۰  
 نوویکوف ۵۵  
 نیدرمایر، اسکار ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۶۸، ۷۴  
 نیکلای دوم ۵۰  
 نیکلسن، آرتور ۹۹
- ه
- هارتویگ ۴۸  
 هانسن، ابروینگ ۸۳  
 هدایت ۹۲  
 هژیر، عبدالحسین ۴۱، ۴۲، ۸۷  
 هندرسون، لوئی ۴۱  
 هودسن، جرج ۸۳  
 هوور، اچ. ۵۷  
 هیتلر، آدولف ۷۳، ۷۵  
 هین سنس ۱۸
- و
- واتس، ریچارد ۲۸  
 واسترو ۱۲، ۶۶  
 واسموس ۱۲، ۱۳، ۶۸، ۷۴، ۷۵  
 وثوق الدوله ۱۶، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۳۲، ۵۰، ۵۱  
 ۸۱، ۱۰۴، ۱۱۰  
 وحید الملک ۱۵  
 ولینسکی، آرتمی ۴۳  
 ونسان ۳۵  
 وولف، هنری دراموند ۳۱، ۴۶  
 وینستون ۷۸  
 ویلکی، وندل ۸۲  
 ویلهلم ۶۷، ۷۱  
 وینوویچ ۴۴
- ی
- یاکوب ۱۳  
 یزدی، مرتضی ۶۲  
 یمگانی، پارسا ۵۸

## مکانها

ارومیه (دریاچه) ۱۰، ۴۸، ۴۹، ۱۰۷  
 ارونق ۲۴  
 اسپانیا ۲۸  
 استالینگراد ۵۶  
 استانبول ۷۱، ۷۲، ۷۷  
 استرآباد ۳۳، ۳۶، ۴۷، ۸۰، ۱۰۲  
 اشرف مازندران ۴۴  
 اصفهان ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳  
 ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۴۹، ۶۸، ۹۹  
 ۱۰۱  
 اصلاندوز ۴۵  
 افریقا ۴۱، ۵۴  
 افغانستان ۶، ۱۳، ۱۴، ۳۱، ۴۵، ۴۹، ۶۵  
 ۹۹، ۹۵  
 البرز ۶۸  
 امریکا (ایالات متحده) ۷، ۹، ۱۸، ۳۶، ۴۱،  
 ۴۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۳،  
 ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱،  
 ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۳، ۹۴،  
 ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸،  
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶،  
 ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰  
 انزلی (بندر) ۱۴، ۲۳، ۳۲، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۵۲  
 ۵۵، ۶۳، ۶۹، ۱۰۷  
 انگلیس (انگلستان، بریتانیای کبیر) ۷، ۹،

## ت

آبادان ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۵۵  
 آذربایجان ۱۶، ۲۰، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۵۷،  
 ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۸۰  
 ۸۲، ۸۴، ۸۶  
 آستارا ۳۶، ۵۵  
 آسیا ۳۶  
 آغاجاری ۳۹  
 آلمان ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۰،  
 ۲۵، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۵،  
 ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴،  
 ۷۵، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۲۵

## الف

اترک (رود) ۴۵، ۱۰۵  
 اتریش ۵۰  
 اتسا ۳۶  
 ادینبورگ (ادینبرا) ۹۰  
 اراک ۱۳، ۳۲  
 اردبیل ۱۸، ۵۵  
 ارس (رود) ۴۵، ۵۵  
 ارمنستان ۱۶  
 اروپا ۳۸  
 ارومیه ۵۵، ۷۴، ۱۰۸

|                                        |                                      |
|----------------------------------------|--------------------------------------|
| باخزر ۱۰۰                              | ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰       |
| بارفروش ۳۶                             | ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۰، ۱۹، ۱۸       |
| باکو ۱۷، ۶۴، ۶۳، ۴۴، ۳۶                | ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۳، ۳۲، ۳۱       |
| بالکان ۴۹                              | ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۲، ۴۱، ۴۰       |
| بانہ ۶۳                                | ۶۰، ۵۹، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۱       |
| بحر خزر ۱۰۶                            | ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۳       |
| بحرین ۵۰                               | ۸۹، ۸۷، ۸۶، ۸۱، ۷۹، ۷۵، ۷۴، ۷۳       |
| بخارا ۴۵                               | ۹۱، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۰           |
| برست لیتوسک ۱۷، ۵۰                     | ۱۱۳، ۱۲۴                             |
| برلین ۷، ۱۷، ۴۹، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲    | اھرم ۶                               |
| ۷۴                                     | اھواز ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۸۴                 |
| بروجرد ۳۲، ۳۳، ۱۰۰، ۱۰۱                | ایداھو ۴۱                            |
| بروکل ۳۵                               | ایران ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ |
| بصرہ ۱۰، ۳۴، ۳۹، ۵۰، ۶۹                | ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵       |
| بغداد ۱۳، ۲۳، ۳۴، ۴۹، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۱   | ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳       |
| ۷۵                                     | ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۱       |
| بلغارستان ۵۰                           | ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹       |
| بلوچستان ۱۴، ۳۱، ۴۵، ۹۹، ۱۰۱           | ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷       |
| بندر بوشهر ۶، ۱۲، ۱۳، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴   | ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵       |
| ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۴۰                         | ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴       |
| بندر جاسک ۲۸، ۳۲، ۷۰                   | ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳       |
| بندر شاه ۵۵، ۸۴                        | ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰                  |
| بندر شاهپور ۸۵                         | ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶         |
| بندر عباس (گمبیرون) ۱۴، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۹ | ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲         |
| ۶۹                                     | ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸         |
| بندر لنگہ ۳۴، ۷۰                       | ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴         |
| بندر محمرہ خرمشهر                      | ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰         |
| بوکان ۶۳                               | ایرلند ۹۹                            |
| بیرجند ۱۴                              | ب                                    |
| بین النهرین ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۳۱، ۳۷، ۵۴، ۶۸ | بابل ۳۲                              |
|                                        | بادکوبہ ۲۱، ۶۰                       |

## چ

چین ۵۹، ۷۷

چکسلواکی ۷۴، ۸۳

چکیشلر ۴۷

## خ

خارکف ۶۹

خامنه ۲۴

خاقین ۱۷، ۳۲، ۴۹، ۶۵، ۷۰

خاور دور ۷۷

خاور میانه ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۰، ۶۷، ۷۰

۷۱، ۷۵، ۷۷، ۸۹

خجنه ۴۵

خراسان ۱۴، ۱۸، ۲۵، ۳۳، ۵۷، ۸۰، ۸۶

خرم آباد ۳۳، ۱۰۱

خرمشهر (بندر) (محمه) ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۹

۴۹، ۵۵، ۶۹، ۸۴

خزر (دریا) ۵۰

خلیج فارس ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳

۳۷، ۴۶، ۴۹، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۷

۸۴

خواف ۹۹، ۱۰۰

خور موسی ۷۰

خوزستان ۱۲، ۱۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۵

۱۰۱

خوی ۱۰، ۵۵

خیوه ۴۵

## د

داردائل ۱۱

دامغان ۵۷، ۶۸

## پ

پاریس ۳۵

پاناما (کانال) ۱۱۷

پترزبورگ (سنت پترزبورگ) ۴۵، ۴۶، ۹۹

پتروگراد ۵۰

پتسدام ۴۹، ۶۵

## ت

تبت ۴۹

تبریز ۲۴، ۳۲، ۳۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۵

۷۰، ۶۳، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۰۷

تربت حیدریه ۱۴، ۱۰۰

ترکمانچای ۳۰، ۹۵، ۱۰۷

ترکیه ۱۰، ۲۸، ۶۷، ۷۷

تفلیس ۴۵، ۶۹

تنکابن ۱۸

تهران ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱

۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۵۱، ۶۵، ۶۹

۷۰، ۷۳، ۷۵، ۷۸، ۸۴، ۹۰، ۹۳

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳

تیلست ۴۵

## ج

جاسک ← بندر جاسک

جام ۱۰۰

جزیره بویان ۱۰

جزیره هرمز ۲۸

جلفا ۳۲، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۷۰، ۱۰۷

جواهر دشت ۲۳

|                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| زرگنده ۱۰۸                           | در بند ۴۴                            |
| زنجان ۶۳                             | دریاچه قم ۷۶                         |
| ژ                                    | دریای خزر ← خزر                      |
| ژاپن ۵۶، ۵۹                          | دریای سیاه ۱۱                        |
|                                      | دریای مرمره                          |
|                                      | دزد آب ← زاهدان                      |
| س                                    | دزفول ۳۲                             |
| ساوجبلاغ (مهاباد) ۱۰، ۶۳             | دشت مغان ۴۴                          |
| سرخس ۴۷، ۱۰۵                         | دهنه باغی ۱۴                         |
| سردشت ۶۳                             | دیوان دره ۶۳                         |
| سفیدرود ۲۳                           |                                      |
| سلطان آباد (اراک) ۳۳، ۷۲             | ذ                                    |
| سمنان ۵۵، ۵۷                         | ذوالفقار                             |
| سنت پترزبورگ ← پترزبورگ              |                                      |
| سندج ۷۸                              | ر                                    |
| سورات ۲۸                             | رشت ۳۲، ۵۲، ۵۵، ۷۴، ۷۸               |
| سوریه ۵۴                             | رودبار                               |
| سوئیس ۳۵                             | روسیه (اتحاد جماهیر شوروی) ۷، ۹، ۱۰، |
| سیستان ۴۷، ۸۷، ۱۰۱                   | ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸،      |
|                                      | ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲،      |
| ش                                    | ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴،      |
| شریف آباد ۶۰                         | ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲،      |
| شوستر ۳۲                             | ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰،      |
| شیراز ۶، ۱۰، ۱۳، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۵، | ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱،      |
| ۴۰، ۷۲، ۷۳                           | ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۶،          |
| شیروان ۲۵                            | ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵،       |
|                                      | ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴              |
| ص                                    | ز                                    |
| صوفیان ۴۸، ۱۰۷                       | زابل ۳۲، ۴۹                          |
|                                      | زاهدان ۱۴، ۳۲                        |

|                                      |   |                                       |
|--------------------------------------|---|---------------------------------------|
| قم (دریاچه) ۷۵                       | ط | طالش ۴۴                               |
| قوچان ۲۵                             |   | طیس ۱۰۰، ۱۴                           |
| ک                                    | ع |                                       |
| کهریزک ۳۵                            |   | عثمانی ۱۸، ۲۰، ۴۹، ۵۰، ۶۷             |
| کاشان ۱۰۰، ۱۵                        |   | عراق ۱۸، ۵۴، ۶۴                       |
| کابل ۷۰، ۱۴                          |   | عربستان ۳۲، ۳۳                        |
| کارون (رود) ۳۱                       |   | عشق آباد ۷۳                           |
| کانال پاناما ← پاناما                | غ |                                       |
| کریلا ۱۰                             |   | غازیان ۲۳                             |
| کرج ۱۴                               |   |                                       |
| کردستان ۳۷، ۳۹، ۵۹، ۶۴               | ف |                                       |
| کرکوک ۶۳                             |   | فارس ۱۲، ۴۰، ۵۵، ۷۴، ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۱     |
| کرمان ۱۰، ۱۴، ۳۲، ۴۹، ۶۹، ۷۲، ۸۲، ۹۹ |   | فرانسه ۱۱، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۵۴، ۵۶، ۶۷، ۶۹ |
| ۱۰۱                                  |   | ۱۰۰                                   |
| کروانشاه (کروانشاهان) ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷ |   | فومنات ۲۳                             |
| ۰ ۲۱، ۲۵، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۶۸، ۷۰         | ق |                                       |
| ۱۰۰، ۷۸                              |   | قائبات ۱۰۰، ۱۰۱                       |
| کنستانتین پل ← استانبول              |   | قارص ۲۴                               |
| کوت العماره ۱۰، ۶۸                   |   | قرباغ ۴۵                              |
| کویت ۱۰                              |   | قراچه داغ ۴۷                          |
| گ                                    |   | قزوين ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۷  |
| گازیک (قازیک) ۹۹                     |   | ۴۸، ۵۵، ۷۰، ۷۴، ۱۰۷                   |
| گرجستان ۱۶، ۴۴                       |   | قسطنطنیه ۵۰                           |
| گرگان ۱۴، ۵۵                         |   | قصر شیرین ۱۳، ۴۹، ۹۹                  |
| گلستان ۴۵، ۹۵                        |   | قفقاز ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۲۹، ۴۵، ۵۰، ۵۱      |
| گنجه ۴۴                              |   | قم ۱۴، ۱۵، ۳۳                         |
| گوادر ۳۲                             |   |                                       |
| گوراب زرمخ ۲۱                        |   |                                       |
| گوگ تپه ۴۵                           |   |                                       |

|                                        |                                       |
|----------------------------------------|---------------------------------------|
| میانہ ۶۳                               | گوگ چای ۴۵                            |
|                                        | گیلان ۱۶، ۳۳، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۵۷، ۶۶، ۸۰، |
| ن                                      | ۱۰۲، ۸۲                               |
| ناتین ۱۴                               |                                       |
| نصرآباد ۴۷                             | ل                                     |
| نفتون ۳۷                               | لار ۱۳                                |
| نیویورک ۱۲۲                            | لاهیجان ۲۳                            |
|                                        | لندن ۳۰، ۳۴، ۴۵                       |
| و                                      | لهستان ۷                              |
| واشنگتن ۵۸، ۱۲۲                        |                                       |
| وایمار ۶۹                              | م                                     |
| ورامین ۹۳                              | مازندران ۱۸، ۲۱، ۳۳، ۳۶، ۴۷، ۵۷، ۶۶،  |
|                                        | ۱۰۲، ۸۰                               |
| ه                                      | ماکو ۵۵                               |
| هامبورگ ۳۵، ۶۹                         | مدیرانه ۵۴                            |
| همدان ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۴۷، ۷۰، ۷۲، ۱۰۷      | مرو ۴۵، ۷۳                            |
| هندوستان (هند) ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۳، | مسجد سلیمان ۳۲، ۳۷                    |
| ۱۱۰، ۹۵، ۷۰، ۶۸، ۳۶                    | مسکو ۵۱، ۵۸، ۶۱                       |
| هیرمند (رود) ۳۱                        | مشهد ۶، ۸، ۱۴، ۴۷، ۴۹، ۷۲، ۷۳، ۷۸     |
|                                        | مصر ۲۹                                |
| ی                                      | مکران ۱۰                              |
| یزد ۶، ۱۰، ۱۱، ۲۱، ۳۲، ۴۹، ۹۹          | منچستر ۳۴                             |
| ینگى امام ۳۵                           | مهاباد ۴۹، ۶۳، ۶۴                     |

## نام مؤسسات، شركتها و بانكها

|                                |                                                |
|--------------------------------|------------------------------------------------|
| استاندارد واكوثم ۴۶            | شركت استاندارد اوپل ۱۸، ۱۹، ۴۶، ۵۷، ۸۰، ۸۴، ۸۱ |
| انجمن استقراضی ایران ۴۶، ۴۷    | شركت استخراج اوليه ۳۷                          |
| انجمن تجارتي ایران و هلند ۳۵   | شركت اشنايدرو كرويزوت ۳۵                       |
| بنیاد خاور نزدیک ۹۳            | شركت امانوئل هواكيميانتس ۳۵                    |
| تجارخانه ملكم ۳۴               | شركت اونداج ۷۳                                 |
| بان آلمان و شرق ۱۲، ۶۷         | شركت بازرگانی ایران و شوروی ۵۲                 |
| بانك انگليس ۳۸                 | شركت بازرگانی پنبه ایران و شوروی ۵۲            |
| بانك [استقراضی] رهنی روس ۴۶    | شركت بازرگانی توليد و صادرات ایران و شوروی ۵۲  |
| بانك استقراضی ۴۷، ۴۸، ۱۰۰، ۱۰۶ | شركت برادران شومان ۳۴                          |
| بانك ایران و روس ۵۲            | شركت برمن ۷۳                                   |
| بانك شاهنشاهی ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۱۰۰  | شركت بلژيكي ۳۵                                 |
| بانك كنيتتال ۶۶                | شركت بوتان ۳۵                                  |
| بانك ملی ۷۴                    | شركت بیمه و حمل و نقل در ایران ۴۷              |
| رایش بانك ۷۳                   | شركت پرس ساخار ۵۲                              |
| سنديكای انگليس و آسیا ۳۵       | شركت تنباكو ۳۵                                 |
| سنديكای ایران و فرانسه ۳۵      | شركت تجارتي اتريش و شرق ۳۵                     |
| سنديكای راه آهن ایران ۳۳       | شركت تجارتي خليج فارس ۳۴                       |
| سنديكای قند بلژيك ۳۵           | شركت تلگراف هند و اروپا ۳۲                     |
| سنديكای مصر و ایتالیا ۳۵       | شركت توليد قالی ایران ۳۴                       |
| شركت پرس آرنفت ۵۲              | شركت توليد قالی شرق ۳۴                         |
| شركت ابوقلو بهار ۳۵            | شركت چارلز و ادوارد برجس ۳۴                    |
|                                | شركت حمل و نقل اواطوريان ۵۲                    |



- شرکت حمل و نقل ایران ۳۳  
 شرکت حمل و نقل ایران نونال ۷۵  
 شرکت حمل و نقل ایران و شوروی ۵۲  
 شرکت داد و ستد و بهره‌برداری معادن ۳۵  
 شرکت دارویی اکباتان ۳۵  
 شرکت دارویی کنستانتینوپل ۳۵  
 شرکت دیکسن ۳۴  
 شرکت دیوید ساسن ۳۴  
 شرکت رالی و آنجلاستو ۳۴  
 شرکت راه انزلی ۴۷  
 شرکت رویال داچ ۵۷  
 شرکت زیگلر ۳۴  
 شرکت سینگر ۳۵  
 شرکت شاول مراد حیم ۳۴  
 شرکت شل ۴۰  
 شرکت فوربس، کامپل ۳۴  
 شرکت قندسازی ایران ۳۵  
 شرکت کاستلی ۳۵  
 شرکت کشتیرانی بریتانیا-هند ۳۴  
 شرکت کشتیرانی گری، داوز ۳۴  
 شرکت کومیس و تئوفیلکتوس ۳۵  
 شرکت گری، پل ۳۴  
 شرکت گری، مکنزی ۳۴  
 شرکت لوفت هانزا ۷۰  
 شرکت لوید اسکات ۳۴  
 شرکت لیوینگستن ۳۴  
 شرکت موريسن-نودسن ۸۴، ۴۱  
 شرکت میلز ۳۴  
 شرکت مویر و توتیدی ۳۴  
 شرکت نساجی ایران و شوروی ۵۳  
 شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۸، ۳۶، ۳۷، ۸۱، ۴۲، ۳۹، ۳۸  
 شرکت نفت بختیاری ۳۷  
 شرکت نفت شمال ۳۷  
 شرکت نفت سینکالر ۱۸، ۵۷، ۸۱  
 شرکت هاتس و پسران ۳۴  
 شرکت هامبورگ - خلیج ۶۹  
 شرکت هانزا لاین ۶۹  
 شرکت هکتور ۳۴  
 شرکت هلندی پرنس ۳۵  
 شرکت هودز ۳۴  
 شرکت هوموقلو ۳۵  
 شرکت یونکرس ۶۹، ۷۰  
 شرکت واردات و صادرات ایران و سوئیس ۳۵  
 شرکت ولی ۳۵  
 شرکت ونک هاوس ۷۲  
 شرکت ویلهلم روور ۷۳  
 صندوق توازن حساب آلمان ۷۴  
 کمپانی ایران ۷۸  
 کمپانی هند شرقی ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۳۷  
 کمیسیون صادرات و واردات بایر ۳۵  
 گالری هنرهای ایران ۳۴  
 لینچ و شرکاء ۳۳  
 مرکز دارویی آلمان ۷۲  
 مؤسسه فرش ۷۲  
 مؤسسه کروب ۶۹